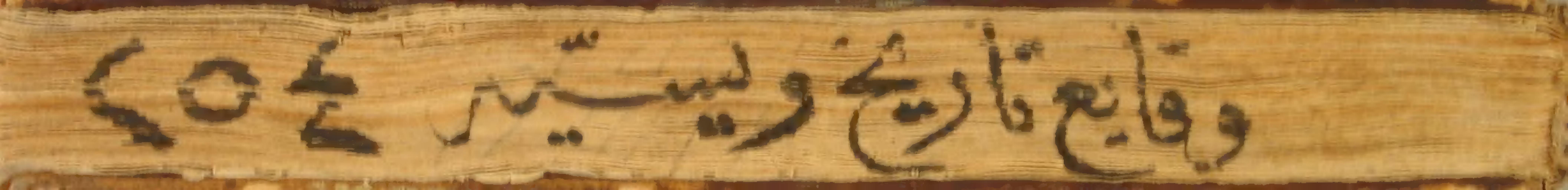
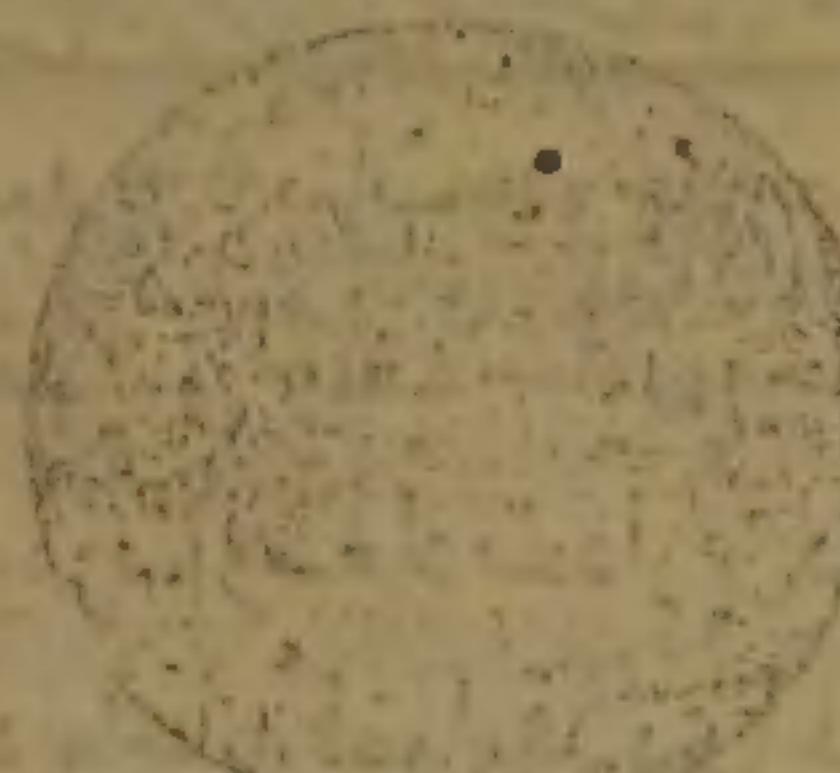




254

4.9.1907





بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَلِسَنِتِ عَيْنِ

سلطنت اصحاب قران دور زمان طلس دنجه آمن و امان مطهر تاییدات
جی و قیوم مولی ملوك العرب والبعن والروم الا و هو السلطان الاعظم
لبن السلطان المعظم ابو الفتوح والغازی السلطان الغازی احمد خان
اپله الله الملائكة المنان حضرتler ينك شر فند باب دولتاری اولق مقدر
و میسر اولدی عهد مینت ما نو سلرنان پیرایه کتابه روز کار او لغه شایان
نیچه نیچه معالی امور و مصالح جهور پیاپی جلوه کر مجلای ظهور و اولوب
نظم سین در انتظام هجرة نبیه پیک یوز قرق بر حدیثه و اصل و عهد
خلافت عليه بکرمی الی سنه یه متواصل اولد قلع انق اعمال حسن
اشتغال اولان سناهد نور سیان صناعت طبع عالم مثالدن منصه
ظهورده طراز نان حله وجود اپله خرامیدن اولارق عرض دیدار اپلدی
پس و فن بیان الغور و عجیب الطور بله تکثیر کتب و احیای معارف
وفنون و زمره طلبه علوم بویوزدن شاد و مسرو ریور لاق همتنه
التفات رجاسیله حال دولت عليه ابد استمرارده تشریف ساز مقام
صدرارت عظما سایه انداز مسند و کالت کبری وزیر بر جمیں فطن
مشیر عالی همت باب مدائن الطاف و کرم داماد شهریار معظم اعنى به
حضرت ابراهیم پاشایسر الله مایروم و مایشاء حضرتler ينك پشکاه مکارم
دسته کاهلر ينك عرضحال اولند قلع تابع افکار اصابت شعار لری و نفاریع
ارای مملکت ارالی مقرن صلاح اهل عالم و مهضیں نظام احوال ام او و ب
بوفن مفیدک حصولنه رغبت و زمره موحدینه بو طریقیله امداد
و اعانت لازمه ذمت علو همت و مهضیں اساطیں دولت ابدو کی علم عالم
شمول لر ندی ظاهر او مغله هماندم عقلاء اولی ابصار و فصلاء ذوی الافکار
اپله عجالة افداح مشاون و مدیران اصابت اپیں ارکان دولت اپله فتح باب

خامدز اکیات اول مبدع کا بُنات و موجد مصنوعات جنابنک اتحاف
گرده معلسا حن نقدیسی اولغه شایان و حقیقت در کد صحایف مکونات
نکاشته قلم ابد اعی و عزت و سعادت دارین دستیاری عبایت و توفیقی
وذلت و کد ای حکم دیوانخانه قضا و قدری ابد و کن قل اللوم مالک الملائک
توئت الملائک من تشاء و تزعیع الملائک من تشاء و تعز من تشاء و ندل من تشاء
میدک الخیرانع على کل شی قدر کلام مجیدی اپله باصره کاپله انتان
توییاسای تزوی و تحد بد قیاس در وصلوات نامیات و تعبیات فایحات اول
خلاصه موجودات و نقاوه هکنات جنابنک حوض موردد لشکنکان امت
و منبع ذلک فیاض فیض شفاعت اولان خاک پاک مشکسانیه شایان ابلاغ
واهد ادرکه وجود شریفی باعث تریب مقدمات مصنوعات و ذات
قدسی الصفا قی سبب ترکیب بسایط و مرکب باندر و ترضیه و تعظیات
صافیات جهات دین مبین و هدات واه یقین بحوم الزهارات الواصحاب
و اتباعه رواد و که سعی و همتلری متحیر ماند کان دیجور حیته نجم هدایت
و غبار سینه د جهاد پیشنه لری مجاہدان صمیم الاجتهاد و توییای بصر
بصیرتler پدر ام بعد سبب خیر و کتاب مشکین نقاب اول درکه جناب
نسق ساز کارکاه جهان و شیرازه بندنه کتب اسماں جل شانه و عم نواله
حضرتler اقتضیای حکمت هلیه و سبق عغایت از لیه اپله تحد بد قواعد
دین مبین و احیای صنف خفر اولین ایچون على و فق العاده اسباب خیر
وصلاحی امداده اپلدوب وقتا که نوبت خلافت روز افزون عثافی و عطیه
گیرای و راثت تخت سلیمانی خلاصه دودمان خلافت و نقاوه خاندان

تعظیم شان دولت اهتمامیله ذبیت وزینت بولوغله تحفه الکمار فی اسفار
البعارنام کتاب اطینی اکرچه قلیل الاوراق جمی صغير لکن معنا و مفاده
پی تطیر حقا که سالکان راه جهاد کبر او محاره بر حازق و غازیان مجاهدان
دیمیم الاجتهاد کر هنای صادق نصایح و وصایای خلوص امیزی جهاد
اندیشانکه مابه امیزی بر نسخه نفیسه اولوغله تا لیف عدبیه و تصانیف
مقدیان سمند انتخاب اولنوب انکه دخی عباراتی طبع و قتیل و اشکال
وصوری تصویر و تشكیل و بعض محسنات ضمی ایله عاجزانه تو پیج
اولنوب ابدی خواص و عوامه تحفه سینیه بروکزار و عججه نوشکفته
بیهیه بriad کار او ملک امید بله طبعه شروع و عنایت حق ایله ایکی نسخه
مرغوبه دخی حسن ختامه رسیده او ملک خلالاند مالک شرقیه ده مدت
مدبیه دن برومند اوله اموری حاوی و اول اقطار ده زمین ایرانه طوایف
اغوانیان و عجمیان و ممل سایر میانه ظهور و حدوث ابدن و قایی
محتوی تاریخ سیاح دریان ظهور اغوانیان و سبب انهدام بناء دولت
شاهان صفویان نام کتاب عبر نهاد و بصیرت افزایه ظفریاب اولوب ایان
لا پندهن ترکیه تبدیل و ترجمه و بصمه خطوطیله توفیری باینکه اذن
ورخصی مقصی فرمان عالی ارزانی بیور لوغله نسخه مرقومه نه طبعه
شروع اولنوب فلله الحمد والمنه اتمامی میسر او دی اصحاب انصاف دن
نیازمندانه تی اولنور که تعییر و اداده و رسم و املا ده
واقع اولان هفوات و عثرا نزی عفو و قصور
وکسوزیزی صفحه جیل ایله
سریبون لر

تعظیم

٣	حکومت ایشان	خواست کتاب مقدمه در بیان ظهور دولت شاهان و مدت شاه عباس ثانی	زیل در بیان بقیه احوال
٤	٦	تفصیل احوال شاه سیستان	ایشان احوال مادر شهزاده
٥	٧	٨	بیان احوال میرزا عباس
٩	١٢	١٠	بیان احوال اغوانیان و سبب ظهور ایشان
١٤	١٥	١٣	بیان احوال جنک اغوانیان
١٧	١٧	١٦	بیان صیانت یورکی خان والی کور گستان و انزامش

صورت امر شریف
محل مع
ترجمه مذکون نکن نفعی عام و سبب تیقظ اولی الافهام و ملطفه انتشار مذاقچون
بصمه خطوطیله نکن تیرینه اذن و رخصت ویرلکله همانعت او نمیه دیو حکم

صورت عرخ حال مسلطان
دولتلو و سعادللو حضرتیاری صاغ اولسون
خاکپای دولتیاریه حقیرانه عرض اولن ان ترجمه تاریخ سیاح در بیان
ظهور اغوانیان و انهدام بناء دولت شاهان نام بمحاله نکن فن بصمه اپله تو فیری
وایادی ناسه و صولی رای رزین اصفهانیل زده مناسب کور یلورای سه
بصمه سی بابن اذن شریفلرین متضمن امر شریف عنایت بیور لمق بابن
امرو فرمان دولة اوسلطان حضرتیارینکدو
بنده ابراهیم

ئداره کردن میاویس برای مقبله بالشکر خسروخان ۳۲	سفر عجم در قندھار و سر عسکری خسروخان و محاصره قندھار ۳۰	مکاتبات و مراسلات عن چانب میراویس بارجال پادشاه هند ۳۱
وفات میراویس ۳۴	وفرار کردن لشکر عجم شدنش ۳۳	فراغت کردن لشکر عجم از محاصره قلعه قندھار ۳۳
سفر کردن عجم ف الدفعه الثانية برای تحریص قلعه قندھار ۳۵	ییان احوال میر محمود و قتل کردن میر عبد الله و جلوس شدنش در تخت قندھار ۳۰	جلوس میر عبد الله در تخت قندھار ۳۴
وقتل شدن سر عسکر صفوی قوی خان و فرزندش نوجوان خان ۳۷	انهزام عسکر عجم ۳۵	سر عسکری صفوی قوی خان و احوال فرزندش خان نوجوان ۳۰
ئدبیر رجال عجم برای سفر و سر عسکری لطفی علی خان پورنقال ۳۸	و سر عسکری لطفی علی خان و احوال جزیره بحرین ۳۷	اسنداد عجم از دونهای ییان احوالیان ۷۳
امدن میر محمود بکرمان و محاصره و سخیر کردن لطفی علی خان کرمان و جنک کردن ۳۸	یا لشکر لطفی علی خان و انهزام میر محمود و فرارش در قندھار ۳۸	نفاق رجال عجم در حق مشورت کردن میراویس برای فتح قلعه قندھار با غوایان بعد قتل پورکی خان ۲۷

امدن پاچی از جانب پادشاه هند برای استرداد بالشکر کو جستان ۱۸	ئدبیر کردن شاه و رجال و فرستادن یورکی خان قندھار ۱۷	امدن پاچی خان با صهبان و اعتماد کردن در پیشکاه پادشاه جمیع ۱۷
بیان احوال میراویس واحوال سارش با شاه ورجال ۱۹	امدن میراویس با صهبان و احوال سارش با شاه ورجال ۱۹	برای استحکام قلعه قندھار و دفع مطالبه پادشاه هند ۱۸
استفه دادن میراویس در پیشکاه شاه برای رفتن بحیث شربف ۲۱	عودت کردن میراویس با صهبان از طریق حج ۲۲	عرف عال دادن میراویس در پیشکاه شاه برای رفتن بحیث شربف ۲۱
امدن پیام ایاچی از جانب چار مساقو با صهبان احوالش ۲۳	ئدبیر میراویس در احوال ایاچی مساقو ۲۳	امدن پیام ایاچی از جانب چار مساقو با صهبان احوالش ۲۳
وصول میراویس وئدبیر کردن برای قتل پادشاه ۲۶	عذیت کردن میراویس پورکی خان والی قندھار ۲۶	وصول میراویس وئدبیر کردن برای قتل پادشاه از شهر اصفهان بجانب قندھار ۲۶
مشورت کردن میراویس برای فتح قلعه قندھار با غوایان بعد قتل پورکی خان ۲۷	عذیت کردن میراویس مشورت کردن اغوايان بعد فتح القلعه ۲۸	مشورت کردن میراویس برای فتح قلعه قندھار با غوایان بعد قتل پورکی خان ۲۷

و عزیت ایشان بشهر اصفهان ۰۰	فراغت کردن اغوا نیان از هوای رجعت در کرمان ۰۰	ارسال شدن مکتوب از جانب خان هویزه برای مصلحه با غوا نیان ۰۳
یمان احوال فرح اباده انهزام اغوا نیان در هجوم بجسر شیراز ۰۴	مباشرت اغوا نیان پسحاصره اصفهان از جانب جولفه ۰۵	احوال جولفه ۰۶
رسیدن پیام از جانب خان ندار کشدن ذخایر از جانب هویزه با غوا نیان و فراغت اغوا نیان برای محاصره ۰۹	رغبت کردن اغوا نیان با مر مصلحه باعیان ۰۷	ریخت کردن میر محمود بجانب مملکت کرمان ۰۸
هجوم اغوا نیان بجسر اب محاره اهالی بن اصفهان ساباد و مباشرت ایشان در محاصره تمامی شهر ۰۶ دست ایشان ۰۷	رسال شدن خان هویزه ز جانب شاه برای مصلحه با غوا نیان ۰۹	تحریروندار کردن عسکر در شهر اصفهان برای مقابله با شکر میر محمود ۰۱
اسناد شاه عجم از جانب انهزام میر محمود در چنگ اهالی قصبه بن اصفهان و ختن خان والی کور چستان ۰۱	احوال امدن عسکر عجم برای امداد اصفهان و انهزام قرنداش علی مردان ۰۱	مقابله کردن لشکر عجم با لشکر اغوان و انهزام شدن لشکر عجم ۰۲
نهاده کردن طهماسب در شهر قزوین بخریز رجال بد نهادش ۰۳	احوال شهزاده طهماسب و میرزا صدقی ۰۳	مشورت کردن اغوا نیان بعد الغلبه برای تجسس احوال اغوا نیان ۰۴

اعضارشدن لطفی علی خان از شیراز و حبس شد نشد ر شهر اصفهان ۰۳	قلع کردن دیله کان اعتماد الدوله بنفاق رجال عجم ۰۴	یمان احوال اعتماد الدوله فتحی علی خان و زویرات رجال رد حشش ۳۹
یمان کردن احوال لطفی علی خان ۰۷	ایلواب عن جانب اعتماد الدوله ۰۲	دیوان کردن شاه و مرافقه شد خصم اعتماد الدوله ۰۴
یمان طهور علامات سماء و وارضیه فی الدوله الصفویه ۰۹	یمان احوال بقیه احوال طفی علی خان ۰۸	نهاده در یمان بقیه احوال طفی علی خان ۰۷
عزیت کردن میر محمود بجانب مملکت کرمان ۰۹	عزیت کردن میر محمود بجانب میر محمود و خروج لشکر عجم از شهر اصفهان ۰۰	عزیت کردن میر محمود از کرمان بجانب اصفهان و فرستادن خان هویزه لشکر عجم از شهر اصفهان ۰۰
برای مقابله بالشکر اغوان با لشکر عجم ۰۱	قدوم لشکر میر محمود در جوار اصفهان و مشاون کردن رجال عجم ۰۰	برای مقابله بالشکر اغوان با لشکر عجم ۰۱
فرستاده شدن خان هویزه برای تجسس احوال اغوا نیان ۰۴	ضبط کردن اغوا نیان بعد الغلبه برای رجعت در کرمان ۰۵	ضبط کردن اغوا نیان اور دوی عجمیان بعد الغلبه ۰۳

سرهسکری فر پدوف	فرستادن عسکر برای فتح	نیارک اغوانیان برای فتح	زیل در بیان وقایع غریبه
خان ارجانب طهماسب	شیراز	و نسخیر بلاد در حوالی	در اصفهان از شدت
وعزیت بایالت بزیه	۷۸	اصفهان	محاصره
عزیت کردن میر محمود	و قعده امان الله خان	اطاعت کردن اهالی	هجوم و غلوکردن ناس
بزای تا دیبا اهالی شهر کز	۸۲	حکشان	پسرای شاهی
۸۴		۸۲	۹۰
روابت کاذب فی صبب	قتل کردن و استیصال	طهور جنون میر محمود	عدم مقتولان از شمشیر
استیصال شهزاده کان	کردن میر محمود	۸۰	تاج شاهی و تخت ایرانی
۸۶	شهزاده کان عجم		و هلاک شد کان از قحط
جلوس اشرف بمحای محمود	فرستادن سید علی خان	یمایزی میر محمود	در شهر اصفهان
وقتل کردن محمد را	بجانب قزوین و آهزمی	۸۶	ضبط شهر اصفهان
۸۷	اوست		میر محمود در تخت شاهی
بیان مقدار عسکر اغوان	یان احوال برادر میر محمود	احوال جمع و تعمیل	میر محمود و شاه حسین
و عدد دایشان	۸۸	۸۸	و ضبط شهر اصفهان
اسنالت دادن اشرف	یان فرستاده کردن میر	خزینه از جانب میر	تاج شاهی و تخت ایرانی
خان باهالی ایران	محمود اشرف خان را	۷۲	میر محمود در تخت شاهی
۹۱	بزندان	۷۱	میر محمود و شاه حسین
			۷۱

مراجعه کردن ناس	و تجمع و مراجعت کردن	زیل در بیان وقایع غریبه
بجانب خان هویزه	ناس بدولت خانه	در اصفهان از شدت
۶۲	۶۲	۶۲
بیان احوال خادم احمد (۴)	بیان احوال قحط در شهر	هجوم و غلوکردن ناس
اصفهان	۶۰	پسرای شاهی
	۶۶	۹۰
تساهم کردن شاه حسین	وضبط شهر اصفهان	عدم مقتولان از شمشیر
واحوال ساره در میان	تاج شاهی و تخت ایرانی	تاج شاهی و تخت ایرانی
بجانب میر محمود	اغوان و عجم	و هلاک شد کان از قحط
۶۹		در شهر اصفهان
بدولت شهر اصفهان	احوال جمع و تعمیل	ضبط شهر اصفهان
میر محمود در تخت شاهی	خزینه از جانب میر	میر محمود در تخت شاهی
۷۲	۷۲	۷۱
یان قتل عظیم در اصفهان	کفتاری بند امیز سپاه	ارسال کردن عسکر برای
۷۰		فتح قزوین و قعده قزوین
مشورت کردن ذخایر برای	نیارک کردن ذخایر برای	۷۲
اصفهان	برای نیارک عسک	رفیع شدن قدرا غوان
۷۷	۷۹	و تعیین حدود و مرائب
		در میان ناس
		۷۶

شخی او لیه که اشیو داستان ظهور اغوانیانی و انهدام بناد دولت شاهانی
 متضمن ترجمه نک اصل اصیل او لان کتاب عبر تائب حیرت انسابی ک
 مسودی ملت مسیحیه دن عالم فسخه الفضیاده سیرو سیاحی ملتزم
 و امور غریبه و وقایع بدیعه ضبط و تحریر نه لازم ارباب سیاحت دن قابل
 سداد ملحوظ ارتسام رشاد طوبت شان هدایت نشان و شخص سیاح
 مرجو الفلاح مأمول الصلاح اولوب فی الواقع منصفانه تحریر ای و حکیانه
 ادا و تعبیر ای سیاح مرقوم که بخسی الامور صاحب فراست دنای قواعد
 حکمت اشنای قوانین سیاست تیز احوال ملک و ملتهن اهل خبرت ب مرد
 عاقل و تجربه دقایق امور ده صاحب فطنت فرد کامل ابد و کنه دلیل کافی
 اول و غندهن ناشی اسان لاتن او زن جمع و ترتیب اپلدوکی تاریخ ک سباق
 و سیاق نه تعرض و مصمون عبارن ده زیاده و نقصان و تحول و تغییر مراد
 او اینیوب اسان رتکی یه تبدیل و ترجمه ده و معنایی ادا و تعبیر ده عین
 مقصوده موافقت بولنیق او زن صرف مکنت عاجزانه قلمیشدر فله
 التوفیق للصواب و لیه المرجع و المأب ترجمه المحقیق و الفقیر

ابراهیم من متفرق کان
 در کاه عالی

تطیب کردن اشرف خان وارسال کردن نعشه
 شاه حسین را و نسلی شهزادکان بشهر قم
 دادن خاطر اوست ۹۱

تجربه کردن شاه حسین فرستادن ای اعجی از جانب
 زویجی دخترش اشرف سلطان بجانب
 باشرف خان ۹۲ طهماسب ۹۳

عزیت کردن ارسلان
 خان از جانب طهماسب
 یقزوین و مقابله و انهزام
 بخلب شهر قم و قدوم ۹۴ لشکر عجم ۹۶

احوال امان الله خان احوال میانجی میر محمد
 احوال قرنداش اشرف خان ۹۵

احوال مادو میر محمد خاتمه ۹۷

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَلِبِسْمِ تَعْيِنِ

الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على جميع الانبياء والمرسلين اما بعد
بوعبد عاجز وفقير وحقين اچيز قوافل رهابهند سیاهان سیه ارم سکن
شعار طریق لری نه سی و سلوکیله تحصیل مال و منال سود اسندن فارغ
البال وما سوای جناب خالق الموجود داندن کف عنان امال اجتوادن
کند و مه نسبت حسب حال و بوندن او ز که مسند و معال او ملدوکی
خارج دایره قیل و قال ابد و کن یقیناً بملوب بوعالم کون و فساد فسیحة
انقضاده پیاپی تک و تازا بله دار و دیار بی شماری سیره تماشا هوا سی لاجرم
ارتکاب تعب طریق سیاحت و تجمل بار کیران مسافر نهاده اکر چه تجربه
امور سود اسی لا بد هوادت روز کارناهم و ایله من کسر الخاطر و فی الیال
والنهار ظهور و قایع مختلفه الاطوار بله دل و درون کدر الود اول مقدم
هیارند راجح یوماً فیوماً بلکه اذ افانا مشاهد اثار قدرت نامتناهی
ومطالعه ایات با هرات جناب خدای ذوالجلالی ذوق روحانی و موجب
نشاط و انبساط درونی ابد و کنی اولی الابصار ذوی الاعتناء قتنی خنی
و یوشیده دکدرین بیان بوییه که ترین دسته ایه شوق رویت محابیات
وتازیانه از روی تجربه غراییات سوق دلفری بی تقریبیه لازمه ذمت
طریق اولان سیر و سیاحت مهنته عطف عنان عزیت و اقتدار غریبیدن
بلاد و امصار شرقیه جانبلرینه اماله زمام عاجزانه هفت بله بعد مدت
دار ماله زمین ایران کرسی مالک شاهان افتخار صفویان شهر شهیر

اصفهانه

اصفهانه وصول بولوب بخطه جلیله حکمت علیه ربانیه مقتضی سنجه
حکیره برمدت جای قرار و باشخوری پایند سهند اختیار او معلمه ایام مکث
و اقامه و هنکام ارام و راحته انساب لسان نظر بیله کاه سر کد شت
بیهانی مهضین کتب معتبره تواریخ لر بی تبع برله صرف اوقات کاه اربابه
دانش ایله صحبت و اختلاطی التزام و کاه ظهور و حدوث ابدن و قایع
فریبه و دواهی عظیه و شذر و مذر اقوام متنوعه و هرج و مرج طوایف
مختلفه بیهان و اغوانیان ایله سر کردن وادی حیرت اولوب بالجهله رهی
زمینهان نه کن اج ناس ناسه دوام و قیام دولت اسپا بی ادر اکن براینه بحلا
وطوایف مختلفه و ممل متفرقه عالم اولی الابصار بیهه باعث اندام بیهان
دولت اولان احوال و اطواری اذ عانه برمأت عبر تفاهه ذوی الافکار اولان
مرققین و محققینه بصیرت افزال و مل ملاحظه سیله روز بروز بالمشاهد
لطلاع و بامعاينه علم و وقوف تحصیل ایله دین اموری جمع ابد و برعجایه
یازدم و نفعی عام اولیق ایچون ادای مقصود ده السنه حکم ادان اولان
لسان لاثنه اختیار ایتم مقدمه در بان ظهور دولت شاهان برمد
حکومت ایشان منظومه سلیمانی سخنیان هیچ نه منسلک تاریخ و قتا که طقوف
یوز التخی سنه یه بالع اولوب نظم برانظام سلاطین مجدت اثار عثمانیانه
نوبت خلافت سلطان سایم خان علیه الرجه و الغفران حضرتیلرینه
پد اماتلرینه مفوض اولوب قلم ره حکم عرب و بیم و روم اولیق نقدیه
لمیزی اشکار اولش ابدی عهد سلطنت سعادت قرانلرند مالک شرقیه دن
خطه از ریا یا چانه بانی بنام دولت شاهان و مؤسس اساس جهور خانه دان
بیهان اولان شاه اسماعیل از دیلی بن شیخ حیدر بن شیخ جنید بن شیخ ابراهیم

بن شیخ علی بن شیخ موسی بن صنف الدین اسحق ظهور ابدوب دول سابق دن
 دولت فارسیه تعبیر پله شهرت زده افق عالم اولان دولت قدیمه یی
 زعمجہ احیا سودا سیله واول دولت رجالت دن تعداد اولنیق هو اسیله
 مسند نشبی دار او جماد عاسی کند وی حسب حال قلوب باعث حدوث
 دولت صفویه اولدی سلطان سلیمان خان اپله واقع معاوکیه کانجہ کو کی
 اقبا لک کوری نوب بعد الانهزام بخی برکشته و چوچ زمان مرور ایتیوب
 کند وسی دخی کرفتار پنجہ شیرا جل و تاج و تختی ترک ابدوب یرینه او غلی
 طهماسب شاه اولدی اندن صمکره اونک او غلی اسماعیل بعد خدابند بعد
 عباس بعد صنی بعد دیکر عباس شاه اولدبلر واشیوب عباس اول یوک
 عباس دیکله شهرت بولوب تاریخ هجرت ک طقوز یوز طقسان دورت
 سنه سند تخت شاهی یه جلوس و قرق بش سنه مدت شاه اول مشدر
 و مالک چمچه نچه نچه ولا یتلر رضم والحاقد اپله دولت صفویه یه استحکام
 ویرمشدر ییک او توز دورنیه قندهان سفر ابدوب اول اولکه یی هند
 پادشاهی اندن اوب دولته ضمیمه قاشدر ییک قرق بربع الآخرن
 فرح ابادنام مخلعه وفات ابدوب یرینه بیه سی شاه صنی اون سکر یاشن
 اپکن شاه اولوب اون دورت سنه مدت شاه اول مشدر ییک ایلی بر تاریخ دن
 ینه بجم دولته نوعا ضعف طاری اول مغله هند پادشاهی عسکر کون دروب
 قندهار قلعه سی واولکه سی بجم استیلا سند تخلیص و فتح و تسبیح
 ابدوب دولی خماین دن قاشدر تاریخ نز بورده سلطان مراد خان
 بگدادی فتح و تسبیح ابدوب مالک عثمانیه یه الحاق شاه صنی ایسه جانبینه
 حواب و مقابله دن بجز بی ادرانک ابدوب دولت علیه اپله مصالحه یی ترجیح
 و رأی

۳
 و رأی صواب کوروب بوجانبدن ما مون الغا اله اولد وغی برله قلعه
 قندهاری هند بلر المدن فتح و تسبیح سودا سیله ایلی بش تاریخ دن
 شعبانیک التنجی کونند اصفهان دن حرکت واول جانبه عطف عنان عزیت
 قلوب قسططان نام شهره واصل اولد قده اجل ایری شوب راه قندهار دن
 فارغ و شهر رمضان اون ایکنجی کونی طریق اخر ته رو براه اول مشدر و کوچک
 شاه عباس نام او غلی اون اپکی یا شنده اپکن برینه تخت شاهی یه صعود
 ابدوب شاه ملقد بر مدت استقرار و دولته نظام ویوب استحکام بولار قده
 قندهار تسبیحی اهتمامه دوشوب بیک الشش تاریخ دن مهمات کهیره
 و عسکر و افره اپله اول جانبه عزیت و جوار قندهان وصول بولار قده
 هند پادشاهی طرف دن عسکر کثیر اپله ما مورا لان پادشاه زاده
 حروب شد بلع وقتا عطیه دن صمکره عاقبت مغلوب اولوب منهزما
 فرار و طوابق اغولنک هند بلره عصیانی و چمله امداد و اعانتلری
 نقر بیمه قندهار قلعه سی واولکه سی ینه بجم شاه همیریه دست
 استیلا سنه کرفتار اولدی زیل دریان بقیه احوال شاه عباس تانی
 مقدمه هند عسکری قندهار او لکه سی بجم المدن قلع و زع ایلد کاری
 اشناوه خراسان اقلیمه دخی دست دراز لق ابدوب ضبط و تسبیح اپله
 خراسان ملکی اول و قعده فرار و بوجانبه چکیلوب اختفا پاش ابدی
 بود فده چمله هند بلره غالب کلوب قندهار او لکه سی ضرب دست اپله
 اخذ و ضبط ایلد کاری ملک مرقوم خقیق ایلد وکی برله هند بلر المدن
 ملکی تخلیص هو اسی و اخذ انتقام سودا سی جای کیر ضمیری اول مغله شاه
 عباسه ایچی کون دروب و عبودت نامه یازوب ضمیونه ملاطفه یو لالو

کنایات تحریر و بوجمله کز اباعن جد بالارت ولاستحقاق اقلیم خراسان
مالکی اولوب خانه دان صفویه جانبه برد و رلوسوه قصدیز سبقت ایتش
دکل ایکن جانب شرقیدن سوادا وجه بسیع ظهور و طرفه بکزه
اولان مضر ته قناعت ایتمیوب سزک تقریبکز ایله ملک مور و تی بیدیدن
زیع و تخت و تاجی غصب و ربوه فاق سزک علو شانکزه عالمه عالی نامکن
وطرفزدن حقوق جوان هر حال حركت و رعایت سعی و اهتمامزه ایکن
شایسته میدر دبو بو کونه عبارات و کنایات تحریری برله ملک مرقوم
شاهدند استداد ایلدی و من بعد دخی شاهک خلوص و صداقتند
نایت قدم و خیر اندیشلقد راسخ الدم اولمک اوزن تعهدل ایلدی بناء
علی هذ اساه عبا من فرصتی غفت عد ابدوب کرکی کی ندارک ایله خراسان
سفر و اقلیم مرقومی هند بلر اندن ایوب مالکه ضم و الحاق ملک خراسان
ایله شروط و قیودی مهضن عهد و میثاق عقد ابدوب ملک مزبوری
حکومتک ایقا و نفری رونسلی منقرض او لجیه دکن حکومت خراسان
کند ولنکه قا ایوب عجم شاهلری طرفه زدن تم رض ایتمام قا اوزن منش و رلو
یاز ایلوب ورلدی و بعد الانقراض عجم شاهلری طرفه زدن کیف ماسا و
اقلیم مرقومه حاکم نصب و تعیین اولنه دیو عهد نامه ایلوب ورلدی
شاه مرقوم دخی بکرمی بش سنه مقداری مدت تخت شاهیه کامرانی
او ایلوب خرم ایادنام محله رفات و تخت و تاجی غیری یه سیارش قلدی
فعلی هذه بیکش طقوز تاریخند ماه محرم بکرمی بشیجی کوننه ایکنچی
میرزا صفتی تخت شاهی یه جلوس ابدوب فرمان فرمای ملک زمین ایران
اولدی شاه مرقوم یسعه ایشای حکومتک بمهیب و هولناک رویا کوروه

خوف

خوف و تشویش دوشی و تبدیل نام ایله تغییر قصای ازل مکندر ۲
ملاحظه سیله صنیعیه اولنور ایکن اسمی سلیمان اسمنه تغییر ابدوب
من دعد شاه سلیمان نهیه اولنور دی و کورد و کی هولناک ره و یانک اڑی
اکرچه کند و عهد نه ظهور را تمدی لکن فرزندی شاه حسین شاه افی
زمانه بالمعاینه وجوده کلدی تفصیل احوال شاه سلیمان شاه
مرقومک بر سلطاندن اوج فرزندی وجوده کلوب سنا اصغری شاه
حسین ابدی و شاه سلیمان مرقوم بد جبلت و مذموم الاخلاق محول
و غضوب بی رجم و بی شفقت غایت ایله خود بین و خشین ب مردم ناقص
اولوب برکون فرزند احمدینک مرضی سی او لمیان بعض ناهموار حرکتی
میهوعی اولد و غی برله نار غضبی اشتعال بواوبنہ شفقت پدرانه طبعند
ذن دکا و هیجان و نه مشفیین رجا و نیازلی دروننه ایکیرا مکان اولوب
در دمندی ادنا جرم ایله قتل ایدردی دیکر فرزندی پدری شاهک
بوکونه تحور بی و غضب الود حالی کوروب کند و بی خوف و هراس عارض
و وهم تشویش تابع اولوب پاشکاه شاهیدن نفرت و باونچه زمان پدری
حضور ینه وار میوب عزات نشین زاویه تجرد اولمیش ایکن شاه سلیمانه
عاقبت فرزند احمدینی بی جرم قتل ایلد و کنه نوعاند امت و تأسیف اال
ویروب اور تانجه او غلمونی کورملک از زو سیله حضور ینه دعوت ایچون
امر کون در دی لکن شهزاده نوجوان برادری مقتولک احوالند پریشان
اخاطر ایلوب و هم و خوف کند و بیه غالب وادی حیرنک عاجز و درمانه
بیم جان عزیز ایله السعید من اتعظ بغيره کلامی مضیون فکر ابدوب بر او غردن
شاهک پیش کاهننه وار مدن تحاشی و اجتناب ایدرک پدرویی برادر مقتولک

حالند ندامه القاوکندی حقند مرود و شفقت پدرانه هیجاننده تحریک
 و ترغیب و بو بابی ارشاد والزام اسیه این ندارک اشتعالند ایکن بونیتنه
 تشبیت بولدر موقایید بله برکون بدری شاهک خاص پاینجه سنده دخول
 والنه تبرالوب انتظار شاهانه و تریه ملوکانه لبله پرورش یافته اشجار
 بالبلند و متره دن بونهال سرو قری اطهار تهور یله صور تقطع اپلک
 می باشترن کوستردی شهزاده دردمدک مقصودی شاهی ارشاد والزامه
 مخصوص ایکن عکس قضیه ظهور ایکن و ب شاه خشین و خود بین و غایب
 اپله کند طبیعت اولمغله شهزاده طریفک تراکت امیز شفقت اندکیز
 حرکتی فهم وادرک اپله مقید اولمیوب انجو تهورانه وضع و حرکتی
 اند یشه سنده دوشوب احوال سایرہ یه صرف زهن اینمیوب شاه بی
 مرودک تنو رغضی بونک دنی حقند پر نار و قتل و اسیه صبا ان حکم و
 قوریجی باشی سی چاگردوب بلا امان قتل اپلک او زن امر و تبیه اپلادی
 قوریجی باشی مرقوم عاقل و داناصا حب رای و ند بیر وار باب شفقت
 و مرحدن بر مرد کامل اولوب ولی عیشی بولنان شاه سایمانک جنگر کوششی
 و فرزند معصه و مینک قتلنه صادر اولان امر و عزیت ناشایسته سی طور
 طبایع ادمیان دایره سنده دور اولوب با خصوص بوله و مخصوصه مک
 خون ناحقی کندی دست می باشتریله افسان اولمی زیاده کریه کوروب
 بو وادی عزیت حیرت اشناهه بر زمان مختار و سرکردان اولدی و بدل
 مقدور بله بو بابی شاهک نار غضی تسلیکن و نایرہ سوہ قصدی اطفا
 و سکونت بولمی اسیه ای ندارکند شمیر ساق هنام ایدوب پیشکاه شاد بی
 مروند بوكونه کلام مصلحت امیزه اغاز ابلدی بیم مروند شاه ولی نعمتیم

مرحبت

امرحبت شعار افندم سلطانم حضرتی بوعبد احقر صداقت پروره
 کمترین قوللری عنایت کوسته شاهم مرؤنلوا فندیک مخفی عنایت
 و احسانلر ندن مالک اولوب قوشاندیم شمشیر یزم مجرد شاهمک
 دوشمنلری اولا نلرک خونین ریزان و افشار و اعدای دولتندن اخذ
 لتقام بله دنیاده برنام و نشان قوم ایچوندر والان و نعمتیله پرورد
 و انتظار علیه شاهانه لبله پرورش یافته او لد و غم خاندان عظیم الشانه
 بوكونه خیانت و ولی النعم افندیک نور دیک لری اولان فرزندان بی
 کناهله کنا حقیره سفک دمالینه می باشت و بو طریقیله الی يوم القیام
 هدف لعنت خواص و عوام اولمغه العیاذ بالله تعالی و سیله اولمی ایچون
 دکلدر بوا مر منکره تصدی قولکزه کون حیزان مکان اولمیوب شاهمک
 فرزند بی کناهی بینه بیم کبی نجده لک قتلی اوی و بکانست اسهول واهوند
 بلکه شاهمند بکا لطف و احسان در زی و بوندن اقدم فرزند احمد بکزی
 قتله امر و جواز یوردی غکز آشاده بخصوص میان خلقان عظیم کفت
 و کو اولوب قلوب ناسه نوع ابرودت ایاث و بالجهله قوللر بکزک جناب
 شاهیلرینه اولان میل مجتملرینه فتو رکتوروب بارکاه دولت پناهکردن
 نیجه لرینک نفرت و وحشتلرینه سبب اولمیش ایدی دیوب مرقوم
 قوریجی باشی وجهه مشروح اوزن حضور شاهینه کاه واقع حالی عرض
 و اعلام و کاه دروغ پر فروع و ضروب مصلحت امیز لایاد و حسن تعییر بله
 کلامین تریان و پند و نصیحت یوللوا تضرع و نیاز طریقیله سلوکیله
 هاقبت الامر شاه بی مروته پشیمانی وندامت ال ویروب فرزندینی قتل
 ایکد رملک نیت قیمه دن و بو امر ناشایسته یه عزیتندن فراغت یوزین

کو ستر مغله قو زیجی باشی یه انجامند خطاب اپدوب دپدیکه فاره غضیم
اطفا و سکونت بولدی و بو خصوصیه بکاند امت ال وردی بئی ایقاط
اپلدیکه خدمت مبرون ک و بالدن صیقند یغل غیرت و حیت و افره ک
و خلوص و صداقت او زن خازد اخزه اولان خیر آند یشلگه ظاهر
واشکارا لووب عندیزده مقبول و پسندیده اولدی امثال و افرانک پنده
باعث ام تیاز بر سی جیلد بولنوب اثارن مشاهد اپدرسن انجق بونیت
وعزیت ناشایسته مزو بخطا الود حر کنیز من بعد اپکیز پنده استر و کنم
اولنوب بوس رخنی و مکتوم اوله و افراد افرید دن بر فرد بحاله و اقت
اولنوب بوماده نسیانه افراموش اولنوب زینهار و زینهار فرزندم
دنی ماجرادن بر تقریبیه خبیر و اکه اولنیه دیوشاه مر قوم قوریجی
باشی یه محکم تنبیه و تا کید اپلدی قوریجی باشی دنی شاهک صداقت کار
بنده سی و دولت صفویه نک رفت خواهی اولنی فکر و ملاحظه سیله
اگرچه بوس روزی دیگرانه کشف ایتمدی و لکن حسن اند بیر و رأی
ر زین اولنی اعتقد اپله شاه زاده ی دوستانه ایقاط و من بعد رضای
شاهی یه موافق حر کتله بولنی و هر حاله امر نهارام و شاهک منفوری
اولان وضع و حر کته متصدی اولنامق تنبیه هی متصیم پند و نصیحته
اپله طرح و تسویه قلدی ی بناء اند بیرینه استحکام ویروب غفلات اپله
بر مخالف شنی ظهور اپلامک ایخون شاه زاده ی ماجرادن خبیر و اکه
قیلیغی امر صواب هد اپلیوب محرم اسرار قلدی پس کل ماجاوز الا شین
شاع کلامی مفهوم ندیق تغافل دن خیری سو و ند بیره ساله و ناقصه العقل
نسوان طائیقه سنه حقه سر مکتومی و دیعه قلائق رأی ناصویه متصدی

اولوب

اولوب اول امرده شاه زاده نک و الک سنه خفیه خبر کوند رو واقع
حالی بلدردی واوغلی شهزاده یه شفقت مادرانه مقتضا سنجیه پند و نصیحت
اپدوب من بعد عاقلانه وضع و حر کتله حکیمانه و ادبانه شاهک در کاهنه
ملازمته قصور اپلامک اوزن توصیه و تریه و بوس رمکتومدن بر فردی
اکه قلامق اوزن تا کید و اکید تنبیه و سیپارشل اپلدی احوال مادو
شهزاده چون شهزاده مادری ماجرادن اکه اولدی در وته خوف
و هراس مستولی و فکر و اندیشه کندویه غلبه اپدوب واقع حالی اکرچه
خفی و مکتوم اولنی اوزن شهزاده یه اعلام و افاده اپلدی و شفقت
مقه ضرا سنجیه تریه و توصیه دقيقه فوت ایتمدی لکن نسوانه مقدو
نقصان عقل و رأی و ند بیرده عجز و فتو رخلقی و رویت و تشبیت
امورده قصور جبلی حسیله بوا مر مو حشک فکر و اندیشه سیله غم
و کدر و لم کون بکون افزایش بولدی و من بعد غصب شاهیدن امنیت
اعتقانی بالکلیه فاسد اولدی تا که بکون فرزندی شهزاده اپله نهانی
کورشد کله طبعنده شفقت مادرانه بالضرون هیجان ایمکله او غلو نه
بو کونه پند و نصیحت اپلدی که نیم نور دیدم او غلم قرندا شک بی چان دن
نه منند جرم صادر اولمش ابدی که پدری بی مروت اول مظلومی قتل
ایندردی ماد امکه شاهد بکونه غصب و ظلم و غدر اپله الوده طبیعت
واردر و مراجنه افراط تهور غالبد رادن اباهاهه اپله سنه دنی قتل ایالک
امر مقرر در انانک ند امت بی شیانه اعیان و پشیانی سریع الزواله طبیعت
ومروت و شفقت پدرانه سنه ایشانه مخصوصی چاق تدر شمشیر خوزیزندز
دنهای مولده اوز که طریق بود رکه تغییر نام و تبدیل چامه قلوب لیه ایمی

درو یشانه کیره سن و عزم سیاحت ایدوب بودیاردن نابود و ناپیدا
 اوله سن و کوزنک کوردوکی یره کیدوب بزمان کنام اوله سن جلادی امانه
 شمشیر تیزینه طعنه اولدن شاپدک بوطر بقیله رهابولقد بذل مقدور
 ایده سن دیدکن شهزاده نورسیدن جوئنک در نهاد مادر مشق هنک پنه
 و نیمه جایکیر اولوب سوز یله عامل اولغه قابل و بوجه اوزن
 اس باب نجاته تشبده ما بیل اولوب هماندم کسوه درو یشانه رغبت
 و صوب مقصدوده عزیت برله مادر مشفقة سیله و دام و سرای شاهی
 اولان دولت خانه دن بر تیریب غربی ایله چقوب هی و ذی درو یشان
 و تبدیل نام و سانیله اول دیاردن نابود و ناپیدا اولدی بر قاج ایام مرور زن
 شاه سلیمان شهزاده نک احوال ملامت مور شه و اقف اویچ اطراف
 و اکنافه ادم لر تعیین و رنگلر ارسال اید و ب شهزاده نک بولنوب الله
 که تو لم سنه هر جانبه نکو ب عنیم نقید و اهتمام قلدبیلر و هر چند که بول باید
 جستجواید و بسی و کوشش قلدبیلر شهزاده نک دن و نشانیدن آربولیوب
 ما یوس و نامید اولدیلر شاه سلیمانک دنی سینه پر کینه نک فرزندی غم
 و عاری و بوقصیه نک حجاب ناری یوما فیو ما از دیاد بولدی چون
 شهزاده نک حقنده صدور و ورود بولان سو، قصد بیق و قتل و ازاله سنه
 ذاہب اولدوکی عزیت ناهموارینی بفرد بایوب بونخصو صه و اقف
 قلدبیغی محرم اسراری انجق قوریجی باشی ایدی واقعه باعث و بادی
 اولد ردیوب قتلننه فرمان ایدوب بار سردن دور و رأس مقطوعی سرای
 میدانده غلطان قلدبیلر قوریجی باشیدنک قتلی ماده سی میان ناسیه
 کفت و کوا اولوب عاقبت شهزاده فرارینک مادری اولان سلطانک

دنی

۷ دنی معموم اویچ قبیچان یوه و وسوسه غالب و فرزندکی شهزاده نک
 خیلی مدخلی اید و کنه شاه و اقف اویش فکر و اندیشه سیله اسک مجده
 شاهدن خلاص بولق ملا حظه سیله اول دنی کندویی نلف
 ایلک اس به اینه می باشت ایلکی عاقبت بوقصد بله برکون بالای بام سرای
 چقوب کندو سن زمینه اند اخته قلوب خرد خانش اولدی بونخیز
 موحش ندامت ایکیز دنی شاه سلیمانک کوشنه لاحق اویچ الم و کدری
 صد درجه از دیاد بولوب دل مجر و حنک حزن دانع او زن دانع اولدی
 سلطانه علاقه دار بونغله بوطر بقیله نلفه غایت مهندر اولدی
 واکرچه ماسبه اشد ندامت ایله نادم و پیشیان اولدی لکن کوفت کوی
 خلقد و شمات ناسه کوچیله متحمل اولدی منوال محراوزن شاه سلیمان
 ایکی نفر فرزندی دیدارندن محروم اویچ میل و محبت پدرانه بالضرور
 طبعنده حرکت و قلب بی رجنه شفقت و مرحمت ب مردار رمیل اولوب
 میل و مودت اویچ بی فرزندی میرزا حسینه دطف و اماله برله علاقه
 ایلکی میرزا زای مرقوم کی و ک والد سی هنوز سرای شاهینه مقیمه
 بونغله شاد جانبندن مرقومه یه رعایت و اتفاقات ایله نوازش خاطر
 قلنوب میرزا حسینه یانده موجود بونخوب والد سی مقا منده
 مشفقاته تریه و مادرانه نظارت سی ارش اولدی و معلم لر تعیین اولنوب
 تحصیل علوم و فنون و معارف اس بابی اهتمامند دقيقه فوت اولدی
 میرزا مرقوم دنی اکرچه نظر ده خور و حقیر و قصیر القامه قدملری
 دنی بی تاق ایدی لکن عقل و زکاده و فهم و فرستن عقل اهل اولوب
 صاحبی استعداد اویشله پدری شاه سلیمانک مرقوم که حقنده میل

فی الحال میرزا حسین کیوک واله سی قیز لاغاسیله اتفاق اوزن سرکاران
 دولت اولان رجالة مراجعت و متوفی شاهک وصیئی اوزن میرزا حسین کیت
 تخت شاهی یه جلو سنه اقدام و کیان منصوبینه ایقا و استقرار کین تر فیع
 قدر و منزلت برله کامیاب کینه برو مبلغ نقو و دیر ملک و عده سیله ترغیب
 و قریض قلوب میرزا عباس تخت شاهی یه قایم اولم ق تقدیر زن غضوب
 و خشین و خود رای اولد و غنمه نچکزی حقارت ابله قتل و منصوب و مال
 و منالندن دو را پنه جکی بدیهی اولد و غنمند غیری باب جنک و قتالی
 فتح ابدوب ارامش دولت الدن کیدوب بالجهله راحت و ارامکز مشقته
 مبدل اولور دیو میرزا عبا سه میل و رغبتند جمله یی تغیر ایتم پلر
 و فی الواقع رجال عجم دخی فریضه جهادی رقبه لرندن اسقاط ابدوب
 حضور و راحت حضری تعب و مشقت سفره ترجیع برله تن پرور لر
 و ذوق و صفا پرستار اووب کال خواهش ابله میرزا حسینه میل و رغبت
 و همانندم تخت شاهی یه اجلاس این دروب میرزا عباسی جس ابلد پلر
 احوال شاه حسین چون شاه حسین ذاتند معنده حامی و کریم و عالم
 و فاضل کمسنه ابدی تخت شاهی ده استقرار بولد کلم برجه مدت صلاح
 و تقواطر بقلویه سلوکیله زهد اهتمام و منهیاندن ادنا بر فعلی مرنک
 اویاش دکل ابدی لکن تقدیر از لرله نچه زماندن برو مزاج دولت صفویان
 معلول و بناء نظام اتفاق و اتحاد جهور لری شفاق و نفاقه مبدز و خرابه
 یوز طو و توب انهدامه مشرف اولمش ابدی الناس علی دین ملوکیم
 مغهومی امکان پذیر ظهور اولمیوب مجرد شاهک صلاح حالی و اعتماد
 و تقوایه سلوکی بیماری فساد طبایع ناسه درمان کافی و اصلاح

و محیی يوما فیوما ترقی بولدی و حضور شاهی یه مداومت دن منفك
 او لمیوب شاهک رضاسنه موافق وضع و حرکته سعی و کو شش ابله
 شاهک درونی جذب و تحصیل علوم و معارفه سعی بیلیع ابدوب پلر
 و مادرینک حسن نظر لری و شاهانه تریه و پرورشلرینه اهل و مستعد
 او اوب همتلریله مدت قلیله ده صاحب کال اولدی حضور شاهین
 حرکات و سکناتی پسندیدن اولد و غمدن غیری رجال دولئی قاتنه دخی
 مقیول و مرغوب جمله نک قلوبن صید و شکار ابلش ابدی حیی بدرینک
 حال حیاتند ولی عهد تعیین اولنق اتفاق کفت و کو اویاش ابدی یه ان
 احوال میرزا عباس شاه سلیمانی دیکر سلطان دن میرزا عباس نامند
 بر فرزندی دخی او اوب لکن میرزا مرقوم پدری کبی کند طبیعت و خشین
 او اوب تحصیل علوم و معارفه نامستعد لکن فارس و جنک اور وذا تند
 بهادر جسوس و دلاور و لات حرب اسمه عمالی فتنه ماهر او اوب اکشیغی
 او قاتن سلحشور اراق و تیر و تو فنک انداز لغه صرف ابدوب بوفنای
 فر بد و پکانه لکن علم و معرفت دلایی بهره جا هل و نادان قالمش ابدی وفات
 شاه سلیمان یرمدت سلطنت دن صدر کره شاه سلیمان علیل المزاج و صاحب
 هر اش او اوب بالین موتیه باش قودی حیاته دن نا امید اویحیق رجال
 دولتی حضور نه دعوت و جمع ابدوب پند و نصیح یولللو و صیقله ابلدی
 میرزا حسین کیت علم و حلمی و معارف و فنون فضل و کالینی تفصیل و یهان
 و میرزا عباس کیت جهل و نادان لغی و حر و ب و قتاله میل و استعدادینی
 تعریف و عیان و شرح و یهان ابلد کل تخت و تاج شاهی یی میرزا حسین
 و دیعه و وصیت قلدری و بوجال اوزن وفات ابدوب دار اخریه کیتندی

مزاج دولت بیمارلرینه علاج واقی اوله میوب بیالآخره شاه حسینی دخی
تقوا طریقندن فراغت و خملقنه اقتدا و موافقه برله محبور قلدبلر
لخلاصه تیبعه حاللاری بر قیافته کیدی که شاه و رجال عوام و خواص
خواب غفلت ابله و عیش و عشرتہ متعلقیله بر کونه مستغرق اولدبلر که
بالمجهله و قایع لیل و نهار دن بی خبرلر اولوب امور دولتلری و مصالح
جهو رلری رؤیت و تدبیتنه مقید و ملتفت بر کلامی نافذ صاحب
یصیرت کسنه لری قالمیوب شاهی دخی خواب غفلتدن ایقاظه قادر و
بو خیراندیشلری بولندی مسود تاریخ اولان سیاح مرجو الفلاح
عجم تاریخملرندن اولق اوزن شاهان صفویانک عددلری و مدت دولتلری
ضبیطه نقل و روایت ابلدیغی صورت بود رک تحریر اولندی مترجم تاریخ
بو حکیر پر تصدیر دخی عاجزانه ظفریاب اولد و غم کتب تواریخ عثمانیه ده
ضبیط اولندیغی اوزن شاهان صفویانک احوالنی علی الترتیب جمع و درج
و خلاصه ابدوب شاهان صفویانک ظهور لری تاریخی و عدد دو ترتیب لری
و هر برینک تاریخ ولادتی و تاریخ جلوسی و مدت دولتی و عزل و وفای
تاریخی ضبیط اولنوب بمحله ثبت و قید اولندی و مسود تاریخ اولان
سیاح مرجو الفلاح شاهلرک حقنک نقل و روایت ابلد و کی
احوال سکتب تواریخ عثمانیه ده ضبیط و تحریر اولندیغه چندان مخالف
اولمیوب روایتیان ییمند انجوی بر قاج سنه ثقاوت اقتضا ابد ر غالبا بون
اختلاف دخی سکتب تاریخ نسخه لری ایادی نسا خدن خبط و خطا
اوزن تحریر اولندیغندن ناشی واقع اولمشدر پس سکتب معتره
تواریخ عثمانیانک ترثیب شاهان بو منوال اوزن ضبیط اولمشد و

اول

اول شاهان صفویان شاه اسماعیل بن شیخ حیدر طقوز یوزالی تاریخند
اون دورت یاستند ایکن خروج ابدوب و شاه عنوانی طاقنوب بکرمی دورت
سنه حکومت دن صکره او تو ز سکریا شند وفات ایتمشد رلی شاهان صفویان
شاه طهماسب بن شاه اسماعیل طقوز بوز او تو ز تاریخند اون بحق یاستند
ایکن تخت شاهی یه جلوس واللی دورت سنه سلطنت ابدوب و ب الش
اوج بحق یاستند پسر کهتری حیدر میرزا و مادری مهابشر تیله شیم او نوب
هلاک او لمشدر مراد خان ثالث عهد ند تهیه سلطنت ایچون اشبو شاه
طهماسب طرفندن نامه و هدایا ابله حاکم روان و نجوان طوفاق خان
ابلیجی کوند و بلوب طقوز یوز یکش دورت سنه سی اوایلنک محمر ز شرف
تقبیل رکاب فتا بتاب او لمشدر ثالث شاهان شاه اسماعیل نی طهماسب
طقوز یوز سکسن دورت تاریخند او تو ز سکریا شند ایکن تخت شاهی یه
جلوس و برسنه و بدی ای شاهلرک ابدوب او تو ز طقوز سنه بکی ای عردن
صکره وفات ایتمشد ر رابع شاهان صفویان سلطان محمد خدابند طقوز
بوز سکسن بش تاریخند تخت شاهی یه جلوس و اون سنه سلطنتندن
صکره عزل او لمشدر خامس شاهان صفویان شاه عباس اول بن
خدابند طقوز یوز طقسان بش تاریخند اون سکریا شند ایکن باباسی
یوینه تخت شاهی یه جلوس و قرق ایکی سنه سلطنت دن صکره التش
یا مشند وفات ایتمشد رسادس شاهان شاه صفوی بن صفوی میر زابن شاه
عباس بیک او تو ز سکریا تاریخند اون سکریا شند ایکن تخت شاهی یه
جلوس و اون دورت سنه سلطنت دن صکره او تو ز ایکی یا شند وفات
ایتمشد رسابع شاهان شاه عباس بانی ابن شاه صفوی بیک اللی ایکی تاریخند

اون اپکی یاشنده اپکن تخته جلوس و پکرمی بش سنه سلطنت اپدوب
 او نوز پدی یاشنده وفات ایتمشد و نامن شاهان شاه سلیمان که مقدما
 صفوی شیخیه او نور دی ابن عباس ثانی ییک یتش پدی تاریخنده پکرمی
 یاشنده اپکن تخت شاهی یه جلوس و پکرمی سکر سنه سلطنت اپدوب
 قرق سکر یاشنده وفات ایتمشد ر تاسع شاهان و آخر ایشان شاه حسین
 بن شاه سلیمان ییک یوز اوج تاریخنده پکرمی بش یاشنده اپکن تخت
 شاهی یه جلوس و پکرمی طقوز سنه سلطنت دن صکره تخت و تاج ایرانی
 میر محموده تسیم اپلادی فعلی هذ اول شاهان صفویان اولوب بانی بناء
 دولت روافض اولان شاه اسماعیلی ظهور ندن اخر شاهان اولان
 شاه حسین تخت و تاج ایرانی سردار اغوانیان اولان میر محموده تسیم
 اپدنجه طقوز نفر شاهلر ک مدت دولتلری کتب تواریخنده ضبط اولند و غی
 او زن اپکیو ز پکرمی سکر سنه مقداری زمان اولش اولور النکات فی زوال
 دولت شاهان اکرچه بوعالم کون و فساده سابقه ولاحقه ظهور
 کلان دولتلر ک طلوعی وزوالی و اعمار نک مدت امتدادی و انتوا اسی
 و ظهور وزواله تقدیم و تأخیری همان افراد نی ادمک و لادت و مماته
 و سنهین عمر ییک و فرت و قلتنه مشابه جناب خدای متعالک ارادت
 علیه و تقدیر از ایمه سنه منوط در بوم دعا معرفت الله بر لبه بهره یا ب بالمه
 ممل متنوعه وادیان مختلفه عالم او بانده مقبول و مسلم در احتج عقد
 و حل امور جهور ده قصور و فتق و رتق مهم دولتلن فتو رور آی وند بیر
 مصالح ناسد اهمال و نهادون و کسور مقوله سی تقایص ظهور قضا و قدن
 بادی و باعث اولم قاعقاد بله دولت صفویه نک رتبه انقر اضد ادب ایمه

اصحاب

۱۰ اصحاب دفت و ارباب فر اصیت ظاهر او معنای بکونه اسباب و عمل اراد و بیان
 اپلشلر در اولا خفی اولمیه که دولت صفویه تعبیر او نور جه و رجیم ک
 بانی بناء دولتلری اولان شاه اسماعیل دن شاه حسینه کانجه مدت ما پینه
 شاهلر ک استیل اپدوب قبضه تصریف رینه ادخال اپلد کاری مالک
 اون ای عدد مقداری اقلیم عرفیه بالع اولو رکه قلمیری بوندر دو
 عراق عجم خوزستان او رستان فارس کرمان مکان جستان قمدها و
 زابلستان خراسان مازندران کیلان ازربایجان رهان شروان طاغستان
 و کور جستان و شاه اسماعیل مرقو مک ظهوری زمانه اقالیم مذکون نک
 هر برینه مستقل برو یا اپکی و یا اوج ملک بولنوب و هر بری برمقدار
 هملکته باشلو یاشنده مالک و متصرف تائیور ک دست استیلاسی اول
 دیار دن کوتاه اولوب چکلوب زایل اولدینی زمان دن برو شاهلر ک
 ظهور نه کانجه طوایف ملوک اولشلر اپدی بوجال او زن فیما ینه اتفاق
 و اخداد بولند ینه دن غیری ملک و هملکت تزاعی بران خالی اولمیوب
 متفرقه القلوب و پریشان الا حوال بلوک بلوک اولوب بولنسلر اپدی
 جه اهیر عجمیان ایسه اول ظهور لندن بر نجه مدت ه کانجه بازار کار زاد
 مد عالر نه رواج و یومه و تأسیس دولتلرینه سعی و اهتمام بالضرور
 متفق الدرون بولند قلری اجل دن مالک مرقو مه فی تعب دیسیر و زحم
 قلیله اپله قبضه تصریف کتو روب دا ره دولتلری از زمانه و سعی
 عظیمه اپله توسعی قلشلر در و اون ای عدد اقالیم عرفیه ده پکرمی
 سکر دن زیاده سنی و سنوی مذهب ملوک اسلام بولنوب شاهان
 بدنها دل جمله سر قتل دن صکره اولاد و انسابلرینی دخی قتل و اسنه صمال

آپلشلر درو بوا مر بوجم حکمت غریبہ درگہ بونجہ افایلک مة صرفلری اولان
 طوا یف ملوك اهالی اسلامدن سی سنی اعتقادلر اپکن روا فض
 ظهورنک ملک و مملکت نزاعندن و باع و باعیخه و تارلا غوغاسندن فاشی
 بغض و عداوت و کین و غرض و برودت اتفاقلرینه مانع حاجز و اتحاد
 اوزن مدافعه قیدنک او مللرینه سدید او لو بیری بولیک ملک
 و عرض و ناموسی زوالنہ و بناء دولتلری انهدام و اضمحلالنہ بقرق
 متحمل اولد بیلر و بوندن اغربدر که فرزندان دانا یان بجم بوجم
 باهره یی اذعان ایتیوب بونجہ دارودیان استیلا لرینه باعث سه دولتلری
 اولان معنایی فهم و ادراک اپکن میوب قبضه تصرفلرینه دنادخال اپلک کاری
 ممالکه ضبط و ربطنده قاعده یی تائیدی دستور العمل قلوب هر برو
 اقایی اولاد واولاده ارثیله انتقال اپلک اوزن برخانه ویروب ضبط
 ایتدر دیلر مرور یامیله خانلر نصب و عزلدن امینلر و مملکتلرندن مستقللار
 او لو بیانلر دخی طوایف ملوك حکمنک اولد بیلر وقت حاجتنه هر فرد
 کنندی حالیله مقید او لو بیلر شاهلرینک و بیری بولیک امداد و اعانتلرینی
 مهم اپلک دیلر و متصرف اولد قلری مملکت کندولرینه ارثله منتفقلمه اولمغله
 بونعمت جلیله شاهلرینک دوام دولتلندن اپدوکن بلد بیلر و نصب
 و عزل و تا دیب و قتل کندولرندن مرفوع اولمغله شاهلرینه چندان
 طاعتلری اولیوب حقوق دیوانیه لرینی دخی خزینه شاهی یارساله تکاسالری
 کالد اولوب هوا و هو سلرینه تابع اولد بیلر ثانیا عجم دولتلک فریضه
 جهادی احیا اپکن جلث عدوی قوی الاقتدارلی اولیوب بونجہ زماندن
 برو و قوع بولان جنلک وجہ اللری اکثیر یا رعایا مقوله سی عجزه

وضعفا

وضعفا اپله اولوب دولتلرند وجودی دهم مهمات سفریه والات حرب
 وقتال ندار کنک و ترتیب و تجهیز عسکر مهمه سنند اهمال و تکاسل اوزن
 او لو بوا مر واجب الاذعانه غفلت اوزن او مدلیلر ثالث شاه عباسه
 کاغجه عجم شاهلری حکم و حکومتلرند و عزل و نصب و سار امور لرند
 مستقللار او لو بیلر شاه عباسدن صکره کلان شاهان زیون دست تسلط
 خدام او مللریله بینان دولتلری مشرف انهدام او لش اپدی رایعا شرب
 شمریوک شاه عباس زمانندن رو اذن عام صادر او لش بوللو عوام
 و خواص ناس میانند بدر لون نوع او لمیوب صغیر و کبیر لی اشکان عیش
 و عشرتہ مبتلا امور د ولتلری کوریله دن قاچش اپدی حقی شاه حسین
 تخت شاهیه استقرار بولقده صلاح و تقویه میلی غالب او ملغله
 بوساد عظیل علاجی ثدییر و ندار کنک مباشرت اپدوب شرب نمری
 اشد عقوبت اپله منع و نفس اصفهانده و اتصالنک واقع چولقه ده
 بولنان نمری بالکلیه یوه دوک دروب ملوك نصارا بایچلم ندن غیری برو
 قطره نمر بولند قدن صکره شیر ای دخی من بعد نمر ایت سونلر دیو اکیله
 و شدید تنبیه اپلش اپدی انجام کارنیه منتج اولدی بوم رضه مبتلا او لش
 خلق صبر و تحمل اپدی میوب وما اوف اولد قلری سر بدن امساکه
 قدرتلری قالمیوب علی الاتفاق صغار و کبار لی بیوه جمع او لو بیلر
 بیو بابا حق مشور تلر اپلک دیلر و کافی الاول شرب نمر شاهدن اذن الماق
 ند بیاری ندار کنک اولد بیلر عاقبت شاهک بیوک والده سی بوم راد لری
 حصوانه و اسطه اپد نوب حیله طریق لرینه تشیت قلاد بیلر و شاهک
 بیوک والده سی اتفاقلر بله تارض اپدو ب طبیعته حیله تعیم و بوداء

مهلكه تناول نمردن غيري درمان ميسر دکادر ديدر تدبیر اصفهان
 و جوافدهه باده آری بولنیوب ملوك اچيلر ینه مراجعت ابلد پلر چون
 مرادری حیله یه مبنی ابدی همان برابری قدح می تناول و نوشیله شاهک
 بیوك والك سنه بحرانی محته یوز طوئدی بو تقر بده شاه حسینه دخی
 مشفقاته پند و نصع خمنه ابرام والحاچ ابدوب ابا واجدادینه مسلکنه
 تو غیب ابدورک سورن چکور دی و برابری پی الله ابله مشق ابدورک دفع
 غم مرتبه سنه وارد پلر دوکون دفع غم یارین دعوت کیف دیده رک شاه
 مزبور رکونه مبتلا اولد بکه امور ینی کور مکدن بالکلیه فارغ اولوب
 ذوق و صفا یه مشغول و خوانده و سازنده لر بله مجلس از اولوب امور
 دو ایینه رجالة سپارش قلدي چون زمام حکومت رجالک اینه کیردی
 و قصد فاسدلری بو یوز دن تشبیت بولدی من بعد امصار و اقتارده
 غادر و مغدور ظالم و مظلوم حق و باطل از یوب ایراد و مصیر فلری
 بانیوب روح دولتلری حالت تزعه واردی روایت اولنور که شاه حسین
 هماما عمر نده قزل رنگ لباس کیدی و عادتلری او زن خانلر خانی اولانلر
 قرمی رنگ لباس کیمیوب امحق رکسنه قتل اولنوق اقتضا ابلدوکی
 کونلرده کیر لر شاه حسین ایسه بر فردی قتل ابلمیوب بر دفعه بانججه سنه
 قوشلره توفنک اتوب بر قا چن دو شرب و قتل ابلکله بو بایده دخی
 گندویه ندامت ال و یوب خزینه خاصه دن اپکیوز تو من لچه تصدق
 ابلش کریم الطبع محب فقر احیم و سالم صاحب جود و احسان کسنه
 ابدی لکن پادشاهله کون السیف والاحسان تو امان کلامی مفهوم منون
 غفلت ایله انقلاب دولتلری زماته مصادر دفت ابلدی مائسا الله کان

و مالم

۱۲
 و مالم یشان لم یکن خامس اطوايف عجم اهالی اسلام مدن چنوب اسلام
 دعوا سننه غایت ابله اصرار او زن اولد قلری حالت بو عجیدر که شعایر
 اسلام مدن معدود فرایض و سنتی اسقاط و اهمال ابدوب با خصوص
 رابطه قویه و اعظم سبب نظام دولت اولان قانون شرع اصفهانه و بلاد
 سایرده اجرا او نقده اهتمام لری او لمیوب بو بایده وضع و حرکت لری
 مختل و مشوش او لش ابدی حنی شاه عباس زمانه نقود اچه دایره
 دولتلر ندن طشره اخدریان کنهون ملاحظه سیله فریضه بچی دخی
 منع و اسقاط ابدوب ملکتار نده بولنان مقبره لرینی زیارت ابله اکتفا
 او لنق حیله سیله ینه اموال و نقود دیار لر نده قالمقند بیلر ینه قرار و یوروب
 من بعد حجه کیدنلری کاه سراو کاه حکامه اذن ایچون مبلغ عظیم و یوروب
 بو مرادری ینه صارف کیمیه و مشقت عظیم ابله واصل او لر دی
 و بو خصوص شاه لر کسوه تدبیر و طمع خاملر ندن ناشی بمعنا اولاق
 اعتقاد بله صلاح و تقوایه راغب او لوب حجه کنه از ز و سنه اولان
 عوام و خواص لیل و نهار شاه لرینه دولتی زو اینی قنی و در کاه ذوالحلاله
 مناجا اندن خالی او مازل ابدی و کذا سایر مظلوم و مغدور عجزه و ضعفه
 شاه لر بنه زوال دولتی دعا سی با حکمت خد اور دیان ابد غسله ابدی
 مداد سایه جله رجال عجم ایکی فرقه متفرقه او لوب بی رل بنه ضد کامل
 او لمشه لر ابدی امور دولتلر نده بر فرقه ندن مناسب کور دوخت خصوصی
 ال بند و اول بر فرقه معقول کور میوب بو شفاق عظیم جله دن زیاده انها دام
 دولتلر بنه باعث بلکه علت مساقله او لمشدري یان احوال اغوانیان
 و سبب ظهور ایشان از باب وقوف و اصحاب دانش اولانلر بو بله نقل

وروایت اولنور که طوایف اغوان فی الاصل بحر حز ساحل نهاد طاغستان
 اتصال نهاد واقع شروان اوکه سند یا خود باب خارج نهاد طاغستان
 زبلند واقع بحر الده ساکنه و مجاهله "اصل برا یقه در ویاوندر قوم
 حززو یا نلردن بر قوم و یا خود بر شعبه اوله طایفه مرقومه عادت
 مسنه سی اوزن ایلان زمینه و سایر اتصال نهاد واقع ها اکه اقان ابدوب اول
 دیاری نهب و غارت ایملریله یمور ظهوری اشانند اول نواحی فتح
 و سخیر اولنوب اهالی ایران بونلردن تشکی و تظم و فساد لرینی اعلام
 ایلدکلرنده تیمورخان طایفه مزبون یی دیار اخره اجلاو یوز قوناق
 مسافه یولنده تبیید ایله متهود و ملتزم او لوپ جان شرقی ایلان زمین
 نهایتنده قند هار اطراف نهاد هند ایله مایند واقع بحر او بیه یولنده
 اسکان ایلدی تاکم بوطر بقله زمین ها ایلک جانب غربی نهاد واقع ها لک
 اهالی سی مرقوم نهب و غارت ایله معتادلی ایلان یاصال مضر نلردن
 راحش واسوده حال اوله بعض کتب تواریخ طایفه مزبون ارمنیان
 جنسندن اولق اوزن نقل و روایت اولنور زیرا شروان اوکه سی
 سابقه البانیا شمیه اولنوب اهالی سنه البانیلر دید کلری کتب
 جغرافیاده مسطور و مصرحدر بوله او بجه اغوانیلر البانیلر غلطی
 اولق غالب احتمالدر و حال شروان اتصال نهاد قره باخ ناحیه سنه
 واقع ارمنیان مناسنی قند سار شمیه اولنوب سر طریقلریمه اغوانیج
 دیر که ارمنی لسانی اوزن اغوانلر بک باش بونی دیک اولو روایات کنیه
 وروان و نجوان نواحیلر نهاد کیلان حدود نهاد ساکن و صفتان تعییر اولنور
 جهاله ممکن رامنه طایفه سی حال ابونامیله افهار ایدوب اغوانلر

دعویان

۱۳
 دعویان ابدول و احتمالدر که سر طریقلری اولان قند سار باش بونی
 اسکانلری اشانند قند هارده ممکن اولمغله قند هار لفظی دخ مرور
 ایامیله قند ساردن غلط اویش اوله زیرا قلعه مرقومه بعض کتب
 اسکندر بناسی اولق اوزن تحریر او لمش در طوایف مرقومه اسکانلری
 اشانند ارمیلر ایین و مذهبین اولد فلری دخی محقق او لوپ چون
 وطن اصلیه لرندن دور و مه جور و بالکلیه ایاب و زهابدن من نوع و منقطع
 اولد بدر اهالی هند ایله اختلاط و الفت و موانت پیدا ایدوب علی مهل
 جمله سی مسلمان اولد بار و حالا طایفه مرقومه نک کندولری بشر: کلری
 ایلک اوزن خاجه ایلی بر نشان قورلر غالبا ایین ارمینیان اولد قلری زمان
 جا هلیتلرندن قالمش بر سه در و فی الاصل نهب و غارت ایله ایاعن جد
 مألو فلر و خلقتلری دخی یاغما و تاراج هواسی اوزن مجموع او لوپ
مسکنلری دخی سرحد اولمعله جنک او را لمش لر در بیان احوال جنک
 اغوانیان طایفه مزبون نک جنک و قتاله معنادلری اولان طور طرزی
 بوله در که ایلکلر نهاد اعلی و ادنا ضابط نامند و افرکسنه لری او لوپ انلر ک
 معروف تر بله مراد ایلد کلری و قتل در حال ایلر من قوروب فی الحال صفت
 صفت او لور لر بجه زماندن برو تعلیم و تریمه اویش عسکر مثلا و جنک
 الی وصف اولق نظامی طریقلری کند و قاعده لری اوزن خوش بجه
 بلورلر و بو خصوص جمله ضابطان و نفرات ک معلوم و مضبوطی او لمغله
 سر کار ده او لیلر ینه چندان رجت دخی ویرمزل جنکه می باشت
 ایلد کلر نهاد صفتی رئیب و نظم اولنوب جمله ضابطان عسکر ک ایلر و سند
 طور رل و جله دن فدم ضابطه لری جنکه اقدام و می باشت ابدول

لسانلری اوزن ضابطلر ینه اسما پی و پلواز دیر لر تام اسک کار زار جنگ
قرشوب اشنداد بولار قلن ضابطان کیر و چکلوب کیرو دن ھسکره
و کیفیت جنگه نظارت ایدر لر و دشمندن یوز چو روب کیرو دو نش
کسنه او لور ایسه بلا امان قتل ایدر لر و بوم قوله لر کقان وقتی هدر در دیر لر
حئی اصفهان محاصره سنه ابو سایاد دیکله معروف جسر ک قربان عجم
اپله اغوانلر مخابره لری او لد قلن بوجقیر بویله مشاهد ایلدم ک
اغواندن بر کسنه نک جنگک صاغ الی مقطوع او لو ب دشمندن کیرو
دو نش عسکر ک قفاسنه طور و ب نسایقی تعبیر او لمان ضابطلر مر قومی
جنگدن قاچش ظن اپدوب قتل اپلک مراد اپلک بلرا ولد خی حالنی بیان و صاغ
قولی جنگک مقطوع اولد و غن بلدر دکن ینه ضابطلر کیرو
دوند و کنه را فی اولیموب ای مخند و نابکار صاغ قولک کیت دیسه او غور
دینه صول قولک ایله جنگک اپله و اول دخی کیدرسه اغزک اپله دشمنه
صال تاکه بوججه او زن اجر جز پله نا دل او له سن دیو ینه جنگک سور دبلر
بوجغر بحاللری دخی بود رکه عسکر قفاسنه او لان ضا بطلر جنگک
مقتول او لانلر ک جسد لرینی چقار مغه مامور لدر لکن یوز ن
دشمندن دوندر دکن عسکر مقتول او لانلری وار ایسه سائز لر هبرت ایچون
اول قوله لر ک جسد لر چقار مازلر و قالدر میوب میدانه برا غوب دفن اینز لر
خاپ اپله مزراق و قلچی ایو قول لنو دل و سریع و چاپکلرا او لو ب قایچی
و یا مزراقی یره دو شسنه اند ز اینز دن فی الحال یر دن الور کامل فار سل در
فی الجمله توفنک اند از لق دخی بلور لاصفه انه کاد کار نان چپلاق و عریان
اپدیلر بعد اللرینه اموال و افره کیرو ب لباس لرینی والت حرب بلرینی مکمل

قلد پار

۱۳
قلد پار و جنگ که کثرت مداومت طریقیله فنون حربیه دیه بر قات دخی
مهارت حاصل ایند پلر میدان جنگلری غایت ایله هدوخ و معتبر و ممتاز
او زن در زیرا مینه و میسره و میانه الپلر و صفلر بغل میوب دشمنه جمله و
جومیک درون اقبال و ادبارده جمله سی یا ک شناس معاتوجه و معارضت
اپدر لر و لکن بر قلعه و یا بر شهر محاصره سی طریق لرینی هنوز بلزرو متسر نه
اپد و گندن بی خبر لدر حالا اصفهان ایالتنه صوی ایچنک کفایت
لو زن اولان نچد نچه بلاد و قراقبه تصریف لرینه کیم اماش اپدی زیرا
کندولر ینه استحکام و یرو ب محکم مترسل اپله قورینور لر دی اغوانیان دخی
بوم قوله لر ده تلف نفو سی رواکور میوب چندان اهتمام اپد غز لر دی صوی
طشره دن قنوات اپله کلان امصار و بلاد ک صوین قطع اپد و ب
یسرت اپله الوب ضبط اپد و لر دی طایفه مز بون عسکری جنگک و جدال
دائر امور ده حاکم و ضابطلر ینه فوق الغایم منقاد و مطاعل در در مرتبه ده که
هیچ ملوك دن بر ینک عسکری بون لر ه قیاس او نماز حنی بالد فعات مشاهد
اولند یکه عسکر لری پرا کنن هر فرد کند و ایشنه مشغول و سیرو ب اند کزد
ایکن ضابطلری طرف دن بر دن کسنه کاوب فلان یره جمع او لق ایله
ما مور سکن دیو خبر و یدو کی بر له هر فرد مشغول اولد و خی ایشی و طعام
او زن دخی بولنسه ئنا ولی ترک اپدوب فی الحال محل مامون ده جمع او لو ب
حاضر و اماده بولنور لر دی سردار لرینک امر و نهینه انقیاد و امتنال ده
جمله دن اغرب حاللری بود رکه قلاع و بلاد و امصار دن برین ضرب
دست لر بله فتح ایلد کار نانه اول یلونک اهالیسی جواهر و نقود ینی علمنا
پاشنه قویوب کزوب یوریسنه عسکر بدن و تو بعدن برف دز دکلو

تعرضه و دست دراز لغه تصدی ای باز لر حئی زیده ذکر او لند و خی اوزن
 عمود خان ایله اشرف خان جلو سلمی زاعمنه اغوان عسکری ایکی شق
 او اوب و سهر اصفهان اهالیس نه و غارت احتمالندن دکانه بینی قیا بوب
 و هر فرد خوف و وحشتہ دوشش ایکن بوجات اشرف خان سمعنه
 لاحق اول دینی بوله منادیلرند ایدوب هر فرد بلا توقف دکانی اجوب
 کافی الاول کار و کسبه مشغول اولوب بوله بر هنکام اختلاف بر فرد هزون
 مقداری ضرر و گزند ترث ایلدی اسرایی فیما پنهم بیع و شرایه چندان
 رغبت ایلزیلر کتابتہ کسوب خذ مقلی نه ام خدم ایدرلر و از ادای یمکی سورلر
 و چوق کسنده لری قتال و قتنه تقریبله قتل ایمکش بولنلر بله او لاد لری
 کندولر نه او لاد اید غلک عادتلر بدر زنا و لواطه بینلر زنا نادر بولنور
 و بوم قوله لرک جز لری تینی فوت ایتمزلر او رد ولری و سار مناز لاری
 بی نظام و ملسو در برحیوان او رد ولر نه مرده بولن سه لاشه بدر ایمه دخی
 او لسنه تخلیه ایتمزلر و کندولری دخی طوار لری اراسن
 یادوب قالقمی اعتیاد اید غشلر در طعام لری قلت او زن او اوب و اذاع
 الطعنه بیلوب جزی شی ایله قناعت ایدر لاشای سفر لند صغیره که بر لری
 بحود خانه وار بجه طواده قاولیش بگدای اکیله اسکتیا اید رل دی
 با جمله امور لند متوکل لر در فی الاصل رعا یام قوله سی و بر لری
 خلی او ملار بله کسوده واطعنه ده هنوز تن پرور لق ایله مائلوف
 اولامشلر در چولفه شهری بی فتح ایلد کارند نچه لری صلبونی پنیر و داسکر
 صانوب جامه لری کندو ولايتلری جامور بله یه قارل دی بنیات بریه نک
 اکثرینی با خصوصی لخنه بی حیوان مثلا ویرل اشاه سفر لند بور با غرسه

صو طول دروب بالرینه قوشانور لوقت حاجتند استعمال ایدرلر نقل
 او لنور که چولفه فختندن صکره اغوان لیری بر حاجت ایچون بر امنیتک او نه
 واروب اول دخی اکرام مراد ایدوب هند سه از دن کلش تازه قر تغیید ایله
 ملوب رقوانوس مر بابی او کونه قویوب الله بر قاشق و یوش اغوان تناول
 ایتد کن حظ اید و بستون مر بابی ییوب کند و سنه بضر و ترث ایلامش
 طعام پد کلرند بدر او تکلفلری و سبی و صفره و پیشکر غاپله لری او ملیوب
 هرنه یرده او لور سه او تو روب اتی و پینزی و سایر ادامه رینی اتفک
 او زر نیه قویوب یرل واطعنه نفیسه دن بدر لوطعام بیلزیلر و صودن
 غیری برشی ایچمزیلر لباسلری بر ملئک لباسنه مشابه او ملیوب غابت
 عجوبه هیئتدر با خصوص قفتانلری بدر لوهب او کنده دوشر بیل
 فیل خور طرمی کبید ربحا قلمی چیلاق و قبایز دن بول پاچالی دیز لق کیوب
 آته سوار اولد قلنک طوماک کی ایقلمر بنه بور پارچه دری چکوب بمنزل
 اعلا و ادنی نک اموزند برشالی او اوب کندولرین کو نشدن و سلحلرین
 یغمور دن انکله حفظ ایدرلر یاض و یشل و قر مزی او زن بز لری بیو
 کتو روب باشلر ینه صار رل او کارند او جن کو ستر و بوب اکسه ده یاری
 یله وار بجه طیلسان مثلا و صار قدر لر و اکثر یا اورته یا سللو اولاناری
 دخی زاف تا شور لر لکن عجمه غلبه دن صکره طور عجم او زن کینوب
 مندل دن غیری سنی استه عمال ایدوب دیزه وار بجه زریاف قفتانلر کید بیلر
 انجق بول پایا حاوله بیز اقلر بی رک ایتمد بیلر و هر بیه یرده او لور سه دوشیه
 ارامیوب تو زو طو پراغه بقیه بوب حلقة حلقة او تو رل نسوانلری
 نقاب ایلیوب ہوزلری اچق کززل حسنه لری بک نادر او لور

نَفْعَانَ

فندهان ایکی طریق وارد در بی معمور و ابادان و بی بیه و چه ولستان اولوب
باد سیور مدن دخی خالی د کادر معمور او لان بولدن کار باز طقس ان کوند
واره چهار یعنی منزل کجھہ بور میوب انجق کوند زیور یکله الی کوند
وار بیه دن او لان بولدن ایش کوند وار رلو یا ز کوند ذ کے اولن ان
بولدن عسکر و کار باز مرور ایه مز قپش کے کونلر پنه مخصوص
بولدر معمور بولدن دخی کب تک د کار زان ذهربستان کفار ینه وارد قدر زان
بر قاج کون مکث اپدوب کر کی کبی صولن و ب بوجہ او زن چولدن
فندهان کیدر ل راص فهان دن فندهان معروف و مشهور او لان طریق
بونلر در انجق عجم شاهلری قزوین و طهران ا قامت او زن بولند قلن دن
فندهان کون در د کاری عسکر اکثر یا مشهد و هرات یولیله کیدوب
کلشلر در و بول زیاده معمور و ابادان در او صاف فندهار قلعه فندهار
روم ابله اولان قلعه لکر سم و شکله اند در علی روایه اسکندر بنا سی
اولوب بعد هند پادشاهی برو قتل قبضه دصر فنه که تو رو ب تجد بد
ایش در فرانچه معمار لر بنه بنا یت در و ب مه انت ویر مشد رو سرحد هند
بولن غله اسکن کامنه کر کی کبی همت و اهتمام او لند شد رسید اسپیلای شاهان
عجمیان در قلعه فندهار و قتا که طوا بف اعوان دست قهر بیور خانیله
رو وطن ابله شروان او لکه سی هم تلر زدن تبعید و اجلاء و هند بیه لر بنه
اسکان وا یطان او لند پلر برمدت اول بیه لردہ ساکن او لوب مرور ایام ابله
جیال و محزاله یا ابله و ب و فر عشا یرو قبا بیل او لد پلر و کبی قونار و کو جو
و کبی بلاد و قراده ممکن و هند پلر بله الفت و موادست اپدوب اهل اسلام دن
اولند پلر و هند پادشاهنک کاہر عینه و کاہ محافظه سرحد لری خند متنه

بولنوب غالباً قلعه قندهار مرور یا میله دخی بو پله بر نقر ییله دست رسنری اولوب کندولینه استحکام و یردبل ایران زمینه اقن و عجم یزل بی کمافی الاول نهپ و غارندن بران خالی او ملدبل شاه عباسه کلچه بوفساد و شقاوت علابی بولنیوب اغوانلر ک طغیانی وزمین ایرانه مضر تلری دفع و لنق حیز امکان او ملدی بوحال او زن ایکن شاه عباس سخت شاهی یه جلوس ابدوب اغوان طایفه سنک زمان ایراندن دفع مضر تلری ند بیار وند ارکن او لدی بالدفعات مکالمه و مراسله برله بومصلحته ک حصه و نه سعی و اهتمام ابدوب فایله و یومدی بالآخره هند پادشاهی ابله عجم شاهی بینه خصوصیت وعداوت غلبه ابدوب اتش حرب و قتال استعمال بولدی فرصت طفر و غلبه شاه عباس طرفنه الدویره ب هند عسکری مغلوب الدی بیو تقی ییله فعله قندهار بالحمله توابع و لواحقيله و طوایف اغوانان ابله هجر تک پیک او توز تاریخند ضرب دست شاه عباسیه فتح و نسخیر اولنوب من بعد محکوم شاهان عجم اولدبلر چوق کچ یوب هند پادشاهی ابله شاه عباس بینه قندهار اولکه سی مع لواحقد عجم شاهلری ضبط و تصرفه رک او لنق اساسی او زن صلح و عصلاح عقد و تهید اولنوب شاه عباس قندهار قلعه سنه استحکام ویره بدوایف عجم دن کفایت مقداری حفظه نصب و تعیین و قبائل اغوانلک نظام و انتظامیه باند اهتمام تام و هند پادشاهی ابله ماینلر نه منعقد مصالحه نه مشرط و قیود نه مختلف وضع و حرکته اغوانیانک من بد مکفت اقتداری قالمامق ایچون او زرلرینه عاقل و مدبر اصحاب رأی وند بیار و لات و حکام و محافظه نصب و تعیین ابلدی

۱۷
نهه ماف الباب ععنی او لمیمه که قندهان تابع طوایف اغواندن غیری حضاری
قعبیر اولنور بر جنس اغوان دخی وادرکه بو طایفه دخی نچه نچه عشار
و قبائله منقسم قندهار او لکه سی شمالي و اتصالند او ز بک برل بله نواحی
قندهار بینه ممکن او لور لکن قندهار اغوانی سی مذهب حضاری
اغوانی اسسه زفاضی اولوب بو طایفه او ته دن بر رفض و اعتزاله مذهب
عجم او مللر بله و قبیه عجم شاهلری اطاعتند روکردن او لمیوب هند
ظرفلر بنه و یا غیری یه کرها و طواعیل و لطاعت اینام شملر دز تا اول قته
کلچه که قندهار تصرفی دست اغوانیانه استقلال بولوب نویت حکومت
اغوانیان میر محمود ک بد استقلاله و دفعه قایش او لدی میر مر قوم تخت
قندهار دهه قرارداده او لد وغی برله سی اولان اغوانلرها دن و یوب حضاری
اغوانی نهپ و غارتیله مشغول او لد بلر انلر دخی مقاومته قادراً او لمیوب
احوال لر بی پیشکاه شاهه عرض و محضر ابدوب تشکی و تظلم و استهاد
اولدبلر رنچه زمان شاهلک امد ادواع انتنه مترقبه عاقبت الامر مایوس
ونالمیدل او بحق میر محموده تابع و اکاعسکر او ملدبل و جنگلر معاکیدوب
بولندبلریان عصیان یور کی خان والی کور جستان و اهزارش بوندن اقدم
پیک یوز اوز دورت تاریخی اثاسته عجمه تابع کور جستان و الیسی بور کی
خان شاهلک اطاعتند روکردن و هواسنه تابع او اوب بو فساده
غزیت و قشیت اسیه بی ندارکنه ایکن جاسوس سلر شاهی ایقاط ایدوب
شاه دخی ناره فتنه نهان اطفا و اسکانی ند بی رینه صرف مکفت شاهانه
و خفیه ادمیل کون دروب کور جستانک بوی بکلر ینه و عد و وعیدل ایله
اسهالث و بور کی خانه متابعت و طغیان عصیانه موافقه ایمامک او زن

و عصیانه مفروه معرف و نادم و پشیمان در کاهن کادم دیلر سک کند و
 ۱۸
 قلیحمله بار سردن بی دور ایله دیلر سک کر مندن بوجرم بندی عفو
 وازاد ایله دید کله قرنداشی دیوان بی و سایر هوا دار لی اولان مقر بلری
 دخی والکاظمین للغیظ مضمون اعلان و عفو ایله معامله اولی اولد و غی
 جانی رجیح و بیان و شان و شوکت شاهان مجرملره انعام و احسان دویولو
 کفت ایله شاهه ابرام و احاج ایتملر بله خان مرقومک جرایم ماجر اسندن
 شاهی بالکلیه کچور دیلر و شاهک کر منه هزار تحسین و افرینلر دیوب
 هزار و صد هزار لقیشلر چاغرسد دیلر امدن ایچی از جانب پادشاه هنر برای
 استرداد قند هار کیف مالتفق هنوز یورکی خانه دستان احوالی افواه
 ناسیع کفت و کو ایکن هند پادشاهی کال کرمیت ایله قند هار قلعه سنک
 استردادی سود اسننه دوشمش و بود عوایله الجی تعیین ابدوب و اولد دخی
 ات بیوننه دوشوب رو براه اولش دیو سرحد ایران والیلری بار کاه
 شاهه عرض واعلام ایتملر بله بیو پیام ملامت انجام متو اترو شاه و رجالة
 فکر و اندیشه مورث بر معنای مو حش اولمغله ارباب مشاون و اصحاب محاذن
 اولان رجال واعیان برویده جمع او لوپ باب مکالمه یی کشاده قلدیلر
 و ایلچی مرقومک حق نه عن فیله معامله او لوپ جواب یا س ایله عودت
 ایتدیلک و یا خود ایلچی یه معتاد دولت او زن اکرام او لوپ بر مدت
 جوابی تا خیر ایله ندارک کوریله دیو و افر مناظره ایتدیلر اخلاقه
 ایلچنک و رو دندن اول بومه کور بلوپ ایچی یه لازم کلان
 جواب دخی صورته افراغ او نمک لازمه همت اساطین دولت در
 دیو اتفاق ارای شاه و رجال بونغاهه قلعه قند هان کرکی کی ممتاز
 و ندارک مهمات ایله کاهو حقه استحکام ویربلوب عجاله محافظه سیچون

ایقاظ و اکید و شد بد تنبیه و تا کید را بدلی لکن مزبور دیورکی خان
 دماغه دخی فسادی اجر ایلکه محکم تدارک کور میش بونغله
 اخربو فسادی کن و ستر هنک اولمیوب بزمیان مرور نه عصیان و مخالفتی
 ظاهر و اشکار اولدی شاهد دخی و اقف قضیه او لیحی عسکر تدارک و کنجه
 والیسی سکلوب علی خانی سر عسکر نصب و تعیین ابدوب یورکی
 خان تا دینه کون در دی جانبینک عسکری تلاقی ایله جک بورکی
 خانک بوی بکلری جمکدن مخاکی بر جانبه کیدوب چکل دیلر سار عسکر
 طایفه سی بونلری کوروب اتلره دخی فتو رال و یروب یورکی خان جانی
 مغلوب او لیحی خان مرقوم منهز ما فرا بدلی چوز بازار کارزار رزم کاه
 صاو و لوپ بر طرف اولدی کور جستان بکلرینه سر عسکر عجم کاب علی خان
 جانبندن علی مراتیم نوازش خاطر و اکرام و افره اولند قدم محل معارک دن
 قالقوب تفليس جانبنده عزیت ایلدیلر قلعه مرقومه اهالیسی مدافعتیه
 اقدام ایلیوب کور جستان بکلری تو س طلر بله فی الحال قلعه تفليسی
 سکلوب علی خان طرفنه تسلیم ایلدیلر امدن یورکی خان باصفهان
 و اعتذار کرد نش در پیش کاه شاه جمیاه مرقوم یورکی خان طاغله
 تھمن ابدوب یانند عسکر قلعه افعال ناه وارینه نادم اولدی مرقومک
 قرنداشی شاه یانند دیوان بی او لوپ شاهک خدمتند بونغله فی الحال
 مکتو بلری ازوب اعتذار و استغفار جاستند اولدی و کند وسی دخی غیری
 سلامتیه چان بولیوب در حال اصفهانه متوجه اولدی وصول بولیحی
 کند و قلیخن بونینه اصوب شاهک دیوانه واردی شاهک ایاغنه
 دوشوب کمال ایله تصریع و نیاز ایلدی شاهم جرم
 و عصیانه

بر مدت مسافرانه مکث و اقامتدن صنگره جواب قطع و پیام یا س ایله
ارجاع و اعاده اولنده دیوقضایی مسروتله بیو یوزدن نتیجه بذیراولمغله
رأی وند بیزلی استصواب اولنوب جمله دن امضای قبول ایله ختم کلام
اولنده لکن دوامر ک تنفیذ و تشبیتنه برعاقل و دانار شید و توانسر عسکر
نصب و تعیین اولنوب بحاله صوب مرامه ارسال و محلنه ایصال الزم
لوازم لازمه و اهم مهام و امور عظیمه دن اولمغله اتفاقا بیورکی خانه
و قعه سی و شهر اصفهانه صورت و سیاق مذکور اوزن موجود بولنده سی
بوزمان مصادیقه و وفت احتمای اجه مصادفه ایله دن شاه
ورجال و فرستادن بیورکی خان بالشکر کورجستان برای استحکام
قلعه قندهار و دفع مطالبه پادشاه هند پس بیورکی خان اتفاق رأی شاه
ورجالیله بیان الاقران و الامثال آنخیاب و امتیاز اولنوب مملکت کورجستان
ینه کندی یه توجیه و منشوری نام بذانمنه یاز پلوب قندهار محافظی
نصب و تعیین اولنده و بوضع وند بیز فرزندان دوراند یشان عجمیانه
خپلی خوش بیورکی خان نشاط و سهت حظوظ و انبساط اطهار ابدوب
دبله بیزکه او لا بیورکی خان تقریبیله کورجستان عسکری قندهان
چکلوب کیتله که کورجستان عسکر دن خالی و بیحی اول طرفه دن
مأمون الغایله او او رز گانیا بیورکی خان شاه مزک از ادکرده و عفو و عنایت
دبله بند سی اولمغله مأمون در که ماجرایی من بعد فراموش المیوب
خدمات دولتی و او غور شاهینه باش و جانیله خدمت و صدق و خلوص
برله بذل مکنت ابدوب من بعد عصیان و طغیان فکر بینی دخی ایله ناله ایله
بیورار و نامد ارخایله و مکمل و جمله جوی عسکر بہادر ایله قندهار
محافظه

۱۹
محافظه سنه استحکام و یرد بکه ز حالت هند پادشاهه نه مسحوم و معلومی
او بیحی احتمال در که دعوادن فراغت و قلعه قندهار است مردادی باشند
چندان افراط ابرام و اطاح اوزن اولیه فعلی هذا بیورکی خان مهمات
ولوازمن کورروب بیزنه قرنداشی او غلی خسرو خانی کورجستانه قائم
مقام تعیین و کورجستان عسکر بینی ایله قندهان چقوب کیمی
وصول بولد قلعه قندهار مقانت و استحکام و یردی طوایف اغوانی
ضبط و ربطه ایله ایله نظام و انتظام و یردی اطرافه هجوم و اقیمند
و با جمله همچو ایله ایصال مضر ندی دست تعرضلرین کوتاه ابدوب حکم
وضبط اکید و شدید ایله جمله سن مضبوط و محکوم قلدی بوجه ایله
عجم شاهنه صدق و خلوص برله خدمات مبرون وجوده کتوردی
واتفا قابوایام میرا و یس دخی اغوان طایفه ایله اوزن کلدار یعنی محصل
الاموال نصب و تعیین اولنیش بولنده بیان احوال میرا و یس میر مرقوم
طوایف اغوان بیمنزنه غایت ایله معتبر عزیز و مکرم مهول عنقا کسنه
او ایله ایله اغوانیانک میر مرقوم کمال انقیاد و اطاعت و توجهه
اولد و غندن کند و یه بمقدار غرور دخی عارض اولنیش ایدی هند
اها یسی ایله علاقه ابدوب کند و مالی ایله برقاچ بلوک کار بان هند
تاجر بله معاجارت و هند کید و بکلور ایله که قندهار بیورکی
خان و اقف احوال او بیحی میر مرقوم بکونه طور و طرز بله تعطیفی
حضم ایده بیوب نذلیل و تحقیری نذیر بنه بلکه اموال کشیه یه طمع ایله
زوالی قیدن دوشدی حضورینه کتوردوب اکرام و استهان و نوازش
خاطر مراسینه کا پنیغی رعایت ایله خاطرین الله ایله ایناندره

و برمهمه ای را اپدوب عاقل و مديراولدوغه کدن رویت و تغشیت ایچون
سئ اصفهانه کوندرمک مرادمک دیوب حصوله کلدوکی تقدیرده
نچه نچه و دل را بلدی امدن میراویس باصفهان و احوال سائرش باشاه
ورجال میرمرقوم خانک سوزبنه راضی الوب اصفهانه روانه اولدی روپراه
اولد غی برله والی مرقوم مکتو بلریازوب دولت شاهی یه خلافن عرض
اولدی و حامل مکاتب میراویس بود یارک ذی قدر تلرندند مجرد بود یارده
وجودی باعث فتنه در عصیان و طغیان دماغنه مضیر در وصولنک
اخذ و ضبط اولنوب بدن بودیان کله سنه جوازو بولیه دیوتا کید اپله
تخریه در عقب چیار اپله طریق اخدرن شاه جانبه ارساله شتاب ایلدی
میرمرقوم اصفهانه داخل اولد غی برله کوز جنسنه قودیلر نید اوغرادوغن
بلوب معموم و متمکدرا اولدی بونچه ایام بحوال اوزن فکر و اندیشه ده
اولدی عاقبت شاه حمجاه دولی محتل و مسوش اولوب ایکی فرقه
متضاده یه منقصمه و بروی برلینک علیهند اولد قلرینه واقف اویچق
بر مقدار متسنی او اولدی سلامت اپله رها طریقملر یه تشتیت ایدوب
بر طریقیله اعتماد الدله و دیوان بکی و سارسر کارده اولان رجال دولت
اپله کورشمکه و دیساچیملر معیتیله شهرک هسیره یولینی کزوب سیعی
و تماشایه اذن الدی در حال اعتماد الدله یه واروب خاکپاینه بوز سور دی
کر آنها کشہیری شاللردن و ذی قیت هند تفارقلرندن هدیه بهیمه لر
احنمدار و اهد ایلدی اعتماد الدله نک طرفیکرلری اپله دخی فراد اوفرادا
کوریشوب هر برینه علی حد هم هدایاعرض ایلدی ایونه سی کون
شاهک دیوان بکنه واردی اکادخی کون هدیه عرض اپدوب

اک و

وانک طرفکیر لر پله دخی کورشوب هدایا و یدی بر قاج کون ۲۰
مروزند قند هار و الیسی یورکی خالکه قرنداشی الوب شاهک دیوان بکی
اولانک عظیم جمعیتی اولدوغن خبر اوب علی طریق از یاره حضورینه
واردی اکرام و رعایت اپدوب یانند الیقدی مجلس صحبت تمام اویچق
قرنداشی یورکی خانک وضع و حر کتن سو ال اپلدی میرمرقوم دخی
حکمیانه طور اپله باب مداهنی فتح اپدوب مدارا طریقیله یورکی
خانک مدح نه اسنده مبالغه ایلدی یورکی خان عاقل و مدر صاحب رأی
رزین رعایا پرو جسور و دل اور شاه حمجاهک صادق بند سی اصل
واصیل بمرد کامل در ویواناده قند هان والی نصب اولند وغی محضی
اصابت در هند پادشاهی دخی واقف احوال اویچق دعوای قند هار دن
فاغ او مه سی شاهد عادل در و بر قاج ایام سعی و همئی ایله اولدیار فوق
المامول معمور و بادان اولمک امر مقرر در دیدکن دیوان بکی صبره
تحمل اید میوب حاضر مجلس اولانک خطاب بوللو کلامه اغاز اپدوب
دیدکه بکه بند قرنداشی احیق او شدر بکونه مدح و نه اسنده او بوب هزار
و صد هزار تون دینارک صرفیله تحصیلی مکن اولیان صادق دوستی
ادرک اپدی میوب خلافنی عرض اپله نه جماقت در وایرته سی کون
قرنداشنه مکتوب بلریازوب واقع حالی بلدر دی شاهک سر اینی سنک
مدح و نه اکله مملو قلوب غیر تک اپله خاکپای او لان بر محب صاقینی بجهون
شاهه خلاف انه عرض اپلدک دیوب و فر توزیر و سرزنش ملر ایلدی میر
مرقوم بایکی کون حلولند اعتماد الدله طرفکیر لر پله مجلس ار اولد قلرینی
خبر اوب علی سبیل الزیان اول ارایه عازم اولدی ابتهال و تو اضع برله

بجهة ذلك دست ودامت بوس وعاقلانه تدلل اظهار ابدوب قارشولنک
قائم اولى بمقدار امدن صکره اعتماد الدوله کلامه از ابدوب بدید که
یکن کر نلرده طرفزه کار پکرده مشغله کثیره مزدن غاشی قند هار والبسی
یور کی خانلک کیفیت حوالن سوآل باکی فراموش ابتدک واقفا اولدوغلک
مرئیه اول طرفک حالن زه افاده ابله بد کله چون میر مرقوم رجال عجمک
شقاق اوزن اولدوغن تحقیقا باش ایدی جله سی ایکی فرقه متضاده
اولوب د ایکاری بر اینک علیه نه نفاق و غرض وبغض وعداوت اوزن
اولدقلرینی بالمشاهده و بالمعابنه کورب حوالن اه موارکیه کر کی کی علم
واطلاع حاصل ایلش ایدی اسلوب حکیمانه او زره حرکت و جوابه جسارنک
لصالحه برمقدار ردداوزن او الدی اعتماد الدوله ابرام ایدی جلک شقاقلرینه
موافق احتمار قلک یعنی جواب مذمه نک قصور قومیوب بور کی خانلک
سوء حالن قاما شرح و بیانه فرستی ایاب اولدی سوزلی مسموع ابدوکن
فهم و ادرالک ایده جلک خمیندن اخذ و انتقامه سعی و کوشش ابلدی
ایحامند بور کی خان بر قاج سنه بوندن بوبله قند هار والبسی اولور سه
اول دیارده فساد عظیم طهو راید جک امر محقق در کندوسی سحر و شام
مست مدام عسکریه ک ضبط و ربطی الذه اولمیوب هر فرد هواسنه
تابع رعایا برایانک عرضنه و مالنه واهل عیالله دست دراز لقلری حدن
مجحا و زاولادلرینی کاه غصب و کاه سرقه و بلوک بلوک کور جستانه کوتوروب
عاد تلری ا زن فروخت ایدز ل کندوسی دخی عسکر و خزینه جمی
سود اسیله عسکریه بوز و بیوب غالبا کور جستانه اجر ایده دوکی عصیان
و طفیان همه دینی بواشاده فرستی بولوب فعله کتو رمک طمعنک در
بوجهه

بوجهه عسکر کنیده و خزینه و افره جمعه سعی و کوششی عن قریب ۲۱
هند پادشاهیله اتفاق و اتحاد عزیزته و با خود غیری بر فساد عظیمه
جسارنک دلیل و اخدر شاه دار احشیت کار از موده اباعن
جد مجرب الاطوار خان زاده خانلری هم دین و هم مذهب معندری
وارابکن بر کافر و جاہل و نادان بی ایمان والی نصب اولنوب اهل اسلامه
تسليط و اول سد سد بدب سرحد شاهی امریکی بولیه بر جس ناجنسه
توفیض محضی سوء ند بایرو طوز و طر ر عقلدن دور و بعید بر امر ند امت
اجام ابدوکی ظهر من الشام و این من الامسدر دید کله چون دیوان
بکی فرقه سی اعتماد الدوله فرقه سنه خلا فنده ایدی میر مرقومک
بوکونه بسط کلامندن اعتماد الدوله و طرفکیلری فوق الغایه منون
و مخطوط او یعنی فرقه مخالفه و افق حوال اولدوغن تقدیر ده میر مرقومی
مضمر ندن صیانت ملاحظه سیله اعتماد الدوله پند و نصیحت بوللو
کلامیله عر خحال تسو پد ابدوب حجه کمک شاهدن اذ طلب ابله دیو
میر او یسه خطاب و سلامت طریقنه تشبیه رمز و ایما ابلدی میر او یس
بوکونه اسلوب حکیمانه او زن حرکت و شقایق فریقی دل خواهی بنه
موافق مدارایو للر بنه سعی و سلوکیله طرفند میل ابتدرو ب ایکی فرقه ا
ار بابی دخی میر مرقومک صلاح حالنه وزهد و تقواسنه و شاه دار
احتشامک خالص و فحاص بنده سعی اولدوغن ه حضور شاهید شهادت
و حقنک شفاعت و یور کی خان میر مرقومک حقنک یازدو کی احوال مجرد
نفس اپت و اغراض فاسد و افکار باطله دن ناشید ردو تفصیل و بیان
ابلد که لرنده شاه جمیع اعتماد و میر مرقومک بجهه جرا یعنده

عازم مه مهوجه او لدی مکه مکرمه واروب علام و صالح و اشرف ناس
اپله کوریشوب اندره دخی علی حدهم چم دیاری تفاری پقلرندن هدایا
پذل اپلدی ادای فریضه چخدن صکره مدبنه منون یه کاری مقامات
متبرکی زیارندن صکره اند دخی علام و صالح اپله کوریشوب هدیه لر
ویروب اشنالک پیداپلدی بعد الایام پنه مکه مکرمه یه کیدوب اند
برمدت مقیم و مجاور او لدی علام محلسنه مداومت ابدوب فضل و کال
اظهار اپلدی عام مباحثه لری اولان محله ملازمت ابدوب مکه مکرمه
فضه لاسی کندو یه میل و میات اپلدی استفتا کردن میراویس از علماء حجاز
بعد زمان فضیلی مدققین اپله کند و سنه مخصوص او اوب درونه
مکه توم و مضر اولان احوالی کشف ابدوب اعتماد و اطمینان تحسیل
اپلدوکی کسنه لر اپله خفیه مذاکره و مکالمه مباشر او اوب و اندرن
نچه نچه مومنه استفتا مراد ابدوب کند و مطلوب بی بوسیاقد تسوب پد
ابدوب عرض اپلدی بزم لکت ایرانی نهایت شرقيستن عمالک همدانه
اهل اسلام دن سنه سنوی بر الای عشار و قبایل مه قسم خلق ای برخه
مدت ره افشه دن بعجم شاهلری او زر لر یزه غلبه ابدوب زیدست قهر
و تخت تسلط رن دعاحز و درمانه محکوم لری او لشز در حال اقتت
ریهیه لرن دن اولد و غرطه بفه عجم پی حد و پی حساب و انواع تعدد بلوز دن
غیهی یوز یزه و کوز یزه قارشوجه ایار کوز بندی بعضیه لرینه ششم
و دشمنی اشکار ایدر لر و حلا او زر هزه حاکم و والی اولق او زن براج دل
ونادان کافربی ایان کور جی خانیه کور جی عسکر پله محافظه نامیله
تعیین ابدوب خلاف شرع مهین نچه اموری رنکابه کر و جبر و عرضه

چکوب حقنک عفو تام ابله معامله و معرفه لر تعریف اینه مطابق بندوکان
خیراندیشاند عدو شمار اپلدی بو خبر مسرت مالدن میراویس
خبر و اکام ایجع کاه سنا د و مسروور و کاه فر بقدمش شقاق و نفا قندن
برآورده موحش طهور ابدراحتیا اه غم و دردن خالی امتدی عرضحال دادن
میراویس در پدش کاه شاه برای رفتن حج شریف میر مرقوم دور بیان
وعاقبت اندیش او لدو فنه بنه نبور طونه دو گویلک کرک مفهومی
اوزن بر فاج ایام مرور نه مفصل عرضحال یازوب حج شریفه اذن طلب
اپلدی مفهوم منکه بو قول لرینک مقصودی با جمله غوابل دنیایی ترک
اپله من بعد بقیه عزیزی مقدور مرتیه سی صلاح و تقوی یه سعی
و سلوبیه لیل و نهار دعای دوام دولت شاهی یی ورد زبان ابدوب
بر فاج سنه اول مقامات متبرکه ده مسکن اوزن مدت و اقامات و قافی
الجاجات در کاه ذوالحلاله توجه برله بعید یشنه عاجزانه صرف مقدون
مقصود او اوب بعد زمان پنه عودت و شاه جمهیه مردنل و افندیک
عنایت ملا غاییه لری عبد حقیر لری حقنک مبدول بیور بلو رایس
تیوم اخرا ولد چه خطه اصفهان دن مقیم و اهل عیالم بندلری دخی بود بار
جلیل ایه که تور دوب اذن و رخصت شاهانه لری در کار بیور بلو و
ایسنه قبیله می دخی شهر اصفهان فربن دن فرمان بیور اد خی محله اسکان
و ای طان بملک مخلو بدر دی ب مفهوم عرضحال شاه جمیا هله معلومی
او ایجع میر م قومی حج شریفه عزیتنه اذن و رخصت ارزانی و برفه
مانع و مزاجم ایله دیو محه نهیه اپلدی بنا برین میر مرقوم نداریکن
کور و ب با جمله خدم و حشیله در حال اصفهان دن چقوب حج شریفه

واهل و عیال مازه تعرض و دست دراز لق و اولادیزی کاهن خصت و کا
 سرقه طریقیله الوب کور جستانه کون دروب فردخت ابد رل و نسوانزی
 رفاهی و کور جی کافر لری جبرا و قهر اترو بیم ابد رل بز عاجز لر غیرت دینیه
 ال و یروب بونلره قلچ چکسلک شر عاجاز میدر و بوا مرک تاشیت حرب
 وقتاله مودی اولد قلع فائیلز غازی مقته و ملز شهید او لوری و عون جنای
 حق ایله باد طفر و غلبه طرفه وزان او لد قلع رو افضل اموالی حلال
 و غنیمت او لوری و انلری سبی واستر قاق یاخود ملکت مزی جوار و اتصال مزده
 او اوب اسلام او زن او لان هند پاشا هنه تسلیم ابلسلک شر عار خصت
 و رامیدر بزه بیان بیور ک دیو رجا بلد کله جواز بند ارم متعدد فتوال
 ویرد بلمرو بایله فضه لای مدینه و مکه جواز بند مشعر تصدیق و امضاء
 اپتدیلر میر قوم درونلک مکتوم و مضمر بیت و عزیت امر بی و نتفیند
 و تاشیتی رو جه مشروح اساس شرع او زن مبنی قلد قلع مدت مجاورت
 نهایتیه ایروب جانب اصفهان زه براه اولدی نه مافی الاب عجم شاه لرنده
 نوبت حکومت ایران بیوک شاه عباسه کانجه طوا بیف عجم فریضه
 بیچ ایه مداومت ابدوب سنه بسنه انلر دن جم کیش حجه متوجه
 او اوب اهالی مکه و مدینه انلر دن منافع و افره ایله منتفع او لور لر مش شاه
 عباس بوحکمی تغییره سعی ابدوب بالاده اشارت او لند و غی او زن اموال
 ناس مملکت نهان قالمق فکر بله امام لر ک مقابر فیار نیله اکتفا او لوق ند بیرین
 ایش و عوام ناسدز نچه لری بونی اعتقاد ابد خش ابدی او ل اجل دن
 بیم طا بیفه سی خراسان ولکه سنه مشهد امام رضا یه و بعداد او لکه سی
 او ل ائماده قبضه تصر فلر نانه بولنله جوار نانه واقع مشهد امام علی یه

و مشهد

۲۲
 و مشهد امام حسنه متوجه اولد بلمرو مقامات مذکون بی زیارت
 ابدن زوار کر بلایی شهیه او لنوب حالا بوقدر ایله حجه وار مدن عوام
 ناس دن نچه لری اکتفا ابد رل لکن بو فریضه بی بالکلیه اسقاط مکن
 او لمیوب پنه بع ضیلری فرصت و امکان بولد قجه حجه وار مقدب بذل مال
 ابدوب سعی و کوشش ابد رل و بو خصوص بیم شاه لر بله اهالی مکه
 و مدینه می اند سبب برو دت عظیه او شدر عودت کردن میرا و یس
 در اصفهان از طریق خ میر قوم ادای فریضه تحد نصیر که عودت
 ابدوب شهر اصفهان وصول بولد قلع رجال عجم ایله کور بشوب مکه
 مکرمه جانبندن احضار ابلدوکی عود و عنبر مثلا و هدایای کرنیها
 بخششی ایله نچه لرک درونی صید و جذب ابد رل احباب کیشیه بیدا
 ابلدی و رجال دولت بینه دن معتبر او لوب مظهر الطفات او لدی حسن
 حالی و عاقلانه و ادیانه وضع حرکتی خلوص و صداقت او دیر مرد کامل
 ابد و کنی شاهه قول قول عرض ابلد کار نانه مشاه دخی میر قومه محبت
 ابدوب بعضی امور دات مشور نلر بنه ادخال ایدعل دیو تنبیه ابلدی
 ام دن پیام پی از جانب چار مسقود اصفهان و مشورت رجال دو
 احوالش کیف ما اتفاق او ل ائماده مسقون چاری طرف دن برای بی
 انتخاب و تعیین او لنوب حدوده کاش و شاه حمیا هه کلمک ایچون
 اذن طلب ابد دیو سرحد والیلری جانبندن عرض واعلام او لنش
 رجال عجم بو خبری کتورن کسنه بی احضار ابدوب او ل ایچی نه منند
 ایچیدر اسمی نه در ونه جلسدر دیو سو ل ابلد کرنده اسمی

استراپیل در پدر جننس ارمینیدر مولدی قیمان نام محلدر دیوجواب
ویرد که ارمی اصله لدو عن اشتد کارند مختل الدماغ او لد پلر اصلند
قیانی اولوب زرم عایام زاپکن مسقوقارینه بطر بقله انساب سبیله
شمدی اچیملک پله شاه همزک حضور زن رسم اچیان وزن او تور بزد خی رجال
دولت رعایام ز مقوله سی ارمی کافرینه التیام و اکرام قیزند او ملق و وجهه
معقول و مناسب اولیوب بوزک کاسنه ر خدمت ور مسون مسقوقاری
کندی جنسندن بر غیری اچی کوندر سون دیو مشاون لرینه نیجه
ویرد کارندن صکره اول وقتله سه راصفه اند فرانچه پادشاهی طرفندن
اقامت اوزن بولنان موسی میشل نام اچریه دخی خبر کوندر و ب سؤال
اپل پلر که مسقوق طرفندن بر اچی خبری کاوب ادینه اسرائیل دیرلر مس
اول شخص نه مفند کسنه در نه جنسدر و مسقوق چارینه انسابی نه
تقریله در معلوم کزایسه بر قایه یازوب طرفزه دوستانه قاده ایزک دیو
الناس ایز پلر اول دخی جوانند کلان اچیملک اصلی ارمینیدر تجارت مقوله
صلدن اولوب فرنکستانه و شمش فرانچه عسکری ار سند برمد قوه
جیه لک ایدوب بعد جنکیه یاز لش هافرسف لرده موجود بو اعله
کند سنه و ضابطه که ور لش بعد نیچه یه کیدوب ایمان ادینی تف پیله
لیو پولد شناهر قوجه قرالک بعضی خدمتندن بو لش لندن دخی مسقوه
کیدوب بازاق قلعه سنه کند بیله بیک باشی ضابطه ور لش بو تقریله
وطن اصلیه سنه قریب حاصل ایدوب صادر حم ارزو سنه دوشش
ونچ چهارساری طرفندن مسقوقارینه شفاعت ایز در دوب الناسیله
الچی تعیین ایش بر اصل اد کسنه اولیوب رعایا کز مقوله سی اول لغله

اپاچلک

۲۴
اچیه لک عنوانیله شاه جضور نه واروب او تور مغه شایان ار باب اکرامدن
اولیوب سفلی اجلس دن اصل بر ارمینیدر چون اول زمانه فرانچه او بله
نمیخ، او بینند قتال وحدال در کار ابدی اچی مرقوم یسنه مجده چهارساری
شفاعته ایله اچیه لک پا به سفی اکتساب ایش ابدی اول اجلدن مقتضای
و ظایف اچیان اوزن فرانچه اچیسنه دخی سرا ایل مرقوم د حقنده اول
وقتنده عداوت وزن معامله حسب حال اولش ابدی غیر یه قره باع
اولکه سنه متوطن ارمینیان سه طریقی خلقه خبره و بکارهارندن
استخراج اولش و کتابلرندن یاز لش اولق اوزن بوسنه لرد زمین اپانده
ارمینیلر جنسندز بر پادشاه ظهور ایدرو بورلر غائب ایوب تخت
حکومته اد حال ایدرو ارمینیان دولت قدمده اولده خی اوزن هضوع
اولنه عودت ایدر دیو میان ارمینیان کفت و که اولوب نجه لی اعتقداد
و انتظارند اولش ب معنای غیر ب اول غله شاهد لته دخی خبار اولش اندی
ایچی مرقوم مسقوق جانندن بحر حزابله شر و اولکه سند سادل بحر ده
واقع نیاز ایادن م محله کاوب اندن شهر شماخیه کانه اول طرف ارمینیلرندن
یاننه اوچیوز ادم یاز بلوب عظیم حشمت و بقار اوزن شماخی شهر پنه بش
یوز نفر ادم بله و اصل اید و غی متور اولش ابدی ویلی دخی حیله کارا اولوب
جلب منفعه ایچون تهاده بولاد و غی ارمینیله ای ارمینیلر پادشاهلری
نسلندن دیو خبره و بونلرندن بومدعا عظیم شیوه و اش ایدی
کتابله یزده یاز بلان چقدی طور ایدی، بوزه پادشاه اوله جقدر
ولایت دعوا سنه کاش در غیرت و حیث زمدر دیو رعایا برا یا غیره
دوشش ابدی فرانچه اچیسبی واقف احوال اویحق شاه دولته خیر

گوندر دیکه بوخصوص ارمینیان عالملرینک اسخراجی اولمی اوزن
 کتابلر نه یازل دیغی اقذیرده اسرایل اوری افظنک مر و قلب مکان اولنمه
 السراروی اولوب لسان سریانه پادشاه دیک او لور بوكونه طنیات
 ووهیات عیم اپد و کنه ساده دل اولان عوام اتفاق اپد میوب و مدهی
 حیله کار بوكونه صنایع ابله مدعاسنه رواج و رمک قیدن اولور سه
 بوندن یوفساد عظیم ظهور ایمک غالب احتمال در و قتیله دفع نداری
 کورملک مهمرد بید که واقع حال شاهه عرض ایحیق فکر و اندیشه یه
 واردی و در حال اعتماد الدوله ی چاغر دوب الچی مرقومک کله سی می
 مناسب یوخسه کیرو عودت ایندیله سی می مناسب ارباب مشاون
مشورت اپدوب بران اول بونانه قیدی کولسون دیو تنبیه اپلدى
 نه بیرمیراویس در احوال الچی مسقونبارین بالجهله اعیان در جان دوست
 بیره کاوب چوق محاون اپلدى پلر عاقبت بوعقد مشکل بندک خلی
 دستوار الحصول اولمغله میراویسی دخی دعوت اپدوب مشور نلرینه
 ادخال ایندیلر چون باب محاون فتح اولوب دار مکالمه کشاده اولدی
 هر فرد عقلی وادرانکی مرتبه ده سوزسو پلکه ماذون او اوب کیمی الچی
 مرقومک کله سن و کیمی کیرو و کنه سن مه مناسب کوروب اهون الشرین
 تر جمع ایندیغندن چوق قیل و قال اولدی انجامنده میراویسنه خطاب
 او لنهوب سزدنه شاه جیا هک صداقت پور بنده سی امور دبدده و کار
 از موده عالم و فاضل خیراندیشی اولدی غلکزده بر فرد ک ریب و اشنبیاشی
 قالمیوب لا یقدر که سزدنه بو باده ذاتکزده جیبی خلوص و طویت
 و عقد و حل امور ده استقامه لمعنک مقتضیه اسنجه صواب دبدکرا اولان

۲۰ جهش عیان و بوقضیه ده عندیکزده مرجح اولان شکلی تصویر و بیان
 این سزد بد کارنکه میراویس هضم ال نفسه عتدار و احتقار طریق ای
 مراسمه تمامادا و نکمیل و کستاخانه وضع و حرکت غایت محاسی
 واجتناب اوزن اولد و غی صورت و سباق اظهار نه نصیره یه جمله نه
 لیرام و لحای مشتدا و ایحیق منازع فیه اماده بیدار بوكونه تقریه مباشر
 اولدی بود ای دل تکرک رائی ناجیز و عقل کم اندیشه کون ای
 مرقومک بوجانبه کله سی مرجح و موجه کورینور زیرا بوارایه
 کلد کله المکزده بولو غش اولور بر فتنه ایقاظنه فرصت بولماز و باشت
 سود اسنده اولد و غی فهم اولنمه علایی بولنوب بایحبس و لنوز و یا
 مسوما اهلاکی اسبابنه تشیث اولنور اکن اذن و یملیوب بونشده
 کلد و کی صورنک مسقوق چار بنه کیرو عودت اپتدرمله سی اقتضا
 اپلدوکی تقدیر جمه مسقوق چاری اچی قبول اونیوب کیرو گوندر لد و کنه
 لام الله عاره حجاب اپدوب کو جنسه کرکد رونار عار ابله غیره دوشوب
 بربیوک نار غوغاء علوی اشتعال بولوب فساد عظیمه باعث و بادی و
 معنا اولنمه کرکد ربا خصوص که بورکی خانک بوندن اقدم خیانت ابله
 فرا اپدن سانه زرمی خان نام قرنداشی مسقوده اینک بوفرست الله
 کیرو ب مسقوق قرآنی لغوا و تو غیب و علیم کزه تحریکن دقیقه فوت
 ایمیوب و ساتطیله دولتکردن اخذ انتقام سود اسنده اولنمه کرکد
 مشهور و معلم و مکزدر که سابقان مسقوق طرفندن کاش اوناق اوزن
 شر وانه بستی صاحب فساد ظهور اپلدى که دفع و رفع عا بله سی
 دولتکزی اتعاب اپدوب نه مرتبه ده خزینه کثیر آن و عسکر و فره کن

اثلافه باعث اول مشدی شدی ایسه مسفوچاری غیرت جاھیله سی
 مقتضای بجهه بنفسه حرکت واوزه پکزه کله مسارت ایدرسه دفعی
 مشکل برداھیه واهیه اولور خالب احتمال دخی بود رکه اپلی مرقومی
 کیرودوندرمک مراد اپدنسکز سوز پکزابله عامل اولمیوب درونه مضر
 ولکن علاماتی ظاهر فتنه بی شروان ولکه سنه فعله کتو رمکه متصلی
 اوله حال بوكه با جمله ملکنکز کر عایاسی ارمینیلر و مقول کسنده اولوب
 ادنابه ایله تبعیت اپدوب خزینه دخی ویرل نتیجه کار العیاذ لله تعالی
 سفل دمایی حدی متضمن قتال و جدال مشته و مته مودی اولور
 کور جستان خلقی هم ایان وهم مذهب ارمنیان اولملر بله موافق
 اپدوب اتلر دخی بای وجه کان مسقوی تحریک و طرفه رینه جذب و جلب
 اپدوب المکفر ملته و احده مضمونی اوزن نجه یوز بیک عنده و مرده دن مرکب
 کروه باطله اوله جقلرینی فکر و ملاحظه بیو لک با وجود قندھار والبسی
 یور کی خان ایله دخی مخابره طریقی الدن قومیوب اول دخی سابقان اجرایه
 قادر اولید و غریب خسادی تشبیه فرست یاب و تحسیل اپلدوکی
 خزاین کثیر بذله قندھار اطرافه واقع ملل مختلفه دن جمعه قادر
 اولدوغی عسکر ایله حرکت و هند پادشاهی دخی نملکت ویرمک و عدیله
 تحریک و نجه امور ند ایهاد اپد و احتمال در که طوا پفاغواني دخی
 بر تقریبه طرفه جذب اپدوب کند و سنه عسکر ایدنه زیرا بن قولکز
 طوا پف مزبون نک کلداری ایکن صغير و سکبیری سوز مدن خارج
 فاهموار ایشه وضع و حرکت ایهد کارینی کوروب و عین الیقین باوب
 بی خلاف ایه ایله اول دیاردن طرد و تبعید ایلدوکی مجرد بوكونه بنت

فاسدینه

۳۶
 خاسد بنه تشبیه ویرمک ایچوندر و حمال العیاذ بالله قضیه مخدون روفا
 اولسه دخی بن قولکز افوانلر ایچنل اولد قیه بدر او فساده متصلی
 اولمیوب اطاعت شاه حمماهه با جمله ثابت قدم و راسخ الدم او جمله رینه
 متکلم و بکام موافق ایله تکمیل ناموس دولت شاهیه بذل مقدور اپد
 جکلرینه ضامن و مهه عهدم همان سز وقت حاجت برو طرفه رکن دار کی
 کوره اخلاقه دفع مخدورات ایچون اپلی مرقومی بران اول طرفه کزه
 کتو رمکه بذل همتکز مناسب در والا ینه سزا علمسزد بذل کل میر مرقومک
 کلامین جمله تحسین و عاقل و مدبودور بین وعاقبت اندیش خیر
 خواهی دولت بر مرد کامل اولد و غنه مداد انصافله نتیجه نسلیمی چکوب
 اندکشت افرین ایله جمیع بیهور و امضای قلد پلر و میرک تقریف قلمه الوب
 نقیر و قطعیه شاهه عرض اپلدر پلر حضور شاهیه ه تبول و پسند بذل
 او اوب نوازش خاطرینه اهتمام قلد پار و خاعقلر کید روب اغوانیان
 اوزن کافی الاول بلغه کلدار نصب و تعیین اپدوب مسارت اوزن قندھان
 کوندر دپلر و اچینک کلسنه دخی قرار ویر پلوب در عقب احضاری
 ایچون ادم لر تعیین اولنوب ائنای راهه اوزنی کور ملک اوزن ر قلر یار دپلر
 عزیت سکردن میراویس از شهر اصفهان بجانب قندھار چون میر
 مرقومک حصول مافی افیه بیمه بوم قدار غونه وجود پذیر اولدی
 قندھار و البسی کند و سیله حسن زند کانه پیر عابت ایملکت یابنده اکید
 و شد بذل نتیجه کاغدری ویرادی امثال بمنته امتیاز و کافی الاول اغوانیانه
 بذل تعیین اولنوب کندیه التفات اکر املر سپه ارش اولندی و اعتماد الدوالة
 سرانه تریمه و مکتومانه تو صیه اپدوب دولت شاهیه محکوف ولان

تعهدیله جله معنیه ال اوروب معاہدات پنه استحکام و یزد پلر اعتماد
 الدوله نیز یونی خان حقم و یزد پی سندی از برایدوب من عند الله
 کندول پنه نعمت و بو فرستی غنیمت عدایل پلر قزلماش و روافضل
 و کورجیانک ظلم و جور بی ذکر و یاد و اهل عیال للرینه تعداد الرینی و نجده نجده
 افعال و قول شنیعه لرینی ایاد و تعداد ایدوب غیرت اسلامی در خاطر
 ایتدپلر با جمله امورده میراو یسک رأی و تدبیرینه متابعی بر قات دخی
 در عهد و ایامیله التزام ایتدپلر و قاتکه قضایای مقصود لری اتحاد
 نیجه سن و یزدی ندار کارکور بلوب اسباب تمشیت مرام اماده
 قلندی چون بو بنانک طرحی لامحالة بنیان دروغ با فروغه و بوصلاحت
 حصولی لاجرم حیله و خدیه رسم و شکلنه افراغه محتاج ایدی میر
 میران غوانیان هادم خاندان شاهان فتنه عجمیان الحاجی میراو بس
 غیرت نشان جیت عنوان برکن بر مغاطه ایله الی قندھار اولان یورکی
 خانه کاوب قبا پل بـالـوـجـدـنـ فـرـ یـادـوـفـغـانـ وـانـلـرـدـنـ تـشـکـیـ نـظـلـرـاطـھـارـ
 والـانـ طـوـ بـفـ مـزـونـ اـشـقـیـاـسـ کـاـوـبـ زـ اـغـوـانـلـرـکـ اوـ بـلـنـهـ جـمـاـ وـھـجـومـ
 وـبـالـحـلـهـ اـمـوـالـ اـشـیـاـلـرـینـ نـهـبـ وـغـارـتـ قـلـدـبـلـ وـمـوـاـشـیـ نـاـمـنـهـ حـیـوـانـلـرـینـیـ
 سوروب کـیـتـدـبـلـدـبـوـدـرـوـغـنـهـ فـرـوـغـ وـیـرـدـکـلـ یـورـکـیـ خـانـ غـیرـتـ
 الـ وـ یـوـبـ کـوـرـجـیـ عـسـکـرـیـنـ کـسـرـ بـلـوـکـارـینـیـ حـضـارـ وـفـیـ الـلـالـ طـوـاـفـ
 عـسـکـرـحـاضـرـ وـامـادـهـ اـمـاـلـ بـلـوـبـ درـحـالـ لـلـوـجـ اـشـقـیـاـسـنـیـ تـعـقـبـ دـکـ وـنـیـ دـخـیـ
 بعدـ العـصـرـ قـیـوـ خـلـقـ اـیـلـهـ سـوـارـ اـوـلـ بـکـامـتـظـواـلـلـکـ وـیـرـاـهـ یـسـهـ دـخـیـ
 خطـابـ اـیدـوبـ سـنـ دـخـیـ شـقـابـ اـیـلـهـ نـدـ اـرـکـنـهـ قـدـرـ اـوـدـ غـلـ غـوـ اـدـ اـکـ
 اـیـلـهـ فـلـارـ مـحـلـ مـیـکـامـتـرـ قـبـ اـوـلـ وـاـوـلـ مـحـلـ مـلـاـقـ اـوـلـ وـغـرـنـ نـصـکـوـهـ

اختلال نونه اـرـاـوـلـقـ تـقـرـ بـایـلـهـ قـنـدـھـارـ وـالـسـنـدـنـ سـوـبـتـ قـهـمـ وـحـسـنـ
 اـولـنـورـسـهـ فـرـصـتـ بـایـلـهـ قـنـدـھـارـ وـالـسـنـدـنـ بـلـاتـ خـیرـ قـتـلـ وـدـوـلـتـهـ عـرـضـ وـفـادـهـ یـهـ
 قـوـفـ اـیـلـهـ دـیـوـنـبـیـهـ اـیـلـدـیـ وـبـدـینـهـ بـوـمـعـنـایـ مـتـضـمـنـ مـهـورـ وـهـضـیـ سـنـدـ
 دـخـیـ وـیـرـدـیـ شـاهـکـ دـیـوـانـ بـکـیـ دـخـیـ قـرـنـدـاـشـیـ مـرـقـوـمـ یـهـرـکـیـ خـانـهـ مـکـتـهـ وـبـلـرـ
 یـازـوـبـ مـیـمـرـ قـوـمـ دـوـلـتـکـ مـجـبـ الـاطـوـارـ خـیرـ خـواـهـیـ وـشـاهـکـ نـظـرـ کـرـدـهـ سـیـ
 اـولـدـوـغـنـ شـرـحـ وـبـیـانـ وـخـانـکـ دـخـیـ مـحـبـ صـادـقـ وـهـرـحـالـهـ ثـنـاـکـارـیـ
 اـولـدـوـغـنـ تـفـصـیـلـ وـعـیـازـ اـیدـوبـ تـطـیـبـ خـاطـرـ مـیـرـ اـیـلـهـ تـقـیدـ وـاـهـنـامـ بـایـنـهـ
 کـرـمـتـاـوـزـنـ اـولـ دـخـیـ سـپـارـشـلـ اـیـلـدـیـ وـصـوـلـ مـیـرـاـوـیـسـ بـقـنـدـھـارـ
 وـنـدـبـیـرـکـرـدـنـ بـرـایـ قـتـلـ یـورـکـیـ خـانـ وـالـیـ قـنـدـھـارـ مـیـرـاـوـیـسـ دـخـیـ منـ بـعـدـ
 تـوقـقـیـ جـاـزـکـورـمـیـوـبـ رـسـمـ وـدـاعـیـ یـرـیـنـهـ تـقـوـرـوـبـ وـطـنـ اـصـلـیـهـ سـیـ اـولـانـ
 جـانـبـ قـنـدـھـانـ مـتـوـجـهـ وـعـازـمـ رـاهـ اـولـدـیـ کـاـهـ شـادـ وـمـسـرـوـرـ طـیـ مـرـاـهـ
 کـاـهـ فـکـرـ اـجـامـ کـاـرـ بـلـهـ قـطـعـ مـنـازـلـ اـیـلـرـکـ وـقـتـاـکـدـصـوـبـ مـقـصـودـیـنـهـ وـصـوـلـهـ
 قـرـیـبـ اـولـدـیـ الـیـلـرـ قـوـرـ بـلـوـبـ عـزـتـ وـاـکـرـامـ بـلـهـ قـلـعـهـ قـنـدـھـانـ دـاـخـلـ اـمـدـیـ
 وـالـیـ وـاـغـوـانـ اـکـرـامـنـ اـهـنـامـ اـیدـوبـ بـرـوـجـهـ مـسـاـفـرـتـ بـرـقـاجـ کـوـنـ زـیـارـتـ
 وـبـرـیـکـ قـدـمـهـ رـعـابـتـ قـلـدـبـلـرـ بـعـدـ خـانـ طـرـفـنـدـنـ اـذـنـ وـبـرـلـوـبـ
 چـفـتـلـکـنـهـ وـارـنـجـهـ تـشـیـعـ قـلـدـبـلـرـ چـفـتـلـکـنـهـ مـکـثـ وـارـامـ اـیدـوبـ اـشـنـایـانـ
 وـبـیـکـانـیـ اـنـ دـخـیـ نـبـرـیـکـ قـدـومـ وـبـرـیـخـ اـیـلـهـ زـیـارـتـهـ مـدـاـوـتـ اـیـتـدـبـلـرـ بـعـدـ
 الـیـ اـیـامـ عـشـاـرـ وـقـبـاـ مـلـدـنـ وـحـوـهـ نـاسـ وـاـصـدـقـاءـ قـدـیـهـ اـیـلـهـ خـمـانـهـ حـجـتـ
 وـکـشـفـ بـاـبـ نـبـتـ قـلـوـبـ عـدـهـ مـرـاـمـهـ مـوـصـلـ طـرـ بـنـ تـحـصـیـلـنـدـ کـاـلـ تـحـرـیـ
 قـلـدـبـلـ طـوـاـفـ بـالـوـجـلـ دـخـیـ سـرـقـیـاـهـ لـرـیـ دـاـخـلـ مـجـاسـ اوـلـوـبـ مـحـمـ
 اـسـرـاـرـ اـولـدـبـلـرـ اـنـقـلـرـنـ ثـبـتـ اـقـدـامـ وـتـمـشـیـتـهـ جـانـ وـبـاـشـرـ اـیـلـهـ اـقـدـامـ

وَعَرِيقَ الْمَدِيْنَةِ وَالْمَسْبِنَ وَفَرِيْنَلَرَ وَمَدْحَ وَشَنَالَرَ اِبْدَوْبَ وَخُورَدَارَ
 اوله سز دين اسلام او غور نه حقاب خدمت مبرون ده بولند يکر سکه ي
 مر مرده قازوب روز قيامته دکن السننه عالمه ذکر و ياد بکزه باعث بر
 اثر جمیل قود بکز جمله کز ک فضه اسی مبارک و سعیکر مشکور او لسون اکن
 معلوم کزا او لسون که اعتماد دوله نک يورکی خان قتلمه او لوب سزه ا براز
 ابلدیکم فرمانک اصلی او لمیوب ساخته ابدی انجق غیرت دینه ظهور
 ابدوب من بعد صبر و تمهل طاقتم قالمیوب سزی دخی بو به بور طهیه
 او فرقه غیرت و حیات دینه ناشی مجبوروه ضطر اولدم . ضاما مضما
 بوند نصکره بزه لازم او لان بود رک جمله مز يک دل و يک درون غیرت
 قوشاغن میان اجتهاده بند ابدوب دین محمدیه او غرینه چانزی باشمزی
 فد ابدوب جونکه بو نقریه به عجم شاهله ينه دصیان ایتمش بولند
 بوند بونه عکس ریانه دیز عاصی و باخی او لوب لامحالة عسکر تدارکنه
 او اوب اخذ انتقام قیدنه او لورل العیاذ بالله فرست بو اوب غلبه
 هر فلم زد واقع اوله حق او لور سه ذکور بجزی با جمله قلجدن . چکوروب
 فسوانزی واولادیزی سبی و اسیر ابد رل دید و کنه اغوانیان بومه لکه يه
 القای ایادی ابلد کارینه نوعاند امت ال و یروب پیرو اختریاری سوزه
 افاز ابدوب بعجم دولی ذی قوت وقدرت صاحب باس و مکنت بو
 دولت عظیمه او لوب بزایسه انله نسبت براوج قبا ایل و عشار رعات
 مقوله سی خلق ایکن انله ابله مقاومت و پیهه قهر لندن رها و مسلمت
 نه جای امکان و نه حیز تصور در دید کارن دن میر مرقوم عالم و دانا و فصاحت
 و بلاغت دخی میر مشار بالینانی او لملعنه کم فیمه قلیله غلبت ایت

پیش زده اماده او لان کور جی عسکرینه واصل او لوب جمله مز يک جسم
 کی بجه سرعت و وقت سخرده سرعت ابله علی الغفله باللوج او لر ينه جمله و
 هجوم ابله روز دیو منوال مز بور اوزن نیمه و تا کید ابلد کنه جمله سی عحاله
 حاضر و اماده صوب ما مورلر ينه راهی اول دیلر میر او یس دخی کال
 سرعت و عجله برله باللوج قبا ایل باشلرندن محروم اسرار و متفق اغراض
 او لنلر ينه خبر او پرورب انلری و قعده دن خبیر و خواب غفلت دن ایقاظ
 ابدوب غیرت کوئی بوكوندر ما پیش زده معقود شروط عهد و میثاق
 بوكون اجرا و انجق وقت هر صادر دیو اول طرفی اکاه قلد قدر بروده
 عحاله تدارک ابلد و کی او ج بیک سواری اغوانله محل معهوده مشتاب ایدوبه
 جان و دل دن يورکی خان لکه ورود ينه مترقب و فرسته مترصد اولدی
 پی لحظه زمان مروز دن يورکی خان و مقدار قیو خلقيله ساده نفره ایله
 چقوب کلدی اغوانلر ایکی شق او لوب سلامنه دیز لد پلر يورکی خان
 هنوز احوال دن فافل اورتی یزلر ينه کلد و کی برله بحرز خار انتقام اغوانیان
 حر سکت و جانب کور جیانه سیلان ابدوب يورکی خان نادان میان
 جداران صفین ده مثال فرعون بی ایان غریق بحر هلاک اولدی و بو
 مهله که دن بر فرد ساحل سلامنه چقمه دی و قند هان خبر و یره جل
 بیکمه دن بولندی مشورت کردن میر او یس با غوانیان بعد قتل يورکی
 خان مقصود اغوانیان بو بیوز دن حاصل او بعجع میر او یس جمله اغوانی
 بو یره کنوروب مشورت ابلدی و ینه پند و وضع و وعد و عیدل ابله
 و مصالحت امیز دروغ غلر به اغوان طا بفه سنی نیت و عزیمه لرن دن
 دوام و پیام و بوضری قیله تمشیت امور لرن باش و جان ابلد اقدامه و غببه

مشیر صاحب رأى و تدبیر دخی یانه موجود اوچ ییک مقداری اغوانیه
 هی وزی **کور** جیان و **عجمیان** نیله متوكلا **علی الله** قلعه قند هار جانیه
 متوجه او لوب **بین العشائیں** مساعل بخت برله **علی الغفله** قلعه مرقومه
 اسهل وجهه اوزن دخول و عجم ضابطانی و بقیه السبوف کور جیانی قتل
 واستبدصال برله قلعه یی **محکم ضبط** و **مخوف** و **خاطره اولان** یاره وقت
 سحره دکن **محافظه لر** و **قره غول** لر **تعیین** ایلدریلر مشورت کردن اغوانیان
 بعد فتح القلعه صباح اولد کن جمعیت عظیمه و دیوان اولوب شاهه میل
 و رغبت کوستروپ بوجر کته رضاداده اولینلری دخی قتل ابدوب
 ظهور فتنه احتمالنی دخی بوطری قیله دفع و رفع ایلدریلر بعد نیهادان اقداح
 مشاون ابدوب کند و امور لری مذکوره سنه شروع برله تعداد احتمالات
 و هر حال احتیاطی کند و لر پنه حسب حال بلدیلر پس چون بوقدر
 و قعه بجهه **قهر شاه** یدن خلاصه کفايت ایتمد و کنی اذعان و عجم دولی
 کند و لرندن اخد انتقامه وار قوی بازو یه کتو و جکنی فکر و اند پشنه
 و مقاومت عجز و قصور لر یی ملاحظه قلدریلر بعضیلر برای احتیاط
 ما جرایی هند پادشاهنه عرض واعلام وغیرت دینیه مقتضیا سجنه
 وقت حاجتند امداد و اعانتلر ینه حاضر و اماده اولاق رجاسنی مناسب
کور دیلر لکن میر مشاریه بوكونه ارایه راضی اولیوب پنه تقویه
 قلوب لری باینلر بوصورت اوزن بسط کلام ایلدری ای قوم اغوان الله
 متوكلا ایلوب خاطری کنی خوش طویل بزم نیت خالصه مزو ایلکن عنون
 جناب حق ایله مکنت عاجزانه مز برله بز عاجز لر و افضل تو ایلر ینه غالب
 و اوز زمیادی عزی نیزده طرف حقدن بزه میسر اولان سه وات ایزده

قرانیه ی قراءت و مضمونه موافق پند و نصیح ایله در ونلر ینه تقویه
 و یوردی ینه بعضیلر اطمینان و خاجان دره نلری مسکونت بولیوب
 بز جمله مز بحیم شاهله ینه خیانت اتمامک و اطاعت ملرندن بطریق ایله
 روکردن او لامق اوزن متعهد اولیش و بوعهد مزی ییں مز ایله
 تا **کید** ای اشز درحال بوجله ایکن انلر ایله مقاوله یه مباشر تزم شروع
 او لورمی دید کارند **میر کلام** مرقوم جوانه **بعم طائفة** سی حدی
 تجاوز ابدوب نچه زماندن برو عرضه و اهل و عیال مزه تعرض و حالا
 اوزریزه بکافر بی دین حامک نصب و بوجله دن اشمع جهار یار کن پنه
 شنم و دشمنی **یوزریزه** قارشون **قصد** از کاب و التزام ایلر بله عهد
 نامه مز شر و طنی تغیر و معاهد مزی نقص و فسخ ایلدر کلری جانبلرندن
 واقع اولد و غی مقرر در وانلر ایله قتال اوزریزه فرض عین اولمش در دیوبه
 علاء **مجاز** بوجله یه دار و یورد کلری فتاوی متریفه یی و بوندن اقدم
 علمای هند و علمای اوراء النهر جانبلرندن ندارک ایلدر وکی متعدد فتاوی
 ای راز ابدوب بومشکلمر یی دخی بوجمه اوزن حل ایلدر کد **اکثر** ینه
 خیرت الد و یروب جهاده میل و رغبت **قلدریلر** و راغب اولینلر دخی
 خواه ناخواه **تبعیت** **کوست** دیلر هزیت کردن میر اویس برای
 فتح قلعه قند هار غیری نه فید امور لر ینه مباشر لر او لوب او کار نکه کیدن
کور جی عسکر یی قرمق ایچون طاغلرده و او ملدہ ساکن طوایف
 بلوچه عجاله ادمیلر **کوند** درب محله رور و عبور لری محکم سد
 و بند ایلر و انلر کچو غی بلوچ و اغوان الارند اسیر و نلف ایلوب
کور جسته ایله سلامت ایله عودت ایلدر میم اقل قلیل او لدی میر

بومند قو بدر مع هذاكه دولت شاهان نا اهل اللرنك قالوب نچه زماندن
برو مشرف انه دام او ملشد راصفه اند اقامتم انسانند با جمله حلالريه
واقف او ملشد رجاله دولتري ايکي فرقه اولوب را ئي و تى بيرده بري
برينه ضد كامالر هر قرد نفسی نفسی دیوب مدام عيش عشرت ه شغل
ايدوب مهم دولت فراموش اپلشلدر نه اسباب سفره ونه نظام
ملکه صرف ذهن ايدن اهل بصير ثلري قالمشدر طرف حقدن دخني
كندولريه بلا باناز او ملقدن در مسقوند ايچي کاوب شروان واذر بايجان
لومنيلري عصيان ايدر دوب کور جستا دخني مسقونه تابع او اوب
هرات شاهي طهور بيله هجوم اعد اپله عظيم تزلل در بوکونه غاييه وارا بكن
اوز ريزه سفر امرو دستوار در او رسمه دخني ندارك تام مکن او ملپيوب عن
باهر ياور ريز اولوب ينه نصرت وظفر بزمدرن عوذ بالله مقاومته مکنت
او بندوني صورت زمه هند پادشاهنه تحصن والجاحاض ريز در
ولكن بدل وجوه اپله بابيلديکم مال و ملك غنميي بلا طايل اخر کالنه
وي رمك وزعيي قبول ايک روا دکار همت عالي ايدوب قند هاردن
يوم يه بعده راجع دورت و قيه التوفى و اطرا فدن حاصل اولان اموالي
كند و مزه امساك و سار مال غنائم اپله محتاجل ريزى اغنايه سعی ايلم
دي دوكنه جهله نك قلبته قوت حاصل ومن بعد فر يمه جهادی احیا يه
و اغبله اولوب بو بابه اتفاق و اتحا دو بر فر دن مخالفت صادر او ملماق
اوزن مصفف شرپه الا اوروب ييین غلبيظ ايله معاهده لري نا كيد
ايند بيله مير او يسي كندولريه سردار اتخاذ ايدوب صغير و كبيه بيعت
ایلدیلر مراسلات و مکاتبات از جان مير او بس بجانب شاه عجم چون

مير مرقوم وجه محرا وزن خلقه پندو صم اپله تقويه بولدر دى كندوسي ۲
دخي استقلال بولوب مقر حکومت قند هارده استقرار بولدي خدمعه
حربيه طريقلريه رعابت ايدوب حکيمانه وضع اپله مدارا و مروت
مهمتلري ني الدن قوميوب شاه طرفند اعتماد الدولته مصنوع مكتوب بلر
يازوب بلا تا خيرار ساله شتاب ايدى مضمونك بم مرونو عنديتلو
ولي نعمت افندم سلطانم حضرتلى كمترین بنه لري شهر اصفهان اقامتم
انسانند بواح قرليه خاکپايولي نعمي يه يوزلر سورمه اذن
شرپ ازانى بورلدو غني تقر يمه قند هار والپسي بورکي خانلخ احوالى
نفعون بورلوب سوه حرکى و عاقبت اول ملکته باعث فتنه اوله جنی
خاکپاي دولتارينه حقيمانه افاده او نهش ايدى احواله هذه بوعبد عاجز
قند هان وصول بولدو غم اشاده چوق يکميو ب طوابق غوان تجمع و بورکي
خانلخ طلم و جور مانه ايه سننه تحمل و طاقت کتور مدل کلن دن عاقبت
خدر عه اپله كند و سني قلعه دن طشره چقرو ب و ب محمله جمه سى هجوم بره
قتل اپلشلدر بعده بر تقر ب غرب ب اپله قلعه ي دخني الوب كندولري
ضبه ط اپلشلدر در بوعبد حقيز بکزى دخني بولوب بولدر ب چفتلکدن
کشان کشاز افتان و خيزان قند هان کتوري ب حير او كرها کندولر بنه حاكم
وسردار اتخاذ اپلشلدر در و شهد بلك بوردن عصيانه رئ ثابت او ملغله جمعیت
عظيمه لري وارد را تحقق بو بنه لري دولت شاهي ناش خيراند بشي و قول الغناء
 ثابت قدم ضد اقت پرور ب عيد ملوكى اولد و عمه ريب و استباوه بور لميوب
بو بله بروقت اختلاله کندولر بنه بزدادان ونا خوق شناسى باش بونغ
پيد زيو بوعبد احقر كي شاهك ضد افتکار بنه سني اوزرلر بنه حاكم

قصور قومیوب کند و سنه و افراشنا و احباب و خیرخواه پیدا باشند ۲۱
 پس انلر دن مقرب پادشاه و نافذ اکلام او لانلره مودت نامه ل تحری و
 و ساتطلربه و قعه مرقومه هند پادشاهنه عرض واعلام اولنق
 مناسب عد ابلدی و معتمد و قابل خطاب سو الله و جواهه قادر کند و سنه
 خیرخواه کسنله را به ارسال ابدوب هر بونه اقتضاسی لوزن حالت
 مناسب و شانه لایق هدایا دخی فرستاده قلدی مضمای مکاوب
 بوصورته افراغ اولنس ابدبکه ماجرا تفصیل شرح میان اونوب مفهوم مکر
 اولد قد بودخی معلوم مکزاوله که بزم اغونلرک بوا مرخطیره جسارت لرینه
 باعث و بادی مجرد پادشاهان اسلام میاندن هم جوانی اولان پادشاه
 علواشان پادشاه هند حضرت لرینه عنایت لرینه مغرو رادر و وقت حاجت
 غیرت دینیه مقتضای سبجه امداد و اعانت و حمایه و عیانت پا شاهانه لرینی
 اغونیان اوزر لرندن بی دریغ بیور ملری رجا و امیدیله در وعهد
 و اتفاقلری و قول و قرار و احکام لری بوكامبندی در که اکر عجم شاهی اوزریزه
 عسکر کوندر رسه اغور دینه بذل وجود ابدوب دین با هرمه محمدیه
 یولندن جهادی التزام ایدر ز روا فض بدنها دک تخت حکومتند اولمی
 من بعد قبول ایمیوب اهل اسلام مدن بر پادشاه ذی الاقتدار کزیر جناح
 جایه سنه التجا ایدوب کند و مزه مسند و ملجا ابدی نور ز و ملکی دخی
 دست تملکنه تسلیم ایدر ز دیون پنتر نه ثابت قد ملرو جمله سی یک دل و یک
 جهت لر در پس نو قع و تی اولنور که واقع حالی شوکملو و قدر تلو پادشاه
 اسلام پناه هند پادشاهی مر و تلو افندیز ک پیشکاهه مکارم دست کاهله رینه
 تعبیرات حسنه برله عرض واعلام بیون سز روا فض بید فعال بزرگ دن اخند

نصب ایلدکاری حالتینه قوت بخت دولتکردند رزیرابو فلاری او زر لرند
 اولد قله بو اختلا لله دفع و رفعه جان و دادن سعی ایدوب انشا الله
 تعالی حسن رأی و تدبیر تو سطیله هر مشکل اسان او لور و بوناره فتنه اب
 تدریج ابله اطفا و سکونت بولوب کافی الاول مملکت شاهی نظام ما هول مرام
 ایله انتظام بولور اکن بوصوی صورت اخیری ده خاکپای دولتکرده عرض
 و افاده ایدر لر ایسه وجود ویرلیه همان بوطرفلرک احوالی بوقاکزه
 تفویض اولنوب بر مدت اغماض العین ابله معامله بیور بله و تهور ایدوب
 خود بینلرک سوزله بوبه برفتنه اوزرینه عسکر کوندر لیه زیراجله سی
 ایا قده اولوب یا مقاومت سود اسپله قتاله جسارت ایدر لر و یا خود دو دوات
 طرفندن عسکر کرت اوزر کله جکن ایشدو ب مقاومتنه قدر تلری
 اولمدو غن حس ایدر لرسه الان بعضیه اینک اسانتندن جاری اولد و نی
 اوزن خوفه دوشوب سلام تلری ملاحظه سیله ملکیه هند پادشاهنه
 تسلیم ایدر لر اخلاقه تدریج و تائی و حزم و احتیاط بوعقده مشکل
 بند ک حلنده لازم و مهم اولمغله بوطرفلرک نظامی ب بعد عاجز لرینه تفویض
 بیور بیلوب اشارته جسارت اولند و نی اوزن بر مدت اهمال و امهال
 صورتنده ندریج و تائی اصولی قواعد نه رعایت اولنور سه عن حق بله
 و همتی همتا کزیرله غایت سهولت اوزن مقصود و مراد نه ایسه حصوله
 کاور مکاتبات و مراسلات عن جا ب میراویس بار جال پادشاه هند میر قوه
 اوته دن بوا غنیها و اسخینا دن فایت ابله مهمل هند و تجارت ابله مخصوص
 کار بانی کاور کید رعنقاونا مدار کسننه اولمغله هند د ولی رجایله با خصوص
 هند سرحد لرند اولان ولات ابله دوستلی اوزن معامله طریق لرند

انتقام سودا سیمه ایله مضه ایقه و یرسه صاحب چقمه لری مقتضای غیرت
دینیه ولازمه شان و شوکت پادشاهانه ل بدر علی ای وجه کان نمکت
حفظ و حراسته عدم مکننی ادرانک ابدوب طرف پادشاهانه بنه
تسایم ابدورز قدیمه نبرو کند و افندیلر یزد در در جال و اهالیسی با جمله
دین قرنداشلر یزد در انجق اول امر ده فتح مصالحه جانبلرندن واقع
اولوب صرف خزینه ایله عسکر تدارک و ارسالله عجله بیور مسونلر
شهد بیلک دعای خیر ایله حسن همت پادشاهانه لی و نظر و توجه کینا
اثارلری طرفزه مغضی امداد و اعانت اولوب انش الله تعالی دعای خیر لری
توسطیله اعدای دینه اجزانه مقدور یزد ایله غالب اولور زاغوانیان دخی
وحشی قوم اولوب ایکی عسکر زیره کار کار بعضی قصاطه و ریاحنایله
شاید که بعضیلری عجم طرفانیه میل ایله باعث فتنه او له منوال مسروح
او زن واقع حال هند پادشاهی رکابنے عرض اولند کنه مخطوطه اولوب
میر مر قرملک ادم لرینه کرکی کبی رعایت و اسکر میل حمله مطلوب لر بنه
موافق جوابیلریان بلوب عودت اولند پلر میر مشار ایله بوكونه مکاب
مدارات امیز لر بله جانینه خواب غفلت ایچون پستراحتی بسط و تهیید
اپدوب اول جانبه لر دن محفل الطهور مخطوطه برمد تا خیر و تبعید ایلمد کنه
مرتیب عسکر و تنظیم امور نمکنه صرف مقدور ابدوب ایکی جانبه میل
ورغبت کوسترنلر دز دخی و افر کسنه لری قتل واستیصال ایلدی سفر
عجم در قند هار و سر عسکری خسر و خان و محاصره قند هار برمد
حلو لند میر اویسک احوالی ساه و رجالة مقتی اوزن عیان و عصیان
وطغیانی روز روز از دید بولوکی غایان اویچق دفع ند بیر لرینه مباشر

اولوب

اول دیلو و بوایامه سابق الذکر اسرا بیل اوری نام مساق و ایچیسی دخی ۲۰
اصفهانه کلوب نامه سن تسایم ایلد کنه مضمونی مجرد مراسم دوستی
تجدید و احیایه مخصوص را ایوب الجینه لسانندن دخی نمکت دعا و اسنده
وارمنیلره پادشاه اولمک فکر و سود اسنده اولمدوکی معلوم و بعضی
ارمنیلره پادشاه نسلنندم دید و کی مطلق انلره تعظیم و رعایت و اکرامه
امتیاز بولمک ملاحظه سیله ایدوکی محقق او ایچق شاه و رجال مخطوطه
اولوب حد ند زیاده اسکر و ادای رسالت دن صکره نامه و یروب
مودت ایت در دبلر اول دخی از دره ان قلعه سنده وصول بولد کنه مردا و لش
دیومتو آرا اولوب بو غایله لری بالکلای امند فع او ایچق قند هار نسخیری
ایچون عسکر کوندر مکه قرار وید بله وارکان دولت لری شفاق و نفاق اود
پولنگله بومادده دخی کاه اتفاق و کاه اختلاف ارالری در کار اولوب انجامند
کور جیلر انتقام نه دینه کور جی عسکری مقدم اولور و کور جستان عسکر دن
خالی اویچق اول طرف دن دخی امنیت کلی حاصل اولور ملاحظه سیله
مقتول یورکی خانه قرنداشی او غلی خسر و خانی کور جستان
منسویله سیه سالار نصب و تعیین ابدوب با جمله کور جستان دن
ئدارکنه قادر اولدوکی کور جی عسکر بله قند هار فتح و نسخیریه
کوندر مکه قرار وید بله لکن چون رجال عجمک امور مهه مشور تلری
پلش و عشرت و مخاون جمعیت لری ادان اقدام می ناید ن عبارت بر کیفیت
اولمش اپدی بو حال ناهمو لری البته اختلاف لرینه بادی اولور دی بوندن
قطع نظر رجالک بر فرقه سی هر حالم کور جیلر ک علیه ند بولمک معتماد لری
اولوب فر قدم مرقومه بود فعه دخی خسر و خانک سیه سالار زیمه سعله رفیع

قلند یکند هندا آتیمیوب ۲۴ قلعت خسروخان کورجی عسکر پله قند هاری و قع
 اپلدوکی تقدیرده کورجیلره غرور حاصل اولوب اطاعت شاهینه ثابت
 الاقدام اولماز لد چه صغیری و کبیری ارادیله انجامند کورجی عسکرینک
 معینتلرینه اون اثی بیک قزلباش عسکری خم و احراق و عباس قولی بیک
 او زرل بنه باش بوغ تعیین و خسروخانه مصارف سفرای چون مطلوبی
 اولان ایکیوز بیک تو من اچه فرقه مخالفه نش سو قیله یا لکرا تمش بیک
 تو منه حصر و عباس قولی بیک عجمه باش بوغ و جمله یه ناظر و مصرف
 او اولوب بیک یوز پکرمی: ورت تاریخنده مشهد بولیله قندار سفر بنه عزم
 راه اپلدوکردن میراویس برای مقابله بالشکر خسروخان میر
 مر قوم عجم دولتی طرفندن قند هار نسخینه کورجیان و عجمیاندن مرکب
 لشکر و افره تدارک اولنوب صوب ما مور عزیت اوزن اولد قلربنی اسماع
 اپلدوکنند ویه متنانت و اس هکام قیدنده اولدی اکینلری بچدروب
 ایچرویه الدی و عجم عسکری کل جمکی یوللرده اون قوناق مقداری مسافه
 یردن بالحمله مخصوصاً درج و قلعه یه نقل و ساراوتلری اتشه ویردی
 دورت بش سنه مدت کفایت این جلکزاد و زخیره یی اپکی سنه ده بجع
 اپتاری اطراف و اکنافه یول اوزرنده اوالرده واقع قریلری صعب اطريق
 طاغاره چقدری سواری عسکرینک اکثرینی در بندله و کچدله تعیین
 اپلوب کندو بنه سه بالحمله پیاده و بر مقدار سواری عسکر پله قلعه یه
 قیانده عجم عسکری کچ کلکله میر مر قوم محاصره ده محتاج اولد وغی او از من
 کرکی کبی کور دی بعد زمان عجم عسکری اثنای خرب غل قائمه قریب وقتان
 چقه کاری کور دیلرکه قند هار اطراف جمله خراب کوی کندی قالمامش عجم
 عسکرینک

عسکرینک کتورد کاری ز خیره دخی قلت او زن اولوب وادی حیرت ده
 سر کر دان قالد بلزنه چان قلعه یی محاصره اپلوب جنکه مباشرت اپله
 بمحبور اولد بلز میر اویس ایسنه قزلباش عسکرینک کثیر تن که و رو ب
 وز خیره لری قلت او زن اپلدوکین بلوب طشره چقمه مناسب کور میوب
 قلعه دن جنک اپلدوی فراغت کردن لشکر بخ از محاصره قلعه فند هار
 و فرار کرد نش و انهزام شد نش قلعه متنانت او زن اولوب مدت مدد پلیع
 محاصره یه محتاج اپلدو غن عجم عسکری ادر اک اپلدو بجهت ما یوس اولد بلز
 و بوايامده ز خیره لری دوکنوب اطراف و اکناف دخی بیک پان خراب
 او تلری یا نش بولنوب ایام شتا دخی نقرب ایمکله عجم لرک احوالی دیکر
 کون اولدی نه طور مکه قدرت و نه عود ته مکنت حیز تصو را ولدی
 میان عسکرده ظهور فتنه و خسروخانه قصد هجوم مقر را ولیعو مشورت
 اپلوب قلعه نه خیری سودا سندن چارنا چار فراغت ایت بلز برای
 سلامت عجم عسکری بروی لدن عازم راه اولدی کورجی عسکری دخی
 اپکی بلوک اولوب بر بلوکی مهمات اپله اخیر بولدن کیدوب خسروخان
 دخی اثی بیک کز پان کورجی عسکر پله قفادار اولدی عسکره ناظر اولان
 عباس قولی بیک اختلافی کوروب قند هان هر ارو عجم عسکرینک حال
 دیکر کونندن نقیر و قطمه یرچا پچاق خبر و ردی میر اویس دخی بالحمله
 احوال عجمه و سلامتیله عودنلر بنه و سیله اتخاذ اپلند کاری طریق لرینه
 و نجائزه امید پله واقع رأی وند بیرنا صوابلر بنه واقع اویحوق فی الحال
 سواری عسکرینه خبر کوند روب یا شه جمع ایتدی و سکری یوز عدد ما یه
 دوه احضار و انلره اپک پشرا دم بند ردی وزنیق تعییر اولنور بر قاج عدد

طوب دوه لره تمیل و کند و بنسه عسکر ینه او کونه دوشوب بع
 عسکر ینه قفادن و صوله اقدام تام ایتدی سپه سالار عجمیان اولان
 خسرو خانه یشوب حمله و هجوم مسارت و جنک وجد الدله دلیرانه
 غیرت اپدوب عاقبت خسرو خان منهزم و مقتول و کورجیاندن بش
 یوز نفر مقداری چاپک فرار سلامت بولوب باقیلری جمله طعمه شمشیریز
 اولوب یانلرند موجود مهمات سفریلری تمام امیر اویس طرفندن اخذ
 و ضبط اولندی ایرمه سی کون قزلباش عسکری راهی اولدوغی یوله مبادرت
 اپدوب انلرک دخی باش و بو غلری او لماع غله بود راو دشمندن احتیاط
 اپدک جلک نظامی اولنیوب علی الغفله اوزرلرینه حمله و هجوم ایتدکارند
 بود راو مقاومت اقتدارلری بولناماع غله ایچلرندن برفه خلاص بولنیوب
 جله سی اغوانلر النه مقتول اولدبلر بعد اغرا لق اپله کیدن کورجی عسکر بی
 قعیمه متوجه اولدبلر لکن خسرو خان معارکه سندن سلامت بولان
 کورجیلر بونلر ملاق او لمش و ماجرادن خبر الماش بولناعله مو ما مکن
 مدافعه ندار سکنه او ملر بله اغوان عسکری او کارینی سد ایتمک
 قیدند ایکن السنور الماپوس فه واسجه جمله کورجیان یک دل و یک جهت
 سمل شمشیر اپدوب اغوانلر اوزرینه جمله قلدبلر اغوانلر ایکی شق اولوب
 بوطریق اپله کورجیلر یول بولوب میانلرندن چکوب کیتدبلر چون
 اغوانلر دخی بر قاج کون ایچن و قوع بولان و قایع تعب و زحمت و یروب
 کند ولرینه نوعا ضعف و همتلرینه فتو و عارض او لمش اپدی پس
 چانلری قومیه لم عنایت حقدن بوقدر یوز اقلیقی بزه نعمت عظمادو
 بونل شکرین بله لم دیوب کورجیانی تعقیبدن فارغ اولدبلر و سالم امساد

ومسرور

۲۲
 و مسرور قندهان رجعت و اموال غنا می جمع و نقل اپدوب تقسیم ایتدبلر
 غنیلر اولوب شنلکلر اپدبلر و بوندن صکره دخی میر اویسک و فانمه
 کافعه ایی یدی سنه مروزینه دکن هر سنه هجوم طرفندن قندهار تهییرینه
 عسکر تعیین و ارسال اولنوب با حکمت خدا قزلباش عسکری هربار
 مغلوب و منهزم کید رل دی وفات میر اویس بدی سنه مقداری زمان میو
 مشیر و نامدار مقر حکومت قندهار ده استقلال او زن قرارداده اولوب
 حسن رأی و ندبیر بله هجوم دوای کی بر قوی الامواز دشمن اپله مقاومت
 اقتدار حاصل اپلش اپدی بواشاده میر مرقوم شنای وجودی تعاقب
 امراض اپله متزلزل اولوب مشرف انهدام او ملعنه بالین اجله سرنهاده اولدی
 بوحالت ملات ما ری بالمله اغوانیانه حزن و کدر و یروب غایت اپله پریشان
 لخاطر اولدبلر پیره دانلری عیاده سنه ملات اپدوب امور ینه تو صیه
 و پند و نصیم نیازینه مداوم اولدبلر میر مرقوم ضعف درونلرینی مشاهد
 اپدی یکی ینه تقویه و تسليمه لرینه باعث نصیحتلر و امور جهور لری قوام
 و دوامنے بادی و صیحتلر اپل دی اولا امور پکزی جهاب حقه نفویض
 اپدوب طریق جهاد ده بذل مقدور تانیا هر حاله همتکزی عالی اپدوب
 جمله کز متفق یک لم و یک جسم اولوک من بعد روا فضه سرفرا و ایمیوب
 جان و باشکرا الله دفع مضر نلرند اجتمهاد اپدک هجوم دولتی ریحالی شقاقدن
 نمی و با جمله خلیق نفاقدن خالی او لمیوب دولتلری مشرف انهدام او ملشد
 انلرک کثر تندن و حشمت کاذبه لرندن سزه و حشمت و دهشت طاری
 او لمیه سز اتفاق قلب و اتحاد درون او زن حرکت ده اووب متوكلا علی الله
 اذله غالب اولوب اصفهانه دخی طفریاب او لو روسکر مقوله سی و صهیادن

صمکه وفات اپدوب دار بقایه انتقال اپلدی جلوس میر عبد الله درخت
 قند هار چون میر اویس وفات ایشی میرینه قرنداشی میر عبد الله مقر
 حکومت قند هار ده استه قرار دولدی و میر مرقوم بالطبع جنک و جدالی
 سومیوب راحت حضری تعب سفره ترجم اپدوب بر قاج ایام مرورندن
 صمکه اغوانلری پانه جمع و علی طریق المشورت بونه بسط مرام اپلدیکه
 هر بار جنک اپدوب بو بله قور قول وز جنلر چکمن مرادیز اوزن عجم اپله
 مصالحه اپدوب راحت وامنیت اوزن اولاق زه اولی دکلیده و شهد بکه
 حاله قرندا شمک و فانی تقریبیله بو مقصودی تھصیله سعی اپد جلک بو
 فر صندرو غالب احتمال بود رکه شاه بو بایله سوزیزی ردا تیمه پس و
 ادم کوندن لم شاه قند هار اولکه سئی توایع یول بله بزم واولاد واولادیز ک
 تصر فنای ایقا ومن بعد ارامزه قزل بامش قارشیوب نکالیف شاه قابی
 دخی اوزریزدن رفع اپدوب سنه ده شاهک خزینه سنه ولی دخی کند و مز
 تھصیل و تسلیم شرطیله بمقدار و معنده ل حقوق دیوانیه و یوب وجه
 مشروح اوزن شاه اپله صلح و صلاحه طالب اولسک مناسب و مثا دخی
 مامول اولنورکه بو صورثن صلحه قايل و راڑی اولور دپد کند اغوان
 طائفه سی میر مرقومک بو کونه کلامندن حظ ایتمیوب پنلر نانه اختلله
 بادی و میر مرقومک حقنای جمله نک محبی عدا و نه مه قلب واوب درونلری
 نفرت و بودت اوزن اول مغله بوز طوئدی رواضن المدن رهابولش اپکن
 ینه رعیتی قبولدن غیری بوزیزه قارشوجه ازیار کزنه ششم و کوزیزه قارش سو
 اهل و عیالزه دست درازلی و ادنا بهانه اپله بزم اپله معاهدی فی فسخ
 اپد جکلاری امر محقق اپکن صالحه نچه راڑی اوله لم دیو پنلر نانه چوق کفت
 و کو اولدی ومن بعد جهاده بذل مجھود اپله افشاء عز اپد جکلار ینه بزی

بول بله

بول بله عهد و می شاق اپلدیلر لکن میر عبد الله بو کونه عزیمنه مصر
 ۵۰ او لو باغ و نیاندن بعضیلرینی وعد و وعد اپله رأی وند بیزنه رغبت
 ایت در دوب طرف کیر لغنه میل ایت در مش اپدی و بو مضمونی متنه مکتوب
 یازوب بر معناد امیله حفیه شاهه ارسال اپلک او زن اپدی بیان احوال
 میر مسعود و قتل کردن میر عبد الله و جلوس شن درخت قند هار اول اشاده
 میر مسعود اون سکری اشنان بر زو سیده جوان بو لنبوب عو جه سی میر
 عبد الله هک تخت تزیه سنه اپدی زیرا پدری میر اویس وفات اپد که
 ذکور دن اوج اولاد ترک اپدوب بو نار ایچنکه مسعوده میل و شفقی غال
 اپدی و جله جنکاره پدر بله معابوله بوب جنکه استه معنادی کالد اپدی
 قرندا شنه سپارش و یانه چو یوب تربیه او لئنی و صبیت و ودیعه ایش
 اپدی بو اشاده مسعودی اغوانلر ما و قعدن ایقاظ اپدی بکل ایل و نهاد
 عوجه سی مجلس سلرینه مداومت اپدوب بو سره و اوقاف و لطفه جد و اهتمام
 اپلدی عاقبت بر کون یازیلان مکتوب الله کیر و ب مطالعه اپلدی بو سری
 کنم اپدوب مترصد فرست اولدی بر کون اراله بولوب قلیجن الله الدی
 عوجه سی میر عبد الله او یقوده اپکن قتل اپلدی دیار عجمت بعضی سر
 حد زند و قند هار ده دخی معتاد قدیلری بو بله درک شهرک میدانه
 نواقت تعبیر اولنور بیو کسل قوله بنا اپدرل راول قوله اوزر بنه اپکی کوس
 وضع اپدرل شاه طرفندن و یا غیریدن خلقه اعلام او یاعق بر امر هم
 واقع اولسده اول کو سلری ضرب ایدوب صد امی اشد لد و کی بوله جمله
 ناس اول میدانه جمع اولور لر پس مسعود عوجه سی قتل ایلد و کی بوله
 مکتوب لری الله الوب سرعت ایله نواقته چقدی کو سلری ضرب ایدوب
 جمله اغوان اول محله کلوب جمع اولدی میر مسعود دخی او قوری بازار دانش

اربابندن اولمغله نصیرت و فریضه جهاده دارنجه نجه ایات قرائیه و الجهاد
 حرفی و خلقی حدیث نبوی فی قراءت ابدوب فضیلت جهادی شرح
 و بیانندن صکره عم میر عبد الله قومنه خیانت ابدوب کندو ذوق
 و حکومتیه و قاج کون راحنی فکر پله بزی ینه روافضل الله ویرمک استرو
 دیوب میر عبد الله شاهه یازدونی مکتوبی اغوانلر ک الینه ویردی
 و صوت بلند ایله اکاه اولک که بن ای قتل ابلدم دبد که اغوانلر مکتوبی
 او قویوب مضمونی محمود ک تقریر پنه موافق بولنوب و فی الاصل محمود پدری
 زمانه واقع معارکه لر ک جمهه سنده موجود بولنوب ذاتنه شجیع و فارس
 وجله نک کند و سنه میل و محبی دخی در کار اولمغله محمود اون سکن
 یا شنده حاکم نصب اولنوب بجهله سی بیعت ابلدبلر و سنا یوک قرنداشنه
 قند هار والیسی تعیین ابلدبلر و جهه مسروح اوزن میر محمود دخت قند هارده
 استقرار بواجع شاهه مکتوب یاز مقده میر عبد الله ایله متفق اولانلری
 پکان یکان قتل ابلدی و عسکر نظامی قیده اون اولوب اول امرده جوار
 قند هارده واقع حضاری تعییر اونه و روافضل اغوانلر اوزر ینه سفر بندوب
 اتلری نه و غارت ایله مشغول اولدی طوابیف مرقوم شاهه احواله بینی
 عرض و افاده و استعداد ابلدبلر شاه طرفندن اهمال و مسامحة اولنوب
 فریدرسی اولماغله اخرا نمردخی اغوانلر تابع اولوب یک دل و یک
 جهت اولدبلر عجمک مشکلی برایکن ایکی اولدی افوانلر متفق اجناسی
 دخی ایکی ایکن اوچ اولدی سفر کردن عجم فی الدفعه الثانية برای
قطعه قلعه قند هار و سر عسکری صنی قولی خان و احوال فرزندش خان
 نوجوان چون اغوانیاندن اوچ طا بفه متفق الحال اولد و عی خبر دولت
 شاهی یه و اصل اولد که بوماده کند و لر پنه زیاده کدر ویوب مشورت

ایلدبلر

ایلدبلر اغوانلر علی حالت برمد دخی رک و اهمال اولنوب علاجلری
 گور بله و کی تقدیر جهه عاقبت دولت شاهیه برفتنه عظیمه و قوئنه باعث
 او اولر بونلر کندار کی گور بله دفع مضر بله ای امور مهادن در بای
 طریق کان گور ملاده در دیو قرار و دکارندن صکره کلیتلو عسکر تدارک
 او ازب صنی قولی خان سر عسکر تعیین اولنچ اوزن اتفاق ابلدبلر
 مرقوم صنی قولی خان مقدم اصلیه حاکم اولوب رجای دل تلر ینه
 امور دبله و کاراز موده معتمد و دان کسنه لری اپدی شاه حسین که نه
 رجایک ایکی فرقه او اوب اختلافی تقریبیله عزل اولنوب کندو
 خانه سنده کوشه وحدنه منزوی اولمش اپدی بود فعه سر عسکر لک
 تکلیف اویچ قبول ایتمدی بعد شاه حسین طرفندن صنی قولی خانک
 ایاغنه خلعت و عادت لری اوزن جواهرا ایله مر صع تاج کوندر بله
 سر عسکر لک منشوری یازلدي خان مرقوم یه قبولدن اجتناب
 و بوندن اقدم خصوص مز بون تعیین اولنان سر عسکر لر بواشک
 عهده سنده کلکه قادر اولمبلر زیر اسر عسکر لر امور لنه مستقل اولیوب
 او زر لر ینه ناظر نصب اولنچ سر عسکر لک مراد لری اوزن حرکت مانع بر امور
 ناص و ابد ر مطلق طوابیف عسکر سر عسکر لر خوف و رجاده اولمده
 جنک سند تنه تحمل ایز بوندن دخی استنبع بود رکه مادامکه دولت شاهی
 ایکی فرقه مختلفه در دشمنان اخذ انتقام بوجله حیز تصویر دکلر
 زیر ابصورت اولانلر ک جر و یاته اون اوزن او اوب غالب و مغایوب
 اولمی بکساند ر علی کلا الله تقدیرین فرقیتک بری خلافه بولنسمه
 کر کدر و بین دخی بوجذ متك عهده سنده کلم دبو عذر لر بیان اپدوب

سرعسرکر لکن آبایلدى ینه رجال دوات مشاون یه و غبت ابدوب
 بونخصوصی مکالمه دن خالی اولدبلر لکن کند و جنسازنده صنی قولی
 خاندن غیری بوا مرد شوارک عهان سندن کله جلک برکسنه بولنیوب
 مرقومی ارض او الزام قیدن اولدبلر التزام لری فاپد و ویدوب حیله
 طریقلرینه ذاھب اولدبلر مکر صنی قولی خانک اون بدهی یاشنده
 برو جوان او غلی وار ابدی جمله نک اتفاقیله او غلانه خانلوق و سرعسرکر لری
 ویرملک مناسب کورلدی تاکم بو طریقیله پدری او غل اونه اولان محبت
 مقتضیه اسنجه غیرته کلوب و سفره معاکیدوب امورینه نظارت ابدی فی الواقع
 جوان نورسین شاه جمیعه جانیند خلعت و مجهر تاج و خانلوق
 متشوری و سرعسرکر لری ھنوانیله مکرم او یعنی قبولنده مسارت ابدوب
 پدرینک یا غنه دوشی هزار و صد هزار رجا و نیازل پله پدرینک
 کوکان میل ایت در دوب سفره معاکینک او زن ارض ابلدی پس پدری صنی
 قولی خان انا موانکم او لا دکم غتنه لکم ایت قراییه مفهومی او زن فرزندینه
 اولان میل و مودت سو قیله مهمانن کورمکه مباشر اولوب انجامند
 معتادلری او زن شاه جمیعه طرفندن عالی ضیافت او لنوب مرصح تاج
 گیوب قلچ قوشانوب دو تیش ات ویربلوب و اول اته سوار او لوب شاه
 هنرلیدن اول کونل مکمل الایلر ابله قزویندن چقوب راه مشهد و هرات
 ابله عازم سفر قندھار اولدبلر صنی قولی خان او غل اونی امور سفره
 قطعات فارشد و میوب جملیه مباشرتی بالذات کند و سی التزام ایلش ابدی
 فی الحقيقة خان مرقوم مالک ایرانه نامور و جمله نک عند نک معتبر بر صاحب
 رائی وند پیار کسنه او لغله سرای شاهینه او غلی قلچ قوشانوب تاج
 و خلعت

و خلعت کیوب بونکونه اتفاقات شاهانه ابله ملتفت او لدو غندن نفم
 قزویندن و طراف و اکنافدن ذکور و نا اندن الابلری سیرینه بی حد و بی
 شهار خلاق جمع او لوب حاضر او لمشتر ابدی وجه محرا او زن صنی قولی خان
 واوغلی سرعسرکر نوجوان خان اون ایلک قزلباش عسکر ابله اصفهان دن
 چقوب مکتب او ساقلری دخی حاضر و ماده کی پاشر و کی پیر و کی میعن و کی
 میسر فریاد فغانلر و صوت بلند ابله دعال ایدرک چقوب کیتی بلر انها ام عسکر
 عجم وقتل شلن سرعسرکر صنی قولی خان و فرزندش نوجوان خان حضاری
 اغلوی عجم عسکر بمنک و رودی خبرن اشید یخک فی الحال میرجوده واقع حالی
 بلدروب اسنداد ایلر دیلر میرجود دخی قطعات و قوف ایتیوب امداد لرینه
 عسکر تیمیان ابدوب عجم عسکرینک استقبالنه میادوت ایتدیلر صنی قولی
 خان عسکر کروی متابه سندن او لغله عسکردن منک او لازدی او غلی
 ایسنه نوجوان او لغله او چیزو زنفر مقدار سواران فارسان ابله صید و شکار
 ایدرک عسکردن ایریلوب ایلر و دبولندی کیف مالتفق اغوانلر ک قره
 غولنه مصادفت ابدوب بلا تو قوف هجوم ایتدیلر طرفندن جنک
 وجدال اشتداد بولیحی خان نوجوان اغوانلر النه مقتول او لدی سایر
 معینن اولان قزلباشلر دخی هلاک او لوب بش ایلک فرار لری
 کوچیله قور تلوب صنی قولی خانه بونخبری ملات اثری بلدر دیلر استیاع
 ابلد و کی برله مد هوش ولا یعقل عسکر ک تریب و شنطی مهملسی فراموش
 و بومه لکه دن غفلت ابدوب در حال سل سیف ابله اغوانلر جانینه
 وصولک شتاب ابلدی عجم عسکری صنی قولی خانک کال غضب و تهور
 ابله عنان اختیاری المدن کیتی و فن کوروب سرعت ابله پیر او لد بلر

اغوانلرگ دخی میراسد الله نامندن بركسنه لری و افرعسکریله کاوب
 امد ادل پنه پنشدی ایکی عسکر ملاقی اویچق صقی قولی خان جبهه
 عسکرده بولنگله جله دن اول اغوانلرا یچنه اوغرا بوب جنکه اقدام ایلدی
 بازار کارکزار قمال رواج بو یچق صقی قولی خان قتل اولنوب عجم عسکری
 منهزم افراں بوز طوندی جزئی عسکر قور تلوب اکثری هلاک اولدیلر
 اسد الله مهماتی اخذ و جم اپدوب ولاینه نقل ایتدی اغوانلر بو بوز دن
 غنیلر و عظیم شاد و مسروبل اولدیلر من بعد اغوانیان قلب قوت بولوب
 بعملر کبختی اویچانه بركشته اویدی ند بیر رجال عجم بوای سفر در جانب
 اغوانیان و سر عسکری لطف علی خان و احوال جزیره بحرین بو خبر
 موحش عجم دولتیک سمعنه لاحق اویچق غایت ایله مکدر و پریشان
 اخاطر اولدیلر و من بعد بود در دلک علاجی ند بیر نه عاجز قال دیلر نه جان
 ینه مشاون بحالی قور بلو بند بیره باشد دیلر اغوانلری علی حالمه ترک
 آیمک دخی بطریقیله مناسب کور لمیوب وار فوئی بازویه کتو رمکله ینه
 کلپتی عسکر و برمد بسر عسکر تعیین او لفوق اوزن قرار وردیلر و اعتماد
 ال دوله نک انشته سی اطفی علی خانی جمله سی مناسب کور بوب مامور قلدیلر
 غسکر ندارک اولنوب مهمات سفریه کور بلو را بکن جزیره بحرین
 جانبندن فریاد جیلر کاوب جزیره مرقومه بی بر قایح سنه دن برو مسکت
 امامی عجم الندن بوب ضبط ایلد و کندن غیری بندر عباسه تعداد ری
 حدن بیرون او لمغله تقديم اهم الزمدر ملا حظه سیله خان مرقومک
 کور بلان ندارک ایله بحرین سفرینه عزیزی اولی در دیو بعضی رجال دولت
 بوراًی وند بیره ذا هب او لمغله بنه ایار شفاق میان رجاله طهون کاوب

مصلحه تیک

مصلحه تیک فوئنه باعث اولدی و جزیره بحرین بصره دن اشاغه بحر
 ۳۸
 فارسک ساحل غربی سهندن ساحله قرب بخراج در مرواره برسیل اولوب
 و قره ده دخی بر قایح ناجیه تو ایجیر لری اولوب بوجانبه سفر قندهان
 سفر دن اسهول کور بلو قرب مسافه ده بولنگله اکثری رجال بحرین سفری
 تقدیمی ترجیح اپتدیلر اسنداد عجم از دنیای پور تقال لکن جزیره مرقومه یه
 عجم دولتیک عسکر و مهمات نقل ایتدن جلی سفینه لری اولمیوب دیو
 جزیره سنه ادام کون در بوب پور تقال کفره سندن اجرت ایله سفینه لر
 طلب اپتدیلر پور تقال دخی شاه عباس زمانندن شاھ سینه کاچه هجم
 شاهلری طرفندن بزه ویر بله کامد وی صریحی و بزوب ایلدیغکن تقدیر ده
 نه مقدار سفینه است رسکر ویر زد بوجواب ایلدکلر نه ایچی مرقومک
 بوز بایله رخصی بولنگله در عهد ایلدی و فی الحال سفینه لری حاضر
 و اماده قلنوب یوله روانه اولدیلر قرق اللی بیک مقداری قزل بیاش
 عسکری دخی صوب مامور لپنه روانه اولدیلر بندر عباس قربنده
 ساحل بحره و صوللر نه پور تقال سفینه لری دخی کاوب او محله پنشدیلر
 جزیره بحرینه مرور مراد ایلدکلر نه سفینه لر او زرینه باش بون اولان
 قیودان وعد اولنیان اچه نک کلدو غن خبر الدوکی بله سفینه لر بی ایار غمه
 اپدوب کسنه بی سفینه لر المدی اطفی علی خان دخی یوله روانه اولد و غی
 بوله خلافنده اولان فرقه فرجه بولوب شاه بحرین ایچون بو قدر اچه نی
 پور تقاله ویر مک مناسب دکادر بواچه بوندن اهم برمهمه صرف
 اولنسه اولی در و بونه برمقدار بی مسکت امامنه ویر دیکمز تقدیر ده
 جزیره بی طرفه و داپدوب بجه داصلح و صلاح دخی عقد اولنور مثلاو

ایلد کارنک مرقومه بغرض وکین وعد او تلری قات آندرقات اولدی
 وستاھه واروب اطیع علی خاندن شکاپتلر و اظهار ظبلر ایلدیلر خان
 مرقوم ما موراولدوکی جانبه کئیوب ولایت خراب ایدر ک شیرازه بوکونه
 حشمت، تھور ایله کار و غی دماغند، فساد اولد و غنمه علامت در دیدیلر لکن
 شاه بود فعه مرقوم لرک سوزل ینه التفات ایتمیوب اغوانلرہ غال
 کار دیغندن غایت ایله شاد و مسرور اولد و غندن اطیع علی خانک
 هرند کار جرمی، ارایسده عفو ایلدم دی وجوابه، یو مکله مسغور لری
 اسکات ایلدی بیان احوال اعتماد الدوکه قیخ علی خان و تزویرات رجال
 عجم در خوش اطیع علی خانک خلا و فکیر لری شاهک بوکونه مودت امیز
 کلام ایشیدی جلک نار حسد لری تھور سینه پر کینلرند اشتعال بولوب
 اتش غرض ایله یادوب یا قلوب هلاک اوله یاز دیلر نه چان ینه بوکروه مرد
 بیز، تجمع و مقدمة ضمای بدنها دلری اوزن مشورت و اطیع علی خانک علیونه
 باش و جانلر ایله حیله ندیم لر نک و ارمقدور لرین صرف ایدوب اطیع
 علی خان حال اعتماد الدوکه انشته سی و مخصوص چراغ افره خته سی
 و اعتماد الدوکه دخ شاهک نظر کرده سی و هندی اولوب خان مرقومه
 سر عسکر لک ایقا و لوب بر دفعه دخ اغوانلرہ غال اوله جلک اولور سه
 شاهک کایتیله میل و محبی و نلرک جانبه نه منعطف اولوب بولنلر بزه غال
 و سوزلری حفمزده نافذ اولوب مضر تلری محقق اولور مثلا سوزلر ایله
 بی بیل ینی تھریص و تحریک ایدر ک حیله بوللر نک و تازابت دیلر عاقبت
 حیله و تزویر ایله بوماده لری تشبیتی طول و درازد شوارحل مشکل
 الفصل، رصورت افراغ ایلدیلر چون بوانناده شاه حسین دخی با جمله
 رجالیله اصفهان شما ایلسند اون ایکی قوناق مسافده واقع طهران شهر نک

سوزل ایله ایچنک دخی ویرمه سی منع او نش ایدی پور تقال قیود ای
 ایچنک کلدوکن تحقیق ایلد و کی برله کیلرینی یملکن اید و ب دیده و دت
 ایلدی قز ایماش عسکری خاپ و خاصم بقمه قاولدیلر امدن میر محمود بکر مان
 و محاصره و سخیر کردن کرمان و جنک کردن بالشکر اطیع علی خان و انهر زام
 میر محمود و فرارش در قندھار بوار القد میر محمود کرمانه کاوب محاصره ایله
 کرمان شهر بی و قلعه سنی الدی عجم عسکرینک فی الاصل مقصودی
 بوایدی که بحرین فتحی میسر اولد قله کرمانه کیلر و اندن کرکی کی ندارک ایله
 قندھار وان لر چون میر محمود کرمانی الدوکی خبر سر عسکر اطیع علی
 خانک معلومی اولدی عجم عسکر ایله مرعت ایدوب کرمانه و اصل اولدی
 عجم عسکری و فرت او زن بولنگله اغوانلر ایله عظیم جنک ایلدیل، عاقبت
 خالب اولوب کرمانی الدیلر محمود دخی منهزم اولوب قندھار جانبه فرار
 ایلدی ففاق رجال عجم در حق اطیع علی خان چون بون خصوصی اطیع علی
 خان شاه دولتنه عرض ایدوب و عسکر علوفه و ذخیره طلب ایلدی
 اطیع علی خانک خلا فند اولوب حسد ایدنلری شاهی اغفال ایدوب میر
 محمود ننان غنایم و اول طرف ده ندارک او نان ذخیره کفایت ایدردی و
 شاهی ایچه و رمند منع ایلدیلر اطیع علی خانه کیفیت احوال معلوم
 او پیغام رجاینک کرمانند شیرازه کلبه هر نقدر ما کانه و چفتا کلاری
 بولن دیسنه جله سنی غارت ایش دروب ذخیره لیز عسکره توجیه ایلدی
 و بوا دوک دوه و سایر حیواناتی اخذ ایدوب خلا فند اولانلر و رنگاء عسکر ک
 اعلوفه لبی و بخششلر بی دخی ندارک ایدوب توزیع ایلدی بعد عسکری
 اولوب شیم ازه روانه اولدی شیراز شهری اصفهانند اون ایکی قوناق
 مسافده اولوب عجم رجالی اصفهان لطیع علی خانک بوکونه حرکتی اینماع

مکث واقامت اوزن ایدوب رو فرقه ضیلات طریق محل و مقامه مناسبه
 حیله نصیم ایدوب مهلا باشی و حکیم باشی و ساده طلر باله ذشته بوسیان
 اوزن مباشر اولدبلر اولا سوءه قصد لر بنی اعتماد الدوله تاییا انشته سی
 و جراغ افروخته سی اولان لطفی علی خالک حقدن اجرایه قرار و یدبلر
 مهلا باشی و حکیم باشی ایسه اندروز سرای شاهیدن معدود مقر بلدن
 اولنله حضور شاهی یه وارم لر بنه عاد تامانع و مزاجم اولمیوب برکون
 ایکی سیم پیش کاه شاهیدن لر بنی چقاروب فریاد و فغانه باشد بلر
 و اعتماد الدوله طرفندن حدود عثمانیه قریب محلن ساکن اکراد
 بکلر بنه باز لاش بر قطعه مکتوب شاهک الله صوند بلر مضمونه اوتهدن
 برو بیزده معهود و مکتوم اولوب فر صته مترصد اولدوغز خصوصی
 حصولی روزا اولدی همان عحاله اوج یک اندلو تدارک ایدوب بران اول
 طهران عزیت و وقت ایلان شاهک سرایه سرعت ایدوب جمله عالم پسته
 راحتند و شاه و توابع خواب غفلتکه ایکن سرایه هجوم و دخول و شاعی
 اخذده صرف همت ایده سز دیو تحریر او نیش ایدی مضمون مکتوب
 شاهک مفهومی اویحه مبهوت و متعیوساده دل اولدوغنده حیله
 اخنالی فکر زدن غافل نه ایده جل و ند پیه جکی بلدی بنه مرقومان کار
 کزار بازار حیله یه ره اج و رمده جد و اهتمام ایله کوردکی شاهم معنده ک
 اولان اعتماد ار لاه سکانه رنده خیانته جسارت ایلدی لطفی علی خالک
 بونجده عسکریله شیرازده جعییتی محمد بونک را پیله در مرادی مطلق سزی
 کور دله اخذ ایده دوب کندوسی دخی شیرازدن عسکر بله عحاله کلوب
 اصفهانی خبیط و تسلیطه درو بونک قیدی کور لرکه عجله بیور مکزاهم
 مه امدند ر مکتوب ک حیله یه اخنالی عدم امکانه دوزیر اعتماد الدوله نه

کند و مهریله اولدوغن مشهود بکزدر فی الواقع دفت ایله مکتوب ک مهری
 شاهک منظوری اولد قلع اعضا الدوله نک مهری اولدوغن لاش مشهود اویحه
 شاهک اعتماد کلوب در عقب فوریجی باشی یی احصار و اعتماد الدوله نک
 سرمه قتو عن حضور شاهی یک تور مکث اوزن فرمان ایلدی قلعه کردن
 دیک کان اعتماد الدوله بتفاق رجال عجم بنه مفسدان مرقومان رجا
 طریق نه سلوکیله بناء تزویل بنه استحکام و دروغی فروغی کشف
 اولماق ایچون برقات لباس حیله دخی الباس ایدوب شاهم تهوریله قتل
 اولاسون باری کوزل زین چقار موق ایله اکتفا اولاسون دیو نیاز مند
 اولدبلر و بولیله اولاسه دولتک دخی کند و سندن سوئی لازم نچه امور
 معطل و بونجده مال و منال و جوهری ضایع اولمازدیو دلیل چکد بلر
 و بوا شناده هر چند که شاه اعتماد الدولی جیس و یاخود حضور بنه
 کتور مکث مراد ایلدی مرقومان دامن غیتی در میان ایدوب شاهی منع
 و عاقبت ایکی دیک لزین چقار دوب بوجال ایله جصر ایتدیلر مناه بوجالت
 غریبه طهور زن کیتدر کچه فکر و اندیشد بحرینه طالدی کامنار غصب
 و تهوریله یاندی یا قلدری کاه خط اویلک احتمالی خاطرینه خطوریله
 ندامت چکدی و بولیله برجرب الاطوار صادق قولندن بونک خیانت
 صدوری حیزام کانگیدرد بوملا خطه بیواردی مکدر الحال و مضری
 الا حوال اکل و شرب و خوابی ترک بدو اول کیجه کند و سن محافظه ایده دی
 و بوعجیمه تفکر بله بجهد قالدی عاقبت عجله ایلد و کنه پشیان اولوب
 مهلا باشی و حکیم باشی یی احضا و سز بنی بوماده ده غالبا خطای سوق
 ایده بکز و بونک حقیقته واقف اولق اقصای مراد مدر اعتماد الدوله
 کوزل بنه نیار اولاسون دیو محکم تنبیه ایلدی احصار شدن

احضار شدن لطفی علی خان ارشیار از وحدت شدنش در شهر اصفهان
 بواسناده شیراز حاکم نهاده قیامی می باشد لطفی علی خانی اخذ و قید
 و نند ایله اصفهانه کوئندر ملک اوزن تنبیه اولندی شیراز حاکمی مضمون امری
 عمله کتور ملک طربقله بین تفکر ابدوب برگون لطفی علی خانی اور دوسته دن
 خانه سنه دعوت و گند و سنه بر عالی ضیافت ترتیب ابدوب اثنای
 صحبتک بر مقدار خلوت و مجلسی اغیار دن تهی قلوب شاهدند لطفی علی
 خانی حقنه صادر او لان امری الله ویدی خان مرقوم مضمون امره واقف
 او بحق قطعاً مختلف سهمن کو ستر میوب عادلی اوزن ایکی اللرین بری بری
 اوزر یه و وضع و سمعنا و طعناد بیوب امر شاهه تسلیم اولدی بومنو اوزن
 اصفهانه ارسال اولنوب محبوس قلمندی دیوان کردن شاه و مراجعته
 شدن خصماً با اعتماد الدوله بوايامه اعتماد الدوله نهاد خلافکاری فرصت
 یا بدل اولدی قله اعتماد الدوله حقنه نفاق و نیمه و ا نوع حیل و تزییه ایله شاه
 حضور نهاده مالینه فروع و تقویه ویرمه دن خالی اولد بدلر ایکن شاهه
 بوماده شبهه عارض اولوب غرض فاسد ابد و کنه بر مقدار میل
 و یوش ابدی اولاً جلد حزم و احتیاط و بوماده نهاد حقیقته بعد
 حراب الکوفه واقف اولمی ایچون غلبه دیوان اولسون و هر قرد ابد و کنه
 و کورد و غنی حضور شاهه اعتماد الدوله نهاده سند ایراد ابلسون دیو
 تنبیه ایلدی چون اعتماد الدوله نهاد قلع اولنان دبله جهاندیدلر بند
 یاره لری بر مقدار ابوجه اولمش ایدی برد بوان عظیم قوریلوب ایلک دنی
 احضاری مراد اولنوب خصماً سیله روی و حضور شاهه ایلیه مراجعته
 اوللری فرمان اولندی شاه دنی دقت و اهتمام ایدوب ندریج و تازی اوزن
 طرفینک

۱۰۰۰
 ۱۰۰۱ اوزن طرفینک سوال و جوابی فهم وادر اک ایده رکیم بصیرت
 ایله بود عوایی استنجه ایلک مراد ایلدی دیوان قوریلوب جله و جال
 و ایمان وار باب دیوان جمع اولد قله اعتماد الدوله نهاد دنی کوزلین
 بغلیلوب کشان کشان حضور شاهه دیوانه کتورو بروکو شده
 او تور نهاد بدل چون مجلس دیولنلری حاضر و اماده اولدی شاه جمیع
 فرمان ابدوب اعتماد الدوله فتح علی خان حقنه ه فرد بلد و کنه حضور
 شاهه دیع مرقومک مواجهه سنه سو بله و سندی نایسه ایراز اید
 و اعتماد الدوله دنی قدرتی مرئیه سی مدافعته و حقنه ارادا اولنان مواده
 علی الانفراد جوابی وار ایسه سو بله دیو فرمان صادر اولدی و مهاد بدلر ندا
 و بود بوان و دعوایه اذن، امام و رخصت نام و ولدی فعلی هذ امنا طریه
 اعاز اولنه دیو شاهدند خطاب صادر او بحق تلمیس ابلس نهاد قزل باشک
 بری فی الحال ایاغه قالقوب میدان تزویده کرند غیرت ایله قام و بوكونه
 کفتان اغاز قلدی اولاً اعتماد الدوله نهاد اغزندن اشدوب معتمد و معتبر
 کسنه دن بوله اشاع ایلدم که اعتماد الدوله برگون شاه حسینک پدری
 متوفی شاه سلیمانیه صور تازیار نه واروب قبری اوزن طوروب شنی
 غلیظ ایله خطاب وای شاه سلیمان شیری حلالک نجده در بنم پدری
 بی کنه اه قتل ایلدکین دنی او غلای شاه حسینی عن قریب پدرم انتقامی
 ایچون قتل ایتد رمکه صرف مقد و را بدرم دیش نانیا بو غرضی اجرنا
 ایچون اکرا بکلر بنه یازد و کی مکتوب کیجه کوندز جیهند محفوظ
 و کند و سنه مخصوص مهربله بور در بونک ساخته اولمی حنایی و امکانی
 دنی و قدر ثالثاً دلتهد از مهمه مشور نلری اقتضه ایلد کیم گند و

داره سنه اولان طرفکير به مشورت و انلر ايله مذاكره و مکالمه و انلر رئي و ندبير به معاشرت ايد و ب شاهمزك داره سنه اولان رجال دولتني مشورت اد خالا يمیوب دانشیمیوب قطعاً مور دولته فارسند میوب حجر و شجر مقوله سی شاهمزك داره سی رجال و خدامتی تحقیر و تذليل دلخالی او ملدی رابعاً تمام ايران زمینه داره دولت شاهین واقع مالک اهله ب مرتبه طرفنه جذب و بنده اپاش که شاهمزك بر خصوص ایجون و قی قی خطي و فرمانی اول دیان وارسه اهالی سی اعتبار ایمیوب اعتماد الدوله تعیینه یعنی مکتبه رغبت و اعتبار و مضمونه عمل ابدار خامساً کند و قیزاری و اغولاری قیزلر یعنی شاه دولتند صاحب شان زام اپلدوکی دماغنه اولان فساد بی و قتنه اج ایه تحصیل مکنت ایجون در مادساً اعتداد الدوله سی من هیدرازک طایپدر ندمیندر و حالاً طایپه مرقومه نای عصیان و طغیانی اعتداد الدوله رای وندبیر به دو دید کن بود روغه فروغ و یملک ایجون هریله مهور بر قطعه مکتبه ابراز ايد و ب سرکه لازکی بکلری سرخوف و اندیشه ده او ملیوب همان شرواندن حرکت و روان قلعه سنه کانجه واقع یزدی اند و ضبطه مبادرت اید سز بنم قرنداشم او غلی روانه خاندز ب خصوص کند و سنه افاده اولنش ایاض العین اید و ب اوزریکزه عسکر کوندر میه دیو تنبیه او لنش مضمون مکنوب بوسیاق اوزن تحریر اولنش ایدی سایعاً قرنداشی او غلاری هنوز صغیر و نارسیده او غلبه قلر ایکن انلر خانلاق و یروب در سرحد ده والی نصب ابلدی ثامنه ایشنه سی اطیعه علی هانی مسکت

ایمامی

۲۲
 لمامی او زرینه سرمه کر نصب اید و ب مجده عسکر ایداره اولنش و پور تعالی دن سفینه لکاوب بحرینه نقل ایله تحملی صی حد امکانه اولش ایکن نه بحرینه کچدی و نه کرماندن اغوانلری تعقب اید و ب قندهان کندی نلاف خزینه دن غیری مملکت شاهی بی نوب و غارت اید و ب خراب ابلدی و کندی طرفکير لری اولانلر کچتمکلر بی صیانه اید و ب شاه داره سنه اولانلر ک اموال و ارزاق لرینه تعرض ابلدی بوندن ظاهر اولان بود رکه برجانبدن مسکت امامی برجانبدن لزک و برجانبدن اغوان مالک شاهی بی اعتداد الدوله رایله استیلا اید و ب کند و سی تمشیت مافی اضیه رینه فرصت یاب و انلر ایله متفق و مخد اوله تاسعاً اعتداد الدوله بکونه افراط اوزن کند و بیه مخصوص خزینه جمعنه باعث و حالابو باید کمال اهتمام و حصنه بادی بیه در ایان انواع جواهر والتون کشلات و اوان و ذی قیم اسباب و اشیا و امتعه بی حساب دن فیرو طقوز یه زیک تو مانی مجاوز نقود خزینه سنه مونه موج دنو دید کن مواد مرقومه اعتداد الدوله لنه که موافقه سنه تقریر و قلمه لند کن شاه اعتداد الدوله به خطاب اید و بونله دارج و ایسنه سند دخن فراد افراد ایمان ایله سکاذن شاهنم در کار در اسیده لم واقع میدن بلهم دید کن اعتداد الدوله قیام اید و ب تهیید کلام ایله بکونه تقریره اغاز ابلدی بیم شاه جمیا هم مر جت کمه فندم سلطانم خ نملری چون ارادت شاهانه لری واقع حاله اطلاع تحصیل و حقه با طلی بلنه علم حاصل ه فرنگ هان و حسن و قحنی ظاهر و اسکار ایوب معلوم علم عالم رازی بیه دلو ایجون و قرللریتی سو به نمکه تعلق ابلدی نچون دیله

جهان پننلر بیی چقار مزدن اول بیی سو پلندیکزاده ادای بد خواهیم دیک
 اکاذیب و راجیف و تزویرات صریحه لینه بوندن بویله و قوف حاصل
 ایلدیغکز بو قوللرینه نه فانه یعنی ویر بور سو ایلغله زنده اول مقدن
 شهشیر شاهیدن قتل اتفاق بکانسیت اولی و ارزوی دل و دروغندو
 باعث حقارتم محمد شاهمه اولان صداقت و استقامه در بور بیده سویلن
 سوزل با جمله کذب صریحه لیله و بهتاره افای و قدردن عبارتندو
 بیانه شروع ایلسیم حیله لری عیان و خدمات شاهیدن طار بیو استقامه دن
 زن مقداری عدم اخراج فایان اولموق مرد رخیق خون بود رکه شاهم
 واقف قضیه اویحق ندامت المنه کرفتار او ملق ایله معذب و رنجیده
 خاطر اوله سز و بوندن کزی دخی قتلدن کف بد ابدوب بوحال
 ملامت استهال او زن بیی حیاتانه قویه سز دیو کفتار ملاحت اثار سسطانه
 ایکن مواده متعلق جوابک وارایسه ایی کون لم دیو شاه جانیدن
 هتبا امیز خطاب صادر او مغله اعتماد الدوله بیان کذب مواده عطف
 لسان ابلدی احوال عن جانب اعتماد الدوله جواب اول شاه سلیمان
 قبری مادده سنه دار شاهم دولت شاهیدن اعتماد الدوله اولانلر
 فیارت قبور مراد ابلد کارنده معتماد قدیم او زن با جمله قیو خلقه ایله
 معا کیدوب زیارت ایده کلشلر در بو قولکز ایسه زیارتنه وارد کرده
 قیو خلقه دن غیری نجه و جمال دولت و علم و صاححا معیتمل بله
 گیتندیکم جمله یه معلوم قبره قارشو شم امیز کلام ناشایسته می نخون و
 شخصه دن غیری کسنه اشتمدی و ادل دخی شقاوی سبیله بوندن اقدم
 تاً دیب و قیو مدن قو و لش اولوب بویله برشقی مفسد کخ بر واحدی

اعماد

اعتماده سز اسند او لورمی انصاف بیور بله حضور شاهیدن بر قاج دکنه ک
 ایله تحویف بیور لسون در حال سکنی و کیمک تحریک و اغواسی
 اول دو غی غایان او لور جواب شنی بتم مهرم ایله شاهمه خلافه اولان
 مکته و بسما خته درز بر اعلو مذدر که بر پنجه زماندن برو دل تیزده پیدا
 اولان ساخته حیلر فرمان و مکته و بسما دخی یا دوب تقیید ابدول
 و پچه لری قل ای اندوب بالکلیه استیصال ممکن اول ملدی و تدیک التوتنه
 تقیید ابدوب حضور بکزه کتو راد و کی قتل شخیص و تیزده عاجز
 قالمش ابدک بتم مهریه تقیید لری خوش بوندن اس هم در یازی بتم
 دکادر معلوم د در بوندن قطع نظر مکتبه یا زلش که تاریخ مکتبه بک
 ای رتسی کوئی کیجیه سی او ج یک دم ایک دکاوب شاهمه سرایی بصفه سز
 حدود عثمانیه جوارنده ساکن اکرا دیکلری هرنه مرتبه ده سرعت و بجهله
 ایلسه لارون بش کونه طه انه کلری حدام کانه دکادر و شاهک
 سرایی بصفه او ج بیک ادمه ایشی دکادر و بن دخی بونلر دن خبیو
 اولوب ندارک اوزن او ملق کرک ایدم مع هذا که اول کون قوریجی
 یا مشینه کبی اخذ ابلد و کی کون اولوب بر در بوندار که اول مدم و حمده دن
 طشره چق هدم العیاذ بالله بنده بوم لمعنت او لش او لسه وعد دل ریک
 ادع اسنه کون انشتم لطفی علی خانیله بوسه ادده یلک دل بونلش
 او لسم خان مر قوم بونجه مهیا حسکر بله قرب و جوار اصفهانه حاضر
 ایکن اکرا ده مراجعت نه لازم ایدی حقیقتی بلک مراد بکز ایسه مکتبه
 سزه و بوندن سوال او لنسون کمیدن المش و نه طریقله الله کیممش
 دخیش بیور لسون غور ینه بو طریقله و افق او لور سکر بعد واقع حال

یلذوب مکر اعتماد الدوّله برگون کیفه مغلوب ایکن خلافت اولانلر کو
 تحریکی و بربلخ اچجو یو میلیله مقرب و محروم اولان خدمتکارلر ینک
 یوی مهربنی قویمند چقاروب یا بکی بیاض کاغذ مهربنیوب اللرینه
 ویرمش لاحقه خنی اویلیه که عجم دولتند قانون قدیم او زن اعتماد الدوّله
 بولانلر با جمله امورده مستقلار اویلیوب کندولر ینه مفوض اولان
 داره دولتلرند واقع مالک اهالیسند اموری و دعوا وزاعملر ینک
 فصل یت ای وساز مملکت اموری نهه وارای سه بونلره سپارش اویلذوب
 امور مسازدیه وضع بدل میزلر مک که شاه طرفندن کندولر ینه اول
 ایشلر کو رله سی تنبیه اویلنه سفر لاموری یا چیلر ک خصوصی
 س عسکر لر ک عزل و نصیبی فطع حدود احوالی و بونلر ک مثال اموری
 بالذات شاهلر کوروب را بدلر یه موقوف در و اوت دن بورس قدمیلری
 بوایکن بعضی شاهلر کند و ذه و راحتلری قیدنها اولوب با جمله اموری
 اعتماد الدوّله اولانم سپارش اپلک دخی واقع و ملغی شاه حسین دخی
 بوتاره قیاس ایله با جمله امورده ای اعتماد الدوّله سنه سپارش ابدوب
 کند و سی ذمیق و راحتمه مشغول اویلش ابدی و فی الواقع اعتماد الدوّله
 شاهلک صادق بند سی و هر حال خیر خواه دوئی اولوب با جمله
 امورند اعتماد سز ای مرد کامل ابدی بناء علی هذا جواب ثالث تقریبینه
 بویوزدن شروع اپلک شاهم کند و یه مخصوص اموری بندلر ینه
 سپارش اپلک و کی زیاندن بره شاهلک داره سنه اولان رجال و خدام و
 مقربان حسدو عداوت ایدب امور دولتی کند و مه مخصوص معتمد لیم
 ایکلرین اکریه محتاج اویلش ایدم شاه داره سنه اولانلری هرچند که امور

۴۴
 مهمه مذکوره سنه ادخل ایش اویلدم هر حال بکار عما حش رای و تدبیری
 قبول ایمیوب دولتند فاپلک و ضرور بی ارامیوب کندولری نفس ایست
 ایله قضايانک عکسی ظهورینه جدو اهتمام ایدر لر دی و بوجله شاهمه
 معلوم دردیوب نچه مواد بیان اپلک جواب رابع مالک شاهیدن
 برعملکت شاهلک رقی یعنی فرمائی وارد قلعه ضمیمه که عالم اهتمام او لئیوب
 خلق لک امر شاهی بی یوینه که تو مرکن نکاسی و تهاده جسار نثارینه
 سبب و بقیه مکتوبه ارد قلعه بلاغات و بوانه مراد اولنما خصوصی
 توشیته جان و باشیله اقد اهرو هنر اپلک کار ینه باعث بود رکه طرفدن
 وارن مکتوبه ضمیمه که عالم اهمال و مساحه المد کاری حینه عتمد مان
 شفاعت و عذر و علت و هدایا ور شوت بدر او قیویل او لئیوب امریکه
 مخالف بولند قلرنده لامله قتل او بحقیله بی یقینا بلووب و بطریقیله
 نجات بولیمه جقلار بینی ادر اک و اذ عان اپلک شاهلک داره سند
 او لانلر ایسه هر بری علی حاله بر شاهد رفع و ضر عالم و شان و ناموس
 دولتنه اید و کنی فوم ایمیوب و ارامیوب مجرد ایند و فا امده لری طمعیله
 بوئون شاهدن برمهم ایچون صادر اولان امره یارین مخالف امر اصدار بله
 کندولرندن خوف رفع و زایل و شاهی باطل و عاطل لکن ظاهرده
 مصنوع و صور تام زین اکاذیب و ارجیف کفتارل بله خطوا و غلطه سوق
 ایدر لر دی جواب خامس شاهم اعتماد الدوّله قیزلر بینی صاحب نام
 و شان خانلره تزویج اپلک دید کلری واقع حال درز یار شاهم که ایام
 دولتلرند قیزلری همکفاری اویلیان ناجنس فرمایه لر ویرملک ر دامیدر
 بوندن قطع نظر شاهمک دشمنلرینه ویرمیوب خدمات دولتلر

دو مان اچه تعیین اپدوب کند و ملکتler نیز نه کند ولر بله ضبط این دردب ۴۵
و اقتصاداً پلک کچه بو تقریبله طرف اخیره دخی بر مقدار عسکر بله مدد ایزه
حاضر او اور لردی الحاله هذه کرک اوی سرحد عسکر نیک علوفه لری
و کرک لازکیلر ک اچه سی به رسنه خزینه شاهیدن اخراج او اند و غنی
معلوم مکز در اکن اوی اچه محله وارمیوب شاهک داره سی رجالی
پنهان نه تقسیم اوی اند و غنی دخی معلوم مکز اوی سون طوایف مز بون نک
سبب عصیانلری بود و سنه لک تقریبله بنم اپله اتحاده دارد عوالری او اسنه
کچن سنه تا دیبلری مراد اوی نوب اوزرلر بنه کوندیلان عسکر ده
صر عسکر اوی لان اوی قرن دش او غلی قتل ایمز لردی و اوی اشاده عصیانی
اوی کلاب اپدی طاغستان بکلر نیک رجال بله شمخال بکدن ایمچی کاوب
موی ایله شمخال اطاعه نه دن رو کردان او لامغله طوا یف مر قوه اپله
صلح و صلاح عقدی نه تو سط و جرمی عفو اوی نوب رای کاغدری
و یو ملک نیاز نه اوی مشلم اپدی اکن بو خصوص دخی ساخته و کند و
مصلحه تلری ایچون حیله و خد عهیه مینی اپدی زیر او حستان مان کور جستان
والیسی بوی نوب طوا یف لزی ایسنه عادت هسته لری اوی کور جستانی
نهب و غارندن بران خالی او میوب عاقبت با جمله کور جستان خلقی اتفاق
ونفیر عام اویوب هنکام شهاده لزکیلر طاغلر دن زللری احیانه و خستان
خان رای و تدبیری او زده الشی یمیش بیک مقداری عسکر لزکیلر اوزرینه
وارمغه حاضر و اماده اولد قلری لزکیلر خبر الد قله بو غا بله ی دفع ایچون
صور تا صلحه رغبت و رایه طلب کو ستر مشلم اپدی و خستان خان دخی
وار قویله تد رک کوروب حاضر و اماده و مه اشت اوی اند و غنی

خاندان شاه جمهیا هه خلوص و صداقت اپله ابا عن جد محرب الاطوار
مروح الاحوال قدیمی امکدار لر بکره قیز ویرد بکم محل اتهام میدرانلر کبری
شاههک قوللری غاسی رسنم ڈانی رسنم میزادرکه خدمات دولتکرده
خلوص واستقامت اپله شهرت دولمشدرو برقی دخی محمد قولی خان درکه
حال شهر شهیر راصه فهاند قائم مقام اولوب دولت صفویه نک خیراند پشی
و بود دولت علیه بک غیر نکشی شاههک مقبول و معتبر صداقت پر ورق قولی
اولد و غدن حالا بو بند لرینک اموال و اشیا سی صبط و تحریر ینه
ما مور بیور مشلر در و بونلار دولت شاهیه عالی قدر و منزلتلر ایکن
نه انکه شاههک خاطری بلکه قدی مغبر اولد و غنه دخی جواز ویره لر
جواب سادس شاههم بغم سئ مذهب اولوب لزکی الاصل اولد و غنم
جمله ینه معلوم و دولت شاهیه سئ قوللری حد دن بیروندر جمله مز
صدق و خلاوص اوزن شاههک استقامت پیور قوللر بیوز و هیج بروقت
حاله ذن دکا و خیان نز و قوع بولیوب مسحه اولما مشدر طرف دن
اولماق اوزن لزکی بکار ینه بیاز بملوب مهرم اپله مهور مکتوب دخی ساخته دن
مضبوئی تویرو بیهتان و افلئ و افترادر اعماق الده نصب اولند و غدن
لزکی طایفه لر بی عصیان اوزن بولدم طوا بیف مرقومه نهایت مالک
ایوانه کوه الیزکی جیمال و فیع التلال صعب المرور دشوار الوصوله
سماکن او للمر بله انلر که صبط و رب طی لا جرم حسن ند بیراپله کاه قهروکاه
اسنالت طریقنه مو قوف اولوب اسلاف ذوالا بصار بکر زمانلر نده
انلر هقار شو حمد و دل ده برقاچ بیک مرتب جنگجوی عسکر ه اضرو لماده
طورد قلموند ماعد اسناه بیاس انلر ه خزینه دن سنه ده بیک بید بیوز

حضور بکزه عرض واعلام ابد که رجال دولتشاون ابد و فی الواقع
 وختان خان صرف مقدور بله طاغستانه طفر بولوب اخذ و ضبط
 اید جل اولورسه اندن محیل اولان ضر روز یان لز کیلر ک ضر رندن
 اشد در زیرا بونجه همالة ضبطنه کیروب مسقا و ابله هجوار اولورادنا
 بیانه ابله طرف دولت شاهیدن رنجیده خاطر قلنسا اطامندن چقوب
 هم این وهم مذهبی اولان مسقا و کفره سبله یک دل و یک جهت دولت
 شاهی فی اتعاب ابله مقرر در مثلا ترهات و صفری و کبری دن نصرکه
 هنلا باشی و حکیم باشی الصلح خیر دیوب ایلچی دنی کلش طالب اولش
 بولنفله صاحب جواز و در عقب چپ ایلله طاغستانه اولان رای کاغدر بی
 ارسال و وختان طرفنه دنی کید و شد بد رقم باز بلوب مضمونه سنکه
 وختان خان کور جستان و الیسی سن رقم شاهی سکا و صول بولدوغی
 وله طاغستان سفرندن فراغت و بیانه ابله اول جانبه عزیزه دن کف
 عمان عزیت ابدوب زینهار و زینهار رقم و صوله سن اته سوار او لش
 بولند و اپسنه اندن اپنه سن بولند بولند یفک تقدیر ده در حال رجعت
 و مقابله ده بولند و غلک تقدیر ده دنی شمشیر بکی نیامنه ادخال اپه سن
 ولز کلره برد راور نجیده یه جواز کوسترمیده سن زیرا طرف شاهیدن اول
 طوا یفه رای ویرا شد رديوب چیار ابله کال سرعت اوزن ارسال
 اولش ابدی و ختان خان و افق احوال او یعنی بو کونه ندارک ابله
 هر صت فوت اولد و غمند منکسر اخاطر عظیم تاسف ابله برد دنی هجیم
 شاهله بیک دشمنلرینه قلچ چکمیده جکنه علی ملاه الناس یعنی ابلدی
 وفی الواقع یعنیده صادق او اوب من بعد شاهله هخدمت ایندی ازین جانب

شمال

۲۶
 شماله ایلسنی رای کاغدر بی اوب طهر اندن طاغستانه روان اولدی
 بونجه مدت مرورند سار قبایل بکلرندن دنی اچیلر کلوب شاه عباس
 قانونی اوزن وجه معاشرین طلب ابلد کلرنده نوروز سلطانه
 دیوان عید و طقسان دورت قبایل بکلرینک اچیلری صره لر بی و رای
 کاغدر بی اوب کند بکلر جواب ساعت قرند اشلم او غلرینه صغير ایکن
 خانلوق و بیوب بر منسو به کوندر دیلم واقع در خانلوق قانون دولت اوزن
 خازاده لمه طرف شاهیدن احسان اولنه کلشد رنم بد عتم دکله دو
 منسو بکلرینه کند کلرنده یانلرینه عاقل و مدیر کند الرتیه این ابدوب
 ظلم و تعد الرندن و فاهموار حرکه لرندن بوانه کانجه شکاپت اینش بر فرد
 دنی یوقد جواب نامن انشتم اطیع علی خان سر عسکر اولوب بحرین
 جز یوه سننه کچمه دی و مسکت امامیله مقابل اولمده زیرا شاه عباس
 کونند پور تقالک اخذ و ضبط ابلد و کی رلیزی تخلیص ملا حظه سبله
 انکلیز و فلمک سفینه لری ابله پور تقال او زد پنه سفر اولنوب پور تقال
 غالب کلکله قبضه تصریفه اولان رلیزی و دمن بعد در یادن مرود
 و عبور اپدن تجارتیزه تعدی ایلامک ایچون سننه بسنه خزینه دن بیک
 بشیور ز توان اچه ویراک اوزن معاهده اولنوب بزم و قنوه کلجه و بزم
 زمانزده دنی بر قاج سننه لک صره لری ویلدی کوه و دیو قیودانلر پنه
 تجارت کوندر و بکفایت مقدار سفاین رجا ابلد یکزده اجرت و صره لر پنه
 بقیه سن طلب ابدوب طرف دن دنی وعد او نفله عهد و فابرله بلا عوق
 و تا خیر دو نهان کوندر دل راجه لری و بقیه صره لری خرینه دن
 فراز و اخراج اولنوب داره شاهیده اولان رجال معتادلری اوزن

خلافه ذاہب و دلایل و برهانلر ایراد ایدوب مبلغ مرقوم کاصفه اندن
چقمه سنی مناسب کورمیوب شاهه منع ایندر دلبر پور تقال دونه اسی
واقف قضیه او لیحی خدمتدن روکر دان اولوب یزل پنه عودت ابلد بلو
شاهم خز پنه دن چقان اچه محلنہ واصل او لماز پور تقال دو ته اسی
دفترلر پنه نظر پیور داره لکر جالی پنلر نهانی دنی یقیم ابدوب اکل و بلع
ابلد کلمری فی الحال معلوم او اور لطفی علی خیان سفینه سر بحر پنه
یکمک مکن اولمدى کرمانه سرعت ابدوب میر مجدد بوزکی و قوودی
کرمان پولیمه تعقب ابلد خدام کانه اولمدى بونیه و چول او اوب چوق
مهما ته محتاج ابدی بوملا حظه ابله شیرازدن معمور یول ابله کمک مراد
ایلدی عسکره علوفه وزاد و دخیره و مهمات سفریه مصرفی و یملکه
و جالکه مانع اولوب عسکر بولد و غیره درن المقه عجور او لدی اعانتلری
ایچون بن دنی مالدن او جیک دوه بونیه کوندر مس ابدم جواب
تاسع ایام دولت شاهیده و افرخز پنم وارد رایاعن جد خان زاده خان
اولوب اقریا و تعلق اقتنن اریه له و شاهم امور عظامی بوقولار پنه سپارش
پیور مغله و افرخز ینه یه مالکه اولدم انجق ظلم و جرا بر فرد ک حقن
المدم و کندی دن کسنده شکایت ایند و مدم دبومواد مذکون ینی وجه
مشروح اوزن اعتماد الدوله تقریر شاه سکوت معامله سیله دقت اوزن
اسنماع ابدوب حقیقت حاله و اوقف اولدی کندو ینه ندامت و پشیمانی
ال و یروپ کوزلندن یاش باران کبی دو کیلوب سیلان اولدی صداقت
و خلوصی در خاطر ابدوب رقت قلب ال و یوری مصلحه دیرواندز علقوپ
عجاله دفع مجلس ابلدی فی الواقع دولت شاهیده بونیه بر کامل صاحب

رأی

۷ رأی و ندیمیر گمسنه کلامش ایکن بونیه دخو خالی بونیه او لیحی افتتاب
دولت شاهان قریب غروب ابدوب ایندی تقدیر زدان ظاهر و اشکار او لدی
شاه حسین بی چان نان و نعمتیله پور ده قلد بکی خدام خذلان انجام
شرلر پنه او غردا و غنی یقینا بلدی و بالحمله دعوا و از اعلی اغراض فاسد دن
کنایه و افک و افتر ادن عبارت ابدوب کنی بالمشاهد اذ عان یادی و باعث
فساد او لندلر ک حقلرندن کامنوب جز اری ترتب او لنه عیان و دلدن
سی و اهتمام قلدی و من بعد اعتماد الدوله ینه بونیه بونیه خدمتند
استخدام و بالحمله امور زده استقلال و یوم شیراد ابلدی تکن کروه
ضاله هوی الاتقان اولوب مشاهد مقصد دینی لغو و ابطال ایچون پنه
یواهین ایاز و سند ات و دلایل احرار ابدوب نه مفسد لرک جز اسی
ترتیبی مکن و نه اعتماد الدوله نلک مقام او لده قیامنہ تا یل و نه کندو
ولایتند کوشه وحدتده از وایه راضی اولوب بالآخره شیرازه ذنی
و کوز جسدند اولوب هم یکانه دن بر فرد یانه و ارمامق و سو پل شمامک
او زن اجل و یومیه اللی تو مان اچه ابله متقدعا دلی بعده میر مجدد
اصفهانه وصول بولد و غنی بر له اغوانلر وصول میسر اولمسون دیو
قریبا شلر زهرلیوب قتل ابلدیلر اعتماد الدوله شیرازه ذنی او لند قده
داما دلی اولان میر فارستم و مجد قولی خان مشاهد مرغوب و مقبول
الاطوار قوللری بونیه عرض و ماللر پنه و منسوب لر پنه تعرض او لنه بونیه
ساز ارباب استشان سنت اموال و اشیالی مصادن و کندولری جبس
و مناسبیلری دیگرانه توجیه و کاه اطلاق و مال و مناللری رد او لند
انجامنده مناسب طلبندن و امور دن بالکلیه کف پد ابللری شر طیله

گوشه از و اکندر یه مقام استقرار تعیین اولندی یا ز کردن احوال اطفاق
 علی خان مرقوم اصفهانی حبس ایکن ملیل المراج اولدی شاه
 طرفندن مخصوص طبیب تعیین اولنوب نصح مراج ابلدوکی برله
 محاسبه سی کور پلوب عسکر گ غارت ابلدوکی اموال واشیانه هین و ولاینه
 تقاعد فرمان اولندی لکن جهات اربعده اعدای دولت حرکتند دو
 مرقوم لطف علی خان رنجیده خاطر قلمدیکی حسیله انلر گ بر پنه لاحق
 اولق سود اسنده اولور احتمالیه رجال دولت طشره کنسنه جواز
 و یوصیوب یه اصفهانیه آنات ایلک اوزن کند و سنه تعیینات و یپلوب
 کوز حبسنده اولدی چوچ چمیوب اصفهان محاصره سی رویا اولوب
 بخت بر کشته دولت احوال مشتدا و یحق جمله نک اتفاقیه اغوان
 عسکر یله مقاومتہ سپه سالار نصب و تعیین اولنق مراد اولندی و قنی
 کچدی و عسکر گ قلبنده خوف طاری اولدی بوند نسکره بو خدمتک
 ههد سندن کله م دیو اعتذار و ماجرایی ذکر و یاد و عملت و بهانه
 ابدوب بر طریقله قبول ایمدی میر محمود خان مرقوم احواله واقف
 اولوب محبوس ایدوکن باش ابدی اصفهانه ظفر یا ب اولد و حنی برله
 کتوردوب اکرام ابلدی صاحب نام و سان اولنگله خان مرقومدن
 اغوانیان زیاده خوف و وهم اوزن اولد قلمدن خیری ماوچ تقریله
 شاه و رجالدن رنجیده خاطر اولمش بکا صداقت ابله حذمت ابدو
 ملاحظه سیله میر محمود خدمتک اسخندا لم مراد ابلدی بو جمله برله یه
 اجناسی قزلباشله میل و رعنی غالب و ظهار مسیه و صوله تشنه اولنگله
 بر کون اصفهانی فرار ابلدی در حال میر محمود اکاه اولوب مناد پلر

ندا

ندا ایندر دب و عد و وعیدل بله اخذ یه تفید تاهر ابدوب اخر کار جوار ۳۸
 اصفهانیه این اصفهان نام قصبه ده قزلباش طو توب اظهار صداقت کاذبه
 و ملاحظه انعام سو قیله کشان و کشان قید و نید ابله میر محمود حضور یه
 کتوردیلر اول دنی امان و یرمیوب قتل ولاشه من دورت شق ابدوب
 دورت یول اغزر یه براغوب اغوانیان کورد کن شرندن امین اولد بر لاعون
 مقتول مرقومک او غلی طهماسب ابله معاف از ابدوب و زمان یانه شهرت
 بولش ابدی غفلت او نیمه که اقطار مشرقیه ده واقع مالک و بلا دو قری
 واول جوانب بیه لندن ممکن اجناس ناس و قبایل و عشاير و سار طوایف
 مختلفه خلقي خلقت و جبلتکاری مقتضا سبجعه اقطار غریب ده ساکن
 و ممکن اولان اخیاس ناسه خور یزانه و غدر و ظلم و جور ده بالطبع
 غالبلر و غایت ابله بی رحم و بی هر و می طالم بغارلر در جنکیز خانه کماله
 ماوراء النهره اسپیلاسی و هلاک کو خانه خلفاه عباسیه دولته
 خلبه سی و نیورک زمین ایل و غیری یه تعلی حدو حس ابدن بیرون
 نفوس بشر گ تلفنه بادی اولد و حنی بو کا کافی دلیل در عجم دولته دنی
 عجم دوای خلقو همان بو نله قیاس ظلم و غدر و شفاق اوزن معمول اولوب
 کرک اعتماد الدو له فتح علی خان و کرک انشته سی لطفی علی خان سرکز شتری
 بی مرد بعملک زو رای اولد و غمند ناشی بو قدر ابله رئیب جز ارلنک اکتفا
 او نیش ابدی والا حقلر نه ساخته قلد قلری زو رای کذن مقداری
 همچ اولمش اولسنه انکه قوم بی رحم قزلباش مرقومی حیانه
 قویه بلکه امتد عقوبت ابله قتلدن غیری اولاد و اس ابلرینی دنی معناد
 ناشایسته لری مقتضا سبجعه خلاف طبایع ممل عالم اسپیصال ابد رل دی
 و انلر دن بر فرد قوم از لردی نه در بیان بقیه احوال لطفی علی خان بالاده

اوزن وقتا که سر عسکر لطفی علی خان شیراز دن اصفهانه احضهار او لنوب
 حبس او لندی شیراز جانبنده او لان طوابق عسکر اشیدوب مهیر
 او اند بلرنه کند ول پنه باش نوع اولق ایچون دیگر سر عسکر کوندر لدی
 و نه زاد و ذخیره علو فهار پنه دا ای امر صادر او لدی کند ولری من بعد
 نه پوزدن حرکت و یاسکونت و نه ایشهه باشتر این اجکلرینی مشعر
 برو کاغد وارد او لدی برمد اش طاریله بع ضیلری و همهه تابع او لووب فران
 یوز طو تدبیر عاقبت اعتماد الدوله فتح علی خانک دنی احوالی معلوم
 و مسهو علمی او ای حق و عسکره صاحب چقار کسنه بولند پغندن جمله سی
 پر پشان اولد بلر باش سز نوع سز مزور و همرو ابلد کاری ولا پندری یقرق
 یقارق چقوب کند بلر عسکر ک با حمله پر پشان اولد و غن اصفهانه اند رجال
 دولت استیاع ابلد که خط ابدوب منون او لد بلر زیر ابر قاج کون
 اول عسکر لی خمدو می پنهان نه مشاون او لند عسکر
 کوندر بلوب علو فهاری و تعییناتلری ویر بلوب کله جلک یاز ایچون
 حاضر و اماده بولنه لرینی مناسب کوروب شاه دنی بورا یه تابع او لاش
 ابدی لکن پنه شقاق و نفاق اعد اتلرینی رکا تیموب بر بلوك رجال بوله
 رأی و تدبیر ایتد بلر که اش بوا ایام شتاق حلول ابد نججه بونجه عسکر
 علی حاله قالوب بسلنده بکو تقدیرده که رشتند علو فهاری و زاد
 و ذخیره لرینی و سازه هنکام شتاده محتاج اولد قلری حوا بخلرینی طلب
 ابدوب بونجه مصارف اقتضای ابد رحال بولکه کایک یاز دنی بلکه
 نچه زمان مرو رینه دکن عسکره اجتیا بحیز اولماز بوله او نججه ائتلاف
 خیز بنه دن غیری بر شیوهه مو دی اولماز اغوان عسکری کرمانه من هزم
 او لووب

۹۶ اولوب کندی برچه زمان ای قلننه مز حصاری اغوان دن دنی رای طلبی ایچون
 ای ایچی کله جکدر از کی طا پنهار پنه جله رای ویر لدی و ختنان خانک دنی
 عسکری طاغل دی مسکت امامنه برمقد ایچه ویر لکله بحرینی تخلیص
 اید رز بوجه اوزن سهولت ایله هر ایش وجوده کاره صاند بلر فساده
 مباشر نلر نلر نه چوق اخنالر ویر دبلر خیر لومصباختلر نه صرف زهن
 دنی ایند بلر ایچامنه اعتماد الدوله حقن دن واقع فضاحتلری و سر عسکر
 لطفی علی حانه او لان حفار نلری و ختنان دلکیر او لووب یعنی غلیظه ایله
 امد ادل زدن چکل دیکی حالی با خصوص عسکر لرینک بونه و سوابیاق
 ایله پریشان و پرا کنه و رنجینه خاطر او لووب الان مالک عجمانه بونه
 حاضر و موجود عسکر اولد و غن جواب اربعه ده اعدادی دولت نلری
 خبر الد قلری کی بوفر صنی کند ولرینه غمیت عظمه اعد ابلد بلر شاه و رجالة
 اولمش اوله حق همان براشیزی کون لم دید بلر فعلی هذ اط اغسته اند
 واقع طوایف لر کیان بکلری بوله یعنی تحریک و تر غیب و جسمز دن
 او لان اعتماد الدوله نک قزل باشیلر بزه رغ اصلی از کی و مذه بی سی او لد و غیبو
 کو زلرین چقار دبلر دیو ته ویج و تحریک و غنیمه اید رک بر قاج کون ایچنده برعظیم
 چه عیت پیدا ایتد بلر اول بهار او لد و خی بوله عجم ملکت لرینه اقین ابدوب
 چه چه بوله یعنی غارت ایتد بلر عجمک مدافعته ده اقتداری اولد و غن
 حس ایتد کاری کی اتفاق اوزن شروان او زینه چوم و دار ملکی او لان
 شماخی شهرینی اخذ و ضبط اید قارشولرینه چقان قزل باش عسکری
 قلیل و باش نوع سزا لووب قلچدن کهور دبلر میر مجرم دنی شروان و شماخی
 لزکبلر دن ضبط اولند و غنی استیاع بوله غیرت و حیث طبعه حركت

وکندویه عظیم قلب قوت حاصل او لوپ رجال و اعیانی جمع و مشورت
 ایدوب اعتماد الدولدوس روسکراطی علی خان عجم عسکر بینک پریشان
 اولدوغی حالی با خصوص از کیملر کشرون اولکه سنی ضبط و حال اساز
 عجم دیارینی نهپ و غارت مشغول اولدقلارین جمله یه عرض و افاده
 ایلدکن جمله نک درونه غیرت و حمایت هیجان و حرکت ایدوب یلغ دل
 ویک جهت دیار حجمه اقنه رغبت و بو عزیت نه سرعت و مبادرت
 ایتدپلر وار قوئلر بی بازویه که تو روپ عسکر جمع بر قاج کون ایچنه
تدارکارین کو روپ حاضر و اماده اولدپلر بیان طهور علامات سماویه
 وارضیه فی الدوّله الصفویه بیکش یوز او توز دررت سنده سنده خطه
 نهیزد عظیم زانله واقع او لوپ شهر کاکنی بیانی منهدم اولدی و نیجه
 زمان ممتد او لوپ سکن بیکدن زیاده نفوس بشر زیزمین هلاکه
 متواری اولدوغی شاهه عرض ایلدپلر اصفهان شهر نهایم صیفیه بلوت
 نادر کورلمش ایکن اول سنده اصفهان او زنده طومان و بلوت بر کون
 اکسک اولدی کونش طلوع ایلد وکی و قتلارده افق اصفهان قان کی
 قزاروب کور نور دی سناه حسین طهراندن اصفهان کاوب شهر کید وکی
 کونلک اتش پان سی مثلاو بربلوت کند و سی احاطه ایش ایدی معملی
 بو کونه علاج جوانب اصفهان ده مثال انها رسیلان دم و قوعنه د لاندو
 دیو خبر و یمشلر ایدی عزیت کردن میر خود بجانب حملت کرمان
 چون میر مسحود مالک ایرانه اقین ندارکن کور دی شدت شتا و صولت
 سرمایه بقیه بوب صوب مقصودینه متوجه اولدی کرمان اولکه سنده
 و اصل او لوپ شهر کرمانی دنی محاصره ایلدی بر قاج کوند نصیرکه درون

شارده وجود اتش پرستان کرمان شهری ویراپله میر مسحوده تسایم ۰
 ایلدپلر لکن قزیلیاشر بناسی برمیان قلعه سی او لوپ قلعه ده میان
 وزاد و خیمه لری و فرتا وزن بو اتفله درونه موجود لشکر قزلباش
 کمال کرمیت اپله جنکه اقدام ایدی بجهت قلعه فتح و سخنی طول و دراف
 عاصمه یه محتاج اید و کن اغوانیلر فهم و ادراک ایلدپله کندی احوالری
 مشاون دنیمه که برمقدار اغوان عسکری محاصره ده قویوب سارزی
 هنوز اصفهان غفلت اوزن ایکن الغار اید و بطرف و اکنافی غارت ایلک
 اوزن قول و قرار و پر دپلر تام بوزیتیلری حصول پذیرا لو ده کرمان
 عودت ایدوب کرمان قلعه سی دخ اول مقدار زمان مرور یه دگن زاد
 و خیمه لری فنا بولق مضایقه سیله فتح و سخنی او نوب من بعد اغوانلر
 قندهان عودت ایمیوب بوصورت اوزن کندولر یه میان میان و استحکام
 و با جمله اسباب سفر یه لری اندارک و جمع ایدوب مراد ایلدکاری
 محله کنه و غارتنه کرماندن میاشرت ایدلر و کرمانی کندولر یه مرکز
 حصن و ملجه و مقر ایدینه لر دیوند بیر ایتدپلر پس کرمان شهر نهان
 اصفهان شهر یه بکری بش قوافی مسافه او لوپ و قتاکه بحملت بریده
 موجود عسکری اولدوغی و هنکام شتا او ملغه عجاله دخ عسکر نهادک
 بیکن اولدوغی میر مسحود یقینا خبر الدی کرمان قلعه سی محافظه سنده
 کفایت مقداری عسکر قویوب کزیله و چاپک سوار عسکری اتحاب
 ایدوب اصفهان جوانبی نهپ و غارت ایلک سود اسیله کرماندن سرعت
 و جانب اصفهانه رو براه اولدی و خنی اولیه که میر مسحود بوندن اسبق سر
 عسکر لطفی علی خانه مغلوب او لوپ منهزم اقند هان فرار ایلدکد نصیرکه

میر مر قوم نچه زمان مروینه دکن کرمانه کله جگنه عجم ز جالی قطعاً احتمال
 و یمدوکی کی میر مر قوم دخی کرماندن اصفهانه کاوب اصفهانی قبضه
 تصریفه که ورملع و عجم شاهنی طوتوب صاحب تاج و تخت اولمک فکو
 و ملاحته سی میر مسحود کو واغواندن بر فرد ک خاطرینه دخی خطورایتیش
 بر معناد کل ابدی انجق میر مسحود ک و با جمله اغوانیک مشاون ابله صورت
 افراغ ابلد کاری مقصود لری بو پله ابدی که ایام شتاده علی الغفله جوانب
 اصفهانی غارت ابلد کاری تقدیرده اولاً اغوان عسکری غنیمت عظیمه
 تحصیل ابدی ر داری ایام شتاده اطرافی غارت ابلد کاری سبیله عجم خلقنک
 قلوب نه دعوا خوف دو شوب کله جلک یازین کرمانه اولان اغوان او زینه
 عسکر کلی ندارکنندن عاجز اولورل و اغوانلر بو تقریله فرجه بو اوب
 کرمانی اوب و قتیله اکینلری محبوب قلعه دیه الممکن اوله و سار اسکن کاملرینه
 و عجم عسکری کلدوکی صورت د مقاومتہ لازم اسماه ندارکیله اقتدار
 حاصل و من بعد کرمانی کنده ولینه ملجه و مرجع ابدی نوب محل
 مزبوردن تسبیت مافی الضمیرینه بو طریقیله سهولت حاصل ابلد لر
 و محل جمعیت لری و مقسم عسکر لری بوندن بو پله کرمان اولمک اوزن اتفاق
 و اندن شیرازه لار اصفهان جانبارینی اقین ابله تضییق الکی نصیم ابلش لر
 ابدی عزیت کردن میر مسحود از کرمان بجانب اصفهان و فرستادن خان
 هویزه از جانب شاه برای تجسس احوال میر مسحود و خروج اشکر عجم از
 شهر اصفهان میر مسحود کرمانی محاصره ابلد و کی خبر سمع شاه و رجاله
 لا حق اوله حق سکز بیک قزلباش عسکری ندارک او نوب هویزه
 خانی کند و یه خصوص بشیک قزلباش عسکر پله کرمان طرفه لرینه
 کوندر لدی

کوندر لدی تامک او خواهید برمد اسب محله مکث و کنده ولینی کرکی کی محافظه
 ابله مقید او اوب اغوانلر کو واقع حالن حقیقتیله تفہیش و تجسس ابدوب
 اصفهانه عجالة بلدون و کنده وسی او بجانبه تو قف ابدوب اصفهاندن
 کرکی کی معهانله عسکر که بیور و دینه مترقب و منتظر اوله هویزه خانیله عکس
 قزلباش عازم راه او اوب اثنای راهه میر مسحود ک عسکر که بیور ایله کرماندن
 قالقوب شدت و صولات ابله جانب اصفهانه متوجه و وصول مرامه کال
 کرمیت ایله صرف مقدورده ابدوکن خبر ایجع عسکر قزلباش مقاومتہ
 واول خواهید مکث و ارامه جرأت اپله میوب بو خبر ابله رجعت و عجالة
اسفهانه کلوب واقع حالی بلدر دبل تحریر و تدارک کردن عسکر در شهر
 اصفهان برای مقابله بالشکر میر مسحود بو خبر ملاحت اثر شاه و رجال
 و ناسک مسحوعی و ایجع جمله یه عظیم و حشمت و دهشت ال و یوب تغیر
 او لد بیلر و عجالة عسکر ندارکنی مراد ابلد بیلر امکن جمله و همه دو شوب چندان
 عسکر یا ز لغه رغبت ایتدیلر کور دبلر که ایش ایشدن چکمه که قریب اولدی
 خزینه دن و فرت اوزن ایچه چقاروب اون کون مقدار زمان ایچند ایچه
 قویله نفسم اصفهاندن خیل عسکر ندارک ایتدیلر و عجله اوزن اصفهاندن
 چقوب دورت ساده تملک مسافه ده واقع کلنا باد نام قریب ده قوزوب
 اور دولیتی قور دبل اعتماد الدو له قرق اللی بیک عسکر و هویزه خانی
 دخی و افر عسکر ندارک ابدوب بر کروه عظیم او لد بیلر نچه ایچه خانلر و بکار
 و سرد اروض ابطلر جمله سی معا حشمت عظیمه ابله اصفهاندن چقوب بردیه
 دهشت ده اولد بیلر کشت و فر تلرینه الدانوب عظیم غرور ابله مغروز و بو
 حال اوزن اغوان عسکر ینک قدم و منه اشتبیا قلرا اظهار ابدوب منتظر

اولدیار و عجم عسکرندن برفرد انهزام احتمالن ویرهوب مسافه بعینه دن
کلش تعب طریق ایله زده لنهش عشار و قیا بیلدن بجمع عسکر بعیث
تواناد بخ دو باس شدید عسکر جنگ جویله مقاومتنه قدرت نه احتمال الدو
واغواندن برفرده پنجه زوریزدن سلامت و رهانه همکندرد بوبینهارند
مناعرانه و ادبیه و نکته امیزابیات و اشعار کفتاری رایج اوروب حتی
هویزه خانی شاهم میرمخدودی دیری طوتوب اول نابکاری کشان کشان
حضور نه کتونیم قندهار سنه فاچه مز عثمانلویه فرار مراد
لپسنه دخی تازی سواران عرب تعقب ایدوب المدن خلاص اویازدیو
وافرلاف کراف سو پاش ایدی قدم لشکر میرمخدود در جوار اصفهان
ومشاون کردن رحال عجم رای مقابله بالشکر اغوانیان ایکی کوند نصیرکه
میرمخدود عسکر بله کاوب عجم اورد و سنه فارس تو بساعته لای مسافه مقداری
یده عسکر نی قوند و روب اورد و سنه قوره عجم عسکری رو ساسی
مشور تلرای تدبیر چون عسکر تد بیری اعتماد الدوله یه و هویزه خانه
سپارش او نش ایدی حرکتی بری بری نه مخالفت او زن اولدیار
بعضیلاری مترسلر یا پالم اطراف زه اسحکام ویرهلم کنند و مز اغوان
او زینه کنیوب انلر کلاسنه مترقب اوله لم و اکر اغوان عسکری او زریزه
کلیوب اصفهان شهرینه وارهق قید نه اولورسنه بز عسکر بله تعقب
ایدوب اصفهان لود دخی قارشو چهوب ما مولدر که ایش اسان اوله
واحاصل بزه تو قف مناسبه نامک طشره دن امداد بیز کاوب بر طریق هله
اغوانلری قوشادوب بر محله محصور ایده وزوب بله اولد قلعه ذخیره لینه
از مدت ده قلت کاوب اکسه لرن واقع جنگلری دخی سد و بند ایدوب

برفرد

برفرد ایزدن خلاص او لمیه بعضیلری بو تدبیره قاپل او لمیوب نام شان
کسی دعوا سنه دوست دیلر بوله باخی هندی خزانلرینه فارس تو مترسه
کرمه که قدمیدن برو عالم متوار شهر تزی محو و لغوا تکدر و عرض و ناموس
دولتی اضمحلال در اچقدن بونلر ک او زینه واروب عسکر جنگ جویز
حمله و هجومه بو کونه عسکر ک مقاومتنه اقتداری نه احتمال در ما مولدر که
همان و هله او لاده اشکر در یا خروشیز و حرکتی کوروب قراری فران
قبدیل ایدل و کاکلاری بولی بوله میدار مقابله کردن اشکر عجم بالشکر
اغوان و انهزام شدن لشکر عجم بو تدبیر ک اریابی غالب او مغلبه بو وجهه او زن
حرکتی میل و رغبت ایدوب همان مجهول بر شرف ساعت تعیین
اپلسونلر دیو خبر کوندر دبلانلر دخی بازار کونی وقت طهره ده جمله
مبادر کرد دیو عرض ایدل بلر بو اثنا ده طشره دن بر مقدار عجم عسکری
امداده کایور دیو خبر کلش ایدی املک دخی ورود نه تو قف مناسب
کور لمیوب و نام و سانه انلر ایله شرکت جوازوی لمیوب وقت معینه
دخی فوت او لمیه دیو یوم معهود ده او بله دن بر ساعت اول قوللر اغاسی
اولان میراز رسم قولندن اغوانلر هحمله او لنو ب جنکه میاشرت او لندی
هر قوم میراز رسم نفس نه شجیع و بهادر اولوب یانته ما مور قزل باش
عسکری و قیو خلقندن غیری دور تیوز کوز بده منصب کور جی عسکری
اولوب جمله دن اول اغوانلر برجانی او زن هجومه اقدام ایدلی علی مردان
خان دخی بشیوز کند و یه مخصوص کز بده عسکری و ساره میر بدن
تخری رولنناز عسکر ایله و ساره خانان و میران و ضابطان قول قول
جهله ده سرعت و مبادرت ایدوب ناره قتال شد اوزن اشتعال بواوب

عجم عسکری مبادی حریم بر مرتبه سعی و کوشش قلد پلر که اغوان
عسکر ینک بر جناحی اضمحلاله قریب اولدی حی هویزه خانی اغوان
عسکر ینک بر جانبی منهزم اولدوغن مشاهده بر له عرب عسکر پله
اغوانلار اورد و سنه سرعت ابدوب اورد و لینی غارت و یا گما و روایتلری
اوزن میرمودک اون اپکو قومن مقداری نقود التوتی فبضه تصرفه
که توردی میرمود بوجال ملات اشتمالی مشاهده ابدیجک درونه خوف
و هراس عارض اولوب فرار قیدن اولدی صانع قول صول قول
سرداری اولان امان الله و نصر الله یانه شتاب ابدوب نجه نجه ایات
قرآنیه و احادیث نبویه معنالی ینی ذکر و یاد ابله پند و نص و تقویه
و یوه رک پای فرسینی قید و بند ابدوب پابند سمند اختیار ابتدی پلر چون
قلبکاه عسکر اولان سردارک سپنه سنه هیجان و اضطراب بر مقدار ارام
وسکونت بولدی مین و میسر و میانه ده واقع عسکر دخی غیرته کاوب
جانب قزلباشه قصد و عزیت و صرف مقدور و مکفت ابله مردانه
جنبهش و حرکت و جان و دلدن جمله سی سلامتی ای فکرو اند یشه سیله
بو خطیره غنطیه و کرداب مولکه دن ساحل سلامته وصول امید ابله
قهر و تدمیر اعداده بذل قدرت و تعب و سنت حرب و قتله تحمل
و مصهارندن غیری چان اولدوغن ادرک ایدیلر بو اشناوه اتفاقا
عسکر یجمیک قلبکاه اولان اعتماد الدله او زرینه بر مقدار اغوان عسکری
سرعت و کرمیت اوزن هجوم ایدیجک بازار کارکزار جنک و قتال رایج
اویچق عسکر قزلباشک مقاومتیه اقتداری در کار و پایدار اولیوب
اغواندن ره کردن و جنکدن کریزان اولدیلر با خصوصیت باعث
قرت دل و درونلری اولان عسکر تو فنگیجان قراری فران تبدیل و ثباتی
آخر افه

۰۴
آخر افه تو بیل ایدیجک سپا و عسکر طا پنه سی دخی قیام ابله میوب
جانب عجمیانه علامت ملات ازانه زام روزه اولدی ستون عسکر اولان
قوللراغاسی میرزار مستقله یانه اولان شاه قوللری دخی بوز دوند روب
اقبال و اقدامی ادبی و فران تغییر ابتدی پلر اغوانلار اورد سی غارت نه مشغول
اولان عرب عسکری دخی قزلباشلرک اختلال و انزام مشاهده
ایدیجک اسباب و اثقالی بر اقدیلر خانلری اولان هویزه خانی ایسه غیرت
ایدوب المسوغی التو نیله شتاب اوزن فرار ابلدی قزلباشلرک طویجی
با شبیه اتفاق امدادی جنک هلاک اولنله سارط و پیمانه کلال او روب
طویلر با جمله مuttle والدیلر بوجال حست و جسارت و شجاعت و قوت
اغوانیانه علت مستقله اولوب مرده را بکن زنده و دلیو اولدیلر هر جنک که
عسکر قزلباش مقاومتیه اقدام اوزن اولدیلر هاین و یو میوب پنه
مغلوبیلر و عاقبت رسم میرزا و اوغلی و علی مردانک قرنداشی قتل
و کند و سی دخی بمحروم اولدیلر و اغوانلر دن محمد نشان نام خان کو رجیلری
عقب ابدوب جمله سن قتل و بی نشان ابلدی ضبط کردن اغوانیان
اورد وی عجمیان بعد الغلبه بوصورت و سباق اوزن طرفینک عسکر نم
شدت رو زکار ناهم و ایله توج ایدن دریایی قتال ایکی جانبدن مدد
و جز را بله کا اتلاقی و نلاطم و کاه زوج و کاه تفرد ابله رک بر یحق ساعت
خجومیه زمانی مروزه برمقدار سکونت بولنفله اموال و اسباب مهمات
ایله خالی قلان قزلباش اورد و سنه دک و خد عه احتمالیه اغوانیان
بر در لون عرض اینیوب کند و اورد و لبنه رجعت ایتدیلر ایکی سامت
مروزه نه عجم اورد و سنه احوان کرکی کی تجسمی ابلد کارندن صدکه

و شیخیت صرف مقدور باید لیم که من بعد بزه بوبه بر حصن حصین جای ۵۳
قرار و هر حال نخستن این جلث مقام استقرار اولوب قلعه یک کمال استحکام
ویرد کد نصیره خزینه و مهماتی قلعه یه قویوب کرکی کی حافظه
نصب و تعيین وزاده خیره کورلد کد نصیره عسکریزی طرف طرف
اقینه کوندر مک سهولتی تحمیل اینش اولور ز آجق طو پله که تور مک
ندر کن اوله غندن غیری بر زرمه ما امکن سبکبار اق لازمه حال ایکن
سرعت میریزه پا بند بر امر خطیرا اولمغله لامحالة قزل باماشلر بوله عزیزندن
اکاه او ایجق وار قو نلر بی بازویه کتورو ب بای وجه کان برمقدار عسکر
ندر اک برله یزه عقیکیر اولسهر کر کدر دید کن جمله اغوانیان بور ای
و تدبیره راضیلر اولوب طقوز بیک عسکر انتخاب و صورتا اصفهانی
محاصره قصد نه اوله قلر بی استعار ایچون اول جانبه سرعت و سارلری
دختی اسباب و انتقال لر بی دوروب دوشوروب ابله و برمقدار عسکر اغراق
ایله کیدوب برمقدار در قفاظه ایمه کید جلث طقوز بیک عسکر
دختی بعد الایام رجعت و بونلره قفادار اولمیق اوزن مشاون لر بینه نیجه
ویرد پلر فرستاده شدن خان هویزه رای تجسس احوال اغوانیان و بیو
ایام تغایریه دالیه ده حوالی اصفهانه اغوانندن برفه کورند یغندن بعیملر
محیر اوله پلر اغوانلر غنیمی ایوب کتد پلر صاند پلر عاقبت هویزه خانی
عرب فارسلر پله تجسسه تعيین اولنوب بر قره کوکجه ده شهردن چقوب
اغوانلر عمنه رو برآه اوله مخالعه که یه و اصل اوله قدر اسباب و انتقال
با حلنه نقل اولنیش ایجق طو پله و ضع پنه و نمیوب علی حالت جنلر بزند
و برمقدار اغوانیان یزد بی تجسس اید بجه کورد پکه اغوانلر اور دلند ارم

ناما اخذ و بلا حائل و مانع دلواهه لر اوزن ضبط ایلدیلم یجم
اور دوسته بکری بیش عدد حاضر و امداده اولمش و اغز لش بیال یز طوب
بولنوب سارمهه مات و اسباب و انتقال بی نهایه و بکری بیش بیک تو من
نقو دلچه بولنوب اور دلر بنه نقل ایتد پلر نکته چونکه بونه کاجه طهور
و حدوث ایدن احوال عن قصد اولیوب جله اتفاق واقع اولور دی
بود فعه دخی اغوانلر ک اصفهانی محاصره ایلک فکر و سود اسی خاطر لر بنه
دختی خطور اینش معنی دکل ایدی اول اجلدن بولاد قلر طو پله قطعا
نظر و وضع بد ایلیوب ایجق اسباب و اموال ساره بی اور دلر بنه نقل
ایلدیلم ر مراد و مقصود لری چالوب چار پوب الله کتورد کلی غنا ایم ایله
قند هار جانبلر بنه عودت ایلکه مقصود ایدی و بوانه اده اصفهانه اولان
و قابع ملات اشتمال و جزع و فزع و سار احوال قیامت نشان ذ کرو بیان
محتاج اولیوب ارباب عقوله معلوم اولمغله تحریرندن کف لسان قلم
قلندی اغوانیان دخی بر قایح کون ننفس و راحته محتاج اولوب اطرافه
پی در پی قره غول للر تعيین و ارسال و بو طر پقیله صدوری محمل قضا
طهور ندن بصدیرت اوزن حزم و احتیاط و هرجانبله طرق موارد اعدای
سد و بند و دیان بانلر نصب و ارسال اولندی مشورت کردن اغوانیان
بعد الغلبه برای رجعت در کرمان و قعه کونندن برو جانب اصفهانه
اغوانندن برفه بعیملر کورنیوب غیری میز و رجال و اعیان و اشراف قوم
جمع اولوب کند و احوال لر بی مشاون و مکالمه یه مباشر اوله پلر بعضیلری
الد بکمز اموال غنایم ایله کرمانه عودت سی و همت ایدن لم و بوز اقلق ایله
وصولیزند بیانی کون لم ز وار مه دن قلعه فتح اولدیسنه فبها و نم والا و نخ
و شدیه بنه

اپله ارسال اپلدى مفهومند طرفکزه بوكونه غلبه لر واقع اوادى بونك
 نام و سانىله اكتفا اپدوب الدېكزام وال واسىنا اپله ولاپتكزه عودت اپلساكز
 مناسب اووردى احتمالدرکد باد ظفر خلافکزه وزان اوlobe هر بار تقدير
 از ل مقصود بکزه مولفق ظهور اپتيمه بن دخى سى مذهب و سز كله يانع
 اعتقاد اولد و غدن طرفکزه خير اند يشلک مقتضای ديانى در و بوعيرىدن
 ناشى طرفکزه نافع اولماق اوزن بر خدمت مبروره كزده بولتغى در عويم
 وال نازم اپدۇرم سلا متكىز دروغىن مضم مطلوبىم او لغله شاهى ورجالى اغفال
 و تغلىط اپلارم تام كقفا كزدن عسکر كوندرالىيە و مصالحة اولى كورىلوب
 موافقت اپلاد بکكز صورىڭ قىندى هار او كەسى توابع يرلىلە سزه تابىدە
 او لىور و من بعد شاھلار طرفىندن تصرفة تعرض او لىماز عسکر يكزه
 بخش اىچون طرف شاهىدىن سزه بومقدار اچىدە دخى هىدىيە زامىلە يىورىلە
 مەكىندر بويىندىم اپله عامل اوlobe بران اولى رجعت قىندىن او لور سز
 طرفزه حامل ورقة اپله تىيىھە لوجواب كوندىن سز بومادە سز كله معهود
 او لەرق خصموله كتۇرلە سەنە متىھد او لورم همان بران اولى ادىيى رجعت
 اىتىدون سز تىز عزىيەتكز هر بار هدف مقصودە اصباب اپتيمە جىكى احتمال
 فكى و ملاحظە دن غافل او لىيە سزدى يوتىھىد كلام اپلدى فراغت كردن
 اغوانىيان از هوايى رجعت در كرمان و عزىيەت ايشان بىشەر اصەوان اغوان
 عسکرى دخى مقدما التفاق اپلدى كلىرى صورت اوزن عودتە حاضر و مەيىا
 او لىش اپكى اتفاقا قاصدىد بله مكتوب چقە كاوب ميرمەجودە و اصل اولى
 امراواعيان واركان اغوان بيرىه جمع اوlobe جملەنڭ مواجهە سەنە مكتوب
 مەرقۇم جەر بله قرات او لىدۇب مفهومى معلوم او اىچق مشاون اىتىپلر

و سكوت او زن بىر يە حركتلىرى يوق في الحال ئىدارك كوروب طوپلارى
 سرعت و مکال كرمىت و شەتاب اپله اصفهانە نقل ايتىرىدى و اغوانلىك ھنوف
 اوردىلنى على حالم ئالدى قىلىرى بىنە خبىر و ينجه اغوان فرست بولدى
 كندولر بىنە من بعد قلب قوت ماصىل اولدى بىزم اختتال و اختتال فراخوانى
 جىست و جىسور قىلىدى بوندى بوللىك بىلە ئالدى قىلىرى اموال خەنام اپله كىر و كەتكە
 تىت و عزىيەت علايىي كورىزدى يغىندىن اصفهانە تعرض قىصدىن اولدى قىلىرى
 ظاھر او لىدى ديو جملە ناس و رجال و شاه مەتكىدر او لىدىلىر اخنۇق اغوانلىك
 كورىزدى و كى سكز كوندى في جملە ارام بولوب بىمقدار عسکر ئىدارك و طشەرەلە
 رقلىرى كوندروب عسکر كورىزدى مەتىقىب و اصفهان شەھر بىنە مەھما مەكىن
 مەتائىت ويرمەدە اھنام قىلىشلىرى اپدى بومقدار جە ئىدارك كندولر بىنە
 مقاومتە و بارى نفسم اصفهانى حفظ و جىايىھە كفابىت ايدىر و غالبا
 اغوانلىك دخى مطمح نظرلىرى جولفە و سار حوالى اصفهان غارىنى
 سەمىدۇر بومرادلىرى حا عمل او لىدى قىدە اصفهاندىن ال چىكوب كىر و كەتكە
 تىت و عزىيەت ايدىرلە فكى و ملاحظە سىلە اضطرابلىرى بىمقدار سكوت
 يولىش اپدى ارسال شىدەن مكتوب از جانب خان هو يزه بولى مصالحة
 با غوانىيان بوانىمادە بول يوزدن ئەپلىرى رۇغا اولان داھىيەنڭ حسن
 تىدى بىر اپله دفع ملاحظە سىلە شاه حسین هو يزه خانلىق يانقەچا غرۇب
 امراپلدى كە ميرمەجودە كاغدى يازوب صورت شاھلە خبىر و اكەلى لولىوب
 هو يزه خانپىنڭ كندواختلىق او لىق او زن مصالحة عقدىنە فتح باب مصالحة
 اپلەلر بىش شاھلە تىبىيەي او زن شاه و رجال كويابى خېز و هو يزه خانى
 كندى قىرىخە سەنەن او لىق او زن ميرمەجودە كاغدى يازوب بىر معەند قاصىدە

مکتوب مرقوم بعض مواد بینه نسبت اسکرچه مصنوع اگن حیل حریبه
 احیالاتی جو هندن هاری اولنگله همان عجمیلر ک کمال ضعفلر بینه علم خیر
 اولوب اغوانلر ک جانب وطنلر بینه مصم عزیتلر از فراغتلر بینهادی ولدی
 و مشورت ایدوب بعضا میلری ظاهر مکتوب ابله عمل مناسب انجق قوی
 سندلر و کفیلار و ریس و نلر دیدلر ولکن اکثری خلافنه ذاہب اولوب
 بومکتوب دن عجمیلر ک کمال مربیه ده خوف و ضعف او زن اولد قلری اشکان
 اولدی عون حق ابله بوف رصت بزه ال ویردی جمله مزکیرو کنک سود اسندن
 فارغ اولوب ریشه می اسرا ولا م دیوب هماندم میز محمود ک میانجیسی
 پعنی معلمی و مریپسی اولان عالمه واروب دانشد بلر اول دخی بسط کلام
 ایدوب قزلماش دولتی ب شهرت کاذب دن عبارت و کندولی دخی با جله
 مر جت و شفقت دن بی نصیب و مترصد فر صت مرئی کذب و حیله بر قوم
 غدار اولد قلری معلو مکدر عهدل بینه اعتماد و یینه لر بینه استناد هکن
 اولیوب چونکه صالحه میل و رغبتلری وارد قند هاراولکه سندن مفهوم
 مکتوب لری او زن گف پد و حضاری و تلاوچ اغوانلری بزم ابله معا اولنوب
 جنکار ده دخی موجود اولم بله اتلر دن دخی بالکلیه ال چکد کد نصیکره
 شاه حسین قیز بینی میر محمود و ریسون و مملکتلر قیز بینک جهاز بله معا هدیه
 او اسون بعن حد و دتصیب و دعیه این اولنوب مایندن بو طریقیله برودت
 قالقوب جد ال ترک اولنور و دوسته دوست دشمنه دشمن اولم اوزن
 شروط عقد اولنور بی جله بی رافی اولور لایسه مصالحه عقد اولنسون
 دید کل جمله اغوان مناسب کوروب هو رزه خانه قاصد بله قطع جواب
 یازد بلر یاز بلان جواب رجال و اعیانه معلوم او بحق مشوره نلر ایدوب

شاهه

شاهه عرض ایلد بلر شاه اندکشت محیری دندان تفکره قویوب وادی ۰۶
 خیونه سر کردان قالدی ر جاله عطف نظر ایدوب بو با بله اتلر دن جواب
 استدی رجال و اعیان دخی شاهم جمله سی مکن انجق قیز و یرمکنجه او اور
 شاه همز رعایا سی مقوله لبند قزین و یرد و کی حماله روی زمینه موجود
 ملوك و مملی بینه دن ال بته شایع اولوب بر دخی دن دک او اعتماد بز قلماز بویله
 بدنام اولدن جمله مزه اولمک پکدر همان عرض هز اچون غیرت اید لم
 بو کونه یار نه طب شرده دن عسکر بیز کلور اطراف شهره محکم حند قلر
 کسوب نفس اصفهانی محافظه اهتمام اید لم فرح اباد خلقی و رعایا بی
 دخی مکن اولد قچه ایچرویه اوب خدمته قوشالم شهر مزده دخی و افر
 موجود عسکر بیز وارد بر مدت گند و مزی محافظه ابله غولی اشغال ایدوب
 ذخیره لری دوکنور بوصور نه رجعت ابله محبود او اور لر اول وقت دخی
 اقتضیا سنه کون حرکت اولنور پس اغوانلر کے ااغد باز بلوب مطالب
 سایر کز ساید که حصول پذیر اوله انجق سر زنی مذهب اولد و غذ کز دن
 غیری بخ شاهلر بینک رعایا لری مقوله لر دن بولند بگزاجلدن قیز الملق
 و یرمک تقریبیله مصاہره برو جله حیز امکان دد کل در دیو جواب یا اس
 ویرلدی ظاهر ده و با طنخ بو کونه تحقیره رمز و ایانی متضی جواب
 اغوانلر ک معلوم او بحق غیر ته کلد بلر و بونک او ز بینه اتفاق ایلد بلر که
 بر قاج ایام دخی مکت ایدوب کونه برقاچ دفعه اصفهان اطرافی چا لو
 چار دوب هما ممکن غارت اید لر و بو کونه تضمیق ابله مطلوب بلر بینی تحصیل
 اید زباری قیز و یرمز لسه ده مواد سازه یه رضا کو ستر و ب قوی سندلر
 و کفیلار و یرمز لر یا خود بود دخی اولیوب اطراف دن عسکر کله جکنی فیم
 ایلدی کمزده رجعت ایدوب نصیم اولند و غی او زن کرمانه عزیت اید رف

بورایه جمله اغوان تابع اویوب اطراف و جوانبه درحال چندل تعیین
اپدوب کوندردیلریان احوال فرح ابادی محملردنی فرح ابادی تخلیه اپدوب
اتجی دش عرد طوپی کوتون میوب یوه کومد کارینی اغوانیان خبرالوب
اول جانبه دخی ادمیر کوندروب تجسس قلدبلرو فی الواقع فرح ابادنام
 محل خارج اصفهانی قلعه مثلاو متیان دیوارایله و خندق بعید القعر
اپله محاط درونند حیاض و میاهی و باعچه و باغانی جنت مثال از اوضاع
انجوار و از هارایله رونق ڈاکصور و بیوت کونا کون اپله و سعت پیدا رم
 ذات العمامد برسرایی همیتا اپد و کن اغوانیان مشاهد اپد جلی غازیان
 و بجاهدانه موعد اویان جنت فردوس یوه زنول اپدوب کندولینه
 ئعجمیل اجر جز یل قلنیش صاند بلر پس ادخلوها مفهومیله
 عملن سرعت و شتاب ایدوب جیفه مز خرافایله ملوس اور دو لندن
 قالقوب فی الحال سرایه نقل ایتدبلر بوجه اوزن اغوان عسکری فرح
 اباد سراینه قونوب دیوارلینه مقاتت و خند قلرینه توسعه و بیوب
 برقات دخی قلب قوت بولدبلر درون و بیرون سرایه عسکر قویوب
 بوشکل اخیر کیدبلر و مهاما مکن زادو ذخیره ندارکی فکرند اویوب
 احوال جولفه اصفهانی محله سی مثاله سند برواسع شهر مقداری
 از منیلر محله سی اویوب مایپنی فصل ایدن نهر زنده رود در اغوانلر کفرح
 اباد سراینه کیدوب کندولینه استحکام ویرمل قیدند اویلد قلرینی
 عجمیل کور دکن جوافه یه فرمانلر کوندو روب بالحمله ارمینیلر سلاحنوب
 اصفهانیه مشاه سراینه محافظه یه کاسونلر دیوتیمه ایتدیلر زیرا قزلیاش
 قوللری بو کیجه جولفه اطرافند اغوانلر قارشو مترس المغه مامود
 المشیر در بوجه اوزن جنکه شروع و مشاشرت ایده جکاردو

میا شرت اپله جکار در بیچان ارمینیلر کال اتفیاد اپله هجم جمله صنه
 الدانوب کندو در دلینه درمان و کرندن غفات ایله جمله سی ساحل نوب
 اصفهانه کتد بلرو شاهک سراینه محافظه عزیتند اولد بلر عجم غدار لری
 بیچان رک سلیج و بساطلرینی یک پان الوب تهی دست جولفه یه کوندرد بلر
 و قزلایه استلر دخی جولفه محافظه سنه وار مدبلر و چونکه تقدیر از ل بوله
 برقوم بی رجم و غدار کجزالری تر پامنه تعلق اپلش ایدی هرند بیوند اکاری
 لامحالة خلاف صواب واقع اولور دی بود فعه دخی جولفه دن بر قاج بیک
 مسلیح عسکر حاضر اپدوب و عیاللری غیر تیله او نجه جمله ایتدربوب
 کندولینه تقویه ویرمل کن ایکن اغوانه عسکر اولیه اردیوس ساحلرینی
 الد قلرندن صکره مشورلری بو کام بخرا ولدی که اغوانلر البته جولفه یی
 الوب ضبط ایدرلر و بز صاحب چقیمیوب دفع قیدنک اولیه لمز برا جولفه
 ارمینیلر زنده مال و جوهر و امتعه ذی قیمت بی حد و بی حساب در اغوانلر کری
 کی غیت الوب طویوم او اورلر و اندن صکره طور میوب کیرو کیدر لی
 فرم دخی بوار القده طشره دن عسکریز کاوب تعقب ایده رز و جمیع ماللرینی
 اللر زدن الورز عسکریز کلدوکی صور زنده بر مقدار مال دخی بز و رز
 بونقدیرده جمله سی غنی اویوب ارزوی وطن درونلرینه دو شوب کندو و
 کندولینه چقوب کیدر لر صاند بلر اغوانلر ایسه همان اول کیجه جولفه یه
 بیوریش ایتدبلر لکن شهر مزبور ده ارمنه طایفه سی خایت اپله کشتر
 وزن بونغله اهل و عیال و اموال و ارزاقلری غیر تیله شهروی محافظه ایتدبلر
 و شاهه هر یاد جی کوندروب امداد طلب ایتدبلر صور تاکرچه بمحمل
 اهداد و عد اپلد بلر لکن نه اهداد ایتدبلر و نه ساحل و بیز وید بلر غایب است

ذالمیدار اولوب قزلباشلر دخی کند و لینه سوء قصدینی کوروب جولفه
اغوانه خواهنا خواه تسليم اپله مجبوراولد پلر اغوانلر جولفه یی ضبط
اپلد کاری کبی ارمینیلر دن المی نفر دونش ملبس و مزین قیز اوغلان
قیز و عسکر بخش ایچون پیش بیک تو مان اچه طلب اپلد پلر و اغوانلر ک
یو کونه مطالبه هر بین دفع و تتعديل و تسهیل بدر او حد امکانه اولمیوب
چار و ناجار قیز لری ندارک والبسته فاخره الیس و بولد قلری در وجوه
اپله تریان واللر دن طو توب میر مجدد داره سنه کوتوروب تسایم
ایتد پلر انجق تیشر بیک تو مان اچه یی جمع ابدوب و یرمک امر مشکل اولمیوب
پیرو اختیار و باش بو غلری بیوه جمع اولوب مشورت اپلد پلر غیرت
اپدوب جمع و تحسیل و اغوانه بونجه مبلغی تسليم اپلدیکم مصو رنها شا بد
که اغوان بودیار ده پاپدار اولمیوب بکرها و اطوطاچقوب کند و کی نقدی ده
همالز ضایع اولد و غندن غیری قزلباش بزه جور و سنم و نچون و یرد بکز
دیوا عذاب و تجیز ایللری امر مقرر اولوب پس اتفاقیله جواب و ما لمز
اصفهانه اولوب بو حالمه جمع و تحسیلی بطریقیله حد امکانه اولمیوب
شهر لصفهانه ظفریاب اولد و غکر حالمه بالثام ادا اپله رز دیو هزار نیاز
و تضرع بله نسلک و ید پلر می باشت اغوانیان بمحاصره اصفهان از جانب
چولفه ایرته سی کون اغوانلر ارمینیلر دن اغنه اولانلر ک اولینه کیرو ب
اموال و ارزاق و افره لرینی غارت ایتد پلر ولکن فقر اولینه و کلسا لرینه
تعرض ایتمیوب بر فردی دخی قتل اپلد پلر چون یوم اتیه ده نوروز
ظفر ایرو سعادت رهبر مقرر اولدی همان اول یوم فیروز ده جولفه
چانبلدن اصفهان محاصره سنه می باشت اپتد پلر ما پندا نهر زنار و د

واقع

واقع اولمیله جکد مکن اولمیوب دوه لر بله زبرق تعبیر اولنور طو پلری ۵۸
کتو روب قارشو قارشو جنک ایتد پلر رچه ایام عجم و اغوان پیتنک واقع
اولان جنک همان صبیانک لعینه مشابه بی مائل بر قوری هنکامه ایدی
طوب و توفنک احیما نائلوب ادم قتل او اتفق نادر او لو ردی و اصفهانی
محاصره ده عاجز لر اولوب انجق سرای فرخ اباددن جولفه یه کافعه
اهماطه اپاشلر اپدی انهزام اغوانیان در هجوم جسر شیراز بحوال او زن
ایکن بر کون اغوانلر شیراز جسرینق اخذ و ضبط ایچون یوریش اپلد پلر
قرلباشلر دن چوق عسکر کلوب اغوانلر ک دفعه ه کال کر میته اپله کوشش
قلدیلر ضبط جسره ظفر میسر اولمیوب اغوانلر دن و افر کسنه قتل
اولند قده باقیلری رجعت اپلد پلر اند نصیرکه اغوانلر جنک دن چکلوب
اپکی طرف و مقدار استراحت اپلد پلر برقاچ ایام ارام و یلد که بر کون
اغوان بلوک بلوک اولوب جسر لر ک ضبطه می باشت ایتد پلر اینه کمی
تحته پارچه سن و کمی قیو قمادن و کمی پنجه لر قیاغن اوب سپر لنه رق
جسر شیرازی قبضه تصریفه کتو روب صودن دخی پچکه باشلر پلر انجق
جسر مرقومک محافظه سیخون اون اپکی عدد طوب ندارک او نیش و اصلی
فرانچه لو بر استقاد طو چیلری دخی بو لفله اغوانلر ک ز خام او زن
یوریشلرینی کور دکله طو پلری صاچمه و طاش پارچه لر بله طول دروب
اغوانلر ز خامی یقلشدیغی بله بیک قتل دن اتش ابدوب اغوانلر ک اکثری
تلف اولد پلر و باقیلری دخی جنک دن روکر دان اولوب فرخ اباده متوجه
اولد پلر هجوم طرفنه خادم اغمال دن احمد اغنان منه بر شجیع و جسور و دلیور
و دل اور کسنه کند و یه متعین عسکر بله جسر مر قومک محافظه سی

قریب امشتخر دخی اصفهانه اولان مالمزی الدقلر ندن غیری اغوان چکاوب
 کیتند پنکی کی نچه نجده بهانه (اپله بزی نجیز ورنجیده اپله جکلری محقق دو
 بزه مناسب اولان ارالرینه قارشمیوب مقید اولما مقدر هرنه حاللری
 وار ایسه کندولری کورسونلر بزه اهون الشرین بو اولمیق کرکدر واکر
 قریب امشلره امداد یشوب اغوانی دفع اپدبلر سه بزده انلر اپله مع اغوانلری
 تعقب اپله ارز بو تقر بده خدمته بولانسک احتمالدر که عجملر من بعد
 رنجیده ایتیوب مالمزی ویرمل واغوانلره ویره جغمز یمیش بیک تو مان
 دخی یانزه قالمش اوورهمان مسامحه بله بو خصوصی تعویق اپله دیده
 اتفاق ایتد پلر سیدن پیام از جانب خان هویزه با اغوانیان و فراغت کردن
 ایشان از رغبت مصالحه اغوانلر بو اشناهه خوف و اضطرابه دوشوب
 نه یوز دن حرکت اپله جکلرینه بیلیوب اشد اختلال و اختلاف اپله عظیم
 پریشان الحال اولمشلر اپدی قضا و قدر اول کیچه هویزه خاتمه خفیه
 ادم کاوب بو کونه خبر کتورد پکه کونیم سزی ایش کورک و بدر اوفکر
 واندیشه اوزن او لمیوک بن دخی سز دن انشا الله تعالی عن قرب مراد پکز
 حاصل او لو ر و اصفهانه حاله و نه کیفیت د اپد کونه و فتح و سخنی نه
 طریقیله می سر در دیونقیر و قطمیر خبر کوندر مکله کویا اغوانیانه هاتف
 غاییدن مرثه سلامت صد اسی کلدی و هویزه خان پنک بو کونه و ضعنه
 باعث بو اولش اید پکه کندوسی سنی مذهب اولوب اکر جه خدمته
 شاهه خلوص اوزن اپدی لکن سار ر جالدن نچه مواد ده من کسر اخاطر
 اولوب اعتماد الدو له فتح علی خانه مواد نه سنی مذهب درد یو بونه مت
 اپله قریب امشلر کوزلرینی جقارند کاری خطیبه سی درونه جای کیا اولش

خدمته ما موراولمش اپدی اغای مرقوم کمال شدت و کرمیت اپله غوانلره
 عقبکیر اولوب عین زمان کور مامش بوجنک ایتد پلر اغوانلر بود فعه
 مغلوب اولوب چوق کز بان کمسنه لری نلف اولدی و حاللری اول کونه
 بمرتبه ده دبکر کون اولش اپد بکه اکر خادم احمد اغایه امداد اپدر بر مقدار
 عجم عسکری بو ایندی کاناباد معارکه سی اتفاق مینی عجملر بلاشبده بو کون
 اغوانلر دن المق امکان حاصل اولش اپدی زیر اغوانلره بو کونه نلف نفوس
 اپله انهزام بر محله واقع اولما مش اپدی اغای مرقوم دخی عجمک کیز دن
 امدادی ظهور دن ما یوس او یحق نیه دونب جسر ک محافظه سند نیابت
 قدم اولدی و غبت کردن اغوانیان با مر مصالحه با عجمیان اغوانلر ک ایسه
 بالا و باشلو امور دن لری میر محموده کاوب مشاون ایتد پلر و کاناباد ده
 صالحه رغبت ایتد کلرینه نادمل اولوب چوق تا سف ایتد پلر عسکر ک
 کز پل سی ضایع اولوب حیوانلریز لاغر اولد قده قریب امشلر طشره دن
 قوی امداد کاوب بزه مضایقه و یرد کلر نه حالمز مشکل اوورهمان بر
 طریقیله مصالحه ته بیزین کون لم دبکلر و هماندم جولفه شوری
 ار منیلر نیک بالا و باشلو لرینی چاغروب دبکلر که قریب امشلر وارک اکر
 بزم اپله صلح اپلک مراد اپدر لرسه کاناباد ده نصیم او ندوغی اوزن خلق مزی
 ارض اپله ز و سز دخی شقائیز دن قور نیش او لو رسز اعیان ار منیان دخی
 پنکلر نه مشووت اپدوب صالحه تو سطی معقول کور مد پلر و بو کونه
 احتمالات و یرد پلر که بزین السیفین قالمش بر قوم ایز تو سه طمز اپله صلح عقد
 اولندیغی بوله تمسک مزمو جبجه یمیش بیک تو مان الجهی اغوانلر لامحالة
 طلب اپدوب بزدن الماری مقرر در وسز اغوانلر اپله ولکه اولد و کز دیو
 قریب امشلر

مقدور ایوب تعلیل و بهانه ایله دعویق و شاهه صعوبتل کو سردى ۶
هیوم اغوانیان بجسراب سایاد و مباشرت ایشان در محاصره قماح شهر
اصفهان اوچنجی ای دخول ایلدلوکی برله ینه جنکه مباشرت اولنوب
اغوانلر بروقت سحرده علی الغفله اب سایاد جسرنه یوریش ابدوب
ضبط ایلدبلر جسرک محافظه سنه ما مورکورجی عسکرینیک پان هلاک
ابدوب اصفهان جانبته عسکر چور دبلر شهرک جوانب اربعه سنی
محاصره ابدوب طرق و مواردی محکم سدوبند ایلدبلر احوال امدن
عسکریم برای امداد اصفهان و آن هزام قرنداش علی مردان اغوانلرک
شهر اصفهانی بو طرز اوزن محاصره ایلدکاری خبر و حش اطراف و اکنافه
شایع اویچق بالجهله قزلباش قومنک درونلر زخوف و هراس و دهشت
و وحشت جایکیر اولدی جسراب سایاد ضبط اولند قد نصکره اطراف
ملکتندن اصفهان امدادینه تجمع و عزیت ابدن باش سز بونغ سز قزلباش
عسکری اون ایکی دفعه جنک ابدوب اکثر یام نهزم اولوب اغوانلر
غالب اولمشلر ابدی و بومعارکه لرد جمله دن زیاده اغوانلر ایله جنکه
اقدام ابدن علی مردان خانک قرنداشی ایلدکه ندارک اولنان ذخیره ایله
اصفهانه کیر مک مراد ایلش ابدی زیر اعلی مردان خان سارل ایچند
امور دیان کار از موده برمد برخان اولمغله وافر ذخیره ندارک
و بشریک قزلباش عسکرین جمع ابدوب ایوجه ندارک ایله اصفهانه
امداد مراد ابدوب ندارک اولنان ذخیره و عسکری بمحمله قویوب
اوزرلرینه کو جلک قرنداشی سردار نصب و تعیین و کندو سی بمقدار
عسکر دخی کتو روب قرنداشنه کاوب ملائق اولمق اوزن بر جانبه کنش

ا بدی و خان مرقومه شاه خزینه سندن اختلال بهانه سیله بهریوم ^{الله}
قوم اچجه ویر پلورا بکن و طشره دن امداد لری دنی کاره دیو امید لری
غالب اولمغله صالحه را فی دکل ا بدی ندارک شدن ذخیره از جانب اغوانیان
برای محاصره پس اغوانلر هویزه خاتمند بونه خبر ایله عجم لرک
احوالنه وقوف تام حاصل وصلح و یا غیری طریقیله رجعت و عود نلر زدن
دخی صعوبت عظیمه فکر و ملاحظه ایلدکارند ینه قیام و شباته قرار و یور دبلر
و ایکی ای مردینه دکن قطعایوریش و هجوم بول او حركت ایله نلف نفوس
ایتمیوب کند ولرینه اتعابه جوازوی مردبلر انجو کند ولرینه مقانت و یوریب
اصفهانه قارشو بحوال اوزن طوروب اطرافی محافظه دن خالی اولمبلر
و طرفیندن مصاحت ملاحظه سیله ادمیلر کاوب کیدوب شاه دخی
طشره دن امداد کار رامید بلر رفق و ملایت اوزن معامله برله اغوانلری
اغفال و تعلیم و تا خیرسته ذا هب اولش ا بدی اغوانلر دخی بوا ایکی ای
ایچنده اطراف و اکنافه چته لر کون دروب بی حدزاد و ذخیره جمع و ندارک
ایلدبلر و جوار لر زنچه بلا د و قریبی کرها و طوع عافت و نه خیر ابدوب
قبضه تصریفه کتو رده لر ارسال شدن خان هویزه از جانب شاه برای
مصالحه با غوانیان شاه امداد انتظار نده ایکن بوقدر زمانه ظهور ایتیوب
و اغوانلر دخی ایام خالیه ده ندارک مالزم ایله کون بکون قوت بولد قلرین
فهم و ادرک ابدوب الصلح خیر دیوب مکالمه سی ایچون هویزه خانبه
اغوانلر کون دردی چون امر مصالحه خان مرقومک در و نه منفوری
ا بدی بو تقریبه اغوانه واروب کندویه مخصوص امورینه تشبیت
و یوریب اغوانلر ایله دوستیق واشنالق بیدا ایلدی امر مصالحه یه صرف

اپدی سردار مرقومه اغوانلر اصفهانلر فلان جانبی هنوز محاصره اپله
احاطه اپله پلر اول جانب اچقدر واول طرفه اغوانلر ک نظر و اهتمامی
بوقدر سهولت اپله شهره وصول و دخول ممکندر دیو بعض اعتماده
ناشا یسته خبر لر ک کذبه احتمال ویرمیوب سرعته و مباردت و علی
مردان خانلر عسکر پله قدم و ورودیه توقف ایتمیوب یانشک موجود
بس بیک عسکر و وافر مهات وذ خایر اپله اصفهانه وصوله عزم راه اپلش
اپدی اغوانیان ایسه خبر الدقلری برله قارشوچقوب عظیم جنک ایتد پلر
بمحمله منهزم اولوب اکثری مقتول و سردار لری کوجله فرار اپلدی
و بونجهزاد وذ خیره اغوان النه قائدی علی مردان خان و قعده ی خبر
الیحق کند ویه دنی یاس کلوب اصفهانه هزیتدن فراغت اپلدی
و اصفهان خلقینک دنی امید لری انحق علی مردانلر و قرنداشنه شقد و منه
مغضراولمیش ایکن انلر ک دنی حالی بویو زدن اولد و غمده خبر الیحق جمله
محزون و همیز اولد پلر محاربه اهالی بن اصفهان با اغوانیان واخذ ذخیره
از دست ایشان اغوانلر دنی عجم عسکریه بوزوب زاد وذ خیره و مهماتی
اخذ و قبض واوردولینه نقل اپله مراد اپدوب بوصه و صلک تشبیه
ایچون ب مقدار اغوان تعیین و انلر اپله ارسال اپدوب باقیلری خدمت
مأمون لرینه کتد پلر مک اصفهانلر ب ساعت مقداری محله بن اصفهان
تعییر اولنور ابدار و هوادار و صاحبۃ الاشجار بر بلد معمون اولوب
اطراف و اکنافدن بلاد و قری خلقي اول قصبه ده جمع اولوب و اطرافی
حمد قل اپله احاطه اپدوب کندولینه کرکی کبی استحکام و رهیشلر اپدی
اغوانلر الدقلری غنیمی اور دولینه نقل ایدر کن اثمه ایز هله قصبه

مزبون ده

مزبون ده مجتمع قزلباش خلقي کال کثرت اوزن اغوانلر قارشوچقوب ۶۱
با جمله زاد و ذخیره و مهماتی اغوانلر اللدن الوب بن اصفهانه نقل
ایتد دیلر و اغوانلر چوق کسنهری اخذ و قتل ایتد دیلر انهزام میر محمود
در جنک باهالی فصیبہ بن اصفهان میر محمود بوجنری اشد یجک عظیم المیم
و کدر و تهور اپله اغوانلر و افرع عسکر سچقوب کنند و بنفسه قصبه
مزبون ده تحسن اپدز قزلباش اوزرینه کیتدی لکن محل مزبور ده
قرلباشلر کثرتی اولوب کال شدت و کرمیت اوزن جنکه قیام و اقدام
ایتد پلر عاقبت ظفر و غلبه میسر اولمیوب میر محمود ک عسکری مغلوب
اویحق وینه اوانلر دن چوق کسنہ قتل اولنوب چهلری دنی قزلباشلر
اسیر دو شدی میر محمود بوجنر دن غایت اپله معموم و مکدر اولدی
با خصوص ک اقربا و تعلقا تندن بر قاج نفر کسنہ یانشک موجود بولنوب
بوجنکه قزلباشلر اسیر او ملشیدی بیان سبب قتل و اسایه مصال اسارای
قرلباش و عهد میثاق در میان اغوانیان برای اخذ انتقام پس میر مرقوم
عجاله اصفهانه اپله جی کوندروب شاه حسینه بوكونه خبر کوندرد که شاه
حسین کند و جانبندن بن اصفهانه ادم ور قم کوندروب قصبه مز اون ده
مجتمع قزلباشلر زینهار وزینهار اغوانلر اخذ اپلد کاری اسرایی قتل اپله هر
و زنجیره رنجیده ایتمیوب خوش طوته لر تاکه اغوان دنی اکامکات اپله
قرلباش اسیر لرینه معامله اپله لر فی الواقع شاه حسین وجه محمر اوزن
ر قم یازوب و مهماندار باشی میر زاراق قیام معیندینی دو تنبیه ی اپله کوندروب
و بر قاج اغوان دنی معاکیدوب بن اصفهانه واصل اولد قلرنان کور دیلر که
قرلباش بدنها د اغوانلر دست رأسی اولان اسرادن بر فردی صاغ

اوزن دست رس اغوانیان ایلوب کوچک قرنداشیله عسکر منهزم ۱۲
 اولدی بو خبر موحشدن سارع جمله دخی نفرت و وحشت کلوب
 علی مردان یا تند بولنان برمقدار عسکر دخی پراکنده او ملغه یوز طوتوب
 اصفهانه امداد من بعد مکن او ملدو غنیلوب کند و محافظه سی ندارند
 اولدی و اصفهان خلقی دخی علی مرداندن و سارع مداد واعانت ما مول
 اند کلری کسنه لدن ما یوس او یحق کور جستا زدن غیری بردا او میدلری
 قالمدی جون مقد ما شاه حسین و ختمان خانه عظیم اعتذار پله دعوت
 نامه یازوب هدیه بهیه لر کون دروب اغوان اللد مقتول اولان
 خسر و خانه انتقام از الموق غیر ته ترغیب ایدوب بو تقریله استداد
 و اصفهانه کله سن مراد ایلش ایدی بو ائناده و ختمانه فرستاده قلننان
 بیک نامه ور کلوب و ختمان خان مقد ما ایلدو کی بینند ثابت قدم و من
 بعد عمر اولد پچه عجم متاهله بینک دشمنه لرینه مهدم او لسون قلع چکسیم
 قولند راسخ الدم اولد وغی جواب یاس دخی کلوب باب امید امداد
 بالکلیه منسد اولدی احوال شهزاده طهماسب بوندن صدریه نیه
 مشاون ایدوب طهماسبی بطریقیله اصفهانند طشره کون در مک
 ند بیرین ایلدو بیلارون ایکی دفعه امداد ایزه عزیت ایدن عسکر کانه زامنه
 باعث مجرد باش بو غلری او ملدو غید و شهزاده مرقوم بیرون اصفهانه
 بو انسه الیه خلق اشدوب کوروب یانه جمع او اورل و عسکر کنیه ایلوب
 زاد و ذخیره ندر ایلوب اصفهانه کون در مکه غیرت ایدر و بزه دخی
 کایتلو عسکر پله کلوب امداد واعانت ایدر دیو مشور بیلرینه نتیجه
 ورید کل زن عسکر یوز کز بیل جنگچی قصر عسکر پله برسی تارده غیرت

قومیوب جمله سی صلب ایلش و صلب اولانلرک وجود لرند صانع یه
 قالمیوب کایپن ایله قو پاره بیل مو ملری ایله یاندر مس و بونلرک
 ایچ ده میر محو دلک کوچک قرنداشی و عبسی او غلی و خاله سی او غلی
 و اغواندن نجه نجه بله بیل اشلول بولنوب جمله سی قزلماش او باش اللد
 بو کونه سکجه ایله کرفتار بجه شهراجل اولد قلرینی اغوان کور بیلک
 فی الحال رجعت واور دولینه واروب میر محو ده و صغیر و کبیر جمله اغوان
 طما بجه سنه بو احوالی اشاعت ایدوب بوفعل شنیعک و خبر موحشک
 صیت و صد اسی دل ریا اقام اغوانیانی جوش و خروشه که تو روب
 بوره جمع اولد بیل اولد ردنی اللرند اولان قزلماش اسیر لرینی جمله قتل و من بعد
 صلح صلاح افظی دخی بر فرد اسانه المیوب اغواندن بر فرد صانع فالجه
 اخذ انتقامه جان و ناشیله بذل مقدور اید جکلرینه جمله سی متعهد
 و محف شریف اورتیه که تو روب متفق الدرون جمله سی ال او روب ایان
 خلیظ ایله عهد و امانلر ایدوب بونیت و عزیتلرند فیام و ثباتی تا کید
 و تایید ایتد بیلر و من بعد عهد و امانلر نیه موافق انتقامه جان حقیله
 سعی و کوشش ایتد بیلر واللرند موجود قزلماش اسیر لرینی صغیر و کبیر
 فقیر و غنی خان و رعایا اعلی وادنی دیمیوب قزلماشلرک کوزلرینه قارشو
 جمله سی صلب ایتد بیلر و بو احوالی اذ عان ایدن مسلم و نصارا و بیهود و محوس
 جمله سی بیک لسان علیهم مایستحقون دید بیلر اسداد شاه عجم از جانب
 و ختمان خان والی کور جستان جون کلنا بادانه زامی ائماسند علی مردان
 خان اصفهانه فیاضیوب امداد ایجون عسکر تحریر و ندارکنه کنیش ایدی
 وندارک ایلدو کی بش بیک عسکر و ذخیره و مهمات بالاده ذکر اولند وغی

اپدوب میان اغواندن چکوب سلامت بولدی واکرجه اطراف و اکنافه
 ئلک و پو عسکر جمع اهتمامندا اولدی اگن خلق چندان میل و رغبت
 ایتمیوب عسکر یاز ملد پلر زبرابوندن اول امداده کنکش مراد اپدن خانلره
 کرمان سناهان او رستان و شیراز و بونلرک جوارنده اولان خلق بردفعه
 عسکر یاز بلوب بوزملشلر اپدی بعد طواویف اکراد بکلر نه مراجعت
 اپلد پلر اندر دخی بز دولت علیه عثمانیه حدودی جوارنده ساکن اولوب
 کند ویرلیزی هر حال محافظه یه محتاج ایز بوله اختلال اثنا سند حرکت
 اینه جلک اولوب سق غمانللویه تابع اکراد و ساوملل مختلفه متصرف
 فرست اولوب در حال ولا تیزی غارت اپلملری مقرر دردی وجواب وید پلر
 و شروان حواله سنده اولان قزلباش خلق دخی طواویف لز کیمان اپله
 مشغول احال اولوب اندر دخی پابند غاپله اولملر بله نه اصفهانه امداد
 و نه طهماسبه عسکر اوله پلر بعد طهماسب قزوینه کلوب او توز بیک
 مقداری در تئی عسکر پیدا اپلدی و اصفهان امدادی نه کنکش سود اسنده
 اولدی نه بوزدن حرکت اولملودونه ندارک و نه صورت و طریق اپله
 کنملود در دیو مقر بکلری اولان رجایله مشورت اپلدی جون عجم خلقی
 بونجده زماندن برو روز کار فاهمواردن زده ائمتش تعباختلال و اختلاف
 احوال اپله پریشان الاحوال اولاش و شد اپد حرب قتالدن کندولینه
 نفرت و دهشت کلش اپدی بانصوص که شهر اصفهانک احوال دیکر کونی
 فیابندن سنیویع بولمش اپدی اول کرداب بلادن اجتناب و اول مهله که
 هطمادن حاشی ضمیر لرنده مکتوم اپدی بناء علی هذا طهماسبی دخی اول
 طی بیق بر تعبه عزیزیدن و اول بادیه سهوم دان توجه دن منع و تجویل اپلک
 قصدیله

قصد بله دعویق و تا خیر مراد ایند بکلر شاهم عله اپله کند و عسکریزه
 بخوش پجه نظام ویر لم زاد و ذخیره و مهمنازی کرکی کبی کون لم و برمقدار
 عسکر دخی جمع اپدوب ندارک تام اپله و ان لم ما مولدر کد پجه مدت
 مروینه دکن شهر اصفهان اغوانک دست رسکری او لیماز از قضا اول دو غی
 صورنده دخی اغوان طارفه سبی نه ب و غارنده صکره طور میوب
 عودت اپلک مقرر در بز دخی عسکر کثیر اپله عقبکیرلری او لور ز و اموال
 واشیالرینی اللرندن سهولت اپله الور ز دیوب طهماسبی اغفال ایند بکلر
 و بر قاج کونند نصکره ینه مرادلینه و سو و قصد لینه تمشیت و تقویه
 ویرملک ایچون شاهم بوعسکر و افره اپله اصفهان او زرینه واردی کمزده
 غالب احتمال بود رکد اغوانی دفع اپله رز و اغوان دفع اول دو غی برله ینه
 شاه شاه اولوب رجایی رجال او لور سزی دخی میرزا سلیمان و میرزا
 صنی کبی جس اپدرلر دیوب طهماسبی بو کونه اغوا اپله مقصودندن
 فراغت ایندر دیلر احوال میرزا سلیمان و میرزا صنی ایام محاصره امتداد
 و شدت داهیه عجمیان اشتداد بولوب شاه حسینک معنادی دولتخانه
 اولان سرای سناهیدن طشره چقیوب و نظارت احوال عسکر و ناسه
 اقتداری منعدم اولوب رجال دخی کیدرک نافذ الحکم مسیحیع الكلام
 صاحب ند بیر عدامه بوز طویله برکون جله عجم اتفاق اپدوب شهزاده
 میرزا سلیمانی شاه حسینک و کیل و قائم مقام اولمک اوزن تخته چقارد بکلر
 شهزاده مرقوم مقتضای حال و وقته کون کینه قهر اپله و کینه لطف اپله
 معامله اپدوب روز شب سی و اهتمام اپله عسکر و خلقه حبیل نظام
 بولدر میش بکن اون کون حکوم متند نصکره غدار و ظالم در و شاه حسینی

٦٦٥ طشره کوندروب بقر عسکر ینه باشه تعیان ابلد کلر ینه نادم اوبلد بلر
واونک قید ینه دوشوب امدادلر اهتمامند اولدوغن ادرالک ابلد کلر ند
اصفهاندن طشريه فرار سود اسنند اوبلد بلر و يوما فيوما مقطع غلبه
ايدوب جنکه اقتدارلر قالميوب علنا اصفهاندن چقوب کيدر لرد
اغوانلر دخ اغماض العين ايدوب چندان مانع استمزار دى في الواقع
طهه ماسب اصفهانند بولنسه اوراق دفتر انسال و انساب شاهان انکله
دور بلوب عرق خاندان صفویه اند منقطع اولوردى و دو تقدیوده
عجمیلر میر محموده بیعت ابلک امر مقر رايدی زبل دریان و قاع غر بیدو
اصفهان از شدت محاصره و تجمع و مراجعت کردن ناس بدولت خانه امر
محاصره هند او یعقوب قحط غلا و سارماکولات مضایقه سیله و هرجانبدن
شد ابدود و هی پیاپی طهور بله اهالی اصفهان حیز تعییه دن بیرون
حال پریشانه کرفتار او لووب شاشوب قالبد بلر شاهلری اولان شاه
حسین ایام محاصره ده بدی ای یچند سرای شاهی اولان دولت
خانه دن برکز طشره چقمدی برکون عجمک صغير و کبیری جمع او لووب
بیکروه عظم شاهک سراینه وارد بلر سرای میدانند اهانپنلری عیوقه
چقوب جاغر شد بلر شاه فریاد و فغانلر ینه تھل ابله میوب طشره
چقدی قولرم مراد و مقصود پکز ندر دیو خطاب ابلد کله جله سی
صوت لند ابله شاهم شدت قحط دن بونجیک نفوس بشرو غیر ینک
ئلف اولدوغندن خیر بکزو بونجه قوللار پکز شد ابد بلز دادن هر روز شب
خاک مذلتنه غلطان اولد قلر ینه اکاهنر وار میدر شاهم زک دید ارنه
اشیه باق غایته ایو شوب قوللاری شاهک جالندن بی خبر شاه دجی

تحتندن اندیوب کوزلر ینه میل جکمک سود اسنده دوشمشد ردیو
خلق تجمع ابدوب عزل و حبس ویرنه شهزاده میرزا صنیع تخته جقاروب
شاهه ولی عود نصب و زمام حکومی بذصر فنه نفویض ایتد بلر میرزا
مرقوم برای مقداری و کات ابدوب حکومته مستعد صاحب ذات
اولمغله اکرچه نظام احوال عسکر و ناسه جدا و فی ابلدی لکن طبایع
افراد بعزم بالکلیه متغیر و اصلاح پذیر اولمقدن دور و بعید سقیم المزاج
اولدوغن مشاهد ابدوب بر مقیمه ضمای قصای ازل عجمه عارض اولان
ادرده دوام پسر اولد و غن قهم و ادرالک ابدی بکولم بصلح العطار ما افسان
الد هردیوب کند و سن حکومت دن عزل ابلدی عجم رجالي اندی دخی حبس
ايدوب ینه حکومت شاه حسین ده قارداده اولدی تاھل کردن
طهه ماسب در شهر قزوین بقریلر رجال بدنه ادش ازین جانب ینه
طهه ماسبی مقر بلری تعویق و تغاییر و صغری و کبری دن عبارت
قضایای کاذبه ابله اغفال ایچون شاهم اصفهان النازدن اول واروب
خیلی عص ابلسک شاه شاه او لوور رجال نیه رجال او لور الندوغی بکو واروب
بیخت و تاجی اغوان الندن الله لم تاکم با جمله بحیم زم ازاد کرده مزاوله
بوصور دن سنت خت شاهیه برق او لووب سنکله معا املک کشلر ک
سکا و جال اوله دیوب بوكونه کلات فساد امیز لبله طهه ماسبی اغفال
واغرار دن غیری عاقبت او ایلک سود اسنده دخی دوشور دبلر و خانلر دن
برینک قیزینه في الحال نامزاد او لووب قزوین ده سوره دارکن کور دبلر وچه
ایام دونما وشنلکلر ابدوب سر و رو شاد مانی اظهار ایتد بلر اتفاق افاز فانی
کیچه سی اصفهانک اغوانه تسلیم او لند ینی خبر بله سور و شنلکلر ینی
ایچه امه رسیمه قلد بلر اصفهانلو طهه ماسبک احوالین خبر ایحق مرقومی
طشره

قولرینه دیکرکون احوالندن اکا. دکل شاهم بوند نصیرکه ایش ایشدن
پکدی غیری در دیزه دو اقامیو همان غیرت ابدوب سر ابدن چقهه سر
وقولرک اراسنه کاوب جمله مزه قلب او بیک دل و درون صغیر و کمیریز
اغونه هجوم اید رز بر فردیز حیانه اولد چه جان و باشیله جنل اید رز
اچلقدن قرلقدن بوصورنه شمشیر اعدادن جمله مزه اولمک اولی دو
دیو جوق اغلشید بلر شاه حسین دفع قیدن اولوب نوازش خاطر لینه
مهما امکن رعایت ابلدی بود دفعه اموری هویزه خانم حواله ابدوب
انلیکیاتنه کیدوب معیته اغونه هجوم ندیرینی انلک رأی واهنما منه
سپارش ابلدی و هویزه خانی و کیل مطلق ابدوب علی الاستقلال
جهله سردار نصب و تعیین ایهاله دفع مجلس ابلدی مراجعت کردن
ناس بجانب خان هویزه بوند نصیرکه جمله هزلی باشتر هویزه خانه
یانهه واروب غلو ایتد بلر شاهک تبیه اوزن بزه سردار او اوب پیشر ویز
اول بزدنه سکا پیرو او اوب اعدی او زرینه شخون اید لم دیو عنطیم ابرام
والحاج ابله فریادل ایتد بلر خان مر قوم دخی دفع مراد ابدوب مدارا ابله
معامله و بللوب باشلو لینی یانهه کتور دوب عجله ایتمیوک برایکی کون دخی
صبر و تجمل ابدوک بش کونه دک طهماسب لشکر بی شمار عدو شکار ابله
امداد مزه بتشک او زن در انلر بیرونند بزان دروندن دشمنه هجوم
ابدوب بو طربقیله انشاء الله غلبه اید رزو بو کیجه طهماسبدن بکا
مکتوب و ادم کاوب ساخته مکتوب دخی ایاز ابلیوب اول کون کوجیله
بو جمعیتی دفع ابلدی ایرته سی کون ینه تجمع ابدوب دفع مکن اولمکی
عاقبت خلق که او کونه دوشوب یز مقدار اغوانه قارشو کدلد کله

طرز

٦٥
طرز عرب و عجم اوزن تطیر و نفائل ابدوب بونکون يوم تحسدر و فالمز
نامبارک در جمله مزه اف اولور زدیوینه خلقی دفع ابلدی بوندن صکره دخی
بر قاج دفعه جمعتیله طشره چقلوب کاه يوم نخس و کاه فال نامبارک دیوب
عجم عسکرینه اغوان اوزرینه هجومی امهال و اهمال ابلدی هجوم و غلو
کردن ناس بسرای شاهی غیری عجملر هویزه خانه که وار مغه مرادی
اولیوب اغوانه معین شکلند او لدو غن واراده بش کون مروز و طهماسبه
هستکرندن اثر ظهورا یادوکن کوروب ینه تجمع و شاهک سر زینه توجه
ایتد بلر کورد بلر سرای قپولری قیانوب محکم سد و بند او لمس فریادله
باشلیوب شاهک سر زینه مثال باران طاشلر یاغدر بلر شاه بونله
کور غیوب سکوت ابله معامله لکن بعضی خادم اغالری کاوب مطلوب کن
ندر دیو سو اال ایتد بلر شاه مزه طشره بیو رسونلر حیانه میدر ابله لم بزه
قلقان او اوب دشمنه هجوم اید لم شاه مزی کور دیکه جمله مز او غربنیه
فدا او اوب خاکه ابله بنه قربان او لور زدیو نیاز و رجا میز فریاد و فغانیله
چاغر شد بلر و اغلشید بلر حیر قبوله واقع او لمیوب سوزلر بنه التفات
اولندی شاه دخی کور غیوب هر جند که خادم اغالری دفع قیدن
اولد بلر فا بله ویر میوب شاهم اجلقدن هلاک او لدق هویزه خانه
بزه سو و قصدی در کار در البتنه غیرت ابدوب طشره بیورک قولرینه
سپر او اوب دشمنه وان لم شاه مزک بیونه جمله مز بونکون قربان او لام
و یاد شمنه غالب او لوب خلاص او لام دیوب کت دیکه جمعیت لری و فرت
و فریاده فغا یله شاهی طلبید اصرار لری کرمیت بولوب عاقبت دفعه
بونیوب اندر ون شاه بله موجود خدام سلا حلنوب مقاومتنه

شایسته کوردی بو اشنا ده اغای مرقومه خبر گلد بکه طشره دن بز ۳۶
 مقدار عسکر پله و افراد خیره کاوب ایچرویه کیم که جسارت اید مدل کارندن
 جوار اصفهانه اند بر محله قونوب اطراف لرینه حندق کسوب بحوال اوزن
 اصفهانلو ایله مخابره و اتفاق لریله حرکت ه متربه قبلا در اغای مرقوم فی الحال
 هویزه خاتمه واروب واقع حالی بلدر دی وان لم بعچه لطر فندن اغوانه
 اورد و سندن دو کوشه دو کوشه یکه لم و اول عسکر و خیره بی ایچرویه
 الیم دید کله هویزه خانی مخالفت ایتیوب و افراد عسکر پله قالقوب طشره
 چقد بله احمد اغای عسکر پله پیش رو اولوب اغوانه ایله عظیم جنک ابلدی
 هویزه خانی قفادن امد ادعاعات ایله مقیدا و ملیوب اخرا کار احمد اغانه
 گز بله عسکری قربلوب من هزم اولدی و کندوسی دخی فرار ابدوب
 کوچیله سلامت بولدی شاه واقع حالدن خبیرا و یحی احمد اغایی
 جا فردوب نجون هویزه خاتمند اول حرکت ابدوب دشمنه وارد ک
 و نجون ایش رای و تدبیر پله عامل اولوب امر پنه من تظر او ملک دیو عتاب
 و خطاب و تعزیر لر ابلدی اول دخی جوانه شاهم هویزه خانی سنه
 دشمنه کدر امد ادیه کاسه اغوانه غلبه مقر و ابدی و اول عسکر و خیره بی
 ایچرویه الماق حدام کانه ایدی لکن خان مرقوم ک دماغه فساد
 اشکان اولغله ار اقدن حالمزی تاشا ابدوب نه کندوسی اعانت ایتدی
 و نه اعانت مراد اید نله اذن ویردی چون شاهم دوستک دشمنه
 بالندن قالدی بیم دخی الله ایله عهدم او سونکه بر دخی طشره چقوب دشمنه
 قارشو وار میهیم ایچق اغوانه کاوب شاهمی تختندن ایروب ایاغندن
 سوریوب کوتورد کارندن بن قولک دخی کاوب صد اقئی ایبات و جله

حاضر اولد پله و حصار سراین موجود قولون بورنه و سایر صاصجه
 طو پلرینه اتش ایدوب نجه لری هلاک و سایر لری بر قات دخی من کسر الحال
 و پریشان الخاطر اولد پله من بعد شاهد ن دخی مایوس و روکردان
 اولوب بلوک بلوک اصفهانه اند قراری فران تبدیله یوز طو ند پلریمان
 احوال خادم احمد اغاذ کری مر و را بد ن اغای مومی الیه صاحب شجاعات
 دلیرو بهادر کسنه اولوب سابق اجسر شیراز و قعه سنه شجاعه
 بال مشاهد جله بیه معلوم اولش ایدی و تخت حکومت نه اولان عسکر
 لشکر قزلیاشک کر بده سی اولغله اغای مرقوم جانبندن اغوانه ایمان دخی دایما
 حوف و احیاط اوزن اولشلر ایدی بود فعده عسکرینه کشاد و خیره لری
 فالمیوب شدت جو جانلر نه طاق ابدوب اغای مومی الیه اوزرینه
 طلب ارزاق لری سو قیله هجوم ایتدی بله اللرندن خلاصی مکن اول مد و غن
 بله ایشکیص کر بیان قصد بله شاهک مطبخنه حواله ابلدی وارک هرنه
 بولور سکر ایوب امروز که افله بله فرادا ایچون رزگری خدای تعالی
 بیردن کوندر ر ما مول اید رز دید کله بر جمیعت عظیمه واروب
 بونقریله شاهک مطبخنه یول بولوب بول دقلری ارزاقی یاغا ابلدی بله
 اغای مرقومه شاه عتاب و خطاب ابدوب نجون عسکر بکه بونکه ایش
 ایتدر دک دید کله شاهم بوندم مقصودم مجرد مسکر الندن مخلیع
 کر بیانه محمد ورد کل ایدی بلکه قصدیم بواید بکه اندرون سرای شاهین
 موجود خادم وندیلر باوی بر کجه اج قالوب طشره ده اولان عباد الله
 شدت جو ع ایله نه کونه بلا یه کر فنا او لدقلرینی بر کز خاطر کتون لر
 شاه دخی اغای مرقوم که بونکه جوانه دن ملزم او ایوب رفقیله معامله بی

لعلان ای یحون اول اراده شاهمند او غور نمیه فلی چکوب خاکپای شاهه
 وجود وجاهی نثار ایندی هی وای ایقی التندی او اوب شاهمند قربانی او لام
 دیوب شاهه که حضور ندین چکوب کندی خانه سنه کندی غایت
 ایله غیور مرد جسوس او ملغله شاهه که تیز پر بی حضم ایله میوب و خاین
 و صادق شاهه که حضور ندین بلندی دیوب غیر تندی صبر و تحمله قراری
 قالمیوب اول کیجده کند و سنتی زهر لیوب هلاک ایلدی اشکر قزل باش اغایی
 مومی البهله که فوت خبرین استقای ایدی یک من بعد بر فرد دن امید لری
 قالمیوب یا اس کلی ایله مایوس و نا امید اول دبلر پیمان احوال قحط در شهر
 اصفهان اصفهان محاصره سندن اوچ ای مرد و نیه دکن چار سو
 و بازار ده کفابت مقداری نان و لحم و سایر ما کولات اقسامی بولنوردی
 اوچ ای مرور ندین ات ایلک بولنیوب دوه قاطر بار کیرو جارانلری فروخت
 اولنوردی و ببار کیرو بوغز ای یحون اون ایکی تومنه صائم لوردی بر قاج
 کوند نصیره بکرمی بش تومن چقدی و جو غده و ارمیوب بر جارالی تومن
 لچه یه صائم لدی بعدم بونلر که وجودی بولنیوب کلب و کدی نیکه
 باشلمندی و ب مرتبه یه وارد بکه درون اصفهان نه کلب و کد بدن بدانه
 بولنیز اولدی بر کون بوفقیر و مهم ای یحون فرانچه اپلیسی سرایندن چکوب
 انکلله باليوزی سراینه کنکه مراد ایلدم کور دمکه سرای قیوسی
 اوکونه بربی چان خاتون بر کری توئش بوغز ملق استرد دند خاتون
 مشدت جو عدن ضعفه واروب کدی یه کوچی تیز اللرینی طرمیوب قان
 روان اولمش ایکن جان حقیله طوتوب سلامی ای یحون ایکمی دخی فریاد
 و قغان ایدر عاقبت حقیر دخی صبر و تحمل ایله میوب بچان حیوانی

بوغز ملقع

بوغز ملقع خواه ناخواه خاتونه اعانته مجبور او لدم دورت ای مرور ندی
 انسان اتی بندکه باشلمندی و انسان اتن صtar بیش نفر قصاب طوتوب
 سارکه عبرت ای یحون باشلر بن طاش التنه قریوب ازوب قتل ایند کلرینی
 کور دم بوند نصیره اسواقه هلاک اولمش تازه میتلر که بود لرین کسوب
 یور دی و جمله اسواق اجلقدن هلاک اولمش انسانیله رخت مرخم اولمش
 طولمش ایدی التهیمد اکر چه بوجیر ناجیز ک اعتقد دیده بوجمله مقتضی
 قضاای ازل بر امر پر حکم تلمیز لدرانجی قصوره کسور ندی بیر دخی ظهوری
 قضاایه باعث اسباب و عالدن ایدوکی لار پ و لاستی باهدر فعلی هذا
 نفاق و اختلاف خلق و اختلال ناس و رجال و با جمله امور لر ندی قصور
 رای و ندی بر اهالی اصفهان ک بوجال حیرت اش هالرینه باعث و بادی علل
 و اسباب ظاهره دن ایدوکی دخی امر بده هدراهالی اصفهان بلا دسایر
 خللقی کبی دزم ره محتاج اولد قلری نان و لمی هر کون بازار دن صاتون
 الوب اولند زاد و ذخایر بولنیز ایدی و بر فرد که خانه سند برا ایکی ایلک
 موجود کفافی بوجلدی بوجله ایکن اطراف دکه بلاد و قری خلق فی ذخیره سر
 شهره الوب کتورد بلر محاصره احتمالی قطع ادر خاطر ایتمدی لر ذخایر
 ندارکی ممکن ایکن صرف زهن ایتمد بلر اغوانلر فرح ابادی ضبط ایلد کدن
 صکره جسیر اب سباباد تصر فلر بنه کیر بجه اوچ ای مرور نند دکن اطراف
 اصفهان اچق ایکن اصفهان نه جنکیجی قویوب رعایا و نسوان و صدیانی
 طشره چقیر میوب اخر مملکت که کون در میوب ذخیره ندارکی هکرین دخی
 ایتمد بلر همان برا ایکی کون لکه هن کامه در صاو اور صاند بلر دایما کفت های
 مفرحه ایله شاعرانه مبالغه لر و کفت و کوی کاذبه ایله رسن ایه جنکار اید و ب

عکس قضیه ظهور اپدرسه حال بجهه اولور دید پلر بر گون اصفهانه
هقیم فر اچه پیسی اعتماد الدوله یه واروب فرصت الدا اپکن ندارک کورک
و بی فای خلق طشره چقارک انجامند ند امت چکر سکزد یوب ایقاظ
مراد ابلد که اعتماد الدوله شهد بلکه اصفهانه برقاج سنه یه کفایت اپدرو
ذخیره مر وارد رد یوجواب ویردی حال بوکه بر فرد که برای کفایت اپدرو
ذخیره بولندی مد اهنه اربانی خوش امدی کلامه و لاف و کذاف
امیز کفتار ینه الدانوب وارد بدل کاری صحیحدر دیو اعتقاد ایمیش اپدی
بروقتن حنطه و شعیر و ارز و سایر حبوب باندن دانه اری قالمیوب اخیر کار
انجلرک بپراغی و قیپوغنی دارچین مثلا و وزنی له فروخت و هوانلر ده دوکوب
کیک اپله قارشد رو ب دورت و قیمه سی اون تومان اقجه یه صائلور دی
انزاع اونلر و کوکلر و یانع و پیمنر پوسته کیلری و ساردری پارچه لری
پیش زیوب نور دی کهنه پا پوچ کون پارچه لری و بونلرک امثالی قایش
پاره لری صوده اصلد پلوب پاسطرمه یوللو ینوراولدی بونلر دخی
بوانهاز اولد قده غیری خلق سو قاقلره دوشوب اول صاحب خانه اان
خان زاده لر کونش یوزین کهور مین خانلر ژبه و باکره صاحبی
وصاحب سوز خاتونلر و قیز لدر و یاقوت و لعل اپله دونهش عنقا باز رکان
زاده لر سو قاقلره دوشوب ماملاکلر بینی و جوهر لرینی باشلر ینه الوب
فریاد و فغان اپله بر پارچه نان طلب اپدر لردی نه جوهر لرینه رغبت
اپدر وارونه سدر مقم ایچون بزنان پان سئی و یرمکه قادر کسن و ارهمان
بیچان لرک فریاد و فغان اپله نفسلری دوکنوب ضعف جوع اپله ره دوشوب
سوز ینه سورینه و هر کی ماؤلیه ماولیه جان و یرل را بدی هر کس نه یره
دوشنه

دوشنه اند قالوب دفن دخی مکن اول میوب اول حال او زن قالور دی و نهر
اسفهان دخی لاشه اپله برب طولش اپدی بواحولی کورن اهل دل
نفسی نفسی دیک حسب حالی اپکن کند و نفس وحال فراموش اپدوب
بونلرک غمیله وادی هیرنل سر کردن ولا یعقل طوکا قالور دی غربه شاه
حسینک برعنقا میرزا سی بحوال حیت اشتمالی مشاهده اپدی بجهه فکر
واندی شهیه واردی نور دید لری اولان اولاد و انساب و اهل پیشی بر قاج
کوندن صکره نفقه لری قالمیوب بحوال و حشت افزایه خواه ناخواه کر فتاو
اوله جقلرین بقینا فهم و ادر اک اپدوب ماملاکن بدل اپله اپکی او ج و قیمه
مقداری طعام ندارک ابلدی و بالمه اهل بینی واولاد و انساب و اقربا سی
دعوت اپدوب اطعم اپله بعد جمله یه خطاب اپدوب دد بکه ای ننم
نور دید لرم سوکا و قرنداش و اقربارم بوطعام جمله مزک صوک طعامیدو
وزیر اکل و شربه متعلق بوندن غیری برذن مز قالمدی مکر میرزا میر قرم
اهل و عیال و تعلقانی سو قاقلره دوشوب اول حال و حشت اشتمالیه
ملف اولیه لر دیو طعامه سم هندی قاتوب بمقدار زمان مروونه
کند و سی و غیر پلری با جمله خانه سنده هلاک اول بپلر اغرب غرایب
بو حقیر دخی بو ائناده اسرار حکم علیه ربانیه دن بر حکمت عظیه
مشاهده قلدم شهر اصفهانه محاصره دن اول بر قاج سنه دن برو ساپله
اپدر بمسکین اغا کوردم اثنای محاصره ده ینه ساپله اپدوب کوردم
بعد المحاصره میر محمود کونش ینه مسکین مر قومی ساپله اپدوب کوردم
و بوسی ادر اکن غایت اپله معتبر و عاجز و درمانه قالدم احوال اپله چیان
ملوک نصاری در محاصره اصفهان اصفهانه موجود ملروک نصاری

اول دغندخی استنباه قالمیوب اولی وانسب اولان تعیین عدده کف ۶۹
 لسان قلم قلنقدر تسلیم کردن شاه حسین تاج شاهی و نخت ایرانی بجانب
 میر محمود و ضبط شهر اصفهان و احوال ساره در میان اغوان و عجم میر محمود
 اصفهانی و قوع بولان احوال تقیر و قطمیور خبیر و ایحق غیر شهر اصفهان
 دسترسی اوله چفنه اشتباهی قالمیوب محاصره تشنی شدنه بر مقدار
 نسبی رواکوردی و عسکری و مقدار کیروچ کوب تلفنی، ن بعد جائز
 کورمی سر بلکار بینی چاغروب عجم اوزرینه وارمیه دیونتبیه ابلدی
 براپیکی کوند نصیره عجم لرکیر یشان حالی اغواندن اعلی و ادنای معلوم
 اولیحق اغوان عسکری اصفهانی یوریشه اذن طلب ایلدیلر و مطلوب لرنده
 مصیر اولوب میر محمود و میانجیسی دفعه می ابدوب کوچیه
 تحول ابلدی و پنه هر فردی براوی پنه کوندروب خدمت مامون ده
 ثابت القدام اول دبلر و میر محمود یوریشه جواز ویرمی زیرا اموال
 و خزینه شهر خارت اول دو غندز غیری بوجه زحمت دن و تدب و مشقت دن
 صیر عسکر نک انهزام و قوع دن خوف ابدوب حزم و احتیاط اپر دی و
 بیکونلر ده شاه سر این دخی ما کولات و مشر و با تهد ابر دن مقداری زاد
 و ذخیره قالمیوب و با جمه اطراف دن معاون و رو دندن یاس کلی ال ویروب
 شاه عاقبت خواب غفلت دن بیدار اولدی و ایش نیه منجرا ولدو غنیمی
 لباس فاخره سن چهاروب یاس و ماتم کیاسن کیدی اندرون سر ای کزوب
 خادم وندیم و تعلق ایله اغلش رق و داعلش دی سر ابدن طشره چقوب
 بیدان و اسوق قحط ایله هلاک اول شلر ایله مالا مال اولش کوردی درونه
 و ق و شفقت هیجان ابدوب دبلکاری مثال هفاب ابدار اشکبار اولدی

اپلیماری کندلرینی عجمه قیاس ایتمیوب وقت اختلاله ذخیره ندارک
 کند ولرینه نسبت حد امکانه او ماز ملاحظه سیله پاشین ندارک
 کور دبلر و ما کولات و مشر و با نلرینه معلق حنطه و دفیق و اوزه سکر
 و حوا بیرون دن اولان حبوبات سایر و لحوم مقداره و فرت اوزن
 اد خارایند بلر ابتدای محاصره دن اوج ای مرورینه دکن لحوم جد بیع
 بولنور دی و اطراف اصفهان احق اونوب طشره دن دخی ندارک
 و احصار مکن ابدی شهر اصفهان محصور اولد و نعی کی اپلیمار دخی
 اولرینک قیپولرینی محکم قیاد بلر و ناس ابله اخملات ایتمیوب تماشی
 و اجتناب و کند ولرینی لیل و نهار محافظه اوزن اول دبلر میر محمود دخی
 جاسوس لر و سانطیله احوال اپلیمان دن خبر ایحق عجم لر ز خیره و رمیه لر
 و شکر لرین فروخت ایتمیه لردیو خفیه نتبیه اولند بلر عد دم قه قه اولان
 از شمشیر و هلاک سند کان از فقط در شهر اصفهان تنبیه شهر لر ده
 طوغوب بیمو بیوب جنک و قتال کور میوب و هرج و مرج و فتنه فسادرینی
 و شاهین ایتمیوب با خصوصی سرحد لر ده محاصره میشند نلرینی بلیمیوب
 ناز و نیاز بله پرورد ده اولان بلدی و سایر بونلر ک امثالی ساده دلر نعمت
 راحی اذ عان اینمیوب بوكونه تقوی و خبری به بالغه یه جمل ابد کاش لرد و
 مع هذا که شهر اصفهان بربلک عظیمه و خطه واسعه اولوب درون
 شهر ده میمکن بلدی و مسافر و مجاور و عسکری اولنلر دن غیری اطراف
 بلاد و قری ملکی دخی شهره کیروب همان انسان دن عبارت دریای عمان
 اولش ابدی اثنای هر دن و قتاله مقتول اولان قزلباش لر ک عددی
 پکرمی ییکه بالغ اولید و نعی عمد قه بقین بر توا تدر لکن افات قحط دن هلاک
 اولنلر ک تعداد و تنبیه بروجه له حد امکانه اولمیوب بر قاج کره بوزیک

اولد و غنمه

صوت بلند ایله اغليوب کوردوک ندیم و خادم و ناسه متوجه او اویه
وداعه بشلدی و کاه خطاب و کاه عتاب ایله بوكونه کلامه اغاز ایلدی
ای بنم صاد قلم محین ایله محنته کرفتار او میش قولارم بو بحر بلاده
بارداشتم نار غیرم ایله یائش یاقیش صد افکار لرم و قصای میرمه
رضادن غیری چان مزو بوحک ازله تسایدن او زکه منالز یو قدر بقاء
دولتیزی ایز ایله هدم ایتدک جناب حقدن مستغرق اولد و غمز نعمتک
شکرن بیلدک نفاق و شفاق و اختلاف ایله دو شنبلر یزی ایقلندز دق
سو ند بیر و قصمور و کسور رای ایله مامکمزی یاد الله و یدک قصای
ازل ناشایسته فعلیز ایچون تخت ایرانی بزه لایق کورمیوب اخوه و یدی
سزی و برزی تقدیر خدا غیره بیند قلدی چون ارادت علیه بو کاتلاق
ایتدی شاه جد بله واروب جمله مز سرفرو و اکافول اول مقدم غیری
چان قالمدی شهری کزوب و صوت بلند ایله والواع ای تخت شاعی
الوداع ای ملک ایران الوداع ای تاج دار الوداع ای شهر اصفهان الوداع
دیوب شاه و ناس واعی وادنی بمر نیمه ده اغلشده بلکه واینینلری
افلاکه چقوب جولفه ده و اغوانلر اورد و سنه اشکان اشپد بلور دی
و اول کون اخشنادک بوحال اوزن کزوب اغلشوب اخشناده قریب
شاه و ناس سرایه واروب جمع اولد بلر و مشورت ایدوب شهری غوانه
دیساید اتفاق ایش بلر چون صباح اولدی شاه حسین معتمد لندن بر قاج
کسنده یی میر محمود ایله مکالمه یه کوند روب نور دبله سی قیز بی دخی
تجهیز ایدوب میر محمود دک پد تصر فنه قصرید ایتم و بر دخی تخت حکمنه کیردم
کند ول پنه سپارش اولناب شروم و قیودی ایراد و میر محمود دخی قبول

ایدو

ایدو و یه موادری عقد اولند قله کیروهودت اولند بلر بعد شاهی
ستورمک ایچون مخصوص ندارک و اتلر انتساب اولنوب میر محمود
کندور جالندن بر قاج کسنده یی معاکون دردی شاه حسین کوندیرلان
اتلر سواراولوب وعادت ایران او زن ال بلر قوروب میر محمود جانبنده رو
براه اولدی میر محمود دخی رجایله حاضر و اماده شاهک قد و منه مترب
اولدی شاه ایچون براوطه حاضر لوب بر مندر او زو پنه سوزنی مقعد
دو شنوب اورتیه بره بالین قود بلر بعد شاهه اکرامه صور زن اول ملود
دیومذاکره ایتد بلر بعضیلر شاه شاه ایران او لوب الان میر محمود ک
قاین پدری و مقدم ماجمله اغولنک افندیسی بو لتفعله استقبال ده و کورد بلر
اکن میر محمود استقباله تنزل ایشیوب امیق دیوان خانه ده کندی
رجایله شاه حسینی ایاغ اوستند بکلیوب شاه حسین رجایله کلوب
دبو اخانه به چقد قلنک میر محمود بر قاج ادم یوشاهه استقبال ایدوب
بری برل پنه سلام ویدیلر و شاه حسین میرم محمدی قوچوب والندن
وابکی کوزندن بوس ایدوب قوینندن بصر غوج چقاروب کندی ایله
محمد دک باشند طاقدی والله مالک ایتنی او قویوب بومعنای متضمن
و مقدار کلام دنمه کره میرم تقدیر از ل تاج و تخت ایرانی بندن او ب سکا
لایق کور دی و همان مبارک او لسون دید کن شاه حسین کندور جالنه
و بعد میر محمود دک رجالنه عطف نظر ایدوب بو کونه خطاب ایتد بلکه ای رجال
وناس بو کوند کن مالک ایرانه شاه بن ایدم الان تخت و تاج و ملکی فراغت
ایدو ب میر محمود دک پد تصر فنه قصرید ایتم و بر دخی تخت حکمنه کیردم
کند ول پنه سپارش اولناب شروم و قیودی ایراد و میر محمود دخی قبول

قبول رجاسنه شروع ^{تانيا} الهل وضع الله وضع يله رضا ويرميوه واله لري
 مقامنه تنزل ^{بالثا} الادل نهنجيده يه روا كورميوه كوچك قرند اشرى
 مقامنه استه خدام رابعا ياند موجود رجالك صداقتلى بوانه كانعه
 مجرب و مشاهد او لبغله بكارا صداقت ابله خدمت ابلد كاري كبي سكادن
 صداقت و استه قامنه ثابت الادام او لمري ما مول اولغله خور و حغير
 او لمري شايسته كورميوه عزير طوطه سن خام سايم لكته اولان فقرانك
 او زرندن ظلم و غدر دفع و رفع ساده حكام شرع ميني هر حمله اجراده
 صرف مقدور اپد سن ديو نيازى تمامه ميرمود شاهي او طه يه دعوت
 اپدوب يركو ستردى شاه حسين مندن التفات اپهيموب كنانه او توردى
 ميرمود دن مندر او ستنه او تور مغه رغبت اپهيموب مندر ك اول برگزارند
 زانواوزن او توردى بعده شاه حسين كند و مهر بله و بالحمله ايران دولت
 خانلر پنه و معروف اولان اعيان و رجالك اسميله بله مضا و مهر بله
 مهور تخت و تاج و ملك ايران فراغتني متضمن برگادر چقاروب ميرمود دك
 الله صوندی اول دن قارشو سنده قا م د يوان كابنه و يروب جهر بله
 قرات ابلد كده ينه ميرمر قومك يد پنه و يردی در حال معتبر و معتقد لري
 اولان مسه امخدن برگسنه ي احضار اپدوب يانلر پنه كلدی شاه و مير
 اپكپسى دن ديزاوزن كاوب اول دن ميرمود ك باشه و برالن شاه
 حسپنه باشه و قويوب دعال و ثنال اخامنه تخت و تاج ابران ميرموده
 ثبر يك ابلدی بعده با جمله رجال عجم كاوب سرفه و ميرمود دك دامن
 بوس ايدوب بيعت ايد پلر بعده خانان و ضابطان و اعيانان ان عوانيان
 كاوب اندر دن بوس ابله رسم تبر بکي احبا ايد پلر فعلی هدا شاعر

٧١ دا او اول طر بغلت ها ف غا بيدن الهم ايله مذهبا حق ديد و كي تاریخ نكته
 امي ز مفهومه موافق شاه اسماعيله طهور و بنت ابو لان دولت شاهان
 طقوز نفر شاهان كراهانك تقر بيمابكبيوز بکرمي سکز سنه مقداری مدت
 مالك ايرانه اسبيلا بره حکومتلى بروکون شاه حسپنه قاهر او لوپ غالبا
 دفترلى بونه دور بلوپ حنم او لدى ضبط شهر اصفهان و ترتيب الای و رفتان
 ميرمود و شاه حسين بدولت خانه و جلوس ميرمود در تخت شاهي
 بعده ميرمر قومك خان اولى اولان امان الله خان سرای شاهي اولان
 دولتخانه ضبطنه ما مور او لوپ كوندر لدى و خان دن اولان نصر الله خان
 برمقدار عسکر يله قزوين جانبلري ينك يو للري ممحافظه و او اول طرفيلرده
 طهم اسب حرکتنه نظارت ايچون ارسال اولندى شهر اصفهان ضبط
 اولنوب قپولري ينه عسکر تعيين اولندى مرو رايد جكلارى سوقا قلر تطهيرى
 ايچون ادمير تعيين اولنوب لاشه لرد فن اولنوب يو لار يمقوب مهمما
 امکن روايچه از الله اولندى شاه حسين ايچون غيري او طه دوشنبه
 اند اسکان اولندى ذكر اولنان احوال جمعه ^{کوننه} مصادفه اپدوب
 ايرنه سى كون ارام واستراحت اولندى درون اصفهانه ما مور او لانلر اهتمام
 اپدوب ما مور او لد قلر خدمت امکان مرتبه سى يو بنه كتور لدى او چخى
 كونكه يوم بازار اپدی الا بلر ترتيب او لغوب شاه و ميرانلر سوار او لوپ
 شهر اصفهانه توجهه اولندى اغوانلر اللدن قتل اولنان قزاباش لاشه لري
 اذريارى بعچه سنه بغلغله شاهه کوسه رمك قصد بله اول يولدن
 كيد لانك تعييه اولندى سيراز كوي يسنه وارد قله جمله الای و مير و شاه
 كوپرويه او غرام ميوه بجدن عبور ايتلر بله اپكى بول اغزى نام محله

کامد کده میر محمد طوغری یو لمان اصفهانه کیدوب شاهی ایسه دیکر
 طریقیله کوندر دیلر فرانجه و انکاتره و ندرلانده بالیوزلی میر محمد
 اسنه قبله کاوب اوکونه دشدیلر و قزلباشلر دن برفرد الیه کلسون
 و سیر طویقیله یو لرده بولنسون دیو محکم نبیه ایدوب منادیلر ندا
 ایدردیلر طرف طرف اغواندن عسکر و سو قاقلر باشنه ز بیرق تعبیر
 او لئور طو پلر قونلوب مساقوف تو فنکچیلر حاضر و اماده قلنوب
 قزلباشلر کحیله و خد عه سندن کرکی کی حزم و احتیاط اپتدیلر و جه
 محراوزن سرای شاهی اولان دیو لخانیه واردیلر اندر ون سرایه اولان
 خدمه وندما سرای شاهی بیزین ایدوب میر محمد ک مری اولان
 حولی ده سرتاپاز بیایی سمند میره دیمای ذیمای ذریاف دوشیوب
 او زندن کچورد پلر و بوصورت او زن عزت و اسکرام اپله تخت شاهی بیه
 اجلاس اپتدیلر شاهک خادم اغالی کاوب بیعت و مقام خدمتله قایم
 او لدیلر واندر ون سرایه موجود سارندما و خدمه با جمله کاوب میره
 سر فروزه بیعنی برینه کتورد پلر بعاع کیرو قلان رجال دولت و خانلر
 و اختیارلر و اصفهانه موجود ایش ارلی و عسکرلر کاوب بیعت

ایندی

۷۲
 ایمدى فعلى هذابرقاچ کوز ایچنده تھصیل ارزاق ناسه اهتمام او لئوب دان
 و لئم اپله خلق بمقدار کفافلندی بو خبر شایع او اوب طشره لرده
 بسیوع خاص و عام او لیجع اصفهانه صاحب خانه و ملکه متصرفلری
 او اوب محاصره شدندن فراز اپدیلر اولو بنه کلکه رغبت اپتدیلر و یوما
 فیوما اصفهانه خلق چوق او ملغله باستلدیلر بعاع میر محمد رسم عجمه
 مراعت کو ستروب ضیافت زینین امر اپلدی و امور دلائی مشورت ایچون
 کند و سندن بیعت اپدن عجم خانلر بی و بکلر بی و سار اسنانشان ار بانی
 دعوت اپلدی شاه حسینه خلوص و صداقت دن پاپدار او لانلر اکرام
 صورت اظهار و خیانته بولننلری جمله قتل اپلدی انجق هویه خانی
 اپله میر محمد بیننه مقدما عهد و امان جاری او ملغله ای قتل ایمیوب
 جس مو بید اپله جس اپلدی خان مرقومک عوجه سی او غلی
 محاصره دن اول میر محمد کاوب مسیوق الخدمت و مشهود الصداقت
 بولنله بینه هویه خان نصت و تعبیان اپلدی میر مرقوم شاه حسینه
 خلوص و صداقتی مجرب اولاز ر جال خطاب ایدوب شاهکزه اپلدی کنکز
 صداقت واستقاماتک مجرد فعتکزه علت متنقله او اوب بکادخی خلوص
 او زن خدمتک او اور سکر ملا حظه سیله بولنله بینه کز مناسی سزه ایقا
 و مقر را پتدم واروب مأمور او لد بگنکز خدمتک سعی بلیغ و جدا و فی اپدیز
 فعلى هذاشاهک شر جالی میر محمد مر جال او اوب اعتماد الدوله سی بنه اعتماد
 الدوله و اپلدی مرقوم اعتماد الدوله و ته دن برو باعن جد عجم شاهلر بنه
 خدمتک صداقت واستقامات برله شهرت بولاش کسنه لردن او اوب
 بود فعه میر محمد جانبندن خدمت مرقومه اعتماد الدوله مرقومک

وتقوى کامل ورشيد عالم قواعد شريعت مستقيم ومعتمد اعتقد ۷۳
اپلدى کلرى رکسنه في انتخاب وام تياز اپدوب ديوان بکى نصب وتعين
وبخدمت واجب الدقت ولازم العقى انکذمت اهتمامه سپارش
اپلدى ديوان بکى مرقوم دنى اجرای قوانین شرع نيمويه بمرئيه
جذوسي واطهار عفت وعصمت اپلدى بکه جمله قزلباش انکشت تغيرى
دندان تفکر قويوب باعث زوال دولتلرى اولان اسپاپى هنوز فکر
واذعانه باشىلدپلر و سبب زوال دولتلرى اولان سوء حالت يندامت ولن
ينفعهم الندم اپله نادملر اولمغه يوز طوندپلر احوال جمع و تمحصيل
خزينه از جانب ميرمود عجم شاهلر ينك خزينه سنده وجود ذي قيم
الات و اساپ و جواهرو بساط اكرجه و فرت اوزن بولندى لكن سيم
وزن دار نقوذا قليل اپدى ميرمود جاپندن جمله سى ضبط اولندى
بعد رجال عجمك هر بوندن برمبلغ اچه وجوه طلب و لنبوب خواه
ناخواه تمحصيل اولندى حال بوكه رجال عجم شاهلر ندن زياده خزيمه
مالك اولمشدر اپدى جولغه دن و اصنهاندن تاجرلدن وغيرپلر دن
حتى ملوك نصارا ياصيلر ندن دخ بر بيهانه اپله مبلغ و افر طلب و لنبوب
طوعا و کرها جمع و تمحصيل و ميرموده تسامي اولندى ميرمود دن
غيرى رجال و سرکارده اولانلىرى دخ جروجع اموال سودالرى غالب
اولمغله انلر دخ بر تقرير و بيهانه اپله اموال كثيره جمع و ادخاپلدى بلو
وعسکر اغوانه متعين علوقه لوعسکر اولمغوب كسب و تمحصيل اپلدى کلرى
اموال غنايىك خمسى حاکلر ينك تسامي و باقىسن پېتلر ندن تقسيم اپدوب
طواپف عسکر دخ اموال غنايىدندن مئول اولدپلر حاکلر طرفندن

ذمت خلوص و همت استقامته تفویض اولنوب الباش خلعت بله
امتياز قلنلاد قد ميرمود كا ياغنه رونهاده قلوب بوكونه ياز مندانه
تفريح اپلدى كه ميرم هر حال امر بنه اطاعت و اتقىاد بله مامور بيمور دقلرى
خدم مائمه صدق خلوص اوزن صرف مكت اپدوب اجحق طهاسب
طهور اپدوب انکله جدال و قتال اقتضا اپلسه شاهزاده مرقوم کر منه
مستغرق اولدين ملى نعم افندىلک اوغلی اولوب خاندان شاهيدن
اور زيد اولان حقوق نان و نعمت باشىدن اشمىش بحال لازمه الراعىه
اولمغله اوليمى نعم افندىلک عدويانه سل شمشير و كافراته انكار نعم بله
جانبلىر بنه قصد يله اند اختن کان و تير بوقوللار بنه نسبت امر دشوار
الحسارت بله بولله برفعل شنیع ارتکابي محالاندن اولمغله ميرم بوقولكزى
طهه اسب اپله حروب وقتاله امر اپله و بوكونه عنان اختيارم العده
اولم وغى خصوصىه قولنى كرمندن عفو ايله ديد كله ميرمود اعتماد
الدوله ينك بوكونه ناشر الكرم و شاکر النعم حق شناسى مخاطر بور صداقت
شعار كلامندن غايات بله حظ اپدوب من بعد خدمت و كالتدن عزل بلامك
وعدل بني متنهن و افر تحسين و جوق افر بيلرسو بله و رجال عجمه
على مراتبهم اظهار ملاطفت و نواش خاطرل بنه رعابت كوسه طوب
هر فردى منسوبيه ابقاء تقرير قلدقى اغوندن اوزرل بنه بونا طرد دخ
تعيین اپلدى اجحق تدبيل و تسویه منازعات و دعواى حقوق عباده
حل مشكلات و احقاق حق خصهاده اجرای شريعت قانون ايراني اوزن
ديوان بکل ينك چهل ذمقلر ينك تفویض اولنه کار و کنه بناء بومقام
عاليه دېکرانى استخداى رواکور ملوب جنس اغوانىيادن صاحب زهد

وتقوى

بخشش و قرعی دخی نادر واقع اولوب انجق اصفهان فتحند نصیرکه
سرکارده اولانلرینه تعیینات ویر پلوب عسکر طواپقنه دخی احیانا
ذخیره ویر پلوردی ارسال کردن عسکر برای فتح قزوین و وقعة قزوین
اصفهان شهری وجه محرا او زن فتح و سخیر اولند قدر نصیرکه برای قدر
زمان مرور نه قزوین شهری دخی فتح و سخیر اولند مراد اولنوب میر
محمد کخان اولی اولان امان الله خان سکریک عسکر اپله قزوینه
تعیین وارسال اولندی و میر محمد طرفندن قزوین اهالی سنه خطابا
امریازیلوب کوندرلدى مضمونن سرکه قزوین اهالی سی سز امرم
وصولنده انقیاد ابدوب شهر قزوینی اول جانبه ما مور سر عسکریه
تسایم اپله سزو طهماسب اند بولنورسه بلا عوق و تا خیر طرفزه
کوندن سر امره انقیاد اپله بکز صورنده اموال و اهل عیالکز و عرض
و اشیاکزه تعرض اولنیوبینه اولدو غکزحال او زن منال و متناسبکن
کند و کزه ایقاوم قلنوب اسوده حال اولور سه طرفندن طرفکزه
بردر لوضر و کزند تریلیل جلد اولور سه طرفندن نضیین و تکمیل اولنور
والامره اطاعت ایمیوب عناد و مخالفت و مقاومتیه جسارت ایده جلک
اولور سکر عون جنایب حق اله باد طفر و غلبه طرفزه وزان اولد قدر
بر فرد بکزه بطریقله امان ویر میوب عموما قتل و استیه صمال اولنور سکزو بیو
سی اقدیه شاه حسین طرفندن دخی مکتو بله ریازلدى وندار کلر کور پلوب
لشکر اغوان جانب قزوینه روان اولدی قطع منازل طی مراحل ایده رک
قزوینه یقین اولد قلنده طهماسب خبر اوب یانند موجود عسکر بله
نیزه هرار اپله اغوانلر وصولنده شهر قزوین عسکردن خالی
اوایچق

اویچق و کند و زی دخی لهم اسبیه استناد اپله جنک و محادله ندار کلر بی ۷۵
چندان اهتمام اپله کور میوب خفلت او زن بولنلر بله لشکر اغوانه بخا
وصولنده میر محمد ک امریبی و اسکه امنضم شاه حسین مکتو بله
کور دکلری بله شهر قزوینی بلا قتال و جدال و بلا منازعه لشکر اغوانه
تسایم ایتد بله درون قزوینه قوناقلر ندارک اولنوب بالجمله اغوانی
قوناقلره تو زیع ابدوب بشقه بشقه قوند ر دبلر لهالی قزوین لشکر اغوانه
وسردارلری اولان امان الله اکرام ابدوب و افره دیه لرو بیدیار علی
روایه سردار و اغوان قناعت ایمیوب طمع خامه دوشد بله و میر محمد ک
امر و وعد بنه مخالف حركت و وضع اقدام ایتد بله عاقبت قزوینه
اکتور میوب خفیه مشورنله باستلد بله و قزوین شهر نده یوز بیک قزلباش
موجود تخمین اولنوب سکر بیک اغوانی کوزلرینه کسترد بله سکر
طفه و زکون مقداری زمان بوجاال او زن کچوب قزلباشلر اغوانلر سوه
قصدده یک دل و یک جهت مترصد فرصت اولد بله چون معتاد
جلدزی او زن کیجه لرده حامملر اپله قده حامیلر بوری چالوب برو جه
او زن خلوق نومدن اپقا خاطر حامملر اجلد بگن اعلام اپدر لر مس پس بوجاال
ملعنتلرینه اتفاق او زن میاشرته و سیله اپد بیوب بر کیجده اغوانیان خواب
راحت و پسته ففلتده بالین امن و امانه باش قو بوب کند و حالنله ایکن
قزلباشلر ایسنه ملعنتده جمله معهود و فساده شیبتند متفق ام درون
اولوب انلردن هر فرد بیدار و اتفاقلری او زن اغوانلر بطریقله اکاها اولیه هر
دیو معتاد اولان و قتنندن اول حامیلر بوریلر بی او فر و بوریلر بیک
خند اسی اشد لد بیک بله قزلباشلر هر مهاند اغوانندن کند و خان سنه

اولان مهمانی بلا توقف هر چه طریق‌له ممکن اولور سه قتل ایلیه دیو سرا
 و خفیه اتفاق و سوقا قلر ده دخی حاضر و ماده بولنماق اوزن قول قول
 اد ملر تعیین اونقی **و سکیم** و نصیم ایتدیلر و اغولنلر دن بر فرد الارندن
 بر طریق‌له رها بولما ماق اوزن عظیم تدارکلر کور دبلر شب معهود ده
 اتفاق‌لری وزن تنشیئی مر املر ینه مباشرت دخی ایتدیلر اغواندن بر بلوك
 بیدار بولنوب احوال نه یوزدن اید و کن فهم ایتدیلر و عجالة اتلره پنوب
 چار ستو لره چقدیلر هر جانبدن قزلباشلر مجموع ایدوب عظیم قتال ایتدیلر
 سرد اراغوانیان اولان امان الله مجروح اولوب بیک مقدار حایله اغوانیله
 کوچیله فر ایدوب اصفهانه دوشدی دورت ییکدن **مهاوز اغوان**
 قزلباشلر النه مقتول اولدیلر ماما که لینی با جمله رک ایدوب نچه لری
 هریان و بیان جانلرین قور تاروب کادیلر و نچه لری یول بولیوب
 چوله ایله قند هار سه تن طوب **سیمتدیلر** بیان قتل عظیم در اصفهان
 بیک یوز او توز بشن تاریخند بوقعه ظهور ایدوب غیری اغوانیان فکر
 و اندیشه یه واروب کند ولر یه عارض اولان ضعف ملا حظه سی موجب
 الی و کدر لری اولدی و اصفهان تلو دخی بواحی اشدوب یوکونه فساده
 جسارت اید جکلرین عین المیقان بلو بکال مرتبه ده خوف ایتدیلر
 و طائیفه قزلباش استهالت ایله و نوازش خاطر لینه رعایت اولنوب
 الباس لباس اکرام و توجیه مناسب ایله کند ولر بسته دوست او ملیه جقلرینی
 بالمشاهد اذ عان و ادرک و تحقیق ایتدیلر و دفع محذور ده کمال حزم
 و احتیاطی و سرعت و میادر تی اهم مهادن شمار پله هماندیم میر محمود
 جانبدن عموم ضیافتی رئیب اولنوبه شهر اصفهانه بقیده السیوف
 والقطع

والقطع رجال و اعیان و ایش ایلری بیهوجوان میرک ضیافتند دعوت
 اولنوب مهمان اولدیلر اکرام صور تلری اظهار اولنوب معتمد جمیانه
 رعایت مراسمی احیا اولندی و مصلحه مالوف اولدقلری عیش و هشت
 صحبتلر ینه جواز کوستر لدی او ج بیک مقداری قزلباش بوجال اوزن
 ضیافت میرده موجود اولوب جمله سی قتل و طعنه شمشیر اغوانیان
 اولدیلر میر زارسته اون ایکی یا شنده بزنوجوان پرهنر و صاحب معارف
 نوغلی اولوب کبار اغواندن بری کندویه او غول ایدخش ایدی قضا ایله
 مجلس حاضر بولنوب هر چند که اغوانلر شفاقت ایدوب تخلیصی یابند
 میر محموده نیاز مند اولدیلر رجایی قرین قبول او ملیوب اول نور سیم
 جوان پرهنری دخی قتل ایتدیلر پس بو طرب قله قزوین و قعده سی
 طهور ندن اغوانیانه واقع اولان و حشت و دهشت بر مقدار دفع و رفع
 اولوب قلوب اغوانه نوع امنیت حصولیله یوزلر ینه ابراحت سریلدی
 و مقتول اولان قزلباشلر کلا شنده شاهزادی او کند بیدانه براغلادی
 بو کادخی قناعت او نیوب مقتول اولان لر ک اولاد ری ارانوب و شهر
 اصفهان کوزه کورینوب جنکه قادر اولان قزلباشلر اخذا اولنوب
 قتل اولندی اندرون سرای شاهزاده پورده اولان ایکی یوز نفر مقداری
 عجم خان زاده و **کوچیلر زاده** لینه دبلد کلری محالره کنکه رخست
 ویر اولوب هر بری بر جانبه باشن ایوب کتک ملا حظه سیله شهر دن طشره
 چقد قده قفادن اغوانلر تعیین اولنوب قتل اولندیلر و دورت بشر کون
 ایچمنه اغوانلر حوالی شوری کشت و **کند** اولوب قزلباشلر دن
 بولندقلری ایش ایلری و سوز صاحبملری و جنکه قادر اولنلر پنه امان

فردیوب قتل ایلدیلر جمال محمدن آمچق پکرمی بشن نفر کسنه یی
صاغ قوبوب باقیلری استیصال اولنندی و بوند نصکره اعتماد الدوله یی
دنخ اطپیله معامله بر طرف قلنوب کند و سندن عنفیله یمیش بیک
تومن اچه طلب اولنوب تکمیل اولنندی و بالحمله مقتوللرک اموال
و اسیاری مصادن اولنوب در خزینه قلنندی اشبو قزوین و قده سی
سینه سی اولان مقتل عظیم متواری خاک هلاک اولان قزلباشلرک
عددی بالحمله جنکارده قتل اولننانارک عددی اشندی و اغوانلرک
دنخ جمع اموال سود اسنه و ادخار خزینه هولرینه باعث و بادی بو
اولدی و افراد قزلباشلرک بر فرد من بعد بر طریقیله اعتماد یابی بوجمله
حکم سد و بند اولدی کفتاری پند امیز سیاح ای دل بیکانه در دین
گوروب شاد اولمه دشنه کلاده کوروب مغورو اولمه بوکون بکایارین
سکامضیون اوتمه بوچرخ فلکاک اقبال و ادب اینه اعتبار اینه سعد نه
وقلنه نحسن بقاز بنهار بر دل او حالته طهنه بند سی اولد و غلک دولتک
دکل مهمانی اولد و غلک کسنه کزوالن کورمه ای کوکل عاقل یسلت تماشا
ارزو سیله بو بلله هنکامه قیامت نشانده بولنه ولی نعمتندن زنج والم
کورده ایسنه زوال دولتک تمنی قله مرداول نفاق و شفاق و خیانتی
ارتکاب اینه اشنادن بیکانه بکایکرو دیه قصور ایملک و سوء افعالک
تحتمن سکا حقدن مقدر اولان جزاد شنه کیله رتیب اونق ارز و سند
اولمه جرم و جنایتک ایله دشمن و بیکانه نک پیخه قهر ینه و دست بی
رجمنه کرفتار اولمیوب ولی نعمتک افندک اشنه کاینه دشیکی سکانعمت
عدا ایله دوست الند نم و حنطل دشمن الند و سکر عسل آنما اولنندن
سکا ولی شهار ایله احوال عالم کون و فسادی جون بومرنده تمحیر به

قلدک

قلدک طبایع ناسی اختلاف وزن بولدک هالک غرب خاقانی قتل نفوسن
اتقی و ارم اجناس عثمانی انعام و احسانه اجود و اکرم اهالی شرق سفل
دماده خلف و هدده لاف و کذا فده ابلع و اغلب بلک بوجه امو و عظامی
چون بالمعابنہ کورده حسب حالت فهم و ادراکه برا پیمه مجلہ بولدک من
بعد عاقل ایسک دعای دوام استغایله بولند غلک دولتک قدرنی بلک
رفیع شدن قدر اغوان و تعبین حدود و مراتب در میان ناس بوندن
صکره میر محمود کند و اجناسی و عسکری اولان اغوان طایفه اینه رفیع
قدرو تعظیم شان و اعتبار طریقه دنخ نوازش خاطر لینه رعایتلر
مراد ایدوب منادیلرند ایت درودی هالک ایرانه و با خصوص شهر
اصفهانه واقع اولان طوایف مختلفه من بعد اغوانلرک اکرامه
مراسم تعظیمه رعایت واغ و انلرک مصادف است ایلدک کلری محله ده ایاغه
قالقوب و قارشو لرند قایلر اولوب وال بغلیوب بوللر ده دنخ قالمدر مدن
اینوب نفعیم ایله پول و بیوب هر حالت لازم کلان اکرامه قصه
اینمیه دیونتبیه ایلدی و اجناس ناس لک هر صنفینه مرتبه ده حد تعبین
ایلدوب جمله نک رتبه ده اعلی و اقدی اغوانیان نافیا در کرپنیان هاله
ارمنیان رابعاهنده دن کلان منتایان خامس اتش پرستان سادسا
پهودیان سابعه ارار فاضیان که جمله دن ادنا و احقر اولمک رتبه سنه نتیزیل
مراد اولنوب صورت و سباق مرقومه حفظ و صیانت اولنیق حکم تنبیه
اولنندی ندارک کردن ذخایر رای اصفهان بو اشناده شهر اصفهانه
واقع زاد و ذخیره قلت بولوب خلقة مضایق هال و بیدی پس میر محمود
فرک و ملاحظه و رجایله مشورت ایدوب نصر الله نام خانی اوچ بیک
کز بیل اغوانله چنداره تعبیان ایدوب کوندردی هملکی کشت و کذار ایدوب
اطاعت ایدز بلاد و قری خلقه نی علی حالم ابقا

وقری اهلنہ رای و یروب اصفهانی بر مقدار ز خیره کوندون رواطاعت
ای تیغیلر اهالیسن قتل و اموال و ارزاق قلری نهی و غارت اپلر ده فرمان
اپلری منوال مشروح اوزن نصر الله خان اصفهانین چقوب هیدان
جانبلرینه متوجه اولدی نجده پچه بلاد قری اهالیسی اطاعت اپدوب
رای و یولدی و ذخیوه و یروب اصفهانی کوندرلری نجده دنی عناد
و مخالفت و مقاومتہ مباشرت ایدوب قتل و اموال و ارزاق قلری یاغما
و غارت اوادی و نجده لری کندولری نه کال مرتبده استهکام و یومش
یو اینغله طفر میسر اولمیوب علی حالم رک او لندی هیدان قربنده در کزین
قام شهره وارد قلمزند اهالیسی استقباله چقوب نصر الله تبریز قدم
و سین اجر او کندولری تابع اولدی پار شهر مزبور ناع اهالیسی سفی مذہبلر
اولوب شاه عباس عصر نهاد موصیل حوالیستند اجلای وطن و همدان
نواحیسنده اسکان او لنشلر اپلر نصر الله خان در کزینه بر قاج کون
مکث ایدوب انلردن دنی ایلک عسکر ندارک اپدوب طقوز بیک
عسکر اپلر هیدان حوالیستند غارتہ میاشر اولدی اطاعت ایدنلر رای
و یروب مخالفت کو ستر نلر اپلر مقاوله و مغلوبی او لنلری قتل و اموال
اشیالری نی یاغما و ایک بیک قزلبایش عسکر پله شاهک هر کله سند راست
کلوب بر مقدار مقاومتند نسکره قزلبایشلر مغلوب و یعنی هر کله بی اللرندن
الوب کرید لری میرمیوده کوندردی النان بی حد و بی حساب جیو ایاندن
و اموال غنیمتند ماعد اللری بیلشد و یه ذخیره تحمیل اپدوب بوجه
عسکر اپلر سکسن کون مقداری زمان مرور ند اصفهانیه کله ده بر قاج
کوند نصیکرہ عسکر تعیین او لنوب یوز بیک نقوسدن مجاوزه در کزین
یاهالیسی اموال و ارزاق قلریله اصفهانیه نقل و شهر مزبور ده صاحب سر

اولان

اولان خانه زده اسکان اپلری و انلر مرادری اوزن نجده املاک دنی ۹۶
توزیع و تقلیلک اپلری بوجه نفوس اصفهان ایچنده غایب اولوب هیج
عدم وجود لری معلوم اولمی و پنه شهور کاکنی محالری خالی قلدری
مشورت کردن اغوانیان برای ندارک عسکر بوندن بولله اصفهان شهری
محافظه سنه در کزین اهالیسی کفایت ایتمد و کن میر محمود ادرارک و اغوان
عسکرینه دنی کز بانسی بوجه و قایع تقریله تلف اولوب اشد احتیاج
اپلر عسکر جد بله و اصفهانی طول در مغه بوجه خلقه محتاج اولد قلرین
ملاحظه اپدوب پیرو دانلری اولان ار باب استشان اپلر بوبایله مشورت
ایند پلر و خلاف چنسلری وعدوی دینلری اولان عسکر و خلقه دنی
اعماد کلی هنک اولمیوب مه مامکن کند و چنسلرندن عسکر و رعایا
و برایاندارکی اهتمام نه اولد پلر و اصفهان شهر پنهان انا فانا محافظه سی
عسکر و افر و جود بنه محتاج اولد و غدن غیری پر طرفدن دشمن ظهور
اپدرا احتمالیله بومرواجب لاذ عانده تا خیر و فائی مناسب کو رمیوب
قند هار جانبلرینه عسکر ندارک ایچون عجاله تا عهد کسندلر کوندر ملک
مناسب کور لدی و میر محمود کایش کلار اغاسی اولان عبد الله اغانام کسنه
انتحاب او لنوب هدایایی کنیه و خز بنه و افره اپلر قند هان ارسال او لندی
وصول بولند قدر ارسال او لنان هدایایی تسایید نصیکرہ عسکر تحریینه
مباشر اوادی از زمانه مرادری نه موافق اهل و عیال للر پله مع اصفهانیه کله
اوزن و افر اغوان تحریر او لنوب حاضر و اماده قلنده صغار و کماره ذکور
وازت مجموعی او توزیک دوه یه تحمیل او لنوب بر بلوک عسکر اپلر اغای
مرقوم اپلر معامله لامت پله اصفهانیه و اصل اولد پلر بعد قند هار خلی

گروانیله گوچوب و یانلرینه برمقداراغوان مسکری قوشلوب اصفهانه
 کلمکه باشد بلکه اون بیک دوه و کاه بش بیک دوه ایله ای بیک دفعه ده
 و افرخلاق کارب زهایه ته میرمحمد دک والد سی دخی اوج بیک دوه دن
 مرئب کار بان ایله دوه یه سواراولش اصفهانه کله کله بوصورت اوزن کلان
 کار بانیله بزر بلوک عسکر مکلوب میرمحمد دک عسکری کفایت مرتبه سی
 و فرت بولدی انجق اغوان پنهان بخشش و هدایاعادتی و عسکریه متعین
 علوفه نظامی جاری اولمیوب کلان عسکریه بزر طرف که و ستروب
 وارک فلان محلی فتح ایدک اطاعت ایمیز لایسه قتل و غارت ایدوب غنیمت
الوک دیوب بو طریقله اغنا ایدردی خزینه سینه برفده برجبه و یومزدی
 تدارک اغوانیان برای فتح و سخیر بلا ددرحوالی اصفهان میرمحمد دک
 عسکری و فرت بونجه کندولینه هجوم اعدادن نوع المینت کاوب قلوب
 عسکریه دخی قوت کله کله برمقدار انتظام و انتظام عسکردن صکر دن تضییع
 اوقات روکور اولمیوب عسکری ایش ایله مشغول قلوق مصاعبت عدا ولندی
 چون طهماسبک احوالی پر بشان اولوب عجم طایفه سی کندو سنه
 عسکریاز لغه رغبت ایمیز کاری اغوانک معلومی او لش ایدی اول جانبدن
 چندان خوف و اندیشه قالمیوب اصفهان حواله سند واقع بلادک
 سخیری تدارک که ورلدی وز بردست نامنده برخان سر عسکر تعیین
 اولنوبه مقدار عسکر ایله سخیر بلا ده تعیین اولنوب قرب اصفهانه اوج
 ساعت مسافه مقداری برده واقع کز نام قصبه فتحنده عازم اولدی قصبه
 مزبون ده و افرخلاق قلوب اسماعیل خان قلوب اسماعیل خان قلوب
 قوی بدنلر ایله استحکام ویردوب و افرزاد و ذخیره دخی تدارک ایله بلکه
 اغوانلر

۷۸
 الغونلر اطاعت ایمیوب مقاومتہ اقدام ایتد بلکه عاقبت لاغم ایدوب
 یور یشیله الد بلکه اون نه قرب اصفهانه واقع بن اصفهان نام قصبه یه
 وارد بلکه ای دخی محاصره ایدوب عظیم جنکلر ایتد بلکه عاقبت مز قومه ده
 بجهنح قزلباش غایت ایله کنتر او زن اول دوغندن غیری مقدماد خی اغونلر
 جانبیند دفعاتله کندولینه تعرض سبقت ایمکله کندولینه غایت ایله
 میان ویرمشلر ایدی بود فعه محاصره ایله طفر میسر اولمیوب عاقبت
 کعب تعبیر اولنور اتشه رسیتلری که تور دوب لاغم امرینه مباشرت و یور یش
 تدارک کورلدی لاغم ایله بطرف اچلوب عسکر اغوان یور یش او زن ایکن
 قزلباشلر دن ادمیلر کاوب امان دبلکه سر عسکر اولان زبردست
 خان دخی فی الاصل بن اصفهانی او لوب قصبه مز قومه اهالیست سلامی
 عده مافی الضیری اولمغله شروط و قیود ویره میان او زن عقد
 اولنوب قصبه مز قومه ضبط و ایچنده بولنار زاد و ذخیره اصفهانه
 تقل او لندی میر محموده بوب خبر و اصل او لد قله فی الاصل قصبه مز بوره
 قزلباشلرینه عدا او تی زیاده اولمغله ویره ایله التوب کندولینه امان
 ویرلدی یغندن حظ ایمیوب من بعد وسیله انتقام اولمیق ایچون بر تهمت
 ایله منهم قلچه چویق سعی ایلدی قزلباشلر دخی حالت خبیر اولوب اغوانلر
 بجهیز و جفالینه محمل ایدوب هر در اونا شایسته حرکتکنی حضم
 ایتد بلکه بدر لوتهمت و بیانه و علت طرفاندن ظهورده عظیم تهاشی
 ایتد بلکه بوانه اده لطف علی خان اصفهان دن فرار ایدوب بن اصفهانه
 داخل اولمغله قزلباشلر اخذ و قید و بند ایله میر محموده کو تور و بتسیم
 ایمکله ایله صد اقت او زن اول دقله بی ایمات ایدوب میر محمود دک مز قوملر که

حقنه اولان نار غضی بو تقریله بر مقدار سکونت بولدمی فرستادن عسکر برای
 فتح شیراز میر محمود نصر الله خانی پنه سر عسکر انصب و تعیان اپدوب اوج
 بیک أغوان و ائی بیک در کرین عسکریله شیراز فتحنه تعیین و ارسال
 اپلدی خان مرقومه اشای راهه مرو راپلد وکی قصبات و قری اهالی سی
 اطاعت اپدوب بر محله مخالفت کو ستر مدبله و فی الاصل نصر الله خان
 هندستانه کعب طایفه سندن او اوب هجیم اینه شجاعت و بهادرانه ایله
 شهرت بولوب اغوانلر پنه بخنی کشاده بلدرم خان دیکله معروف
 اولمش اپدی احی صفحه لذ محاصره سی اشانه ایله اصفهان امدادینه طشنه دن
 کلان قزاباش عسکر بله اغوانلر پنه اون ایکی دفعه صواش واقع او اوب
 پدی دفعه ده اغوانلر غالب و بش دفعه ده مغلوب و منهزم اولمشلر ایکن
 نصر الله خان امدادر پنه پنشوب و سیله سلامت و بایث طفر و غلبه لری
 اولمش اپدی و کندوسی سر عسکر بولند و خی جنکارده مغلوبیت
 و انهزام طرفلرند و قوع بولیوب بو سیدن اغوانیانک معقدی و مسند
 غلبه سی او اوب قزاباشلر دنی کند و سند خوف و خشیت او زن
 اولد قلری اعتقاد بله خان مرقومه عظیم ازانیت و غرورال ویرمش اپدی
 بو ححال او زن فتح بلاد اپدرک طقوز بیک عسکر بله وقتا که قرب
 سیرازه و صول بولدمی سیراز اهالی سی دخی سارله قیاس بلا توقف
 شهر و قلعه شیرازی اغوانلر دتسیم اپدرک امید و اعتقاد دن ایکن عکس
 قضیه ظهور اپدوب اهالی شیرازی حرب وقتا الله حاضر و مقاومت هه اماده
 بولدمیلر و هماندم مدافعه یه اقدام ایتدیلر نصر الله خان قزاباشلر ک
 بو کونه حرکت و جسارت لری کوریجک سکنی دوسن غیرت ال ویرد

و در حال

۶۸ در حال عسکری و نیب و تنظیم ایدوب یوریش ایلدیها و شدت
 و سکر میت او زن طرفین دن جنک او له رق شهره تقرب ایندیلر خان
 مرقومک اپسنه غیرت و شجاعتی حسن ندیورینه غالبا و ملغله جمهه
 عسکرده بولنوب دانه تو فنک اصا بایله اند اخته زمین تلف اولدمی
 اغوانلر سردار لری نک زمین هلاکت غلطان اولدوغون کو رو ب
 هجو ملرنده اقدام دن ادب و مقاوله دن رو کردن او اوب سردار لری نک
 ذعشیله رجعت و برمقدار که برو چکل دکه برحواود یوارینه سپر لوب
 طور دیلر واللرند بولنار قزاباشلر ک جله سن شیراز لو بیه قارشو قتل
 و بو ححال ایله او زا قدن پنه محاصره امر پنه اقدام و کندولری محافظه یه کال
 اهتمام ایدوب واقع حالی اصفهانه میر محموده عرض و افاده ایتدیلر میو
 محمد نصر الله خانک شهیدا ولدوغون استماع اپدی جلک غاییله ملولا او اوب
 مانکلر کیدی و برمصنع رب بنا او لوب نعشه سن نقل و اند دفن او لنهق
 او زن نذمیه و ایکی تربه دار نصب اپدوب اوقاف تعیین اپلدی وزردست
 خانی نصر الله یرینه سر عسکر تعیین اپدوب بمحاله عسکر کوندر دی
 نصر الله خانک فوقی خبری شیوع بو ایحی معرفتیله اطاعت اپدن بلاد
 و قری خلقی پنه جله عصیان اپلدی زردست خان عسکر اغوانه وصول
 بولدمی مشتمد و هنادی جنکلر او اوب شیرازه ظفر میسر اولدمی زیرا
 سیراز خانی عاقل و مدرک سنه بولنوب شهر شیرازه کال مرتبه اسحکام
 ویوب زاده خایرو عسکرده کرکی کی ندارک ایله صرف مقدور ایلش اپدی
 جنی قبل المحاصره مسکت قارشو سنک سواحل بحر فارس اسکن قبایل
 هر پدن الحاجی عبد الباق نام خانه و افرادی کوندر دوب برمقدار عسکر بله

خان واعیان شیراز و ساز ایش از اتفاقیله خانک قرنداشی ویره
موادی مکالمه سنه طشره کوندرلدي چون اغوانیان شیراز اهالی سنه
کمال مضايقه سنه و قوف تام تخصیل اپلشتر ایدی شیراز خلقنه امان
ویرمکه میل ور غبتری او ملد و غندن کلن ادمه جوابی عوق و تاخیر
اپدوب برکون خواه بود یش ایله شیرازی اخذ و ضبط اپلدبل سر عسکر
مرقوم شهر مظفر میسر اولد قن اموال و ارزاق ناس یا غنه و غارت اولنسون
دیواغونه اذن ور خصت ویردی انجق قتل نفو سدن احتراز اپدعل
دیو محکم تنبیه اپلدی وجه مشروح اوزن شهوك ضبطی میسر اولد قن
نچه فقر لئک اچلک ایله هلاک اولد و غن کور دبلر و بعنفا محترک باز رکانک
انبارنک جموع شیراز خلقنه او ج ای مقد اری زمان کفایت اپد جلک
بغدای بولند و غن ز بر دست خانه خبر ویردبلر صاحبی بولدورب نجون
بوفقرا یه بقدای اتفاق ایمده دیو عتاب و جیس اپدوب اجلق ایله هلاک
مرتبه سی تعزیر اپلدی شهر ضبط اولد قن بر مقدار محافظت تعیین اولنوب
باق عسکر اطرافه چتلره تعیین اولنوب کوندرلدي دوزیو ز مقداری
افوان بند و عباس جانبه راهی اولوب مرد ایلد کلری بлад و قری اهالی سی
اطاعت ایتد ردوب حلال و حلال رنج بر مقدار مالکرین اوب بند عباسه
واردبلر محل ز بور اهالی سی اغوانلر کله جکنی ایتدی جک اموال و ارزاق لر بله
سفینه لره سوار و هر مجزی و سنه کو چدبلر بند عباسه انجق اندکاز
و فلمک اچیلری تو ابعده بله قالوب انلر دخو اولینک اطرافته حندعلر
کسکی ایله کند و لرینه استحکام ویروب جنکه حاضر اولمشتر ایکن اغوانلر
استقبال ایچون ادم کوندر دبلر فزیل ایشتر اموال و ارزاق لر بله هر مجزیه
سنه نقل و کند و لری اچیلک تقریله اول دیارده مسافرنه اقامت اوزن

استداد رجایلش ایدی اول دخی اهالی اوزن شیراز امدادینه و افر عسکر بله
کلمکی متعهد اولمش ایدی شیراز خانی و اهالی سی حاجی عبد الباق خان متعهد
او از وغی اوزن امداد ایله کلر امید پله سکزای مقداری مدت شد ایدی
محاصره یه تحمل و اغوانلر دخی بوایامن جنک و جد المکرمیت اوزن
حرکت دن خالی اولیوب عسکر لی نصف مزتبه سی تلف اولمش ایدی
ونصر الله خانک شهادتی تقریله مقدار مطاعت ایدن بлад و قری اهالی سی
دخی عمه یان ایدوب اغوانلر زاد و ذخیره ده مضايقه اوزن اولمشتر ایدی
برکون اتفاقا وقت عصر ده الحاجی عبد الباق خان ایل اعراب و برمقدار
فزیل اش عسکرین جمع ایدوب بی حساب ز خیره ایله شیراز امدادینه
کایور دیواغونلر خبر کلدی سر عسکر ز بر دست خان بوخیری اشدی جک
سکز بوزاغونله فی الحال اتلنوب قارشو واردی ویر محله شیراز امدادینه
کلان عرب و عجم عسکر بله ملاقی اولوب رسغانه جنک ایتدی و عجم
عسکر پنک چونی طعمه شمشیر اغوانیان اولوب ایکی یوز نفر مقداری
عرب ایله الحاجی عبد الباق خان میدانده قالدی خان مرقوم دخی غیور
و جسرو شجیع و بهادر کسنه اول ملغه بحوال ایله مقاومت دن بوزد و ند میوو
عاقبت اول دخی قتل اولندی بازار کارکزار قتال کاسد او لجه ز بر دست خان
مهمات و ذ خایری اغوانلر اور دو سنه نقل اپدوب جله سی غنی اولدبلر و ادم
کوندر بوب شیراز خلقنه واقع حالی بلد و دبلر ایام محنت اون ای بالع اولوب
چون طول محاصره شیراز اهالی سنه مضايقه ویروب ز جمته سکر فقاو
اولمشتر ایدی و امداد ایله ایدی دخی بویوز دن یا سنه مبدل اولدی
غیری شهر شیراز کاغوانلر دسایی کند و لرینه صداحت کورندی

قد بینند مرادی بو اید بکه سر عسکر قوم محل مز بورده اقامت و تھمن
 ایدوب شهر اصفهان اطرافه اول محلن پیاپی عسکر کوندن و بو تقریله
 اغوانی بیگیزدن خالی اولیوب میر محمد عاقبت غیرته کاوب و بالذات
 اخذ انتقام سودا سنه دشوب بو نلرک او زر بنه حرکت ایله اصفهان
 شهر بی خالی قویه و بو صورت دن اغوانی بیلواکی شیرازده و میر محمد
 دنی اصفهانند اوج دورت قوناق مسافه ده بو ننق صورت دن طهماسب
 مترصد فرصت اولوب کند و عسکر پله اصفهان شهر بنه دخوله فرجه
 بوله و شهری بو تقریله ضبط اید میر محمد دد و نوب شهره قصد اید رسه
 فر بدون خان در قفالغوانی اشغال اید و شیرازده دنی عبد الباق خان
 اغوانلری اشغال ایدوب بو تقریله بینلرند افتراق واقع اولوب بری
 برل بنه مداد و اعانت دن عاجز اولد قلری حالن طهماسب تشبیت مافی
 الضیر بنه سهولت بوله پس اشب و مصم اولان صورت قوندن فعله کلک
 ملاحظه سیله فر بدون خان عسکر پله صوب مامور بنه راهی اولدی
 ایالت مرقومیه وصول بولد قنچه نچه ارامنه قریه لری اغوانلرها طاعت
 اپنیش و کند و لر بنه طرف لرندن رای ویلش بولندی ایش ارلی و سوز
 صاحب لر بی کتورو بخون اغوانلرها طاعت اپتد بکزدیو ایش بوزدن مجاوز
 رعا یا کله سنی قلع ایدوب طهماسبه کوندردی و اغوان کله سیدردیو
 عرض ایلدی بو اشناهه الحاجی عبد الباق خانلک انهزامی و شیرازک اغوانلر
 البینه کرفتار اولمی خبری کاوب فر بدون خانک اورد و سنه داستان
 اولدی و سمع طهماسبه دنی حقیقی اوزن لا حق اولدی بو خبر موحسن
 کرک طهماسبک و کرک فر بدون خانک همتلر بنه فتور و عزیتلر بنه

اولد قلر بنه خبر و پرد کلن اغوانلر تعدی و دست دراز ایقیوب برمقدار
 مکولات و مشر و با نیله اکتفا ایدوب رجعت ایلدی پلر و لکن اشای
 طر بقلر ند کند و لر بنه خسته للع اصبات ایدوب اللی نفری سلامت ایله
 عودت باقی پسی یوله وفات ایتد بکل سر عسکری فر بدون خان از جانب
 طهماسب و عزیش با یاالت بری قزوین معاکه سخن صکره طهه اسب
 بنه تبریز دن قالقوب کاه قزوین و کاه طهرانه مکث و اقامت و کاه
 حوالیلرند کشت و کزار و مه ما مکن عسکر تدارکندن خالی اولیوب
 شیر از شهری اغواندن محاصره اولند و غنی اشنش و بلش وال حاجی عبد
 الباق خانلک شیر از امدادیه وارمی ایله مهود اولد و غنی معلومی اولش
 ایدی پس اغوانلک بر فرقه سیله شیر از جانبلر پله مشغول ایکن بروزده
 برمصاحت کور بل او رمل اخطه سیله سکز بیله فزل باش و برمقدار
 شهسو نلو و سا از درنی بکری بیک مقداری عسکر فر بدون خانی سر
 عسکر نصب ایدوب جوار اصفهانه بریه ایالتی او زر بنه کوندردی و بو کونه
 نفیه و توهیه ایلدیکه اول بالله وصوله عجله اید کزیرا و حوالیم نچه نچه
 بلاد و قری هنوز اغوانلرها طاعب ایشیوب بانلر دن دنی مکن مریه ده
 عسکر تحریر و جم اید ک بعد کل بکنندام شهره واروب اند مکث اید ک
 و شهر مز بور بکل عظیه ای
 و حند قلر و دیوار لایله کند و لر بنه عظیم استحکام ویر مسلار در شهر ک
 ایباری ایلی ای زن شهر بساعت مقداری مسافه ده قلعه هشاد او طاویر اقدن
 خند کل رو دیوار لایله محاط بر حصار یا پوب ایچنه عسکر و ذخیره
 یغیشلر در بو تقریله اول جانبیه کلان اغوان بلوا کار بنه غلبه
 اقتدارین تحییل و افرا غوان تلف باش ای ای

۷۲
شُهُود دُخُن وِرَه لِبْن قُبُول اِبْدُوب حَصَارِي اَخْذ وَقَزْلَبَاشْلَرِه مَال
وَجَانَلَرِه اَمَان وَرِوب سَلَامَت بُولَدَبَلَر فَرِبَدون حَانَلَه اَنْهَزَامِي كَامِكَنَد
شَهْرِبَنَكْ قَهْرِبَلَه فَخِي حَصَارِكْ ضَبَطَي وَالْحَاصِل بُو وَفَاعِلَكْ جَمْعِي
اَوْج سَاعَتْ مَقْدَارِي زَمَانَه تَام اوْلَدِي اَطَاعَتْ كَرْدَن اَهَالِي كَشَان بُو حَالَي
اَطَرَافِ بِلَادِ خَلْقِ مَشَاهِدِ اِبْدِي جَلَكْ نَجَهَلَرِي طَوْعَان اَغْوَانَلَرِه اَطَاعَي
مَعْقُول وَمَنَاسِبِ كُورِوب كَنَدَوْلَرِي تَسْلِيم اوْلَدِي لَرِي اِيَالَتْ مَزْبُون دَه وَاقِع
كَشَان شَهْرِي اَهَالِي سِي دُخُن بُورَانِي حَسَبِ حَالَلَرِبَنَه مَنَاسِبِ عَدِي اِبْدُوب
وَافَرَهَدِي اِبْلِه مَيْرِمَجُودَه اِبْلِه كَونَدَرِدَبَلَر وَشَرُوطَ وَقِيَوْدِي وَرِه بَيْيِي تَخْرِي
اِبْدُوب كَونَدَرِدَبَلَر مَيْرِمَجُود دُخُن وِرَه لِبْن قُبُول وَكَنَدَو بَنَفَسَهِ كَشَانَه
وَارِوب اَخْذ وَضَبَط وَكَفَابَتْ مَرْتَبَه سِي مَحَافَظَلَرِنِصَب وَتَعْيَيَان اِبْدُوب
جَنَب اَصْفَهَانَه رَوَان اوْلَدِي اَصْفَهَانَه دَاخِل اوْلَدِوْغَى كَونَدَعْظَمِ الْاَبَلَر
قَوْرِبَلَوب اوْج كَون دُخُن دُونَهَاوَشَنَه لَكَلَرِي اِنْدَبَلَر وَبُونَدَنْصِكَرِه مَيْرِمَجُود
بِرْجَانِيَه حَرَكَت سَوْدَاسَنَه اوْلَيَوب مَنْ بَعْد اَصْفَهَانَه اَقَامَتْ عَزِيَّتَه
قَرَار وَرِدَي وَقَعَه اَمَان اللَّهِ خَان مَيْرِمَجُود دَكَخَان اوْلَى اَولَان اَمَان اللَّهِ خَان
اَغْوَانَدَن اوْلَيَوب مَيْرِمَجُود دَك اوْبَل حَكَمَتَنَه سَرَحَد هَنَدَسَتَانَدَن
كَابِل نَامِ شَهْرِدَن قَنَدَهَان كَلَوب مَيْرِمَجُود دَه اَنْسَاب اِبْدُوب وَكَتَخَاسِي مَقَامَنَه
اوْلَش اِبْدِي مَرْقَوم اَمَان اللَّهِ عَاقِل وَكَامِل وَجَهَنَك اَمَورِنَه غَابَتِ اِبْلِه مَدِي بَر
كَسَنَه اوْلَوب مَيْرِمَجُود دَك عَجَم دِيَارِبَنَه بُو مَرْبَيَه دَه تَعْرِضَه وَبُوكُونَه اَمَور
عَظَامَه وَضَعِيَّه وَمَبَاشِرَتَه بَاعَث وَبَادِي اَمَان اللَّهِ خَانَلَه تَرْغِيَي وَتَوْصِيَه
وَتَرْبِيَه سَيِّلَه اوْلَشَدَر حَيْ هَنَزَكِرْمَانَه حَرَكَتَلَرِنَدَن اوْلَمِيرِمَجُود اِبْلِه
اَمَان اللَّهِ بَنَفَنَه جَارِي اَولَان عَهَد مِيشَاق بُونَك اوْزَرِبَنَه جَارِي اوْلَيَش

قَصْدُور وَكَسَور كَتَوَرَوب عَسَكَرِلَبَنَه دُخُن وَحَسْت وَدَهَشَت اَل وَيَرِدَي
طَهْمَاسِب وَفَرِيدَوْن بَوْحَالَت حَيْرَت اَشْتَهَال تَفَكَرِنَه اِبْكَن مَيْرِمَجُود
بَنَفَسَه اَصْفَهَانَدَن وَافَر عَسَكَرِبَلَه حَرَكَت وَفَرِيدَوْن خَان صَوَبَنَه
سَرَعَت اِبْلِدِي فَرِيدَوْن خَان دُخُن مَيْرِمَجُود دَك بَنَفَسَه حَرَكَت وَعَزِيَّتَه
خَبَرِي يَحْقُونَدِي شَهْيَه وَارِدِي وَعَسَكَرِي جَمِع اِبْدُوب حَاضِر وَامَادَه قَلَدِي
وَكَنَدَوْسِي بِرْبَوكَسِكِي يَرِه حَقَوب مَيْرِمَجُود دَك عَسَكَرِي كَثَرَت اوْزَن
وَحَرَكَتَه شَدَت وَكَرِمَيَت اوْزَن اوْلَدِوْغَن مَشَاهِدِ اِبْدِي جَلَكْ دَرَوَنَه
حَوْف وَهَرَاس عَارِض اوْلَوب قَفَائِي عَسَكَرِه تَوْجَه بَرَلَه فَرَار سَهِيَن
كَوْسَقَرَدِي خَان مَرْقَومِي عَسَكَرِي قَزْلَبَاش قَفَادَه كَورِي جَلَكْ قَرَارِي فَرَان
تَبَدِيل بَنَيَّتَه اوْلَدِوْغَنَه جَلَكْ اِبْدُوب جَلَه عَسَكَر قَزْلَبَاش جَنَه كَه مَبَاشِرَنَدَن
فِي الْحَالِ رُوكَرَدَان اوْلَوب فَرَان يَوْز طَوَيَّدَبَلَر مَيْرِمَجُود دَك عَسَكَرِي قَزْلَبَاش
عَسَكَرِبَنَه فَرَار اِنْش بَولَد قَلَرِنَه كَلْ پَكَنَد سَهْرِبَنَه قَصَدَه وَيَوْرِيَش
اِبْتَدِيل لَكَنْ شَهْرِمَز بَورَه كَمَال اَسْتَحَفَام وَيَرِيَلَوب اَطَرَافَه بَعِيدَ القَعْر
خَنَد قَلَر قَازِلَش وَحَارِجَنَه بِرِيَوْجَه دَيَوَارِبَنَه اوْلَيَش بَولَنَد وَغَنَدَن
اَغْوَانَلَر كَشَهْرِه دَخْوَلَنَه حَيْطَمِرْقَوْم سَد سَدِيلِي مَقَامَنَه مَانَع حَاجَز
اوْلَدِي چَوَن اَغْوَانَلَر كَجَنَك اِبْلِه مَأْلَوْف نَيَوْن غَرَق اوْلَش بَوْمَلَم فِي الْلَّارِي
وَارِبَدِي دَيَوَارِي فِيلَه يَقْدِرَوْب تَلَه اَجَدَبَلَر وَأَوَّل تَلَهَدَن هَجَوْم اِبْدُوب
شَهْرِي كَلْ پَكَنَدِي فَقَع اِبْدُوب دَرَوَنَه مَوْجَد قَزْلَبَاشِلَر كَأَكْثَر بَنَي طَعَمَه
شَهْشِير قَلَدَبَلَر وَدَرِ عَقَب شَهْرِمَز بَورِجَوارِنَه قَلْعَه مَذَلَلِي بَنَهَاوَلَمَانِ مَجَمَع
ذَخَارِه مَحَل تَحْصِينَلَرِي اوْلَان حَصَارِلَبَنَه تَوْجَه وَمَحَاصِرَه بَرَلَه مَضَايِقَه
وَيَرِدَكَلَرِنَه دَرَوَنَه مَوْجَد قَزْلَبَاشِلَر اَمَان دَيَوَب وَرِه اِبْتَدِيلِر مَيْرِ

مَجُود

اپدېکه صوب مراملرېنە حركت اپلەدكارى كونىنە حصول مراملرى
 و قىتىنە دىكىن عجم ديارىندىن كىسب و تىحصىلە مادراولىد قىلىرى اموال و اشىما
 هرنە دكلا او لور سەنچى مير محمودك و نصف اخى امان الله خانڭ اولە
 بىكۈن مير محمود اپلە امان الله خان بىر يە كاوب صحبت و سلفى و قوع بولان
 بىخى احواللىرى دىخاطر و مکالمە و مذاڭرىه اثنا سىنە امان الله ما يېنلىرىنى
 واقع مىشاق و عهود سابقە يى يادو ئىذ كىر و مير محمود بىكۈنە خطاب
 اپلەدېكە جناب خىداي متعال حضرتلىرى بىزىم كېيى عاجزلىر خاطر و فکرىزە
 كلىان و حدو و ئىلەنە مزاولىمان امور عظامىي مەنلىق فتح و نسخى
 اپدوب بىونۇمت ئەلمانلىك شىكىزىمىز و نشرى و هر حالى حقوقك احقاقى
 وعدى و انصاف قانۇنلىرىنىڭ احىياسى او زىزىزە فرض مىزلى سەنلى
 او لوب دوام و قىيام سلاملىق بوجەلە يە رعابىت اپلە مقدارلىق امر مەقىدە
 بولە اولدىقىن مبادىي مبازىرت امور دە ما يېنلىرىدە واقع عهد و مىشاق و فا
 اپدوب لطف حق اپلە قبضە تىھىز وصولى مىسر بولان اموال غنائىك
 و بىالىڭ و افرەنلىك نصىقى بىنم حق سرىحىم او لوب مىشاق و عهد بىزىم قىضا سانجە
 طرفە تىلىم او لېق مطلوبىدر دېد كەن مير محمود بوكلا مدن غابات
 انكسار خاطر اپلە ما لول او لوب فىكىزىمىز واردى و امان الله خانە
 خطاب و عتاب اپدوب بوقدر النە كېرىن مال كېشىر اپلە اكتەفا اپدوب بىنم
 مال و ملکەمە شركىت سوداسىنەن فراغت و بودعوايى من بىعىد فراموش
 اپلە دېد كەن دفع بىلەن قىلنىوب امان الله خانە سەنە كىتىدى و درەقىب
 شاھلىرى غۇجىنە تىقلىيد بىر سراغوچ يايىدربوب باشىنە كېيدى و كمال
 تەورىنەنە اپلە جىكى بلىپوب مير محموده جواب كونىرىدىكە چۈنگە عهد

وامانە

۸۳
 وامانە و فاپتىغىب خىلەتىدىكىن دىنى من بىعىد سىنە خەدمەتىنە او لوب
 و فى الاصل سىنە قېيىمىندىن دكال هندستان پادشاھى تو بىعىندىن سىنە
 بىكارىدراو حەكمىڭ جارى دىكال دەشمەن نصىكە تۈرىم او لان عسکرىي او لوب
 و ئەنم او لان كاپلە كېيدرم دىوب برقاچ كونىن نصىكە كاپلە اطرافىنە او لان
 عسکردىن اپكى بىكەن مەعاوز عسکر اپلە اصھاۋاندىن قالقوب عازم راھ
 او لەدى مير مىحود دىنى اغماض العین ايدوب امان الله خان كىتىدى و كەنداڭ
 مەمىي او لەدۇغى صورتى اطھار ايتىدى اوچ كونىن نصىكە امان الله
 خان كاپلە سوداسىنەن فراغت و طەھاسېك يانە عزىزىت اپلەش دىوب
 مير محمودە خېرى كاپلەك مير محمودە عظيم خوف و وحشت ال ورۇب
 در حال قىپۇ خەلقىلە ئەلەر سوار او لوب اصھاۋاندىن طىشىرە او غرادرى و مەجالە
 قىفادىن او نېيىك عسکر سرعت اپلە كاۋوڭ بېشۈك دىو ئەقىيە اپلەدەي چۈن
 اغوان عسکرى سریع اخىركەنلەر او لوب چاپلەك سوارلىدە را يام خالىيەدە
 رەتىپ نظاملىرى دىنى حسن صورتە افرانغ او لىش بولۇندى بىساعت اىچىنە
 حاضر و امادەلار او لوب مير مىحودە قىفادىن بېشىد بار و الغار اپدوب اپكەجى
 كون امان الله ملاقى او لەپلەر مير محمود عسکرندىن بىلارچى مير محمد خان نام
 كىسىنە امان الله كورۇب سو قىصد بەلە جەملە ئەلەدى مير محمود بىحالە دەفع
 ايدوب و كەندىو بىنگىسى دوستانە وضع او زىن امان الله خان يانە واروب
 او بىشوب قوجىشىدپلەر بىر مقدار عسکردىن ايرپلەب خەلۇت ايتىدپلەر
 و مير محمود امان الله خانە ئىماز مەدانە معاملە بولە بىنى خاڭ اپلە يېكىسان
 اپلەكى روا كورمە دبو ئەناسلىراپلە خاطر يەن الله او لوب ارضا ئەلەدى و بىنە
 بېنلىرىنە عهد و مىشاق رسىي تىجىز بىدا لوب مير محمود امان الله خانڭ

حسکرین الوب کند و عسکرینه ضم و احراق و امان اللهم معتمد کمسنده لی
 قوشوب اصفهانه ارسال و عزت و اکرامی کافی الاول کالله او لوب انجق
 کوزدن ایرمیوب یانه مخصوص ادمیر تعمیان او لیق او زن قایم مقامی
 او لانه کاغد تحریر ابلدی میرمیودایسه بو غاپله سی دفع ایلد که حاضر
 و اماده اولیش عسکر و افره ابله بر مقدار بلاد نسخیری ملاحظه سیله
 بختیاری ولو رستقان و کوک کیلان مملکت ملکت ملکت عزم راه ابلدی نکته
 اصحاب فرات و دقت و حقیقت شناس ارباب فطنت تغرسنلرینه
 کون میرمیودامان الله خانه غدر و عهد و میثاق و فداد و ویمننه پاپداو
 اولمیوب بو فجهه امور عظامه مباشرت و نچه نچه مملکه دن رها و سلامت
 و میرمیودک مشار بالمنان اولیسنه سبب و عملت مجرد امان الله اولدوغی
 جمله یه معلوم و مسلم ایکن تطیب خاطر امان الله ایله اهتمام لازمه امور دن
 اولیش ابدی سلطنت و حکومت شرکت قبول ایشز دیسه بنه طریق
 اخر ابله تطیت خاطر لری نمکن ایکن نفس اپت و بی و فالله و عهد
 و میثاق بی ثبات و ویمننه حاشت اولیفی ارنکاب ابدوب بوجالت
 ناسیا سه من بعد میرمیودک حقنه بخت و کشته لکنه بادی اولدی دیو
 اصحاب فرات حکم ایتدیلر فعلی هذامیرمیودایات اصفهانک جنوب
 و غرینده واورستانک اتصالند واقع بلاد بختیاری یه عزیت و واصل و لیحق
 بختیاری قومی عسکر ندارک و حاضر و اماده بولنوب علی الغفله میر
 میودک عسکرینه هجوم ایتدیلر و چوک کمسنده لی بنی قتل و اموال
 و اشیال بینی غارت ابدوب بنه رجعت ایتدیلر میرمیوده ایسه غیرت

آل

ال ویوب ایز انتقام هو اسیله بو نلر کدیار بینی کشت و کنار و نه ب و غارت
 سود اسیله کوک کیلان نواحی سنه تو جه ایندی اتفاقا بر کجه عظیم قار
 باغوب میرمیوداول نواحیدن بوجانبه چقوب کتمکه مجال بو لیوب هر
 طرفدن مری اولان طریقلری برف شتا ابله محکم سدو بند او لیع قزلیه اشلر
 فرجه بولوب اطراف و اکناف احاطه ایندیلر او جای مقداری شدت
 شتا و صولت برد و کثرت برف سد مانع ایدوب او لحولیده پا بند اختمار
 اولدیلر هر جانبه جست و جوی صحرای ایمهان سرکردان اولیش اسیاط
 بی اسرایله دوندیلر او جای مر و وند فارلار بیوب انها رصغار و کبار طغیان
 ایلدی قزلیه اشلر دنی جسر لری قطع ایدوب بو بوزدن دنی عظیم مضايقه
 ویردیلر حواه ناحواه صول دن یکمکه مجبور لر اولوب چوک اموال
 و میرمیودک تلف ایندیلرینه سلامت لری حد امکانه اولمیوب مکر بختیاری
 خانی قاسم خان اصفهان الند قدر نکره میرمیوده کاوب حدندن زیاده
 خان مرقومه میرمیود جانبندی التفات و اکرام او لیش بو امغله دوست لغه
 بناء خان مرقوم میرمیود خفیه آدمیر کون دروب اول کرداب بلادن اخواه دن
 پر فرد ساحل سلامت چقمق متصور دکل ایکن خانک ادمیر دلیل
 و رهبر اولوب رهاب اولدیلر و بالجهله مهمانلرینی باغوب یا لکزا و جیل
 اغوان سواری و پیاده عریان و بریان اصفهانه دو شوب کیمک
 پر وقتنه خفیه شهره کیردیلر بیو و قعده ده میرمیودک عسکری
 کند و سندن دلکیر اولوب جمله سی روکردان اولمغله یوز طوتش ایدی
 و نار فنه اشتعال بو اغه چوک قالمائش ابدی میرمیود دنی مهمان امکن
 تطیب خاطر عسکریله اهتمام ایدوب نوازش خاطر لرینه رعایت ولای

دومن اقچه چقاروب عسکرینه بخت ایلدی چون بویوزدن عسکر
اغوانیانه ضعف طاری اولی ایام صیفیه بر جانبه حرکت نمکن
اویوب کندولین محافظه برله اصفهانه مقیم اولدیلر بعد زمان
قندهاردن بمقدار اغوان و هند عسکری کاوب و در کز بینیلردن
عسکریازوب بمقدار قوت بولدیلر اغوانک ضعفی طه ماسبه معلوم
اووب اول دخ اصفهانه کلک اوزن ندارکن کور من ابدی اکن طرف
دولت علیه دن ببر شهر پنک فتح و نهییری هر داونه ب طهماسب شیرز
امدادن بولنیع اصفهانه کنکه و چم ابدوب اول جانبه عزیت ایلش
بولندی عزیت کردن میر محمد درای تا دب اهالی شهر کز بواناده
قندهاردن اصفهانه ایکی بیک کوج دوه سی کاوب کن ائمای طربنده
کز شهرینک خلقی عصیان ایدوب قارشول پنه چقوب جله سنی اخذ
وضبط و اغواندن نچه کسندری قتل ایلدکاری خبر اصفهانه شیوع بولجع
میر محمد و اغوان تهون کاوب شهر مز بورک خاقی استیصال اولنوب من
بعد قندهاردن کاوب کیدنلره قزلبیاشلردن بدر اومانع قالمامق اوزن
رای وندیم ایتدیلر بر قاج گوند نصیره اغوان عسکری حاضر اولوب
کز شهر پنه عزیت ایتدیلر شهر مز بورده واقع قزلبیاشلر بوار القلعه حوالی
شهرده بولنان خلقک جنکه قادر اولنلر بینی ایچروی اوب بر عظیم جمعیت
اولدیلر و شهر اطرافنه خند قلر ایله بر قات دخ اسکنام و یوب
وافر ذخیره دخ ندارک و جنکه یامیان صیبان و نسوان و پیران
مقوله لینی طشره چقاروب طاغمله قاچور دیلر و اطرافه واقع بدانانی
اتشها اورب علف و ما کولات اقس امنی بالکلیها فنا ایتدیلر بواناده
کعب طا بفه سندن برو افر کسنه اتفا کز شهر نله بولنوب قزلبیاشلر ایله
فعا قیانی اقتضا ایتدی طا بفه مز بون نک ایسه اغوانلره میل و رغبی
عجملردن

عجملردن زیاده اول مغله میر محمد خفیه ادم کوندزوب بزکعب طایفه سی ۸۰
شهر کفلان طرفند فلان قیو محافظه منه ایز کلیدی کزده طرفزه کلکه
سی ابدوک بزسز کله جنک ایمیوب قپولی اچه رزدیو خبر کوند رمشلر
ابدی وقتاکه میر محمد عسکر بله کز شهرینه واردی حوالی شهر ده علف
وما کولاته داڑ برشی قالمیوب خراب و بباب اول مش بولدی چون کعب لر ک
دخی وعد زینه اعتمادی در کار ایدی روساه عسکری احضا را و شهر دایرا
مادر محاصره ایله احاطه اولنوب کتوردیکه مز ذخیره فنا بولمازدن فتح
و تسخیره اقدام و اهتمام اولنه دیو محکم تنبیه ایلدی و بونیت اوزن مباشرت
اولنوب درون شهر ده وافع کعب طایفه سی اغوانلره خفیه قپواچق
تد بیزند ایکن قزلبیاشلر اطلاع حاصل ابدوب جله من قتل ایلدیلر
وبالدفعات طشره چقوب اغوانلر ایله جنک و جان حقیله او غراش ابدوب
و وافر کله و دل اوب غالب کاد بیلر عافت اغوانلر ک بر قاج کون ایچند
ذخیره لری دخی دوکنوب بلای قطه کر فتار اولدیلر ناچار نسخیر شهر دن
ما پوسنلر اولوب رجعت و اصفهانه عود ته عزیت ایتدیلر قزلبیاشلر
اغوانلر ک رجعت عزیتلر نله اولد قلرین مشاهد ابدی بجک صغیر و کبیری
زنک سی و مرد سی سوار و پیاده سی اغوانلر کار دینه د و شوب پلشدیلر
مردانه حرکت ابدوب صواش ایتدیلر اغوانلر من هزم اولوب اکثر یائمه
اولدیلر و با حمله مه مانلرینی براغوب کیتدیلر بقیه السیوف اولنلر
بر جزه عسکر اولوب میر محمد ابدی اصفهانه داخل اولدیلر طهور جمنون
میر محمد بواپکی و قعده دن صیره میر محمد فکر اندیشه یه و اروب بی حضور
اولدی غصه ایله ادرک ابدوب عدو لرندن خوف و وهمه دوشی بخت

بوكشته لکنه حمل ایمه کنیله لیل و نهار اکل و شربی و خواب و راحنی رک
 اپدوب عقلنه خفتال ویردی و وهم و سوسنه یه زایع اولوب کند و سنه
 اژجنون ظاهر او لغه یوز طوتدی انجامندن شیخلر کتور دوب او قوتدبلر
 اذلردن بزینه تسایم او اولوب تعامیم و تریمه سیله قرق کون خلقدن کسلوب
 و برکوشه از زاده خلوت و جله چکوب از بعینه کردی شیخلک کند و سنه
 ویرد اولاق اوزن تعیین اپلد و کی اسم اعظمه مداومت یتدی بوجالت
 میرموده سبب سلامت او لزرملاحوظ و ما مول ایکن برکون جنونی عقلنه
 غالب اولوب چله دن چقدی و سو بسو تکو یو کند و کند و سیله سو پلشوب
 طشلر و دیوارله و انجلره سلامه ویره رک کزمه باشدلی و یاتنه کاوب
 کیدن احباب و اشنا یه بیهوده سوزل سو پلکه و بی معذاعت اتاب و خطاب
 کفتار بنه باشدلی شیخ ناتندن لیل و نهار ایلمیوب خذ متنه مقدم اولدی
 وند ما و خد ما یه بوجالت نشافی کشف کرامت و ارم بادی ولا یتدرد یو
 جنونی ستروکتم اپلکم عظیم اجتهاد اپلدی و قرق کون مدقی بوجحال
 او زن کاه عاقل و کاه جنون ال و یوب چکور دی مدت از زاده اقام او یه عقینه بیو
 حالت کند و سنه زایل اولیوب یوم افیو و مام رض جنون زیاده او اولوب
 ررق بولدی قتل کردن و اسنهیصال کردن میرمود شهزاد کان بجم میر مرقوم
 برکون دیوانخانه ده کزینور کن انسای افکارده اتش تهوری اشته عال بولوب
 امر اپلد پکه شاهک او لادل نی و قرنداشلر نی و سارذ کوردن او اولوب خاندان
 شاهی دن او لان اقر باو پیوند قرات اپله شاهله تعلقلاری ثابت او اولوب
 دو اخانه ده موجود کمسنه هاری بریره کتور دوب و میانلر ندن قوشاقلرینی
 چوزوب اول قوشاقلر اپله الارین ار دل نیه بغلیه لرو بوصورت اوزن حضورینه
 که تون لراغوانلر امرینه ام تهال برله او لاد دوا قربادن یوز بشن نفر کمسنه

و شاه

و شاه هباس او لادلرندن او اولوب پیرو اخنه تیار او لمش و شاه سایه ای عصر ۸۶
 کوزلر نیه میل چکلمش او جنگ نفر کسنه یه جله و جهه مسروح او زن قید و ندایله
 گشان کشان دیوانخانه ده میرموده حضورینه کتور دبلر و صفصه اپدوب
 قارشو سنه ملحوظ در دبلر و باشدن باشلیوب اخري نه کانجه جمله سنک بونی
 او رسون دیو امر اپلدی جلا دی امانلر امره میاشرت اپدی چک شهزاده رک
 لالاری و خادم اغاری و سار خدمت نان بولننان امکار لری کیم بیانلرین چاک
 و چاک اپدوب اغلش دبلر پدر صاحب شفقت بواه واهی و فریاد اینینی اش دی چک
 در دمندی الاصل پیتاق و ملعله لمنک وا لوک افتان و خیزان فریاد رس املعنه
 سرعت یتدی و هر چند که میرمود اپله سبقت اپدن عهد و میشاق ذکرو یاد
 و عهم و فانیاز بله نور دبلر لری او لادلرینک خلامی ایچون صوت حزین و فریاد
 غریب اپله میرموده خاکپای او اولوب جمیان رقیئی زمیان مزلته نهاده و سوده
 قلدی تیریازی هدف مقصوده اصحاب اپنیوب رجا و نیازی قبوله قرین
 او لدمی مرقومون او اسنده شاه حسین او لادلرندن ایکی کوچک شهزاده
 بولنوب پدر لری شاه حسینیک صوین اشدوب کل دیکن کور یچک بیچان
 معصوم ملر پدر لری فریاد رس لری او لورامید بله قوشوب پدر لرینه جان
 اندیلر مود جانه دن از مرحمت کور یچک شاه حسین بوزی قویون او لاد لری
 او زرینه قیه انوب شاه و معصوم ملر قنان قصابه کیم ش غم و بره بی
 چا غر شد دبلر و شاه حسین بی قتل اپله معصوم ملر قیمه دیو فریاد و فغان اپله
 یوزین یره سوروب چوق یا لوار دی عاقبت میرموده بغری سنک
 نشانه بر مقدار تا پیرو شاه حسینه خطاب اپدوب سکا بخشیدم دیدی
 چه فایل بونه کامه قیامت از ده معصوم ملر ک ذه رلری چلک او اولوب

ایکی کون ایچنده ایکدیسی دخی وفات ابدوب کتید پلر روايت کاذبه فی سبب
 اسٹیصال شہزادہ کان اشبو شاه حسین اوغلار ینك و خاندان شاهدن
 اولان سار کسنه لک قتل و اسٹیصال ولنلر ینه باعث مجردمیر محمود ک ایکی دفعہ
 انهزامندن صکره کند و سنه عارض اولان وهم و وسوسه در کند و ضعف
 حال ادراک ایلد کله خوفه دوشوب اغوانلر ک دخی کند و سنه اولکی کبی
 اعتباری قالمیوب عیملردن دخی کند سنه و حشت و دهشت ال و یروب
 بطریقله فرستت یاب اولیه لدیو عرق شاهی ی قطع و اسٹیصال فکر ن
 ایلدی واکرچه بعضلر ک ریائی بو پله در که بالاده ذکر اولند وغی اوزن اثنای
 محاصره ده طهماسبک فرارند نصکره تخت شاهی یه اجلس اولنوب بش
 اون کون شاهه ولی عهد اولان میرزا صنی بو اشناهه دولت خانه دن فرار ابدوب
 بختیاری یه وصول اول دخی اول جانبلر ده تسلط دعوا سنه ذاہت اولش
 اوله حئی طهماسب خبر الدله کند و سنه ادم و کاغد کون دروب معینه دعوت
 ایلد که میر زامر قوم بنم سکار در لوضر ارم یو قدر و یانکه وارم و ایشکه دخی
 هانع اولم دیو جواب و یوش دیو کفت و کوی اولش ایدی لکن بوجله نک
 اصلی اولیوب مطاق اولاد و انساب شاهی اسٹیصال ایچون برهانه و تصنیع بر خبر
 غیر صاد قدر بیاری میر محمود وقتا کد میر محمود شیخنک تعلیم و تریه سیله
 ار بعینی تکمیل ایدوب چله دن چقدی و من بعد دفع و سوسه ایچون شاهک
 اولاد و انسابنی دو مرتبه ده قتل و اسٹیصال ایتدی ینه مرض جنونه دو امیسرو
 اولیوب یو مافیو مارقی بولدی جایجا عقلی بالکلیه زائل اولوب یانلہ موجود
 بولنلری بیلیوب اندری دخی ضرب وقتله مباشر اووردی کاہ سرخوش
 و مدهوش کے بلند او زابله چاغر را غرر دی خدماؤند مایه و حشت
 و دهشت ال و یروب یاندز قاچر کیدر لدی مر قوم لر عاقبت دیو لنه نک ضبط

وربطن

وربطن عاجز اولوب بر او طه یه قیاد پلر واوزر بنه قپولی محکم سدو
 بند و طشہ دن مخاکفه بلد پلر اول دخی نچه ایا همیوب ایچمیوب یا تیوب
 او یومیوب بی تاب و طا قه صاحب فراش اولدی هر جند که مع بالحہ بابن
 دقیقه فوت ایتیوب سعی و کوشش قلد پلر فاقہ نشان بر ار طهور ایتیوب
 مایوس و نامید اولد پلر خزینه سندن اقچه چقاروب پحوق صدقہ
 و یزد پلر کند و سندن رنجیه اولمشلر ک تطیب خاطر لنه اه نام ایتد پلر
 جولفه خلق نک نوازش خاطر لبند رعایب ایچون راه بیلر ینه بیک تو من
 نقود و جوهر و یزد پلر و فلمک اچه سندن دخی بیک تو من اقچه و یروب نچه
 رعایت و اکر امیرو عدین ایتد پلر لکن کون بکون خسته ایکی مشتد اولوب
 بطنند برو جمع پیدا اولدی و جمع شد تدن اللربنی و اوموزلینی د بشلر پله
 قو پاروب فرید ایدردی بر قاج کوند نصکره وجود ندی یان لرا چلوب بدی
 غربال کبی دلک دلک اولدی اتلاری پور ییوب قور ٹنگه باشندی طبیبیلر
 و جراحلن پیارندن عاجز اولوب وجودی منشنس و بدر ایچه اولدی
 فرستادن سید علی خان بجانب قزوین و انهزامی اوست میر محمود ک
 حیا اتنین طوایف اغوان مایوس ایچو کند و احواللری مشور تنه مباشر
 اولد پلر چون طهماسبک جمعیتی قزوین طرف لنه شیوع بولش ایدی
 میر محمود ک دخی بو حالة کر فقار اولد وغی اطراف و اکنافه اشید بلو ب
 شایع اولو رسه دشمنلر او یانوب بو پله بر فرصنی لامحالة کند ولر ینه غنیمت
 عد ابدوب حرکت ایدر لدیو خوفه دو سند پلر بو محذور لک دفعه ن حزم
 و احتیاط ابدوب قزوین طرف لر ینه طهماسبه نظارت واول طرف لرد
 دپل بان اولق ایچون سکریک اغوانه سید علی نام خانی سرع سکر ایدوب
 صوب مقصد و ده ما مور قلد پلر اغوان عسکری قزوین جانبلر ینه قرب

اولد قلنده مکرطوم ماسبک تبریز امد ادی ایچون حاضر و اماده قلدیق
 و افر قزلباش عسکری اغوانلر ک اول جانبلره کلد و کن خبر ایجع علی الغفله
 اغوانلر هجوم را بتد پلر و عظیم جنک ابدوب اغوانلر منهز ما فرار و اصفهانه
 واصل اولد بلر ان هزام خبری اغوانلری تشویشه براغوب عظیم ک در چند بلو
 جلوس اشرف ب محای محمود و قتل کردن محمود را غیری خواه ناخواه میر محمود
 یزینه کند ولرینه حاکم نصب و تعیین اولنوق فکر و آندیشند اولدیلر میر محمود
 بیوک قرنده شن قند هاردن ک تورملث مناسب کورد بلر ایجع مسافه بعینه
 و ایام صیف اولد بعندن ناشی طول زمانه محتاج اولوب بومقدار مدت ده
 بعمردن امنیت و هسکرده دخی باش اولینه نظام جمیعت و برایشہ مباشر شن
 حصول تشبیت حد امکانه اول مامق ملا حظه سیله میر محمود ک علیسی
 میر عبد الله ه او غلی اشرف سلطانی محمود یزینه کند ولرینه حاکم نصب
 ایلکی جله اغوان مناسب کورد بلر و ببلوک اغوانی کوند رو ب اشرف
 سلطانی زنداندن چقارد بلر و شاه سرایه تخت حکومته اجلس مراد
 ایتدیلر میر محمود ک خادملری و قعده دن خبیرا و بحق سرایی قپولرینی
 قیه ابوب مدافعه ایتدیلر و ایکی ساعت مقداری زمان طوب و توفنک ایله
 جنک و قتال ایتدیلر انجام دن بر تقریبله بول بولوب سرایه کید بلر و
 قپولری اقدرو ب اشرف سلطانی سرایه کوتورو ب تخت حکومته اجلس
 مراد ایتدیلر یونکه سابقه هنوز قند هارده ایکن اشرفک پدری میر
 عبد الله میر محمود قتل ابدوب تخت قند هاره اول تقریبله جلوس
 ایلش ابدی اشرفک درونه ب پدری انتقامی چاپکیر او ب مترصد فرمت
 اولمش ابدی و میر محمود دخی هر حاله اشرف دن امین اولیوب بر بھانه ایله
 در زندان ایلش ابدی بو اشاده فرصت ال و پریوب محمود دن انتقام

سود اسنده

سود اسنده دامن در میان قلدی و اغوانه خطاب ایدوب پدرم قنلی
 ایچون میر محمود قصاص اول مد قجه تخت حکومته صعود اینم و بوغایله
 عظیمه یی بو بنه المم دبوجواب قطعی ویرد کله القتل بالقتل دیوب اغوانلر
 میر محمود ک فراشند باش کسوب اشرفک حضور یند ک تورد بلر و اشرفی
 مقصود دن بوطربله ارض او تخت شاهی یه اجلس ابدوب رسم ما لوف
 او زن بیعت ایتدیلر اشرف سلطان دخی تخت حکومته قرار دان
 اولد وغی کی میر محمود ک خادم وندیلرینی و کندو محافظه سی خدمت دن
 اولان بشیور زنفر حضاری اغوانلرینی قتل و سار تعلقات و محروم اسراری
 اولنلری اخذ و جلس این در دی ذکری سبقت ایدن امان الله خان
 دخی بواراده نفسانیت ابدوب میر محمود ایله اولان ماجرا دن ناشی اشرفی
 بو کونه افعال ناشایسته یه وضع بله چوچ پکیوب تر غیم دن خالی اول مدی
 و جزا و سبیله سیمه مثلا مفهومی مقتضیا سنجه امان الله دخی اشرف خان
 الند جز امن بولادی اوصاف و مناقب میر محمود میر محمود او رته بولیلو
 بگدای بکز لو کو جلک کوز او کسنه ایدی و کوز لری دا نا هر کت ایدر دی
 عبوس چهره لو قبیح المنظر ایدی تازه مدور قرال صقا اللو باشی کویا
 اموز لرینه یا پشمیش قصه بیونلوا ایدی غایت ایله ضابط و حکمی اجراده غیور
 وعد ولری حقنک جبار و قهار ایدی و با جمله اغوانی قور قودوب کند و سنه
 اطاعت این در مس ایدی بومرتبه ده که جنک شد تلر نه دخی کند و سنه
 محالفته اقتدار لری قالمامش ایدی میر مرقومک اکرچه جود و کرم و اعماقی
 یو غیدی لکن خلقی مال غمیت ایله احیاده علو همت ایدی جنکلر ده
 عسکر یند ک رکونه دوشوب ب نفیه مقصود دینی حصوله ک تور مکله اهتمام
 ایدر دی برد فعده ده حصول پذیر او میان ماده یه تکرار و تکرار اقدام

و حصمه و نه جد تام اپدر دی او مخوی ازاویوب اکنراو قاتان بیدار ایدی
 نفسی عزته و تن پرور لکه راغب اولیوب طعام دن هرنه بولنسه ی را بندی
 و نه یرده اولسنه یا تور دی نچه دفعه بیغمور لق ایله قناعت اپدوب بر قاج
 کونلائی و له چوم اعدایه بحوال اوزن کیدر دی غایت چاپاک سوار فارس اپدی
 سفر اثنا سنه قره خوللری هر بار کند و کزوب یو قلار دی و بر کسنه یه
 بوا مر خطیری اینها زار دی شرع مبین اوزن اقتصاد ایند قصاص و تعزیر
 و تا دبیل بر کسنه نک شفاعی یا شد مقبول اولیوب حکم شرعی تنفیذ
 ایدر دی و بر در او کیفه مبتلا دکل ایدی شاه حسین نک ایل دی اپدوب
 من بعد جاری بیر غبت و بقینلوق ایتمدی شاه حسین نک قیز ندن بر ارکان
 او غلی اولوب بع ضیلر قولی اوزن اشرف جلو سنه قتل اولندی و بع ضیلر
 کوزلر نه میل چکل دی دیز لکن بوعاجزه حقيقی معلوم اولم دی بیان
 احوال برادر میر محمد و میر محمد قند هارده تخت حکومت هصود ایل دی کی
 وقت دیوب برادری قند هان والی نصب اولنس اپدی و محمد دک مالک ایوانه
 کاوب اصفهانه قرارداده اولد و غی ایام نه قند هارده والی و محمد دک قائم
 مقامی اولوب بوا ناده محمد دک بیر نه جلو س مر قوم کار ثا و عرف احقي اپکن
 صاحب چقدر و غنه ای باب فرامست بر قاج سب بیان ایل شلر در او لا والی
 مر قوم درویش نهاد اولوب اصلان کند و سنه سلطنت هوسی یو غیدی
 تانیا اشرف سلطان حسن اختمار وارد تیله تخت اصفهانی کند و سنه
 قصر بید و فراغت و سودای سلطنت دن طوعا کف یدا یمیه جکنی
 عین اليقین بیلوب مقاومت هکف ات مقدی عسکر نداری دخی دشوار الحمول
 اولمش اپدی زیرا قند هار اطراف نه ایشه و کوجه یار عسکر قالمیوب میر
 محمد دک کوتنه اصفهانه نقل اولنس اپدی و هندستان حدود نده واقع
 طوا ایف

89 طوا ایف مختلفه دن ایکرچه عسکر ندارکی ینه مکن او لور دی لکن
 کند و سی او ته دن برو درویش طبیعت اولوب نقود ادخار نه چندان
 طبعی اولیوب خزینه تدارکنده اولما متش اپدی پس بومثلاو علل و او
اپکن مع الاستحقاق قرنداشی میر محمد دک بیر نه برد راور غبت طه ایتمدی
 بیان مقدار عسکر اغوان و عد دا بشان میر محمد اصفهانه کلد بغمی
 نه مقدار موجود عسکری اپد و کنده روایات اختلاف اوزن دروب بی
 خصوص تخمین و تقریبی اولمعله اصابت دخی امر مشکل ده مبادی
 قد و ملر نه شاه حسین کلان اغوان نه مقدار عسکر درد بوا مور دبیک کا
 از موده ادم لر کون دروب بجسم و تخمین ایتمد رمش اپدی جمله جاسوسان
 اون بشیل عسکر درد بو تخمین لرنه اتفاق اپدوب شاه و ناس دخی جمله
 بوا عت قاده ذا هب و بع جملر بینه ده تو ابر بله بیله کفت و کوی اولمش اپدی
 بعضی عسکر احوال ن کور میان بیان ارامنه طایفه سی افراط ایدوب بوزالی
 پیل عسکر درد بو تخمین اپدر لدی بوفقیر اپسه اقلیم اور و پاده
 سیاحت ایله کشت و کذار و بجه نچه ملوكات معدود الافراد و معلوم
 المقدار عسکر لینی مشاهد ایلش بولند و نمدن بنم غالبا اصابت هه قرین اولان
 تخمین بولله در که اغوان لر ک عسکری اصفهانه کلد کار نه قرق بیله بالغ
 او لوب زیاده اولم ق احتمال دخی بوغیدی و عسکر اغوان نک قدو می اثنا سنه
 جولفه ده بولنوب و فرج ایاده کلد کار نه و بعده جولفه هی محاصره و بعده
 اصفهانی محاصره ایل دکار نه اوج دفعه اغوان عسکرینی اچقدن کور روب
 بال مشاهده بوم قهار اپد و غنی تقریب ایلش ایدم فی الواقع نصف جهان
 عنه وانیله شهرت بولمش شهر اصفهان کی بخطه واسعه محاصره
 و احاطه اولنوب بینه اطراف نه ایداد قصد نه او لوب کلان عد و هجوم نه سهل

مانع عقلادنی انجق بومقدار عسکر ابله صورت امکان بولحق بدیهیدز
مع هذاكه طشره دن اصفهان امدادينه شدر حل ابدن قزلماش عسکر ابله
جنك ابدوب و جسر شيرازه هجوم ابدوب بدی سکزد فمه اغوانلرده
عظم انهزام واقع اولوب چوق عسکر لری نلف واجل ابله دنی چوق
گسنه لری اولش ابدی حنی اصفهان اخذ و ضبط اولند قدن صکره
بر مقدار غا ابله لری بر طرف او اوب میر محمود روساء عسکرینی حضور دینه
کتوردوب نه مقدار صانع و سالم عسکری وارشمار اولنوب دفیر
اولنسون دیو تنبیه ابلدی بر قاج کون مهلت ابله اهتمام اولنوب بر الون
خیری جنکه یار بکری بیک عسکر موجود در دیر دیو میر محمود دفتر ویدبلر
حالا که بوندن اقدم نچه لری دنی مال غنیمت ابله ولايتلرینه عودت و جولفه
نه خیرند نصکره حضاری اغواتک اکری وطنلرینه کتاش ابدی بوعبد
حقیر ایسه علم طب ابله بر مقدار استنا او اوب بازار کار کزار قتال
صاولد قله تقریب طبایت ابله اشرف اغوانیله اکری یا کوریشوب
الفت و مولنست پیدا ایش ابدم حنی میر محمود اشکلار اغاسی عبد الله
اغا ابله کودیشوب اسای مصباحتله دپدم که زیم افندم اصفهانی
سکز بیک و یا اون بش بیک ادم ابله محاصره ابدوب الدیکر دیومیان
خلقدن تو از بولش بر امر عجیبدز بونک حقیقتن افاده بیورک دید کلم
ایکی قول دنی غلط در دیو جواب و ریوب دپدیکه قند هاردن بوجانبه
توجه ابلدیکمزده ایشه کوجه یار و اماز طقسان بیک ادم ندارک ابدوب
یوله روانه اولش ابدک بر قاج مرحله رویه کل دیکمزده پیر و اختیار مقوله سی
عجزه و سارلر اون سکز بیک ادم اریاوب کیر و بکد بیلر اولمشن و خسته
اولشلر یز

اولشلر یزدی ایکی یمکه بالغ او لور و حاصل اصفهان محاصره ابلدیکمز!
انهاده میر او دیس وقتندن قالمش جنک کورمیش اون دورت بیک اغوانز
وار ابدی و سکز بیک حضاری اغوانیله دورت بیک بالاوج عسکری
دنی بولنوب سار عسکر یز کعب و هندستان عسکری ابدی دیوب
اغای مرقومک تقریری بزم تمجید نمزره قریب در احوال اشرف سلطان
میر اشرف میر محمود ابله قند هاردن معا چقوب اکری یا جنکلارده به
بوانشلر ابدی بعد میر محمود میر اشرفه خانلوق و ریوب کند و سنه
خصوص بر بلوک عسکر ابله بعضی یار لره تعیین ایدوب کوندر ردی
اشرف دنی عاقل و صاحب رأی وند بیر او اوب مامور اولد و غنی
خدمتکری وجوده کتورو ب شبیع و بهادر و خلقنخه خیر خواه و متواضع
اولدو غندن عسکر طایفه سی کند و سنه میل و محبت ایمیش ابدی
و بعضی امور لرینی مشهور نلرنک رأی وند بیری پسند بده او اوب خیلی
اعتبار بولش ابدی حنی کلنا بادنام محمله شاه حسین مصماحه یه طالب
او اوب اشرف سلطان قوی سندات ابله صاحبی جایز کورنلردن اولش
ابدی میر محمود کایسه دماغنده بعیم عسکرینک انهزامند نصکره شاه لق
هواسی جایکیر اولد و غندن اشرف صاحب رغبت کو ستر دیغندن
اشرفه دلکیر و حاطر مانه اولش ابدی لکن کنم ابله مقید او لوب ظهار
اپنامش ابدی و اشرف دنی خبیر و کاه او اوب محمود دن خوف و تحسی
اوزن اولقدن خالی دکل ابدی حنی روایت اولنور که اصفهان نع
محاصره سی انسانند شاهک سرایند زاد و ذخیره نک کمال مرتبه ده
قلش و مضايقه اوزن اولد بفتحه اشرف سلطان اطلاع حاصل ابدوب

میر محموده سوء قصد ایچون یاخود بر غیری مقصودیه وصول ایچون
 بر کیهه بولند وغی جانبدن ایچروده شاه حسینه بر عینه ادمیل بیک بظمان
 مقداری ذخیره کوندردی و مکتوب یازوب مفهومه منه شاهدند بر مقدار
 خزینه طلب ابدوب دبدیکه بکاتابع اولان عسکر ک قلو بی صید ایچون
 طرفه بر مقدار خزینه کوندردی بن عسکر ایله ایر بلو ب میر
 محمود ایله مقاومتہ باشرت ایله رم و سن دخی ایچرودن عسکر ایله چوم
 ابدوب بو طریقله سلامت بولور سز انجق معلومک اواسونکه بنم
 مرادم اغوانلره قصد اولیوب بلکه بو طریقله میر محموده بر رحنه
 ویر مکدر مبلغ مزبوری ویرمکه قایل اولدوغلک حاله بو یوزدن
 مرادیز حاصل وایش بو طرف اولدقد بکا و اغوانلردن بوفرده طرفکزدن
 بردل او ضرر و زیان ترتیب ایله جنکه عهد و میثاقلر ابدوب اعتماد
 ویه سزدیو تحریر ایلش ایدی شاه حسین خدنه حریمه یه حمل ابدوب
 اشرفک تحریراتنه اعتبار ایثیوب مقید اولمی میر محمود قضیمه یه
 واقف اوایحوق غایت ایله مغبرا خاطر اولدی لکن سترو کنم ابدوب انفعال
 خاطرین کمسنه یه بیلدر می بر قاج کوندن صدکه اشرف سلطانی
 اصفهانندن تبعید و بو طریقله سناهله مکاتبه و معامله طریقلرین سده
 ویند ایملک مراد ابدوب اشرفی بر مقدار عسکر ایله اطراف و اکنافدن
 اصفهانه امداد کلیمه دیود بیان اولمغه کوندردی بیان فرستاده کردن
 میر محمود اشرف خان را زندان اصفهان فتح و سخنیر اولدوغی بر له اشرفی
 حضورینه احضار ابدوب بیون شاه حسینه ذخیره ویردک دیو
 غصه و بایه خطاب و عتاب ابدوب در حال زندانه کوندروب حبس

ایتدردی

ایتدردی وینه حبس اولدوغی یوده تعینناتی ویر بلو ب اکرام او لئق او زن
 تنبیهه ایلدی زیر الغوان عسکری ایچنده بخنی کشاده لکه نصرالله جمله یه
 خالب حسن ند بیرده ایسنه اشرف سلطان فایق الاقران اولوب بونلرک
 و امان الله خانک و میانجی اولان عالمک رأی وند بیرلری محمودک اب رویی
اولوب دولت و رفعتنے باعث واعدا یه غلبه سنه بادی اولش ابدی
 استهالت دادن اشرف خان باهالی ایوان اشرف سلطان تخت شاهی یه
 جلوس ابدوب صاحب حکم و حکومت او لیحق و فرق و ملایت اطهار
 ابدوب حلم و تواضع و عدل و عدالت قصدن کو ستروب کمسنه یه
 دخی حسینی تجاوزه رضا ویر می اطراف و اکنافه ادمیل و کاغذل
 کوندروب مفهومه اهالی بلاد و قری یه اعلام وفاده ابدوب اشاعت
 ایلدی که بوانه کانجه کرک بزه تابع اولان و کرک تابع اولیان بلاد و قری
 اهالیسی بوندن بو بله راحت واسوده حال او زن اولوب اغوان عسکرندن
 بالکلیه امین اوله سز لامحالة چوچ زمان مرور ایثیوب ایران دولتی کیم
 قرار دان اوله چو ایسنه خیان اولور باری ملکت خراب اولیوب تقدیر از ل
 کیم نصیب و مقدر قلدیسنه معهور و بادان بولوب متصرف اولش
اولور د بواسمهات ویردی تطبک کردن اشرف خان شاه حسین را وسیلی
 دادن خاطرا وست وارسال کرد ز نعشه شهزادکان بشهر قم بعد شاه
 حسینک یاغنه واروب اندخی نسلی خاطرینه اهتمام ابدوب دبدیک
 بنم بدرم الم اوزن اولمه من بعد منک اذکساز خاطرینه باعث اوله چق
 بر ایشهه وضع بد و رضاسکه خالف امور عزیت ایتم زینهار بنی ظالم
 و غدار و جبار و بی و فاع و جم او غلو میر محموده قیاس الله ب مجرم و کنایه

اولادلر يك قتل اپدوب كند و سنه ذن دكا و مرحمت اثری و ذاته و فانشاني
 يو غيمش چون و قوع بولاش برقضاد ردو كا صبردن غيري علاج يوق
 و جناب حقدن اجر جزيل برله مكافاتانه دخن شبهه يوق انجق ديلرسك
 دطاب خاطرك ايمون اولادلر ككلار يني جمع و صندوقه لره قويوب
 اجردادك مدفن اولان قم شهر ينه كوندر دفون يم ديد كم
 شاه حسین برمقدار مطیب اولوب و بوصاص غایت ارزوی درونی
 اپد و کنی اشرف خان فهم وادرانک ابدی محل امر اپلر بکه شاه حسینك
 مقتول اولان اولادلر ذن هر بری ايمون برصندوقه يا پلوب بحاله
 احضمار اولنه مقتول اولنلر ك ايسه نعشه لری باعجه نك برکوشه سنه
 شاهان سالفه نك بوکونه مصمات ايمون بناوندارك ايند کاري زيرزمهنه
 وضع اولنلش ابدی اشرف خانك امر بله صندوقه لری كتورو بوزير
 زميندن شهزاده لر نعشه لرین چقاروب شاه حسینك حضور زنه عود
 و عنبر و کافور و سارا بخره اپله معتادلری اوزن تریمه دن عصره کكلار يني
 دشنه بشقه صندوقه لر قیادلر واوج قطاردوه احضمار
 اولنوب صندوقه لری تجیيل ايند بله و صندوقه لری و دوه لری ابرشم
 قالیچه روسیم وزرا بله اشنهش چو قه لر اپله شاهانه تجهیز ايند بله و قم شهری
 فقر اسننه تصدق ايمون يیلک تو من اچه وير ديلر واول قاچه و چو قه لری
 شاهزاده لر مدقق اوله حق تربه لره وضع اپدوب برمبلع اچه دخن و قف
 ايمون وير ديلر و معا کنه اوزن بريراق اغوان اپله بريراق قزلباش عسکر يني
 دخن تعیین ايند بله و بو خبر اپله برکو رجی ضابطی مقد مجده قم شهر ينه
 كوندر ديلر ضابط مرقوم واروب واقع حالمدن خبر وير دکنه قم اهالیسنه

اعتماد

اعتماد گلایوب بو امری محالانه عداد بدو بحیله يه جمل ايند بله و خبر
 رسان ضابطک کوزلر یند ف الحال میل چکد بله رازین جانب اشرف خان
 کمال مرتبه ده استقالت مراد بدو بامرا بله بکه مناد بله رند اپدوب اصفهان
 شهر نهذن نعشه لری الابله اپله چقان لر و رسم قدیلری اوزن قاعده
 دیر ینه لرین اجر او مراد اپد نلر تاق شهر ینه وارجعه تشییع اپد لر و معتادلری
 لوزن تعظیم و نکریده رخصت وير بله اپد لر پس برویوم معینه
 الابله قور بله اغوان بیراغی صندوقه لر تجیيل او لنان دوهر قدم امنه
 بعملر بیراغی خلفنله شهر اصفهان دن طشره چقد بله راصفهان خلقینه
 صغير و کبیری ذکور روانی پیر و صبیانی تشییعه حاضر و فریاد و فغان
 ابدیزک بر هنکامه قیامت نشانه له شهر دن طشره چقد بله راصفهان دن
 پدی مرحله مسافه ده اولان قم شهر ینه متوجه اولد بله براپکی ساعت
 مسافه دن عصره نسوان و صبیان عودت اپدوب قزلباش لر کیمی دن
 شهر ینه وارجعه معا کیتند بله بدهی کونان قم شهر ینه واروب درون شهره
 بركنه قومیوب طشره ده قوندر ديلر طهماسبه بحاله واقع حال اعلام
 اپدوب صندوقه لر دفتنه لستیز اند بله طهماسب دخن اذن وير بوب
 صندوقه لر استفبال اپله از وکال تعظیم برله رسم ما اولفه لرین وریشه
 کنر و ب دفن اپله از دبو تبیه بله فعلی هذ ابرکون شهره کمرو بتر لری
 اجدیلر و مرجع و فزع علیم اپله صندوقه لری تربه لره معتادلری او زن
 دفن اپله از اشرف خان جانبند ارسال او لنان میلاني فقر امه تصدق
 و تبیه سن و قف اپدوب خدمت تمامنه عودت اپله مراد اپدوب
 عجله اغول نتره على رتهم هدوه رفر دلار رعایت حاطر باله اهتمام ایند بله

و شفقت انگیزی از مندانه کلام مندان اشرف سلطانه مرحمت ال و روب ۹۲
 شاه حسینه مدار معاش ایچون ماهیاه ویره کاد کلری چب پولی تعبیر
 اولنور ایکیوز تومن اچجه یی تضییف اپدوب بر قاج ایام مرور نک چب پولی
 یوینه اپدنا ایکیوز تومن اچجه تعبین ایند پلر شاه حسین ان درون سرای
 شاهین واقع باعجه لره و قصور بی نظیره و سرایک دبلدیکی محله نه واروب
 دبلدوکی وجه او زن صفاتی خاطرین تخصیله و مذاهک محبتی اینه احد اشنه
 غالب اول غله ناتمام اولان قصور ک مقتضیای طبیعی او زن نکه میله اذن
 ویر پلوب بر فرد مانع ایلیه دیو محکم تنبیه ایند پلر نکلیف کردن شاه
 حسین تزویجی دخترش با اشرف خان بویا بدن دنی شاه حسین
 مخطوط و اشرف سلطانک کند و سنه بوکونه عاطفت و مودت اثرا و وضع
 و حرکتندن دلشاد اولوب بر کون اشرف سلطانه ملاقا تند
 مافی الضمیرینی کشف اپدوب دید بکه نم او غلوم سان و شهرت ملوکه
 شیان هدیه بھیه علاقه افزایه دار بیشیه مالک اولاد و غم معلوم مکرر
 ایجق نور دیک لرم اولاد ریدن بر با کره دخترم جاریه کز باقی قالمش درانی
 سزه و روب قبول یون سز و سز بر اولادم و اول دخی بر اولادم اولوب
 بنی پدر بکز مقامه قویوب دید اربکز اپله دلشاد یون سز و یانکزدن
 دور و مهیجور اولمی روا کور میه سز دید کله اشرف سلطان حظ موفور
 اظهار اپدوب فی الحال اطراف و اکناف مالکه اسماالت ایچون نکرار و نکرار
 مفصل کاغدر یازوب مفهومند بوند نص کره جمله کز طر فزدن امین
 اولوب راحت و اسوده اولک من بعد بیهوده حروب و قتال اپله نلف
 نفوس روا کور لمیوب ماینک اولان بودت وعداوت عن قریب الفت

و بحال او زن اصفهانه روبراه اولوب کاد پلر شاه حسین بوجله دن
 خبیر او بحق درونی مخطوط اولوب خاطر پریشانی غایت دوش اولدی
 تحریه کردن اشرف خان شاه حسین را در ارزوی تخت شاهی اشرف
 سلطان بوندن بویله شاه حسینک دروند سلطنت سوداسی وارمیدو
 دیو تحریه مراد اپدوب بر کون زیارت طریقیه شاهک شیانه واردی انسای
 محبتند شاهه خطاب اپدوب شاهم بن بو تخت ایرانک رجی اولمدو غنی
 بلدم و بو غایله عظمی یه و شاهه لغث بار کیرانه تمیل اینه جکمی فهم
 و ادرک ایتمد دبلر سلک ملک و تاج ایرانی ینه سکا قصر بد اپدوب تخت
 شاهی یه جلوس اپله دید یکند شاه حسین دنی اشرف سلطانک بوکونه
 نکلیف قصد مقارن اپد و کن اذ عان اپدوب جوانند اکر تخت شاهی یه
 بنم لیاقتم او بیدی جناب متعال یه دن اوب سکا ویر مزدی چون تقدیر
 اذل سکا لایق کو ردی مبارک اولسون و دنیار طور د قجه طوروب پاپد او
 اوله سن نم مروت شعارم او غلم قضا و قدر اپله ظیهور اپدوب شاه
 بولند و غم تقریله باشنه کلان بو نجه سر انجام دن صدکه تخت و تاج
 سوداسی و حکومت هواسی صحیفه دروندن بالکلیه محوزه وزایل اولوب
 بوکونه شیه هر غبت اثری دنی قلام مشدر و بقیه عمری کوشه از واده دوام
 دولتکه دعای خیر اپله اشتغال او زن چکور مک اقصای مرام و خلوص
 او زن مافی الضمیر مدرو سندن نیاز مند اولد و غم انجق بود رکه بر قاج کون
 عمر دنی واریسه بکا ضرورت چکمکی روا کور میه سز یغم اخرا و اججه اولاد
 اجسی دروندن زایل اولمدو غنی بلوب دل بخروجی صیانت اپدوب بکا
 صنف و قهر اپله معامله یی لا یق کور مه دید کله شاه حسینک بوکونه عاطفت

و شفقت

و موافقته و شفاق و نفاق صدق و وفاقه متبدل اولم اسبيلك حصولي
 قوت قريبيه کلوب و بيتزده او زلشلوب دوسته ملک رقوی صورت افراغ
 او لنق ما مول و ما خون خمز در ديو تخر را و لندی فرستادن اپاچی از جانب
 اشرف سلطان بجانب شهزاده طهماسب اشرف سلطان اطراف مالک
 واقع قزلباستله وجه محراوزن استهالت کاغدرلینی کوندرد کدن صکره
 طهماسب طرفه ینک دخی خاطر لین الله المق مناسب عد ابدوب عظیم
 ندارک اپله اپاچی کوندر مکه قرار وردي و اون عددات حاضر ابدوب
 شاهله خزینه سنه او لمان بخوه را کرل و ذی قیمت رختله و مزین
 بساطه اپله تجهیز و تزین ابدوب اپاچی اپله طهماسبه هدیه نامیله
 کوندر دی و محبت نامه یازوب مفهومه نیم دوسم بوانه کلجه ما پنهان
 و قوع بولان احوال من بعد نسیما منسیما فراموش او لنسه سزاده
 و ما پنهان وجه مناسب او زن توفیق او لنسه شایاندرو بوند نصکره برودت
 وعداوت معامله سی طرفه موجب ملاله در و ما پنهان او زلشلوب
 مالک ایرانک نظامی اهتمامه علی الانفاق بدل مقدر قلت الزم لوازمند
 او لشدر زیوار قاج سنه دن بر و وقوع بولان اختلال سبیله اطراف
 ملک مالک ایرانه وضع بد عزیتنده او لوب سزه و زه قصد قید نه
 او لقله امر محقق در مساقو کفره سی دخی فرصت بولوب حاچانچه
 یره اسنه لایم شدر و دوات علیه عثمانیه یوم افیو ما مالک ایرانه وضع بد
 اینکه در بود دک علاجنه برکون او ل اهتمام طرفه نافع بر مصالحت در
 پس اپاچیم زواروب مراد و مقصودیز معلوم او ل قد مملکت الدن کمدن
 نظامی ندارکنه بالذات کند و مز مباشر اولم اپاچیم تو سطیله او لسه

طول

۹۲ طول و دراز زمانه محتاج او لوب احتمال در که ایش ایشند چکوب مراد دیز
 حاصل او لبیه انساب واوفق او لان بود رکه طهران اپله تم ما پنهانه بر مناسب
 عل مکالمه ایچون تعیین او لندوب سزو بز بالذات معلوم المدار و متساوی
 الاقتدار عسکر اپله او ل مخله جمع و طرفینک عسکری قوندریلوب
 کند و مز میانه ده دوستانه کوریشوب اپشیزی کند و مز کون لم و صلح
 و صلاحی شروط و قیود قویه او زن بنا ابدوب قوی عهد و میثاق لر اپله
 تا کید اپله لم دیوب مضون زامه شهزاده طهماسبک مفهومی او لبیق
 قطعه ارد عه احتمال فکر اند یشه و حزم احتیاط طریق ملاحظه اپنیوب
 مفهومیله عمله حاضر و اماده او لدی زیرا بوندن اقدم دخی اشرف کش
 سوزلریه اعتماد حاصل ابدوب مکاپ دلفریو مضونیله فریفته او لش
 اپدی ییان فرستادن نامه از جانب اشرف بجانب طهماسب در سابق
 اصفهانک محاصره سی احیانه شاه اشرف سلطان شاه حسینه خفیه برو
 مقدار ذخیره کوندر دیکی بهانه اپله فتح و سخنیر شهر واقع او لدوغی برله
 میر بحود بالاده ذکر او لندوغی او زن اشرف سلطانی زندانه وضع اپلش
 اپدی اشرف سلطان زندانه محبوس لبکن طهماسبه خفیه نامه
 کوندر دیوب مفهومه قزلباش عسکری بی جمع ابدوب اصفهان او زربنده
 کلکه بدل مقدور اپدی سن و بزاغو اندرک او لوند معلوم الاسمی نچه
 کسنه اپله اتفاق و اتحاد و سوزر لکیان اپلش در اصفهان کلوب عسکر بکر
 کوندر دیکی بی مرقومون اغوان او لوری کلوب بنی زندانه اطلاق
 و چله سی بکا اقتد ابدوب سکاتابع او لور زم بوجالمزی مشاهده اپدی
 اغواندرک اکثری کلوب بزه تابع او لور لر و ما پنهانه دعه د و میثاق ایدوب

اطمینان حاصل اولدوغی برهه وارقوی بازویه کتو رو ب میر محمدی
 اخذ ابدی رز و سنه البته تسایم ابدی رز دیوخری او انش ابدی و میر
 محمد عجم رجالی قتل عام ابدی یعنی اشاده مصالحت خیانه قودوغی بکری
 بش نفر رجال عجم که دنی اشرف فک نامه سی مفهومی مو کد مکتوبلاری
 واروب طهماسب که منظوری اولدقد اشرف فک تحریر ای صدق و خلاص
 او زن در دیو اعتماد ابلش و عماله جواب یازوب اشرفه کوندر مس
 ابدی و بو تدبیره مخالفت ابدی لعنت او اسون کلام من نامه سنه خانه
 یازمش ابدی اشرف ابله طهماسب بوم صالح تشبیه تدبیر زن ایکن میر
 محمد جانبدن سید علی خان سر عسکر تعیان او اتوب برمقدار عسکر
 ابله طهماسب احوالی تجسس و حرکتنه نظارت هم امور او اروب قزوین
 جامیلر یعنی عزیت ایتمشل ابدی اتفاقات بیریزامد اینه کیم جلک عجم
 عسکر بله اغوان عسکری مصدا دفت ابدوب حروب وقتال عظیم دن
 صکره اغوان عسکری من هزم اصفهانه عازم اولدی و بو اشاده اشرف
 سلطانک زندان دن چقوب تخته جلوسی و میر محمد ک قتلی و قعده سی
 دخی واقع اولمش بولنگله میر محمد ک قتل ابتدوی رجال عجم دن بقیه
 السیوف اولان مارالذ که بکری بش نفر رجال عجم اتفاق و عزل
 و نصب و قتل و سار اصفهانه متد اول اموری تقدیر و قطعیت تحریر ابدوب
 نهایت دن اشرف سلطانک بو کونلر ده سزه ارسال ابدی یعنی نامه سنه
 متعهد اولدوغی دوست ملک و عهد و امان جمله فسخ و اغوا اروب غافل
 او لمیه سز زیرا زندانه اولدوغی وقتل سز کله ابلد و کی اتفاق ضروری
 و لغرض ابدی شهدی ایسنه طریق اخرا ابله مرادی حاصل اولوب قولند

صادق

۹۵ صادق اولدی جنی بوجله هم امول دکار دیوب مکتوبی تبدیل نام و قیاده
 برکسنه نک الینه ویوب طهماسبه کوندر دبل سر عسکر سید علی خان
 بعد الانهزام اصفهانه کارکن مکتوبی کوتورن کسنه یی اخذ و مکتوبی
 الندی ایوب نظر ابلد که غیابند و قوع بولان احواله و قوف حاصل
 ابدوب اشرف سلطانک حضور ینه ستای و مکتوبی الله ویردی دقت
 ابله منظوری اولدقد مفهوم من کنم ابدوب کسنه یه سو بله و سید
 علی خانه دخی زینه ایار وزینه ایارست و کنم ابدی سن دیو محکم تنبیه ابلدی
 سفر کردن اشرف خان بجانب قزوین برای اخذ طهماسب بر قاج کون
 مرور نه اشرف سلطان فرح ایاده باش ابدوب بعضی رجال دعوت
 ابلدی و بقیه السیوف اولان بکری بش نفر رجال عجمی دعوت ابدوب
 جمله سن قتل ابلدی برمقدار ارامدن صکره رجاله خطاب ابدوب
 معلوم المقدار عسکر بله متین خمابطان و سر باکاری عجاله حاضر و اماده
 او لوب یاغه کاوه کدیو تنبیه ابلدی هندری اولنلر یعنی طهماسب اوزرینه
 عزیتین بلدر دی اشرف سلطان سرای کنیوب فرح ایاد دن قیو خلقیله
 ائله سوار ایوب صوب مقصوده متوجه اولدی ایکی ساعت ایچند
 بکری بیک مقداری چاپلک سوار اغوان عسکری حاضر و اشرف سلطانه
 قفادار او لوب یشنده پلر بوندن اقدم مصالحه اموری ایچون ارسال
 ابلدی یعنی اچی دخی قزوینه واروب اشرف فک اصفهان دن چقدوغی کوندن
 بوکون او بجه نامه سن طهماسبه تسایم ابدوب گند و سنه و افراد کرام او انش
 ابدی اصفهانه و قوع بولان و قایعدن طهماسب ورجالی جمله غافل
 و ایچی یعنی بر قاج کون اکرام امکث و نامه ده تحریر اولان مصالحه احوالینی

مشاون اپدوب جمله سی معقول و مناسب کور دپلار و ارسلان نام خانی
بر مقدار عسکر اپلله عجمالله وارمک اوزن قم شهرینه تعیین اپلدبیلر تامک طهران
اپلله قم اراسنده محل مکالمه و التقای عسکرین اوله جق یارده اغوانلر ک
بوم صفات تتفییذ و تقویت نیتیله زاد و ذخیره جمع و ندارک که می باشد
ایند کار نی تجسس اپدوب طهماسبه عرض و سار اقتضای این احوالی
دخی بلدروب اکا کون طهماسب دخی محل مز بون یه وجه مضم اوزن امر
مصالحه مکالمه سی ایچون عازم راه اوله عزیت کردن ارسلان خان از جانب
طهماسب بجانب شهر قم و قدم عسکر اپلله قزوین دن چقوب قم
شهری جانبیه روان اولدی همان چقدوغی کون بر مقدار مسافه قطع
اپلدبک کور دپکه قارشو سنه بر عظیم عسکر کلیو رحال نیوزدن اپدوب کن
فهم اپدوب سرعت اپلله رجعت و طهماسبک یانه جان اندی شاهم
باشیز کنندارکن کون لم ذیرا اشرف سلطان نچمیک عسکر اپلله شتاب
اپدوب او زریزه کلیو رطهماسبک رجایی ف الحال جمع اولوب مشاون
ایند بیلر چون و فرت اوزن حاضر و اماده عسکر لری بولندی اغوانه
قارشو چقوب مقاومت اقدامی مناسب کور دپلر و بونیت اوزن جمله سی
اپلدبک شهزادن طشره چقدبلر اغوانه قارشو وارمک اوزن اپکن قجر
عسکری بریه تجمع اپدوب طهماسبه عرض اپلدبک شاهم بز جمله من
اوغورینه فدا اولو رز و انشاء الله دشمنه غالب اولو رز تحقق من بعد سکا
اعتماد الدوله اولنلری قزلباشلر دن نصب ایتمیوب قجر طایفه سندن
نصب اپلله جکنه عهد والیزه قوی سند احسان اپلله دید کلرنده

طهماسب

96 طهماسب خواه ناخواه رانی اولوب منعهد اولدی طوا یف قزلباش
ایسه خبیر او بحق اندر دخی جمع و بز دولتیزده سنی اعتماد الدوله استهیزه
دیوب پینلر نده عظیم زراع اپلله شقاق واقع اولدوغز طهماسب مشاهد
اپدی بیک بوکونه عسکر اپلله دشمنه غلبه میسر اولدوغز جزم اپدوب
اغوان عسکری دخی کور زنکله همان بر مقدار ادام اپلله طریق مازندرانی
طوتوب اول جانبه فرار اپلده ارسلان خان ایسه قزلباش عسکر اپلله اغوانه
یقین بولنوب جنکه اقدام و قزلباش عسکری منهزم و کند وسی کو جیله
سلامت بولوب طوه اسپک ارد بجهه مازندرانه فاجدی اشرف خان دخی
سالما غانه اصفهانه عودت اپلده بود فعه دن عسکر اشرف سلطانیک
عجم طوا یفنه اپلدوکی استهیل و کولر یوز اپلله رفق و مرحمت اوزن معامله
واپلخی کوندروب مصالحه دیه رغبت و انعام و احسان و هدایا اپلله خاطر لریه
رعایت جمله سی جبله و خد عه حرمیه اولدوغی ظاهر و اشکار اولدی
اچق زندانه اپکن میر محمود کند وسی قتل اپدر خوفندن و میر محمود دن
استقام المقو سود اسنده ناشی طهماسبه یازدوغی مکتوبه مائی غالبا
حقیقت حال اولنچ اوزن اپدی باقی مدارا و استهیله دار عجمیلر حفند
اظهار اپلدوکی ملایت محضی دک اولوب اقصای هر ای طهماسبی اناندروب
بر طریقیله طهران و قم شهر لری اراسنده کنوروب اطراف احاطه و بر تقریله
اله کنوروب اخذ اپلک اپدی زیر طهماسبی الله کنوروب اخذ اپلکه غیری
جمله قزلباشلر کند و سنه اطاعت اپدر لر و مالک ایرانه بونقر بیله شاه اویله
اعتماد الدوله اولنلری قزلباشلر دن نصب ایتمیوب قجر طایفه سندن
نصب اپلله جکنه عهد والیزه قوی سند احسان اپلله دید کلرنده

تخت شاهی یه اجلاس و عدو رین دفع باینک اتفاق او ملش دیو اشرف
 خانک سمعنه بو پله بر خبر مو حش لاحق او مغله طهماسب ک غایله سنه
 دوشوب مراسله و بوجهه دونا نشات و هدایا کون دروب طهماسبی
 هجاله بر طرف ایلکه مسارعی بوندن ناشی او ملش ایدی اهتمام کردن اشرف
 خان برای جمع و تحصیل خزینه چون اشرف خان طهماسبی مازندانه
 قاچروب اول طرف غا پله سی ب مقدار بر طرف اولدی بر قاج ایام اصفهان
 مکث و اقامه امکانی روغا ولدی غیری جراموال ناس ایله تحصیل خزینه
 سود اسنده دوشدی اغوان طا پنه سی خانلر ندن عنقا و منول اون اپکی
 کسنده اخذ و قتل اپدوب ماللرین مصادن ایلدی و سار رجالندن
 منول اولنلری خبر الوب اکثری ماللرین الوب کندولرین زندانه وضع
 ایلدی میر محمود ک مرض موشه جولفه اولیه و فلنک ایلخ سنه و مسایله
 انعام ایلدی ک مال نه ایسه تحصیل اپدوب الدی احوال امان الله خان
 اشرف خان میر محمود کیر بده تخته جلوس ایلد که امان الله خانی
 کند و سنه اعتماد الدوله نصب و تعیین ایلش ایدی خان مرقوم ک دخنی
 طمع غالی اولوب بر هفته ایجنده قزلباشلردن طقسازیلک تو من اجهه
 الدی اشرف خان خبر الوب امان الله خانی احضار و ایقلر ندن صلب
 اپدوب بر کون و بر کجه اول حال او زن قویوب بالجمله مالک اولدوغی
 جواهر و نقودی اظهار ایله محبور قلدی جمله سن اشرف خان اخذ و قبض
 اپدوب من بعد امان الله خانک حیاتی و ملکی معلوم او ملیوب نجه
 اولدوغی بر کسنده بلدی بیان احوال میانجی میر محمود بعد اشرف خان
 میر محمود ک میانجی اولان شیخی اخذ اپدوب جلس ایلدی و جمع و تحصیل

اپدیکی

ایلدی نقو و جواهر کشیده بی الندند الدقد اطلاق و هدیه طریقیله
 ب مقدارشی و یوب و یانه ادمیر قوشوب کند و ولا تی اولان کابل
 شهر ینه کون دردی امان الله خان مزبور شیخ همشیره زاده سی اولوب
 کابلدن کاوب میر محموده معا انساب و نچه نجه امور عظامه بولنسلر
 ایدی واپکسی دخ اغوان عسکر پنک ابروی او ملشلر ابدی و شیخ
 خارق عاده نچه نجه احوالی سو بلنوب بکرامته جمل ایتمشلر ایدی
 و معتمداری او زن جنکه شروع ایلد کارند شیخ عسکر ک او کونه چوب دعا
 و شمار اپدوب بعد عدویه جله و هجوم اپدرلر دی و دعا سیله می اشت
 ایلد کلری جنکلرده غالب او لورلر دی اول سیدن جله اغوانک معتمدی
 و معتمدی او ملش ایدی میر محمود دخنی یانه کار کجه استقبال اپدوب
 دست بوس اپدر دی ف الواقع تمام اغوان ایچنک مر قوم میانجی مثلو کول
 یوز لوطملو دللو حلیم و سایم بر کسنده یو غیدی اغوان ایچنک محمد بالوج
 خان و سید علی خان و هجمیاندن ز بر دست خان اشرف خانک
 وضع ندن متضرر او ملیوب عزت و رفت بولد پلر ساڑلری متضرر او لوب
 کیک مالنه و کیک عرضنه نقصان کار ککسنه از قالدی احوال قرنداش
 اشرف خان اشرف خانک کو جلک قرنداشی اشرف ک جلوس کوردوکی
 کی فرار ایلدی عاقبت اشرف خان اخذ ایت در دوب هکوزلرینه
 میل چکنده احوال مادر میر محمود اشرف خان میر محمود دیک والد سی
 احضار اپدوب نچون زندانه اولدو غم حالم بکا صاحب چقند ک دیو
 خطاب و عتاب و شهزاده لر ک نعشی اولد و نعی زیر زمینه اوج کون واوج
 کجه جلس ایلدی بعد اطلاق اپدوب خانه سنه کون دردی بعد شاه

حسنیک باکره قیز نی کند و سنه تزوج اپلدى و میر محمود اهلنە حرم
جوارنە بسرای و یروب اند اسکان اپلدى و کفاف او زن تعینات
ویردى اکن طشره چقمعه وان وار مغه اذن ویرمدى خاتمه چون بوجیر
وقییر سیاح پر قصود رکز مین ایراند خطة واسعه اصفهاند سیره تقاشای
و قایع برله مدت مکث و اقامات پر محظی پکرمی ائمہ سنه یه بالغ اولدى و یمه
حوادث غریبه ظهوری و هرج و مرج مدل متنوعه و قوی ارام و سکونت
بولیوب کاه میان اغوانیاند فتنه و کاه عجمیاند شقاق و نفاق و عصیان
ونمیه و قویی نقریله هر یوم توج دریای حروب و قتال احتمالی در کار
اپلدى بوجر بلا مهله سندن بر کنان چقمق و بونه لکه عظیمه کرد ایند
ساحل سلامت جان اتی فکر و ملاحظه سی اند یشه سیله سر کردن
وادی حیرت اپکن اشرف خان جانبندن در دولت علیه یه کوندریلک
او زن ای اچی تعیین اولنوب صوب ما مون سنه عزیت اتمکله بوجان دخی
رفاقت و بوفر صی غنیمت عد اپدوب جدامیم جمابیله برقیری دل فریبه
اپله مالک محروسه دولت علیه عثمانیه یه وصول برله سلامت و راحت
واطمینان میسر اولدی الجدد الله علی کل الحال والیه المرجع والمائل
تمت الترجمة بعون الملك الوهاب في غرة شهر ذی الحجه سنه احدی
واربعین و مائه وalf تمت النسخة الغریبه على اپلدى الضیعف المأمورین
بعمل الطبع بدار الطباعة المعهون في غرة صفر اخیر سنه ائمی واربعین
وما یه والف في البلاطة الطبیعیة قسطنطینیه

صانه الله عن الافات

والبلیه